



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



قیام فاطمی

در سخنان مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی

محمد یعقوبی دام ظلّه



دار الصادقین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قيام فاطمی در سخنان مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی محمد یعقوبی (دام ظلّه)

نویسنده:

آیت الله العظمی محمد یعقوبی

ناشر چاپی:

دار الصادق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	قیام فاطمی در سخنان مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی محمد یعقوبی (دام ظلّه)
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۸	نام های حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)
۱۹	مقامات حضرت زهرا و اهل البیت (علیهم السلام) در قرآن کریم
۲۷	حضرت زهرا (سلام الله علیها) الگویی نمونه
۴۲	حضرت زهرا (علیها السلام) که عالم به اسرار الهی است ما را به ایجاد وحدت میان مسلمانان هدایت می کند
۴۹	مشارکت زن در مهمترین مسائل جامعه در کنار مرد(به عنوان مثال حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام))
۵۴	سنت زیارت مخصوص امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سالروز وفات حضرت زهرا (علیها السلام)
۵۸	حمایت مراجع تقلید و مردم از مراسم بزرگداشت شهادت حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام)
۶۰	بزرگداشت مراسم عزاداری فاطمی در نجف اشرف
۶۱	فاطمه زهرا (علیها السلام) : معیار حق
۶۸	آمادگی برای بزرگداشت سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام)
۷۰	روز حضرت زهرا (علیها السلام) روز فرقان است
۷۷	دشمنان مردم سه گروه هستند : اشغالگران ، تروریستها و فساد در دولت
۸۱	بزرگداشت سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)
۸۳	فاطمه (علیها السلام) کوثر است
۹۰	ملت بر سر رهبران دینی و سیاسی خود فریاد می کشد
۹۴	عراق میدانی برای تقابل های تأثیرگذاری در تاریخ است که نقشه راه آینده را ترسیم می کند :
۹۶	خداوند به خاطر غضب فاطمه غضبناک می شود
۱۰۷	آیا می خواهی همراه با حضرت زهرا (علیها السلام) در مقام و منزلت ایشان باشی؟
۱۱۰	هر کس سرپرستی یتیمی را بر عهده بگیرد در کنار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حضرت فاطمه (علیها السلام) خواهد بود.
۱۱۱	یتیمان معنوی :

- ۱۱۳ حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) هر دو نوع یتیم را کفالت می کند :
- ۱۱۶ مسئولیت ما در قبال کفالت این دو نوع یتام :
- ۱۱۹ بزرگداشت مناسبتهای فاطمیه محدود به بیان مظلومیتهای آن حضرت (علیها السلام) نیست :
- ۱۲۰ حضرت زهرا (علیها السلام) امت را برای شناخت رهبران خود بیدار می کند
- ۱۳۴ حضرت زهرا (علیها السلام) و هدایت امت در صراط مستقیم
- ۱۴۴ حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) حامل دین الهی و حامی آن است
- ۱۴۸ عوامل تحریف و تأویل :
- ۱۵۲ حضرت زهرا (علیها السلام) و اقامه حکم الهی -
- ۱۶۴ حضرت زهرا (علیها السلام) و میراث مستضعفان
- ۱۷۵ حضرت زهرا (علیها السلام) و کرامت مطلق انسان
- ۱۸۴ حضرت زهرا (علیها السلام) وعده الهی در خلافت و تمکین مؤمنان را بشارت می دهد
- ۲۰۰ حضرت زهرا (علیها السلام) دعوت به بازگشت به سوی خدا و تبعیت از او می کند
- ۲۰۹ حضرت زهرا (علیها السلام) ما را به نشر احکام شرعی و علوم دینی دعوت می کند
- ۲۱۲ موضع گیری حضرت زهرا (علیها السلام) دلیلی بر امامت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است
- ۲۱۴ کسی که با دلیل و برهان ، دین الهی را یاری کند به برکت حضرت زهرا (علیها السلام) پاداش بزرگی نصیب او خواهد شد
- ۲۱۵ حضرت آیت الله العظمی یعقوبی به تأسیس مرکزی در رابطه با مطالعات فاطمی سفارش می کند
- ۲۱۶ درباره مرکز

قیام فاطمی در سخنان مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی محمد یعقوبی (دام ظلّه)

مشخصات کتاب

سرشناسه : یعقوبی، محمد، 1354-

عنوان و نام پدیدآور : قیام فاطمی در سخنان مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی محمد یعقوبی (دام ظلّه) / حضرت آیت الله العظمی محمد یعقوبی (دام ظلّه).

مشخصات نشر : درالصادق.النجف، 1400.

مشخصات ظاهری : 209ص.

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، 8؟ قبل از هجرت - 11ق.

موضوع : صداقت -- جنبه های مذهبی -- اسلام

رده بندی کنگره : BP10/5

رده بندی دیویی : 297/08

ص : 1

اشاره

نام های حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها)

س 1: چه ارتباطی میان اسم و مسمی وجود دارد؟ و یا به عبارتی دیگر چه تناسبی بین یک اسم و شخصی که به آن نامگذاری شده است، وجود دارد؟

ج: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا أبي القاسم محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين.

در بسیاری از اوقات هنگامی که نامی برای شخصی انتخاب می شود بین آن اسم و آن شخص تناسبی لحاظ نمی شود، مانند قرار دادن نام (کریم) بر شخصی که بخیل است، و یا نامگذاری یک شخص به نام (خالد) در حالی که او فانی است، و یا ممکن است شخصی (عبدالله) نامگذاری شود در حالی که او بنده شیطان و هواهای نفسانی خویش است، در اینگونه نامگذاری ها ارتباطی میان اسم و مسمی لحاظ نمی شود، بلکه اسم صرفاً اشاره کننده به مسمی است تا با آن شناخته شود.

اما همانطور که امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید اسم حقیقی با مسمی تطابق دارد، حضرت هنگامی که چگونگی تأسیس علم نحو را برای ابو الأسود دؤلی بیان می کرد، اسم را اینگونه تعریف کرد: (اسم آن چیزی است که از مسمی خبر می دهد) یعنی بیان کننده مسمی است، همانگونه که نام یک کتاب حکایت از محتویات آن دارد، به همین جهت نویسنده برای نامگذاری یک کتاب تأمل فراوانی می کند؛ زیرا آن نام عصاره ای از تمام مطالبی است که در آن کتاب مطرح می شود.

س 2: آیا نامگذاری فرزندان در شریعت اسلامی مورد توجه قرار گرفته است؟

ج: نام یک شخص بر رفتار، شخصیت و حالت روانی آن فرد تأثیر گذار است، یک نام زیبا به شخصی که به آن نام گذاری شده اعتماد به نفسی دهد، و باعث می شود در جامعه حضوری فعال داشته باشد، و بالعکس آنطور که روانشناسان و جامعه شناسان می گویند اگر اسم

ص: 2

نامناسبی برای فردی انتخاب شود ، این مسأله بر روی اعتماد به نفس آن شخص تأثیر منفی خواهد داشت ، و این احساس را به او القاء می کند که در جامعه پذیرفته نیست ، خصوصا اگر مورد تمسخر دیگران نیز قرار بگیرد ، که در نتیجه باعث منزوی شدن او از جامعه و یا منجر به صدور یک واکنش نادرست از او در برابر دیگران می شود .

یک نام ممکن است در شکل گیری شخصیت یک فرد و رفتار او تأثیر گذار باشد ؛ چرا که آن شخص سعی می کند رفتاری متناسب با نامی که برای او انتخاب شده داشته باشد ، مانند کسی که نامش (محمد) و یا (علی) است ، که سعی می کند حرمت این نام را نگه دارد ، و یا اینکه دختری که نامش را فاطمه قرار داده اند سعی می کند امانتدار خوبی برای این اسم باشد ، و بالعکس اگر رفتاری در شأن این نامهای مبارک نداشته باشند ، دیگران از آنها انتقاد می کنند. به عنوان مثال هنگامی که دختری حجاب خود را رعایت نمی کنند و یا به اصول دینی پایبند نیست به او گفته می شود که نامت فاطمه یا زینب است و باید حرمت این نام را نگه داری . شاید یکی از عوامل تأثیر گذار بر شخصیت خشن ، سرکش و بی رحم صدام نام او باشد .

به همین جهت شارع مقدس یکی از حقوق فرزندان بر والدین خود را انتخاب نام نیکو قرار داده است ، از امام کاظم (علیه السلام) روایت شده است ، که می فرماید : (اولین احسانی که پدر بر فرزند خویش می کند انتخاب نام نیکو برای اوست ، پس هر یک از شما باید نامی نیکو را برای فرزند خویش انتخاب کند) ، همچنین حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید : (پیامبر (صلی الله علیه و آله) در وصیت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید : ای علی حق فرزند بر والدین خویش این است که نام نیک برای او انتخاب کنند و او را بدرستی تربیت کنند و او را در کاری مناسب و پسندیده قرار دهند) از ظاهر روایات چنین بدست می آید که انتخاب اسم حتی در روز قیامت نیز اثر گذار است ، از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل است که می فرماید : (رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید : نام های خود را به خوبی انتخاب کنید ؛ چرا که در روز قیامت اینگونه صدا

زده می شوید که ای فلان فرزند فلان بلند شو و به سوی نور خود حرکت کن ، و ای فلان فرزند فلان بلند شو ، هیچ نوری برای تو نیست).

اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عادت داشتند هنگامی که فرزندی برای آنها متولد می شد آن را به نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می آوردند تا او را نامگذاری کند و برای او نام نیک انتخاب کند ، و امیدوار بودند که فرزندشان در آینده مطابق با نامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای او انتخاب کرده ، رفتار کند . حاکم نیشابوری صاحب المستدرک علی الصحیحین از عبدالرحمن بن عوف روایت می کند (هر گاه برای کسی فرزندی متولد می شد آن را به نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) می آورد تا برای او دعا کند ، در یک روز مروان بن حکم را به نزد پیامبر آوردند ، و پیامبر در مورد ایشان فرمود : او مارمولک ملعون پسر ملعون است) مانند این روایت در منابع ما نیز از اهل بیت (علیهم السلام) روایت شده است .

س3: آیا نامهای مستحبی وجود دارد تا والدین فرزندان خود را به آنها نامگذاری کنند ؟

ج: بهترین اسم ها ، نام پیامبر و اهل بیت ایشان (صلوات الله علیهم اجمعین) است ؛ چرا که دارای معانی بسیار زیبایی هستند و علاوه بر این اهل بیت (علیهم السلام) نیز به آنها تأکید کرده اند ، از حضرت امام صادق (علیه السلام) روایت شده که می فرماید : (رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید : هر کس سه پسر برای او متولد شد و یکی از آنها را محمد نامگذاری نکند به من جفا کرده است)

و همچنین از امام رضا (علیه السلام) روایت شده که می فرماید : (رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید : اگر فرزند خود را محمد نام نهادید ، در مجالس خود او را در جای مناسب قرار دهید و هیچ گاه با تندی با او برخورد نکنید) و همچنین حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید : (بدان هیچ جایی در زمین نیست که در آن اسم محمد باشد و هر روز مورد تقدیس قرار نگیرد) . حضرت امام حسین (علیه السلام) می فرماید : (اگر برای من صد فرزند حاصل شود دوست دارم همه آنها را علی نام بگذارم) ، مردی که دختر برای او متولد شده بود به نزد امام صادق (علیه السلام) آمد ،

حضرت پرسید: او را چه نام نهاده ای؟ آن مرد گفت: فاطمه، حضرت (علیه السلام) فرمود: (آه آه سسپس دستش را بر پیشانی او گذاشت - تا اینکه گفت - اگر او را فاطمه نام نهادی هیچ گاه او را دشنام و لعنت مکن و او را نزن).

نامگذاری فرزندان با نام اهل بیت (علیهم السلام) دارای فواید متعددی است که از جمله آنها تبعیت از سفارشات ائمه معصومین (علیهم السلام) و برکت برای همه خانواده آن فرزند است، و باعث زنده شدن یاد آن بزرگواران (علیهم السلام) می شود و مقابله با کسانی است که سعی داشتند با استفاده از ابزار مختلف یاد و نام آنها را از ذهن ها پاک کنند به طوری که حتی از نامگذاری فرزندان به نام علی جلوگیری می کردند، این یکی از وجوهی است که در حدیث امام حسین (علیه السلام) آمده بود، در واقع این کار همچنین باعث نصرت و یاری اهل بیت (علیهم السلام) و اعلام وفاداری به آن حضرات می شود بگونه ای که عدم نامگذاری به نام آنها را جفا در حق ایشان برشمرده اند، علاوه بر موارد ذکر شده این نامها، از جمله نامهای زیبایی هستند که به صاحب خود قدر و منزلت، آرامش و سعه صدر عطا می کنند.

و بالعکس نام دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است، مانند نام معاویه که در عربی نام صدای سگ است و پدر او که صخر بن حرب نام دارد و از این قبیل نام هایی که برای شنونده مشمئز کننده و تنفر آمیز هستند.

س 4- به صاحب این مناسبت یعنی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) باز می گردیم، آن حضرت چند اسم داشتند؟

ج: اگر مقصود از اسم، اسم ذات باشد، نام آن حضرت همانطور که در خطبه معروف خود فرمود فاطمه است (ای مردم: بدانید که من فاطمه و پدرم محمد (صلی الله علیه و آله) است)، اما اگر مقصود از اسم اعم از اسم ذات باشد در اینصورت شامل القاب مانند زهرا (علیه السلام) و کنیه ها مانند ام ابیها نیز می شود، با این لحاظ آن حضرت دارای نام های متعددی خواهد بود.

در مورد تعداد این نام ها در روایات اختلاف نظر وجود دارد ، در کتابهای شیخ صدوق مانند امالی و علل الشرایع و خصال از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل شده که می فرماید : برای فاطمه نزد خداوند متعال نه نام وجود دارد ، فاطمه ، صدیقه ، مبارکه ، طاهره ، زکیه ، راضیه ، مرضیه ، محدثه و زهرا (1) سپس فرمود : آیا می دانی تفسیر معنای فاطمه چیست ؟ گفتم سرورم معنای آن چیست ؟ آن حضرت فرمود : یعنی از شر دور شده است) و در حدیثی دیگر از امام صادق (علیه السلام) نقل است که می فرماید : (هر کس فاطمه را آنگونه که حق اوست بشناسد شب قدر را درک کرده است ، و بدین علت او را فاطمه نامیدند که خلایق از معرفت او عاجز مانده اند) .

همچنین از ابوهریره نقل است که می گوید : (فاطمه بدین علت فاطمه نامگذاری شد که محبان او از آتش دور شده اند) .

روایات دیگری وجود دارند که به تعداد بیشتری از نام های حضرت زهرا (علیها السلام) اشاره می کنند ، برخی از این روایات بیست نام را برای آن حضرت بیان کرده اند و برخی دیگر تا 99 نام را برای آن حضرت برشمرده اند . البته این مساله روشنی است ؛ چرا که روایت قبلی شامل نام های مشهور آن حضرت مانند: کوثر ، ام اییها و غیره نمی شود ، این شهر آشوب در المناقب می گوید : (آنچه در روایات آمده صحیح است (که برای فاطمه بیست نام است و هر یک از آنها بر فضیلتی دلالت می کند) همچنین ابن بابویه در کتاب مولد فاطمه (علیها السلام) نیز به این نکته اشاره می کند(2) .

اختلاف در تعداد نام های ذکر شده در روایات را باید اینگونه فهمید که این روایات در صدد بیان تمام نام های آن حضرت نیستند ، بلکه روایت اول بیان کننده نام هایی است که خداوند متعال برای آن حضرت برگزیده است ، و روایت دوم بیان کننده نام هایی است که کاشف از فضایل و صفات کمالی آن حضرت است بدین صورت که هر اسم حاکی از فضیلتی از فضایل آن حضرت است و نافی نام های دیگری نیست .

ص: 6

1- - برای مشاهده منابع مراجعه شود به دائره المعارف بزرگ حضرت زهرا (علیها السلام) 18/329.

2- - منبع قبلی: 18/438.

نصوص زیارتی آن حضرت متضمن بسیاری از نام های ایشان هستند ، یکی از علما اعلام شعری را در رابطه با نام های حضرت زهرا (علیها السلام) سروده است :

ألقابها تذكّر في الكتابِ *** كما أتت في كتب الأصحابِ

(القاب حضرت زهرا (علیها السلام) در قرآن کریم ذکر شده اند .. و می توان آنها را در کتب صحابه نیز یافت)

معصومة رضیة مرضیة *** صدیقة میمونة زکیة

(معصومه ، رضیه ، مرضیه ، صدیقه ، میمونه و زکیه از جمله القاب آن حضرت به شمار می روند)

ذات صفات من أביها مورثة *** والبعض من ألقابها محدثة

(آن حضرت دارای صفاتی است که از پدر خویش به ارث برده .. که یکی از آنها محدثه است)

والدرة البيضاء والمباركة *** سيدة النساء بلا مشاركة

(و همچنین دره ، بیضاء ، مبارکه و سرور زنان عالم بدون شریک است)

أم أیها قیل من کُناها *** ولیطلّب التحقیق فی معناها(1)

(یکی از کنیه های ایشان ام ایها است ... که باید در معنای آن دقت و اندیشه شود)

س:5: آیا این اسامی به معانی خاصی اشاره دارند ؟

ج. این نام ها از خداوند متعال و پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) و یا از سوی فرزندان معصوم (علیهم السلام) آن حضرت انتخاب شده اند ، به همین جهت حتما دارای معنای حقیقی هستند ، و همانگونه که در روایت سابق آمده است (برای فاطمه نزد خداوند متعال نه اسم هست) مطابق با واقع می باشند ، این نام ها یا حکایت از فضیلتی دارند که آن حضرت به آن متصف است

ص:7

- همانگونه که در حدیث سابق ذکر شد - و یا اینکه صفتی نیکو است که به آن حضرت داده شده است و یا اینکه برای تکریم ایشان مورد استفاده قرار گرفته است ، که همه آنها حاکی از وجود حقایق مقدس در سرور زنان عالم است ، که در احادیث شریفه معانی آنها بیان شده است .

نام او را طاهره قرار دادند ؛ زیرا از اهل بیت است که در نص قرآن کریم خداوند متعال هر گونه بدی و ناپاکی را از آنها دور کرده است ، و همانطور که در مجمع البیان طبرسی آمده بتول نامگذاری شد به جهت آنکه برای بندگی خداوند متعال از همه چیز منقطع شد ، و یا اینکه از زنان هم عصر خود متمایز شد و یا همانطور که از زمخشری روایت شده از همه زنان امت در فضل و دیانت و عفت و اصل و نسب متمایز گشته است .

آن حضرت کوثر نامیده شد ؛ چرا که عامل تکثیر نسل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و بقای آن است ، فخر رازی در تفسیر سوره کوثر می گوید: (مقصود از کوثر فرزندان ایشان است ؛ چرا که این سوره در رد کسانی نازل شد که پیامبر را به دلیل نداشتن فرزند مسخره می کردند ، به همین جهت معنای سوره اینگونه خواهد بود که خداوند متعال به پیامبر خویش نسلی را عطا خواهد کرد که در طول زمان ادامه پیدا می کند).

در کتاب اصول کافی از حضرت امام کاظم (علیه السلام) روایت شده که می فرماید : (همانا فاطمه (علیها السلام) صدیقه شهیده است) ، همچنین ایشان به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید : (ای علی من فاطمه دخترم را به چند چیز سفارش کرده ام و به او گفته ام که آنها را به تو بگویند پس به آنها عمل کن ، چرا که او صادق و بسیار راستگو است) .

از دیگر القاب آن حضرت (ام الهناء) است و بدین معناست که آن حضرت سرمنشاء هر شادی در دنیا و آخرت است . (1)

س6: از میان نام هایی که برای حضرت زهرا ذکر کرده اید (ام ایها) توجه مرا جلب کرده است ، لطفاً توضیحی در رابطه با این نام بفرمایید؟

ج: این کنیه برای حضرت زهرا (علیها السلام) از طرق عامه و خاصه نقل شده است ، به عنوان مثال از طرق عامه طبرانی در المعجم الکبیر

ص: 8

به نقل از مصعب بن عبدالله زبیری و ابن اثیر در اسد الغابه ، و ابو الفرج در مقاتل الطالبین و ابن حجر در الاصابه و تهذیب التهذیب و در کتاب تاریخ مدینه دمشق نقل شده است ، و یکی از مشهورترین کنیه های حضرت زهرا (علیها السلام) است .

این کنیه را پدر ایشان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) انتخاب کرده است که ممکن است دارای علل مختلفی باشد .

1- محبت و عشقی که فاطمه (علیها السلام) نسبت به پدر خود (صلی الله علیه وآله) داشت همانند محبتی است که مادر به فرزند خود دارد ، البته باید توجه کرد که این محبت صرفاً مبتنی بر یک احساس نبود بلکه حاصل از معرفت تامی بود که با مقام قدسی آن حضرت تناسب کامل داشت .

2- یکی از معانی ام ، اصل و ریشه یک چیز است ، و همانطور که در این آیه شریف آمده (وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا) (الزخرف:4) ام الکتاب به معنای اصل کتاب یعنی لوح محفوظ است ، بر همین اساس حضرت زهرا (علیها السلام) نیز اصل پدر خویش است ؛ زیرا تمام نسل پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امتداد آن تا روز قیامت از ایشان است ، و همچنین اصل و سر منشأ امتداد رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) تا روز قیامت است ؛ چرا که با فداکاری و موضع گیری های خود اسلام اصیل را از تحریف و انحراف حفظ کرد .

3- همچنین ام بر عصاره و مجمع محتویات یک چیز اطلاق می شود ، به عنوان مثال مغز انسان (ام الرأس) نام دارد و به همین جهت در عربی گفته می شود که (ضربه علی ام رأسه) یعنی ضربه ای را به مغز او وارد کرده است ، و بر همین اساس مکه ام القری نام دارد و سوره حمد ام الکتاب نامیده می شود ؛ چرا که مشتمل بر تمام مبادئ عام قرآن کریم است ، حضرت زهرا (علیها السلام) نیز بدین جهت ام ابیها است ، که جامع صفات پدر خود است ، و اصحاب پیامبر (صلی الله علیه وآله) و همسران

ایشان همگی نسبت به این مساله گواهی داده اند ، عائشه می گوید : (هیچکس را همانند فاطمه شبیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سخن گفتن و در نشست و برخاست ندیده ام).(1)

1- ممکن است یکی از عللی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این کنیه را برای آن حضرت انتخاب کرده است این باشد که مانع تصور نادرست بعضی از همسران خود شود ، که با توجه به این آیه مبارکه { پیغمبر اولی و سزاوارتر به مؤمنان است از خود آنها و زنان او مادران مؤمنان هستند } (2). خود را مادران مؤمنان می دانستند و تصور می کردند که نسبت به فاطمه دارای مقام و منزلت بالاتری هستند . به همین جهت پیامبر (صلی الله علیه و آله) کنیه ام اییها را برای فاطمه (علیها السلام) انتخاب کرد تا همسران ایشان بدانند که فاطمه بر همه آنها مقدم است .

درست همانند روزی که بین مهاجرین و انصار عقد اخوت را بست ، و هیچ کس را برای اخوت علی انتخاب نکرد ، هنگامی که امیر المؤمنین (علیه السلام) از ایشان در این رابطه پرسید ، حضرت (صلی الله علیه و آله) جواب داد: تو را برای خود انتخاب کرده ام و عقد اخوت را با او بست .

س 7: آیا این نام های مبارک متضمن درسهایی برای ما هستند؟

ج: خداوند متعال می فرماید: [وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ] (النحل: 60) ، آن مثل اعلی که بایستی هدف غائی ما قرار گیرد خداوند تبارک و تعالی است ، لذا در روایت شریفه آمده (تخلقوا بأخلاق الله : خود را با اخلاق الهی آراسته کنید) یعنی تلاش کنید تا به اوصاف الهی که اسمای حسناى خداوند حاکی از آنها هستند ، متصف شوید . خداوند متعال می فرماید: { نامهای نیکو به خدا اختصاص دارد پس او را با آنها بخوانید } (3) فادعوه را می توان به دو شکل تفسیر کرد: معنای اول صدا کردن خداوند متعال همانطور که هر شخص را با نام او صدا می زنند ، و تفسیر دوم

ص: 10

1- - مراجعه شود به کتاب: السيدة فاطمة الزهراء: دراسة تاريخية: ص 521.

2- - النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ (احزاب: 6).

3- - وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا (أعراف: 180).

می تواند به معنای دعا کردن و توسل به خداوند متعال از طریق اسمای مبارک الهی باشد ، که دعاهای وارده از سوی معصومین مملو از این اسمای متبرکه هستند مانند دعای کمیل (اللهم إني أسألك برحمتك التي وسعت كل شيء وبقوتك التي قهرت بها كل شيء) و دیگر دعاهای مبارک.

اسمای حسنی بیانگر آن قله کمالی هستند که انسان برای رسیدن به آن تلاش می کند ، و اهل البيت (ع) با فضایل ، اخلاق و سیره زندگیشان در روی زمین یکی از مظاهر صفات الهیه به شمار می روند ، به همین جهت نامهای ایشان به صورت مجازی و اتفاقی انتخاب نشده بلکه آن حضرات مصداق حقیقی این نام ها هستند .

بر همین اساس نام های حضرت زهرا (علیها السلام) بیانگر ویژگی ها و صفاتی هستند که می توانند به عنوان الگویی نیکو برای طالبان کمال و سعادت معرفی شوند.

به عنوان مثال از نام فاطمه انسان یاد می گیرد چگونه خود از گناه و شر و انحراف حفظ کند ، و از نام (صدیقه) صداقت و راستگویی را یاد می گیرد ، و از نام (طاهره) چگونگی تطهیر نفس از هواهای نفسانی و طمع را الهام می گیرد ، همچنین یاد می گیرد چگونه قلب خود را از کینه و حسد و دیگر رذایل اخلاقی پاک کند ، و از نام (راضیه) اطمینان و رضایت به قضا و قدر الهی را بدست می آورد ، و با نام (مبارکه) تلاش می کند تا وجود خود مایه خیر و برکت و سخنان خود را مایه هدایت و اصلاح مردم قرار دهد ، همانگونه که در قرآن کریم آمده است : { و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته }^[1]، دیگر نام های مبارک آن حضرت نیز به همین صورت الهام بخش باشند ، آنچه گفته شد به صورت مختصر بود و الا- می توان در رابطه با هر یک از این نام ها به صورت مفصل سخنان زیادی را بیان کرد ، درست همانند کتاب (شکوی القرآن) که در آن در رابطه با صفات قرآن و معانی و آثار آن سخن گفته ایم .

س8: با توجه به آنچه که بیان شد باید گفت حضرت زهرا (س) نه تنها برای زنان بلکه برای مردان نیز الگو خواهد بود ؟

ص: 11

1-- وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ (مریم: 31).

ج. بله این درست است و آن حضرت (علیها السلام) این چنین است ، بلکه ایشان حجت الهی بر همه مخلوقات هستند ، در این رابطه از امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت شده که می فرماید: (ما حجت خدا بر مخلوقات هستیم ، و مادر ما فاطمه حجت خدا بر ما است)⁽¹⁾ . ائمه معصومین همواره افتخار می کردند که فرزندان فاطمه زهرا هستند و به صورت علنی آن را اعلام می کردند ، و این در حالی است که امام معصوم به هیچ کس افتخار نمی کند مگر اینکه شخصیتی نمونه و الگویی برای جهانیان باشد ، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) در این رابطه در یکی از نامه های خود می فرماید: (دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای من الگویی نیکو است)⁽²⁾.

ص: 12

1- - مراجعه شود به کتاب السیدة الزهراء (علیها السلام) دراسة تاريخية 517.

2- مراجعه شود به کتاب السیدة الزهراء (علیها السلام) دراسة تاريخية 517.

مقامات حضرت زهرا و اهل البيت (عليهم السلام) در قرآن کریم

به مناسبت میلاد صدیقه طاهره حضرت زهرا (علیها السلام) سعی خواهیم کرد از طریق بررسی آیات قرآنی و با کمک روایات شریفه با برخی از مقامات و ویژگی‌هایی که بیانگر عظمت آن وجود مقدس هستند آشنا شویم، هر چند که به دلیل کثرت آنها در بررسی همه این ویژگی‌ها عاجز هستیم، نام‌ها و القاب آن حضرت کاشف از مقامات ایشان هستند مانند (الطاهرة، المعصومة، الراضیة، المرضیة، أمّ ایها، سیّدة نساء العالمین، الکوثر، المحدثه، البتول) و غیره.

ما امروز به صورت مختصر به مقامات ایشان که از طریق تلازم و اقتران میان قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام) - خود ایشان نیز از اهل بیت به شمار می‌روند - بدست آورده ایم، اشاره خواهیم کرد. این تلازم از طریق حدیث ثقلین که علمای اهل سنت و تشیع بر صحت و صدور آن از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اجماع دارند، حاصل می‌شود، در مسند احمد بن حنبل به نقل از زید بن ثابت آمده که می‌گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: (من دو خلیفه را در میان شما جای می‌گذارم، کتاب خداوند متعال که ریسمانی بین آسمان و زمین است - یا ریسمانی از آسمان به زمین است - و عترت من که اهل بیت من هستند و این ذو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند)، همچنین این روایت از طریق جمع بسیاری از صحابه نیز نقل شده است.

رسول خدا در جاهای مختلف و با سخن و رفتار خویش مقصود از اهل بیت را بیان کرده اند که همان علی و فاطمه و حسن و حسین (صلوات الله علیهم اجمعین) هستند، در مستدرک الصحیحین به نقل از ام سلمه آمده که می‌گوید: این آیه {خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند} (1) در خانه من نازل شده است، سپس گفت: در این هنگام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دعوت کرد که علی و فاطمه و حسن و حسین به نزد ایشان بیایند و فرمود: (پروردگارا ایشان اهل بیت من هستند) سپس ام سلمه گفت: ای رسول خدا آیا من از اهلیت نیستم؟ حضرت فرمود: تو در خیر هستی، اینان اهل بیت من هستند

ص: 13

1- - إِيَّامًا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب: 33).

با وجود این روایت و مشخص شدن اهل بیت از زبان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دیگر نیازی نیست به اختلافات لغوی در تعیین معنای اهل بیت و اینکه شامل چه کسانی می شود، پردازیم.

بنابراین حضرت زهرا (علیها السلام) - به موجب حدیث ثقلین - از اهل بیت (علیهم السلام) است، که همتا و عدل قرآن کریم هستند و تا روز قیامت از یکدیگر جدا نخواهند شد، و بر اساس این اقتران و تلازم می توانیم ویژگی های فراوان و مقامات رفیعی را برای اهل بیت (علیهم السلام) و صدیقه طاهره (علیها السلام) و امیر المؤمنین (علیه السلام) بدست آوریم، تا بر ادله اثبات امامت و تقدم ایشان بر همه مخلوقات بعد از رسول خدا (ص) اضافه کنیم. برخی از این مقامات عبارتند از:

1- مقام عصمت؛ چرا که قرآن کریم می فرماید: { از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی آید و حی ای است از سوی حکیمی ستوده } (2) و حضرت زهرا (س) بدون در نظر گرفتن دیگر ادله اثبات عصمت مانند آیه تطهیر و غیر آن دارای مقام عصمت هست.

2- مقام علم و احاطه به هر آنچه که خداوند متعال به آنها یاد داده است، خداوند متعال کتاب خود را اینگونه توصیف می کند: { این کتاب را که روشنگر هر چیزی است بر تو نازل کردیم } (3) و همچنین می فرماید: { ما هیچ چیزی را در کتاب فروگذار نکرده ایم } (4) با توجه به تلازم میان اهل بیت و قرآن کریم حضرت زهرا (علیها السلام) نیز دارای این مقام از علم و احاطه به تمام معارف است، که خداوند متعال از روی فضل و کرم خویش به ایشان عطا کرده است، خداوند متعال می فرماید: { به چیزی از علم او جز به آنچه بخواهد احاطه نمی یابند } (5).

ص: 14

1- برای مشاهده منابع حدیث به منبع قبلی مراجعه کنید: 269/1.

2- لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیلٌ من حکیم حمید (فصلت: 42).

3- وَنَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِّكُلِّ شَیْءٍ (نحل: 89).

4- مَا فَزَّطْنَا فِی الْكِتَابِ مِنْ شَیْءٍ (أنعام: 38).

5- وَلَا یُحِیْطُونَ بِشَیْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ (بقره: 255).

3- قرآن دارای مقام امامت، رهبری، حجیت و لزوم اطاعت بر همه مخلوقات است { آنچه را که برای شما آورد بگیریید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید } (1) همچنین می فرماید: { و از سر هوس سخن نمی گوید * این سخن به جز وحیی که وحی می شود نیست } (2)

قرآن دارای مقام امامت است، رسول خدا (س) می فرماید: بر شما باد که به قرآن تمسک جوئید و او را امام و راهبر خویش قرار دهید، بر همین اساس حضرت زهرا (علیها السلام) نیز دارای مقام امامت و رهبری و لزوم اطاعت بر همه مخلوقات است، از حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت است که می فرماید: (ما حجت خداوند بر مخلوقات هستیم و مادر ما فاطمه حجت خدا بر ما است) (3)

4- قرآن حق است و همیشه حق با اوست { این است کتاب ما که علیه شما به حق سخن می گوید } (4)، { پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که واقعا او حق است همان گونه که خود شما سخن می گوئید } (5)، حضرت زهرا (علیها السلام) نیز حق حول محور او می چرخد.

5- قرآن دارای مقام قیومیت (6) مطلق بر بندگان است، خداوند متعال می فرماید: { ستایش خدایی را که این کتاب [آسمانی] را بر بنده خود فرو فرستاد و هیچ گونه کژی در آن نهاد } (7) و همانطور که سرپرست یک خانواده و یا جامعه دارای ولایت بر آنها است و آنها را رهبری و به سمت منافع و سعادتشان راهنمایی می کند، حضرت زهرا (علیها السلام) نیز دارای این ولایت بر مردم است و روش او برترین روشها است، در آیه قبلی علت قیومیت اینگونه بیان شده که لا عوج له یعنی هیچ

ص: 15

1- وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا (حشر: 7).

2- وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (نجم: 3-4).

3- خطاب المرحلة: 52/7.

4- هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ (جاثية: 29).

5- فَوَرَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ (ذاریات: 23).

6- معانی این صفات ذکر شده برای قرآن را در کتاب (شکوی القرآن) فصل (القرآن یصف نفسه) بیان کرده ایم.

7- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا * قَيِّمًا (كهف: 1-2).

انحرافی در آن نیست .

6- قرآن مبارک است {و این خجسته کتابی است که ما آن را فرو فرستادیمش} (1) یعنی دارای خیر و برکت بسیار است و دارای آثار مبارکی بر فرد و جامعه است ، زیرا منبع هدایت ، رهبری ، آرامش و زندگی سعادت‌مند برای بشریت و منبع تمامی علوم است ، حضرت زهرا (علیها السلام) نیز بسیار با برکت و عطای او بی پایان است ، به طوری که خداوند متعال او را کوثر نام گذاری کرد که بمعنای خیر کثیر است .

7- قرآن مانع ایجاد تفرقه و گمراهی در امت می شود {و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دلهای شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید} (2) و قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) ریسمان بلندی هستند که حافظ امت اند ، به همین جهت حضرت زهرا (علیها السلام) فرمود : (خداوند متعال امامت ما را مایه نظام امت و مانع تفرقه در آن قرار داده است).

8- قرآن کریم بسیار عزیز و گرانقدر است ؛ زیرا کتابی مصون از هر گونه تغییر و تحریف است که جز طاهران به آن دسترسی ندارند ، عزیز است ؛ چرا که بر دشمن خود غالب می شود ، عزیز است زیرا همانند او وجود ندارد ، عزیز است زیرا از راه باطل نمی توان به آن دست یافت و عزیز است زیرا مطلوب است و هر آنچه که مفقود باشد مطلوب واقع می شود ، و به همین شکل حضرت زهرا (علیها السلام) نیز به تمامی این معانی عزیز است .

9- قرآن همانگونه که خود را توصیف می کند پند ، شفا ، هدایت 1- و رحمتی برای جهانیان است ، حضرت زهرا (علیها السلام) نیز اینگونه است .

ص: 16

1- - وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ (أنعام:92).

2- - وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا (آل عمران: 103).

10- قرآن دارای مقام شفاعت است آنگونه که رسول خدا آن را توصیف می کند: (بر شما باد تمسک به قرآن که شفاعت کننده و شفاعت دهنده است) (1). حضرت زهرا (علیها السلام) نیز در روز قیامت دارای مقام شفاعت است به طوری که در روایت آمده آن حضرت (علیها السلام) در روز محشر همانند پرنده ای که دانه های سالم را از دانه پوسیده جدا می کند ، پیروان و محبان خود را از دیگران جدا می کند.

11- قرآن با کسی که او را مهجور کند و از آن اعراض کند و به آن عمل نکند دشمن است ، و همواره حجت او غالب و چیره است بدون اینکه به دلیل و یا برهانی نیاز داشته باشد همانطور که پیامبر گرامی (علیها السلام) آن را توصیف می کند که (ما حل مصدق) یعنی حقیقتی که در ادعای خود صادق باشد ، حضرت زهرا (علیها السلام) نیز اینگونه است در برابر آنکه به او ظلم می کند و حقش را انکار می کند و ولایتش را نمی پذیرد ، می ایستد و همواره در ادعای خویش صادق است .

12- قرآن تا روز قیامت محفوظ و ماندگار است {بی تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود} (2) و به همین شکل اهل بیت (علیهم السلام) که همراه با قرآن هستند ، و تا زمانی که قرآن باقی است آنها نیز باقی هستند ، این دلیلی است بر وجود امام منتظر (عج) ، یاد فاطمه و اهل بیت (علیهم السلام) تا روز قیامت باقی خواهد ماند و نور ایشان تایان خواهد ماند ، هر چند که منافقان و حسودان و دشمنان سعی در خاموش کردن نور ایشان و از بین بردن آن داشته باشند {می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گر چه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد گردانید} (3).

13- اگر به قرآن تمسک بجوییم در هنگام فتنه ها نجات پیدا می کنیم ،

ص: 17

1- میزان الحکمة: 238 / 7 و روایات پس از آن در همین منبع .

2- إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (حجر: 9).

3- يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (صف: 8).

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل است که می فرماید: همانا دنیا دار بلا- و ابتلا و انقطاع و فنا است، پس اگر مسائل مختلف همچون شب تاریک بر شما ملتبس شد به قرآن مراجعه کنید، هر کس قرآن را راهنمای خویش قرار دهد به سوی بهشت هدایت خواهد شد و هر کس که به قرآن پشت کند به سوی آتش رهسپار خواهد شد، بر همین اساس متمسک شدن به حضرت زهرا (علیها السلام) عامل نجات دهنده از فتنه ها و هدایت کننده به سوی بهشت خواهد بود.

14- قرآن کریم خود را اینگونه توصیف می کند { همانا قرآن گفتاری قاطع و روشنگر است * و آن شوخی نیست } (1) سخنان حضرت زهرا (علیها السلام) نیز همانند قرآن فصل الخطاب است و در آنها حرف بیهوده و بی فایده وجود ندارد.

15- قرآن کریم مونس و همدم است، حضرت زین العابدین (علیه السلام) می فرماید: (اگر آنچه که در مغرب و مشرق از بین برود و حشت زده نخواهم شد ما دامی که قرآن را در کنار خود دارم)، یاد حضرت زهرا (علیها السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) نیز اینگونه مونس محبان و پیروان ایشان و سبقت دهنده قلبهای خسته آنان است.

16- قرآن کریم هیچ گاه با کثرت تکرار ملالت آور و خسته کننده نمی شود، امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید: (تکرار و شنیدن پیاپی آیات، کهنه اش نمی سازد، و گوش از شنیدن آن خسته نمی شود)، یاد حضرت زهرا (علیها السلام) نیز اینگونه است هر چقدر تکرار شود بیشتر مورد اقبال و توجه قرار می گیرد حتی اگر در طول ایام سال و سالیان طولانی ادامه پیدا کند.

17- هر کس حامل قرآن باشد و آن را یاد بگیرد و به دیگران نیز 1- یاد بدهد پاداشی بزرگ خواهد داشت، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که می فرماید: (حاملان قرآن در جوار رحمت الهی هستند و با نور خداوند متعال پوشانده می شوند)، هر

ص: 18

کس یاد حضرت زهرا (علیها السلام) را زنده نگه دارد و فضائل، مناقب و مظلومیت ایشان را بازگو کند، پاداشی اینچنین بزرگ در انتظار او خواهد بود.

18- حامل قرآن باید اهل خیر و صلاح باشد، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که می فرماید: همانا سزاوارترین مردم به فروتنی در نهان و آشکار حامل قرآن است، و اولاتر از دیگران در اقامه نماز و روزه گرفتن در نهان و آشکار حامل قرآن است) به همین جهت پیروان و محبین حضرت زهرا (س) نیز باید دارای این ویژگی ها و صفات والا باشند.

19- قرآن دارای ارتباط تنگاتنگی با شب قدر است و نزول آن در این شب اتفاق افتاد {ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم} (1)، {ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم که ما هشدار دهنده بودیم} (2) حضرت زهرا (علیها السلام) نیز ارتباطی قوی با شب قدر دارد، و در روایت شریفه از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) آمده که می فرماید: (هر کس فاطمه (علیها السلام) را آنطور که شایسته اوست بشناسد، شب قدر را درک کرده است) (3)، در برخی از سخنان خود به صورت مفصل به این حدیث پرداخته ام و جوهی را برای آن بیان کرده ام.

20- یکی از آداب تلاوت قرآن خواندن آن با حالتی غمگین است، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت است که می فرماید: قرآن را با حالتی اندوهگین بخوانید چرا که با اندوه نازل شده است)، و همچنین از ایشان (صلی الله علیه و آله) نقل است: (قرآن را در حال گریه کردن بخوانید، و اگر نتوانستید گریه کنید خود را به حالت گریه بیاندازید)، امیرالمؤمنین (علیه السلام) در توصیف متقیان می فرماید: (اما شبها آنچنان بر پای ایستاده اند تا جزء جزء کتاب را بخوانند، و به آرامی و با تأنی و تدبر می خوانند، به هنگام خواندنش خود را اندوهگین می سازند، و دوی درد خویش را

ص: 19

1- - إنا أنزلناه في ليلة القدر (قدر: 1).

2- - إنا أنزلناه في ليلة مباركة إنا كنا مُنذرين (دخان: 3)

3- - مراجعه شود به دائره المعارف بزرگ حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام): 18/438.

از آن می جویند) ، حضرت زهرا (علیها السلام) نیز اینگونه است یاد آن زنده نمی شود مگر اینکه دلها لبریز از اندوه شوند ، و این غیر از آن است که مظلومیت ایشان بازگو شود ، روایت است که مردی بر حضرت امام صادق (علیه السلام) وارد شد در حالی که دختری برای او متولد شده بود ، حضرت (علیها السلام) فرمود : (او را چه نام نهاده ای ؟ گفت : فاطمه ، حضرت فرمود : آه آه سسپس دست خود بر پیشانی خویش گذاشت - تا اینکه فرمود - اگر نام او را فاطمه قرار دادی - پس او را دشنام و لعن نکن و او را نزن) (1) .

این ویژگی هایی را که برای حضرت زهرا (علیها السلام) بیان کردیم برای ائمه اطهار نیز ثابت هستند ؛ چرا که ایشان از اهل بیت (علیهم السلام) هستند ، و به دلیل مناسبتی که در آن قرار داریم این مباحث را به حضرت زهرا (علیها السلام) اختصاص داده ایم .

ما این ویژگی ها و مقاماتی را که برای اهل بیت (علیهم السلام) بیان کرده ایم ، در واقع دعوتی برای تبعیت از این بزرگواران و لبیک به دعوت امام (علیه السلام) است (حضرت امام رضا (علیه السلام) می فرماید : خداوند کسی را که یاد ما را زنده کند رحمت کتد ، از ایشان پرسیده شد : چگونه یاد شما زنده می شود ؟ حضرت فرمود : علوم و معارف ما را فراگیرد و به مردم یاد دهد ، چرا که مردم اگر زیبایی های سخن ما را بشنوند از ما تبعیت خواهند کرد) (2) .

ص: 20

1- وسائل الشیعة کتاب نکاح، بخش احکام اولاد، فصل 87.

2- جواهر البحار، جزء دوم، کتاب العلم.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) الگویی نمونه

حضرت زهرا (سلام الله علیها) الگویی نمونه (1)

س 1. در جامعه ای که در آن مردان در بیشتر مسائل بر زنان مقدم هستند ، وجود حضرت زهرا (علیها السلام) چه نقشی را در اسلام می تواند ایفا کند ؟

حضرت آیت الله العظمی یعقوبی: بسم الله الرحمن الرحيم ، الحمد لله رب العالمين ، و صلی الله علی ساجئ الخلق اجمعین ابی القاسم محمد وآله الطیبین الطاهرین

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در جامعه ای مبعوث شد که مملو از جهل و منکرات و فحشا بود که در کتاب (الأسوة الحسنة) تصویری از وضعیت آن جامعه را منعکس کرده ایم ، از جمله منکراتی که در آن جامعه رواج داشت : تحقیر و سرکوب زن بود تا جایی که برای خلاصی از او هنگام تولد او را زنده به گور می کردند ، خداوند احساس مردان را هنگامی دختری برای آنها متولد می شد را اینگونه توصیف می کند : { هر گاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند چهره اش سیاه می گردد در حالی که خشم [و اندوه] خود را فرو می خورد * از بدی آنچه بدو بشارت داده شده از قبیل [خود] روی می پوشاند آیا او را با خواری نگاه دارد یا در خاک پنهانش کند و چه بد داوری می کنند } (2).

دین اسلام از طرق مختلف سعی در ریشه کردن این ظلم را داشت ، که در ادامه به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1- تأکید در آیات و روایات مختلف بر تساوی میان زن و مرد در حقوق و در پاداش ، خداوند متعال می فرماید: { پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود که] من عمل هیچ صاحب عملی از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگرید تباہ نمی کنم } (3).

2- بیان نمونه هایی از زنان با فضیلت تا الگویی برای زنان و مردان باشند و مردان قبل از زنان بفهمند که یک زن می تواند مراتب

ص: 21

1- دیدار شبکه ماهواره ای فرقان با حضرت آیت الله العظمی محمد یعقوبی (دامت برکاته) که در تاریخ سوم جمادی الثانی 1430 پخش شد.

2- وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ، يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (نحل: 58-59).

3- فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ (آل عمران: 195).

کمال را تا جایی طی کند که مردان نسبت به آن غبطه بخورند ، مانند حضرت مریم و زن فرعون ، خداوند متعال می فرماید : { و برای کسانی که ایمان آورده اند خدا همسر فرعون را مثل آورده آنگاه که گفت پروردگارا پیش خود در بهشت خانه ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان* و مریم دخت عمران را همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتابهای او را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود} (1) در این آیه به صورت صریح زن فرعون و مریم دختر عمران به عنوان الگویی برای همه کسانی که ایمان آورده اند ، معرفی شده اند .

3- تهدید و ترساندن کسی که زن را به قتل مادی و یا معنوی برساند یعنی با اهانت و ظلم شخصیت او را خرد کند ، خداوند متعال می فرماید : { پرسند چو زان دخترک زنده به گور* به کدامین گناه کشته شده است} (2) ، و در روایتی شریف در مورد زنان آمده که : (کسی آنها را مورد احترام و تقدیر قرار نمی دهد مگر اینکه خود بزرگواری باشد و کسی به آنها توهین نمی کند مگر اینکه خود پست و فرومایه باشد) (3) .

4- اعطای درجات عالی به کسی که از تولد دختر خوشحال شود ، و زن را مورد احترام و تقدیر قرار دهد ، از حضرت امام صادق (علیه السلام) با سندی بسیار موثق نقل شده که می فرماید : (رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود : کسی که از سه دختر و یا سه خواهر مراقبت کند ، بهشت بر او واجب می شود ، از پیامبر پرسیده شد اگر دو تا باشند چه؟ حضرت فرمود : بهشت بر او واجب می شود ، همچنین

ص: 22

1- - وَصَدَّ رَبُّ اللَّهِ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَانَتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا وَقَارٌ مِنَ الْقَانِنِينَ (تحريم: 12-11).

2- - وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ، بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (تکویر: 8-9).

3- - فقه السنة، لشيخ سيد سابق: ج 2، ص 185.

از ایشان پرسیده شد: اگر یکی باشد چه؟ حضرت فرمود: باز هم بهشت بر او واجب می شود (1)، علاوه بر این حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید: (دختران حسنات هستند و پسران نعمت، بر حسنات پاداش داده می شود و از نعمت پرسیده می شود) (2)، حضرت امام رضا (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می فرماید: (خداوند متعال رأفت بیشتری به دختران نسبت به پسران دارد، و اگر مردی زن محرمی را شاد کند خداوند در روز قیامت او را خوشحال خواهد کرد) (3).

5- قرار دادن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که برترین مخلوقات و سرور آنها است به عنوان پدر دختران، در روایتی صحیحیه از امام صادق (علیه السلام) نقل است که می فرماید: (رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پدر دختران بود) (4) و خداوند نسل او را از دخترش فاطمه زهرا (علیها السلام) قرار داد و او را کوثر نامید که به معنای خیر کثیر است، خداوند متعال می فرماید: {ما به تو کوثر را عطا کردیم} (5)، از مهمترین راهکارهای ریشه کن سازی این ظلم مشرف ساختن مسلمانان و بلکه همه مردم به بانویی بود که بعد از پدر خود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و همسر خویش امیرالمؤمنین (علیه السلام) کاملتر از همه خلائق بود، این بانو حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) است که سرور مردان و زنان جهان است، نباید کسی گمان کند که آن حضرت تنها سرور زنان عالم است، خیر ایشان سرور همه مردان و 1- زنان جهان است، برای اثبات این مسأله یک دلیل را بیان می کنم، در آیاتی که در نکته شماره 2 بیان شد آمده است که خداوند متعال حضرت مریم و زن فرعون را الگویی برای مؤمنان

ص: 23

1- وسائل الشیعة: کتاب نکاح، بخش احکام اولاد، فصل 4، ح 3.

2- 18 - منبع قبلی، فصل 5، ح 7.

3- - منبع قبلی، فصل 7، ح 1.

4- - منبع قبلی، فصل 4، ح 3.

5- - إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (کوثر: 1).

قرار داده است ، با توجه به اینکه حضرت زهرا (علیها السلام) مقامی برتر از ایشان دارد بدون شک الگویی شایسته تر از آنها خواهد بود.

س2: در سخنرانی های مبلغان و در بعضی از کتب این نکته بیان شده که علت نامگذاری حضرت زهرا (علیها السلام) به فاطمه این بوده است که خداوند متعال ایشان و محبان او را از آتش جهنم دور کرده است . آیا می توان این مسأله را پذیرفت که صرف داشتن محبت به فاطمه (علیها السلام) باعث نجات انسان می شود؟

پاسخ حضرت آیت الله العظمی یعقوبی: می توان پاسخ این پرسش را در چند سطح داد :

1- اگر این مسأله در روایات معتبر ذکر شده باشد ما چاره ای نداریم جز اینکه آنچه که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت معصوم ایشان (علیهم السلام) صادر شده را بپذیریم ، و در صورتی که سند روایت غیر معتبر باشد آن روایت را نخواهیم پذیرفت ، یکی از طرق معتبره روایت محمد بن مسلم است که می گوید : (شنیدم اباجعفر (علیه السلام) می فرماید : حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بر دروازه جهنم می ایستد ، و هنگامی که روز قیامت فرا می رسد بر پیشانی هر شخص نوشته می شود که او کافر است و یا مؤمن ، و دستور داده می شود کسی را که گناهانش زیاد باشند به جهنم ببرند هر چند که محب فاطمه باشد ، هنگامی که فاطمه ببیند بر پیشانی او محب نوشته شده است می فرماید : ای پروردگار مرا فاطمه نام نهادی و وعده دادی پیروان و ذریه مرا از آتش جهنم دور کنی ، وعده تو حق است و هیچ گاه خلف وعده نمی کنی ، خداوند متعال می فرماید : ای فاطمه راست می گویی من تو را فاطمه نام نهادم و هر که ولایت تو را بپذیرد و محبت تو و فرزندان را داشته و ولایت آنها را بپذیرد ، او را از آتش جهنم دور خواهم کرد و وعده من حق است و هیچ گاه خلف وعده نخواهم کرد ، و علت اینکه دستور دادم این بنده را

به آتش جهنم ببرند این بود که او را شفاعت کنی و شفاعت تو را بپذیرم تا ملائکه، انبیا و پیامبران و همه کسانی که حاضر هستند جایگاه تو را نزد من ببینند، پس داستان هر کس که بر پیشانی او مؤمن نوشته شده را بگیر و وارد بهشت کن (1).

2- این حدیث را نه تنها علمای شیعه بلکه علمای اهل سنت نیز از طرق مختلف نقل کرده اند، و صاحب کتاب (فضائل الخمسة من الصحاح الستة: 3/151) تعدادی از این منابع را ذکر کرده است مانند کتب ذخائر العقبی و کنز العمال و کتاب تاریخ بغداد نوشته خطیب بغدادی با ترجمه غانم بن حمید الشعیری که این حدیث را به نقل از ابن عباس روایت می کند.

3- چرا باید این قضیه را بسیار عجیب بدانیم که خداوند متعال شخصی را که مستحق نیست فقط به خاطر کاملترین بندگان خود یعنی حضرت زهرا (علیها السلام) و به جهت نشان منزلت او برای خلایق آن شخص را ببخشد، فضل و بخشش خداوند متعال بی انتها و نعمتهای خود را بدون آنکه مستحق آن باشیم به ما عطا می کند، بله در صورتی که یک شخص بی گناه را مجازات کند منافی عدالت خواهد بود، اما بخشش یک شخص غیر مستحق از روی فضل و کرم خویش متناسب با صفات خداوند متعال است.

مثالی را از شبکه های تلویزیونی برای شما بیان می کنم، در بعضی از این شبکه ها مسابقه هایی برگزار می شود و به برندگان جوایزی اهدا می شود، گاهی اوقات مدیران برنامه برای هدفی خاص مانند تبلیغات و یا کمک به مردم به هر نحوی که شده سعی می کنند به شرکت کنندگان در مسابقه جایزه بدهند، مثلا اگر شرکتکننده نتوانست پاسخ سوالات را بدهد پرسشهای ساده تری از او می پرسند تا جایی که اگر نتوانست به آنها پاسخ بدهد از او

ص: 25

1- علل الشرائع شیخ صدوق (رضوان الله علیه): 1/142: علت نامگذاری فاطمه به فاطمه، ح 6.

می پرسند که نام تو چیست؟ و هنگامی که پاسخ می دهد همه خوشحال می شوند و او را برنده اعلام می کنند و به او جایزه می دهند .

4- مقصود از محبتی که در روایات آمده ، محبتی نیست که منشأ آن یک میل عاطفی حاصل شده از یک حالت اجتماعی وراثتی و یا تقلید از پدران است ؛ چرا که این عوامل ارزشی ندارند ، بلکه مقصود از آن محبت حاصل شده از معرفت است که لازمه آن تبعیت از سیره و روش زندگی محبوب و راضی کردن اوست ، شاعر می گوید :

5-

تعصي الإله وأنت تزعم حبه *** هذا لعمرک في الفعال بديع

(معصیت خدا را انجام می دهی در حالی که گمان می کنی او را دوست داری .. به جان تو قسم که این کار عجیبی است)

لو كان حبك صادقاً لأطعته *** إن المحبَّ لمن أحبَّ مطيع

(اگر واقعا او را دوست داشتی از او اطاعت می کردی .. همانا که عاشق مطیع معشوق خود است)

س 3: آیا صفات و ویژگی هایی که حضرت زهرا (علیها السلام) کسب کرده فقط به دلیل این بوده که دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده است و یا اینکه هر زنی می تواند آنها را کسب کند ؟

پاسخ حضرت آیت الله یعقوبی : رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هیچ گاه کسی را بدون داشتن استحقاق کافی مقدم نمی دارد ؛ چرا که خداوند متعال او را اینگونه توصیف می کند : { و از سر هوس سخن نمی گوید * بلکه این وحی است که به او وحی می شود } (1) ، همچنین می فرماید: { و اگر [او] پاره ای گفته ها بر ما بسته بود * دست راستش را سخت می گرفتیم * سپس رگ قلبش را پاره می کردیم } (2).

ص: 26

1- - وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (نجم: 3-4).

2- - وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ، لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ، ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (حاقة: 44-46).

معیارهای تکریم و برتری اشخاص در قرآن کریم مشخص است: {ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است} (1)، و نسب خانوادگی هیچ تأثیری در آن ندارد، خداوند متعال می فرماید: {پس آنگاه که در صور دمیده شود [دیگر] میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد و از [حال] یکدیگر نمی پرسند* پس کسانی که کفه میزان [اعمال] آنان سنگین باشد ایشان رستگارانند* و کسانی که کفه میزان [اعمال]شان سبک باشد آنان به خویشتن زیان زده [و] همیشه در جهنم می مانند} (2). این در حالی است که در قرآن کریم یک سوره کامل در نکوهش ابولهب عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده است.

حضرت زهرا (علیها السلام) صرفاً به دلیل نسبت خانوادگی خویش با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این جایگاه رفیع را بدست نیاورده است، بلکه با طی کردن قله های کمال به آن دست یافته است.

بله دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودن شرایط لازم مانند پاکی در ولادت، فضای مثبت درون خانواده، تربیت نیکو و مراقبت مستقیم از سوی رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، فرصت مناسب برای تکامل آن حضرت را فراهم آورد.

و بر همین اساس با توجه به رحمت و لطف بیکران الهی امکان تکامل نامتناهی برای همه مردم موجود است، ولی خداوند متعال با علم ازلی خود می داند که کسی جز حضرت زهرا (علیها السلام) به این مقام و مرتبه نخواهد رسید.

س 4: یکی از ویژگی هایی که حضرت زهرا (علیها السلام) بدان متصف شده نقل فراوان احادیث پدر خود است، در حالی که برخی معتقدند این بُعد از زندگی حضرت کاملاً مخفی مانده و به آن دسترسی نداریم، نظر شما در این رابطه چیست؟

پاسخ حضرت آیت الله یعقوبی: این نکته کاملاً درست است که حضرت زهرا (علیها السلام) بهره علمی فراوانی به صورت مستقیم از پدر خود و همچنین از طریق صحبت های فرزندان خود حسنین که هر روز پس از برگشتن از

ص: 27

1- - إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ (حجرات: 13).

2- - فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ، فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (مؤمنون: 101-103).

مسجد جد بزرگوار خود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آنچه را که بر پیامبر نازل شده و با مردم بازگو می کرد را برای مادر خود نقل می کردند، آن حضرت رهنمودهای پیامبر را در کاغذهایی تدوین می کرد، که متأسفانه تعداد ناچیزی از آنها بدست ما رسیده است، مجموعه این اوراق که به (مصحف فاطمه) معروف شده اند بین فرزندان معصوم (علیهم السلام) آن حضرت دست به دست می شد، و آنان از این مصحف بهره فراوانی می بردند، از امام حسن عسکری (علیه السلام) نقل است که می فرماید: (ما حجت خدا بر مردم هستیم و مادرم فاطمه حجت خدا بر ما است)، این مصحف همانند قبر حضرت زهرا (علیها السلام) از دسترسی امت اسلامی مخفی مانده است و مردم از برکات بزرگ آن محروم مانده اند.

یکی از کسانی که این مصحف را دیده صحابی بزرگوار عبدالله انصاری است که در آن نامه‌های دوازده امام را دیده است. در یک روایت معتبر حضرت امام باقر (علیه السلام) به نقل از جابر بن عبدالله انصاری می فرماید: (بر فاطمه (علیها السلام) وارد شدم در حالی که لوحی در دستان او یافتم که در آن نام دوازده امام از فرزندان او نوشته شده بود، آخرین آنها حضرت قائم بود و نام سه نفر از آنها محمد و نام چهار نفر دیگر از آنها علی بود) (1).

س5: صحبتها و شبهاهای زیادی در مورد کتابی به نام فاطمه مطرح شده است، آیا این کتاب وجود دارد و در زمان ما موجود است؟ مضمون و محتوای این کتاب در صورت موجود بودن چیست؟

پاسخ حضرت آیت الله یعقوبی: در پاسخ پرسش قبلی مقصود از مصحف فاطمه را توضیح دادیم و گفتیم که این کتاب مجموعه تفسیر آیات قرآنی، احکام شرعی و حوادث آینده است که حضرت فاطمه (علیها السلام) آنها را از پدر خویش (صلی الله علیه و آله) یاد گرفته بود. و با قرآنی که از زمان ائمه معصومین نسل به نسل بدست ما رسیده است و به ما سفارش شده که آن را در مساجد و نمازهایمان قرائت کنیم و با تلاوت آن روح و قلبمان را سبقت دهیم، متفاوت است. بنده در سخنانم شواهد زیادی از آیات قرآنی را ذکر کرده ام آیا چیزی غیر از این آیات قرآنی که در دست داری در آنها پیدا کرده

ص: 28

کسی که این شبهات را برای تفرقه میان مسلمانان {پس از اینکه حق برایشان آشکار شد از روی حسدی که در وجودشان بود} (1)، مطرح می کند، باید یک سری به مسجد، کتابخانه و یا کتابفروشی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) بزند و یا به قرائت قاریان قرآن گوش دهد، آیا قرآن دیگری غیر از قرآن در دسترس همگان پیدا خواهد کرد؟

اهتمام امامان ما (علیهم السلام) به قرآن و صدور صدها روایت از آنها در جهت تعظیم و تشویق به تلاوت آیات آن و تدبیر در معانی و اسرار آن و شکایت قرآن از هجران خود، و اقدامی که امام حسن عسکری (علیه السلام) در مقابل فیلسوف عرب اسحاق کندی انجام داد که در طی آن کتابی را که در بیان تناقضات قرآن کریم نوشته بود را پاره کرد، همه اینها هر گونه تشکیک در مورد اینکه قرآنی که در دسترس ما است همان قرآن نازل شده بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) است را نفی کرد.

بله برخی از صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مصحف هایی داشتند که با قرآن کریم موجود متفاوت بود، مانند مصحف ام المؤمنین حفصه و مصحف عبدالله ابن مسعود که با اجتهاد خود سوره ناس و سوره فلق را به این دلیل که جز قرآن نیستند و صرفاً دعاهایی بودند که بر پیامبر نازل شدند تا برای در امان ماندن و حفظ حسنین (علیهم السلام) آنها را بخواند، حذف کرده است، مورخان نقل کردند که عثمان همه آن مصحف ها را سوزاند و تنها یکی از آنها را باقی گذاشت که همان نسخه در دسترس همگان است.

س6: ما عادت کرده ایم که حضرتعالی مانند آنچه که در کتاب (الأسوة الحسنة) و (دور الأئمة فی الحیاة الإسلامية) و دیگر کتابها مطرح کرده اید، درسهایی از سیره عملی زندگانی ائمه معصومین (علیهم السلام) را برای ما بیان کنید و صرفاً به نقل تاریخی زندگینامه آنها اکتفا نکنید، آیا برای شما امکان پذیر است که بعضی از درسهایی را که می توان از زندگی

حضرت زهرا (علیها السلام) آموخت را برای ما بیان کنید؟

حضرت آیت الله یعقوبی: ما در آن کتاب در مورد اهمیت وجود یک الگوی نمونه برای اقناع مردم در هر حرکت اصلاحی صحبت کردیم که یکی از آنها جریان اصلاحی اسلام بود، چرا که در غیر اینصورت چه ارزشی دارد که انسان سخنی نیکو بر زبان جاری سازد ولی در عمل مخالف با آن رفتار کند، به همین جهت اهل بیت (علیهم السلام) نقش بسیار بزرگی در تثبیت اعتقادات اسلامی و احکام شرعی و حفظ آنها داشتند، در واقع اهل بیت (علیهم السلام) شریعت اسلامی را به صورت عملی برای مردم مجسم کردند. حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز الگویی نمونه برای همه مردان و زنان جهان بود، سیره زندگی آن حضرت سرشار از درسها و عبرتهایی است که سالکان قله کمال می توانند از آنها بهره ببرند:

(1) فناء آن حضرت در ذات باری تعالی و اخلاص ایشان در بندگی خداوند متعال و رسیدن به بالاترین مراتب معرفت توحیدی؛ همانطور که در روایت شریفه آمده جایگاه مردم در بهشت به اندازه معرفت آنها به خداوند متفاوت خواهد بود، حضرت زهرا (علیها السلام) توانست بالاترین مراتب کمال را پس از پدر و همسر خویش (صلوات الله علیهم اجمعین) طی کند و بسیاری از وقت خود را صرف عبادت و راز و نیاز با پروردگار خویش می کرد، امام حسن (علیه السلام) برای برادر خویش امام حسین (علیه السلام) روایت می کند که: در شب جمعه مادرم فاطمه (علیها السلام) را دیدم که در محراب عبادت خود تا طلوع خورشید مشغول رکوع و سجود بود (1).

حسن بصری می گوید: (هیچ کس در این امت عابد تر از فاطمه نبود او آنقدر عبادت می کرد تا اینکه پاهایش ورم می کرد) (2).

حضرت زهرا (علیها السلام) می فرماید: (هر کس عبادت خالصانه خود را برای خدا بفرستد، خداوند متعال بهترین مصلحتها را برای او فرو میفرستد) (3).

یکی از نتایج این معرفت توحیدی دوری از غیر خدا است، حضرت امیر

ص: 30

1- - علل الشرائع شیخ صدوق (رضوان الله علیه)، ج 1/182، فصل 145، ح 1.

2- 54 - بحار الأنوار: ج 43، فصل 4، ح 7.

3- 55 - بحار الأنوار: 67/249.

المؤمنين (عليه السلام) در وصف متقیان می فرماید: (آنچنان خداوند در چشمانشان بزرگ شده که غیر او در نگاهشان کوچک شده است) (1)، به همین جهت حضرت فاطمه (علیها السلام) زندگی زاهدانه ای در دنیا داشت و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را به این امر تشویق می کرد؛ از حضرت امام سجاد (علیه السلام) نقل است که می فرماید: (از اسماء بنت عمیس شنیدم که گفت: من نزد جدّه تو فاطمه (علیها السلام) نشسته بودم و گردنبندهی از طلا که علی (علیه السلام) برای او خریده بوده را به گردن آویخته بود، در این حال رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حالی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شد و گردنبنده را بر گردن او دید، سپس (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای فاطمه این سخن مردم تو را مغرور نکند که بگویند این دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) است در حالی که زینت جباره را پوشیده باشی، سپس فاطمه آن گردنبنده را در آورد و فروخت و با آن بنده ای را خرید و آزاد کرد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از این کار او بسیار مسرور و خوشحال شد) (2).

(2) پیروی دقیق از سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، عائشه ام المؤمنین می گوید (کسی را ندیدم که شباهت او به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در زی، وقار و سیره او در نشست و برخاست بیش از فاطمه (علیها السلام) باشد. او همچنین می گوید: هنگامی که فاطمه (علیها السلام) بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد می شد او را محترم می شمرد و او را می بوسید و در جای خودش می نشاند، و هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر فاطمه وارد می شد از جایش بلند می شد و او را می بوسید و در جای خود می نشاند) (3).

حضرت زهرا (علیها السلام) تنها به آنچه که در انجام آن رغبت داشت و آنچه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسب به آن کراهت داشت، اکتفا نمی کرد، بلکه اگر می دانست که پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به کاری رغبت دارند آن را انجام می داد هر چند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) آن را به زبان نیاورد، روایت است هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از سفر برگشت اولین جایی که وارد آن شد منزل فاطمه بود و به فاطمه سلام کرد، فاطمه به خاطر بازگشت پدر و همسر خویش

ص: 31

1- 56 - نهج البلاغة، خطبه 193 در بیان ویژگی های متقین.

2- 57 - بحار الأنوار: ج 43، فصل 3، ح 28.

3- 58 - فضائل الخمسة من الصحاح الستة: 3/152، به نقل از صحیح ترمذی وأبو داود ومستدرک الصحیحین.

(صلوات الله عليهما) مقداری خانه را تزئین کرده بود و هنگامی عدم رضایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در چهره ایشان دید، آزرین ها را برداشته و آن را به فقرا داد، سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: پدر فدای او شود - سه بار - دنیا برای محمد و آل محمد نیست و اگر دنیا به اندازه بال پشه ای برای خدا ارزش داشت هیچ گاه کافر جرعه آب از آن نمی نوشید (1).

(3) تبعیت از امام خویش یعنی همسر خود امیرالمؤمنین (علیه السلام) و دفاع از حق ایشان و یاری او با همه دارایی خود، که مواضع ایشان پس از وفات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دلیلی روشن بر این مدعاست.

(4) ارتباط او با خانواده، آن حضرت در رابطه خود با همسر خویش این روایت شریف را (جهاد زن شوهرداری نیکوست) مجسم ساخته بود، و تمام تلاش خود را در خدمت به خانه و خانواده قرار داده بود، امیرالمؤمنین (علیه السلام) بارها این مساله را یاد می کرد، حضرت (علیها السلام) هنگامی که به رحلت از دنیا نزدیک شده بود امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرسید: ای پسر عمو آیا از آغاز معاشرت با من تا کنون از من دروغ و یا خیانتی را دیده ای؟ امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: تو مهربانتر و وفادارتر از آن هستی که حتی با یک کلمه تو را سرزنش کنم، دوری تو برای من بسیار سنگین است (2).

حضرت توانست فرزندان خود را به خوبی تربیت کند به طوری که حسنین (علیهما السلام) را همراه با پدرشان امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مسجد جدشان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرستاد و هنگامی که باز می گشتند از همه آنچه که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیده و یا دیده بودند می پرسید، و به آنها در عبادت و بندگی خداوند متعال کمک می کرد، در کتاب مفاتیح الجنان در اعمال مربوط به شب قدر آمده که حضرت فرزندان خود را در هنگام روز مقداری می خواباند تا توانایی شب زنده داری و عبادت را داشته باشند، و به آنها می گفت: ما الآن اوضاع بسیار خوبی در منزل داریم و لوازم آسایش ما فراهم است در حالی که مسلمانان در صدر اسلام شرایط بسیار سختی داشتند و با انواع مشکلات و دشواری ها زندگی می کردند.

ص: 32

1- 59 - بحار الأنوار، ج 43، فصل 3، ح 7.

2- 60 - بحار الأنوار: ج 43، فصل 7، ح 20.

(5) حضرت زهرا (علیها السلام) مثال بارزی از عفت و حیا بودند، از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) و ایشان از پدران ایشان روایت می کنند که: (علی (علیه السلام) فرمود: یک شخص نابینایی اجازه ورود به منزل فاطمه (علیها السلام) را داشت، حضرت پوشش خود را کامل کرد، سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از ایشان پرسید؟ چرا خود را می پوشانی در حالی که او تو را نمی بیند؟ حضرت (علیها السلام) در پاسخ فرمود: اگر او مرا نمی بیند من او را می بینم و بوی مرا استشمام می کند؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: شهادت می دهم که تو پاره ای از تن منی).

و با همین سند فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از اصحاب خود در رابطه با زن پرسید: اصحاب گفتند: زن عورت است، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: چه زمانی به خداوند متعال نزدیکتر می شود؟ اصحاب پاسخی ندادند، هنگامی که فاطمه (علیها السلام) آن سخنان را شنید؟ فرمود: هنگامی که زن در خانه خود بماند به خدای خود نزدیکتر خواهد بود، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: فاطمه پاره ای از تن من است (1).

علمای شیعه و سنی روایت می کنند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از فاطمه (علیها السلام) پرسید: (چه چیزی برای زن بهتر است؟ حضرت پاسخ داد: اینکه نه مردی او را ببیند و نه او مردی را ببیند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فاطمه را در آغوش خود گرفت و فرمود: فرزندان هستند که برخی از نسل برخی دیگر پدید آمده اند (2).

(6) اظهار کرامت زن در اسلام، که از نشانه های آن قرار دادن مسئولیت هزینه های زندگی زن بر عهده مرد است، امام سجاد (علیه السلام) در دعای مکارم الأخلاق می فرماید: (مرا از رنج تحصیل معاش بی نیاز کن و بی حساب روزام ده، تا از عبادت تو به طلب روزی نپردازم و بار گران عواقب کسب و کار بر دوش نگیرم) حضرت امام صادق (علیه السلام) نیز روایتی را از پدر خود امام باقر (علیه السلام) نقل می کنند، حضرت فرمود: (علی و فاطمه (علیهما السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تقاضا کردند که کارهای خانه و بیرون خانها بین آنها تقسیم نماید، پیامبر انجام کارهای داخل خانه را

ص: 33

1- 61 - بحار الأنوار: ج 43، فصل 4 ح 16.

2- 62 - بحار الأنوار: ج 43 فصل 4، ح 7.

به عهده فاطمه (علیها السلام) نهاد و امور خارج از منزل را به عهده علی (علیه السلام) گذاشت، امام باقر (علیه السلام) می گوید: فاطمه (علیها السلام) فرمود: هیچ کس جز خداوند نمی داند که من چقدر خوشحال شدم از اینکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کارهای بیرون از خانه را به عهده من قرار نداد و مرا از مراوده با مردان نجات داد (1).

(7) بهره گیری از بحث و گفت و گو و روشهای مسالمت آمیز برای احقاق حقوق خود از کسانی که به این روشها احترام می گذارند، این مسأله را می توان در خطبه های آن حضرت (علیها السلام) با اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مشاهده کرد، که مملو از استدلالهای محکم و مستند به کتاب خدا و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده است.

(8) مقدم داشتن مصالح مسلمانان و حفظ کیان دولت اسلامی بر مصالح شخصی، هنگامی که حقوق او و همسرش (علیهما السلام) را غصب کردند عده ای برای یاری آنها اعلام آمادگی کردند، لکن امیرالمؤمنین (علیه السلام) می دانست که هدف آنها ایجاد فتنه و شکاف در صفوف مسلمانان است، درست زمانی که دشمنان و مخالفان اسلام با کمک منافقان داخلی منتظر ایجاد فرصتی برای نابودی اسلام بوده اند.

(9) ایثار و از خودگذشتگی، یکی از شواهد این مدعا واقعه ای است که خداوند متعال شأن آن سوره (هل أتى) را نازل کرد، که در طی آن غذای خود را به فقرا دادند و به مدت سه روز گرسنه ماندند، و همچنین روایتی است که در آن امام حسن (علیه السلام) با برادر خود امام حسین (علیه السلام) در مورد مادرشان حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) صحبت می کرد: (شنیدم که مادرم برای زنان و مردان مؤمن بسیار دعا می کرد و نام آنها را به زبان می آورد، و برای خود هیچ دعایی نمی کرد، به او گفتم: مادر چرا آنگونه که برای دیگران دعا می کنی برای خود دعا نمی کنی؟ فرمود: ای فرزندم اول همسایه و سپس خانه خود) (2).

روایات دیگر بسیاری در این باب وجود دارد، که متأسفانه باید اعتراف کنیم که در تبیین شخصیت حضرت زهرا (علیها السلام) کوتاهی کرده ایم و اگر

ص: 34

1- 63 - بحار الأنوار: ج 43، فصل 4، ح 1.

2- - منبع قبلی، فصل 4، ح 3.

آنچه که در رابطه با شخصیت و سیره مبارک آن حضرت نوشته شده را بررسی کنیم ، خواهیم دید که بسیار اندک است ، اضافه بر اینکه در عمل نیز کوتاهی کرده ایم یعنی نتوانستیم زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) را در زندگی واقعی خود مجسم سازیم .

لکن بنده نسبت به این بیداری جهانی در رابطه با قضیه حضرت زهرا (علیها السلام) خوشبین هستم که بدون شک یک موفقیت بزرگ است و تا حد زیادی می تواند حق را به جایگاه حقیقی خود برگرداند و مقدمات یک حکومت الهی را فراهم کند ، و من الله التوفیق.

ص: 35

حضرت زهرا (علیها السلام) که عالم به اسرار الهی است ما را به ایجاد وحدت میان مسلمانان هدایت می کند

حضرت زهرا (علیها السلام) که عالم به اسرار الهی است ما را به ایجاد وحدت میان مسلمانان هدایت می کند(1)

بسم الله الرحمن الرحيم

بزرگداشت صدیقه طاهره حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) توسط امت ما یک بدعت بر خلاف امتهای دیگر نیست ، بلکه یک سنت عقلایی است که هر امتی بزرگان و بنیانگذاران تمدن خود را به جهت وفای به آنان و الگو قرار دادن آنان برای نسلهای دیگر بزرگ می شمارد و سالروز آنان را جشن بگیرد ، هیچ امتی این سنت عقلایی را انکار نخواهد کرد مگر جوامع متوحش و بی فرهنگ ؛ چرا که فاقد تاریخ و تمدنی هستند که آن را زنده نگه دارند .

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) یکی از قله های بلندی است که همه بزرگان در برابر او احساس کوچکی می کنند و مایه افتخار تمام بشریت است ، فقط این نکته کافی است که ایشان از اهل بیتی هستند که خداوند متعال هر گونه پلیدی و ناپاکی را از آنها دور کرده است ، خداوند متعال می فرماید : { خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاك و پاکیزه گرداند } (2).

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) عنوان اهل بیت را به خود ، علی ، فاطمه ، حسن و حسین (صلوات الله علیهم اجمعین) تخصیص داده است ، و هنگامی که ام سلمه از ایشان درخواست کرد که جزو اهل بیت باشد ، حضرت فرمود : تو از اهل بیت نیستی لکن به دلیل منزلت رفیع و گراندگری که داری در خیر هستی .

یکی از ویژگی های اهل بیت (علیهم السلام) معرفت کامل به حقایق الهی است که خداوند متعال آنها را در قرآن کریم قرار داده و الفاظ آنها را همانند مثلهایی قرار داده که برای شناخت معنای حقیقی باید آنها را تأویل کرد ، خداوند متعال می فرماید: { و این مثلها را برای مردم می زنیم

ص: 36

1- 65 - گفتگوی شبکه ماهواره ای (العراقیه) با حضرت آیت الله العظمی محمد یعقوبی (دامت برکاته) که در سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در تاریخ سوم جمادی الثانی 1428 مصادف با 2007/6/19 پنخس شد .

2- - إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (أحزاب:33).

خداوند متعال این حقایق و معارف را اینگونه توصیف می کند {در کتابی نهفته * که جز پاک شدگان بر آن دست ندارند} {2}.

هیچ کس نمی تواند به این معارف الهیه دسترسی پیدا کند و حقیقت آنها را بفهمد مگر اینکه از هر گونه پلیدی و ناپاکی مصون باشد ، که آیه مبارکه قبلی این ویژگی را به اهل بیت (علیهم السلام) اختصاص داده است [شما را پاک و پاکیزه گرداند].

برای فاطمه (علیها السلام) همین شرافت و عظمت کافی است که از جمله کسانی است که مصداق آیه مبارکه واقع شده اند و این منزلت رفیع به آنان داده شده است ، به همین جهت نباید از وجود یک حدیث قدسی از خداوند متعال تعجب کنیم که می فرماید (من جهان را خلق نکرده ام مگر به خاطر این نورهای پنجگانه) ؛ چرا که خداوند متعال جهان را خلق کرد تا شناخته شود و عبادت شود ، خداوند متعال می فرماید : {جنس و انس را خلق نکردیم مگر برای عبادت کردن} {3}، امام (علیه السلام) در تفسیر ليعبدون فرمود (ليعرفوه) یعنی تا او را بشناسند و این هدف به طور کامل محقق نمی شود مگر توسط این نورهای پنج گانه ، هر چند که با درجات متفاوتی توسط دیگران نیز محقق می شود مانند انبیاء و رسل و علما و صالحان و غیره ، لذا در روایت شریف آمده که درجات بندگان در بهشت به اندازه معرفت آنها متفاوت خواهد بود و کاملترین مخلوقات کاملترین آنها در معرفت است که او رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت ایشان هستند .

برای رفع تعجب این نکته را با ذکر مثالی توضیح می دهیم ، به عنوان مثال یک کشور طبق استراتژی که برای خود ترسیم کرده به هزار پزشک و مهندس نیاز دارد ، و از آنجا که می داند هر کس که وارد مدرسه می شود نمی تواند به آن نتیجه دلخواه برسد ، بیش از صد هزار دانش آموز را در مدارس ابتدایی پذیرش می کند تا اینکه با ادامه تحصیل از تعداد آنها کاسته شود و در نهایت آن تعداد مورد نیاز آموزش دیده شوند ، بر همین اساس دولت می تواند بگوید که علت تأسیس مدارس و بودجه ای که برای

ص: 37

1- -- وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ (عنكبوت: 43).

2- -- فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (واقعه: 78-79).

3- -- وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات: 56)

تحصیل این افراد هزینه شد تنها به خاطر این هزار نفر است زیرا هدف نهایی ما را محقق کردند .

عظمت فاطمه (علیها السلام) در ذات و صفات اوست و نه به خاطر این است که تنها دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است ، زیرا آن حضرت (علیها السلام) در خطبه خود با اصحاب پدرش (علیها السلام) فرمود : (ای مردم بدانید که من فاطمه هستم و پدرم محمد (صلی الله علیه و آله) ، تا اینکه فرمود : (اگر او را می شناسید و محترم می شمارید : همانا بدانید که پدر من است و نه پدر زنان شما) و نه به دلیل اینکه همسر ایده آلی برای امیر المؤمنین (علیه السلام) است و نه به خاطر اینکه مادر حسن و حسین (علیهم السلام) و ائمه معصومین است ، هر چند که هر یک از این ویژگی های خود شرافتی است که بالاتر از آن شرافتی وجود ندارد .

این مسأله علت اهتمام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به فاطمه و بیان علنی فضائل او را برای ما روشن می سازد ، که دلیل آن کمالات مجسم در فاطمه است و نه به خاطر اینکه صرفاً دختر اوست .

بزرگداشت سالروز شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) باعث نزول برکات و نیل الطاف الهی می شود ، خداوند متعال می فرماید : {به سوی او وسیله جوید} (1)، و چه وسیله ای بزرگتر از حضرت زهرا که با توجه به نص روایت شریفه ، خداوند متعال (با رضایت او راضی می شود و از غضب او غضبناک می شود) ، حتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز به نزد فاطمه می رود آنطور که در حدیث شریف کسا آمده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هنگامی که در بدن خود احساس ضعف کرد به نزد فاطمه آمد و از او خواست با عبای یمانی او را بپوشاند تا آخر حدیث شریف .

ما امروز بیش از هر زمان دیگری به توسل به ذات باری تعالی با محبوبترین خلائق او نیازمندیم تا مشکلات و سختی های ما را برطرف کند زیرا یاری دهنده ای جز او نیست .

در اینجا به دو درس از دریای بیکران معارف حضرت زهرا (علیها السلام) اشاره خواهیم کرد تا درمانی برای مشکلاتی باشد که با آنها مواجه هستیم :

ص: 38

1- - وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ (مائده: 35).

یک: امروزه اسلام با حملات بسیار وسیعی از سوی دشمنان در جهت تحریف سازی آن مواجه است، که با سوء استفاده از رفتارهای ناشایست برخی از ظاهرگرایان اسلام سعی در تحریف حقایق اسلام و گمراه ساختن مردم و دور کردن آنها از اسلام را دارند، برای مواجهه⁽¹⁾ با این جرایم انحرافی باید سعی کنیم تصویری درست از اسلام، که اولیای الهی آن را مجسم ساخته اند را ارائه دهیم، و فلسفه احکام اسلامی و اسرار شریعت را برای مردم تبیین کنیم تا حق از باطل روشن گردد، حضرت زهرا (علیها السلام) در خطبه خود در مسجد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به کلید های این اسرار اشاره کرده است. حضرت (علیها السلام) می فرماید: (خداوند ایمان را مایه تطهیر شما از شرک، و نماز را وسیله پاکی از کبر و غرور، و زکات را موجب تزکیه نفس و زیاده روزی، و روزه را عامل تثبیت اخلاص شما قرار داد).

سپس تعداد زیادی از احکام دینی را بیان فرمود، بنده معتقدم اگر بتوانیم زندگینامه حضرت زهرا (علیها السلام) را در قالب فیلم و یا سریال تلویزیونی ارائه دهیم، خواهیم دید که نه تنها زنان جهان بلکه مردان نیز از آن متأثر خواهند شد و همه مردم اعتراف خواهند کرد که ایشان سرور زنان عالم است.

دو: از دهه سوم قرن گذشته حرکتی در جهان اسلام ایجاد شد - حسن نیت و اخلاص آنها را زیر سؤال نمی برم - که هدف آنها ایجاد وحدت میان مسلمانان و از بین بردن اختلافات بود، و در دهه چهارم مرکزی را برای تقریب میان مذاهب اسلامی تأسیس کردند که به اندازه ظرفیت خود برای تحقق این هدف والا تلاش کردند و تا به امروز این تلاشها ادامه دارد، لکن متأسفانه از اینکه بگویم تا کنون نتیجه مطلوب حاصل نشده است و در بعضی اوقات نتیجه معکوس حاصل شده است، در واقع هنگامی که مسائل اختلافی برای حل آنها مطرح می شوند، تمرکز روی این اختلافات بیشتر می شود راه حل های تقریب میان مذاهب به نتیجه نمی رسند، به

ص: 39

1- - در جایی دیگر به صورت مستقل عللی که باعث شده غرب شخصیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را مورد هجمه قرار دهد را بیان کرده ایم و همچنین راهکار مقابله با این هجمه ها را توضیح داده ایم.

طوری گاهی اوقات آرزو می کنیم که ای کاش همانند ایندیدارها، نشستها و کنگره ها برگزار نشوند تا باعث بروز بیش از پیش اختلافات نشوند.

حضرت زهرا (علیها السلام) به ما یاد می دهد چگونه بتوانیم به صورت صحیح تفرقه میان مسلمانان را از بین ببریم و آنها را با هم متحد سازیم، آنگونه که خداوند متعال می فرماید: { به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید }⁽¹⁾، حضرت (علیها السلام) می فرماید (خداوند اطاعت از ما را مایه نظم امت و امامت ما را مانع تفرقه قرار داده است).

در واقع وحدت و یکپارچگی امت اسلامی با بازگشت به منابع اصیل اسلام یعنی قرآن کریم و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که از طرق صحیح و مورد اطمینان از اهل بیت و اصحاب بزرگوار ایشان بدست آمده، حاصل خواهد شد.

چند روز پیش یک ارتباط تلفنی با یکی از علمای فلسطینی⁽²⁾ داشتم که به قضیه تقریب بین مسلمانان و وحدت میان آنان توجه خاصی داشت و معتقد بود با وحدت میان مسلمانان می توانیم عزت اسلام را باز گردانیم و شر دشمنان را کوتاه کنیم، با ایشان در خصوص عدم موفقیت نشست های تقریب بین مذاهب صحبت کردیم و به او گفتم برادران اهل سنت ما باید این دو اقدام را مد نظر خود قرار دهند:

یک) باز کردن باب اجتهاد جهت استخراج احکام شرعی از منابع اصلی خود یعنی کتاب و سنت شریفه؛ چرا که این دو تنها منبع تشریح احکام هستند و سخن فقها با وجود احترامی که برای آنها قائل هستیم نشان دهنده فهم آنها از دلیل شرعی است و به دلیل پیشرفت علوم مختلف ابزار های بیشتری در اختیار نسلهای امروزی نسبت به نسلهای گذشته است و از سویی دیگر مسائل جدید و متنوعی به وجود آمده که سلف صالح به آنها نپرداخته است.

به همین جهت محصور ماندن در مذاهبی که بیش از هزار سال از عمر آنها گذشته باعث تحجر فکری می شود و این امکان را فراهم می کند که

ص: 40

1- - وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل عمران: 103).

2- - شیخ محمود عبد العزیز جوده ساکن غزه.

افراد بتوانند برای دستیابی به اهداف خود نصوص دینی و فتواها را به دلخواه خود بر مسائل مختلف تطبیق دهند، به همین جهت شاهد نوعی اختلاف، آشفتگی و بی انضباطی در صدور فتوایی هستیم که حتی باعث ریختن خود بی گناهان می شوند، از این رو بایستی بر اساس یک سری معیارهای علمی دقیق و با توجه به شایستگی افراد این وضعیت را سامان داد، ما این وضعیت را در میان مراجع تقلید شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) شاهد هستیم به طوری که هیچ کس حق صادر کردن فتوی را ندارد مگر اینکه به مرتبه علمی بالایی برسد و از جهت علمی و عملی به آمادگی لازم دست پیدا کند که این مهم جز برای عده ای اندک حاصل نمی شود.

دو) سیاسی نکردن دین و امتناع فقها از قرار گرفتن در خدمت صاحبان قدرت و مشروعیت بخشیدن به کارهای مبتنی بر مصالح دنیوی آنها، این کار باعث منفور شدن دین و اختلاف در موضع گیری علما می شود به طوری که ممکن است کار به جنگ و درگیری نیز کشیده شود، فقها باید حب دنیا را از دل خود خارج کنند و مخلصانه برای خداوند متعال کار کنند و ارتباط خود را با حاکمان فقط در جهت وعظ و ارشاد، راهنمایی، اصلاح رویکرد، مقابله با فساد و مشورت دادن به آنها قرار دهند، این یکی از شروط اساسی در مراجع شیعه و تحقق عدالت در آنها است.

محقق شدن این دو مسأله نیازمند انجام یک سری اصلاحات در روشهای آموزشی علوم دینی است تا در نتیجه آنها افرادی مجتهد فارغ التحصیل شوند، مراکز آموزش علوم دینی باید به دور دخالتهای حاکمان سیاسی فعالیت کنند، درست همانند حوزه های علمیه شیعیان که بیش از هزار سال از فعالیت آنها می گذرد و تحت تأثیر هیچ حکومت سیاسی قرار نگرفتند، از خداوند متعال می خواهیم که امنیت، آرامش، آزادی و استقلال را به بغداد بازگرداند تا همانند دروان شکوفایی علمی خود پذیرای این تحول علمی باشد؛ چرا که در آن زمان همچنان که شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی را در خود پروراند، ابوحنیفه، شیبانی، غزالی و گیلانی را نیز توانست پروراند. و در آن طلاب علوم دینی در هر یک از دو مکتب، علوم مکتب دیگر را نیز فرا می گرفتند، به طوری که گاهی برخی آنچنان در هر دو مکتب مسلط بودند که امکان شناخت

وابستگی حقیقی آنها میسر نبود ، در آن دوران شیخ طوسی کتاب الخلاف را تألیف کرد ، که در آن نظرات همه علمای اسلام را از تمام مذاهب با ذکر ادله آنها جمع آوری کرد و نظرات صحیح را از میان آنها انتخاب می کرد .

در اینصورت یک پژوهشگر خواهد دید (همانطور که بنده از درسی که در حوزه علمیه نجف اشرف در رابطه با مسائل اختلافی ارائه می کردم ، یافتم) که منبع یکی است و بسیاری از احادیثی که به آنها استناد می کنیم با یکدیگر مطابقت دارند و تفاوتی را بین آنها احساس نخواهد کرد و آن را صرفاً یک بحث علمی می بیند که مستند به یک سری ادله است ، و از این همه اختلاف و فاصله میان مسلمانان تعجب خواهد کرد .

ص: 42

مشارکت زن در مهمترین مسائل جامعه در کنار مرد (به عنوان مثال حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام))

بسم الله الرحمن الرحيم

مرحوم سید صالح حلی می گوید:

قد ورثت زینب من أمها *** کلّ الذي جرى عليها وصار

(زینب کبری هر آنچه که بر مادرش پیش آمده را به ارث برده است)

وزادت البنت علی أمها *** من دارها تُهدى إلى شَرِّ دأ

(هر چند که زیاده بر مادر خود، از خانه خود به سوی بدترین خانه به اسارت برده شد)

و همچنین مرحوم سید رضا هندی می گوید:

بأبي التي ورثت مصائب أمها *** فغدت تقابلها بصبر أبيها

(دختری که مصیبت‌های مادرش را به ارث برده ... در مقابل آنها با صبر پدر خویش ایستادگی می کند)

لم تلهو عن جمع العیال وحفظهم *** بفراق إخوتها وفقد بنیها

(در فراق برادران و فرزندان خویش لحظه ای از مراقبت از اهل و عیال غافل نشد)

حضرت زینب (علیها السلام) عقیده بنی هاشم پس از مادر خود حضرت زهرا (علیها السلام) سرور زنان عالم، صرفاً یک سری مصیبت‌های متعارف را به ارث نبرده است، بلکه از مادر خود مواضع تاریخی را به ارث برده که شجاعترین و با شهامت ترین مردان هم توان تحمل آنها را ندارند.

حضرت فاطمه (علیها السلام) مونس و همدم پدر خود (صلی الله علیه و آله) در سختی‌ها و مشکلات بود. به طوری که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در طول دوران رسالت خویش هنگام سختی‌ها به نزد فاطمه می آمد، و فاطمه غم‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سنگینی بار مشکلات ایشان را کاهش می داد، حضرت زینب نیز پس از مادرش صدیقه طاهره برای پدر خود امیر المؤمنین (علیه

السلام) و برادر خود امام حسین و فرزند او حضرت سجاد (علیهم السلام) نیز اینگونه بود .

حضرت فاطمه به صورت اجباری همراه با پدر خویش (صلی الله علیه و آله) از مکه مهاجرت کرد و او را وادار کردند که موطن و نزدیکان خود را ترک کند ، حضرت زینب نیز همراه برادر خویش (علیه السلام) به دلیل ظلم یزید و تهدید امام به قتل ، از مدینه به سوی مکه و از آنجا به عراق مهاجرت کرد .

حضرت زهرا (علیها السلام) همراه با پدر خویش (صلی الله علیه و آله) در جنگهای احد و احزاب مشارکت داشت و زخم های پدر خود را مداوا می کرد ، و ذوالفقار

شمشیر امیر المؤمنین (علیه السلام) را از آثار خون پاک می کرد ، حضرت زینب (علیها السلام) نیز در کربلا همراه با برادر خود (علیه السلام) حاضر بود ، و در کربلا دید آنچه را که نباید ببیند .

حضرت زهرا (علیها السلام) برای دفاع از امام خود امیر المؤمنین (علیه السلام) و احقاق حق او در مسجد نبوی (صلی الله علیه و آله) حاضر شد ، و برای اصلاح مسیر امت و حمایت از دین و جلوگیری از انحراف همه تهمتها را با ادله ای محکم و قاطع رد کرد ، حضرت زینب (علیها السلام) نیز در کوفه و شام و در تمام مراحل اسارت سخنرانی های کوبنده ای را جهت رسوایی مدعیان خلافت مسلمین ایراد فرمود ، کسانی که از انجام ظالمانه ترین جنایات و هتک حرمت بزرگترین مقدسات که یکی از آنها قتل ریحانه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود ، هیچ ابایی نداشتند .

وجوه مشترک زیادی بین این دو بانو وجود دارد ، ولی آنچه که بر حضرت زینب (علیها السلام) وارد آمده بسیار سخت تر و دردناکتر از آن چیزی است که بر حضرت زهرا (علیها السلام) وارد آمد ؛ چرا که حضرت زهرا (علیها السلام) در لباس اسارت از شهری به شهر دیگر منتقل نشد تا در برابر بدترین خلق خدا قرار گیرد ، بلکه حرمت آن حضرت هنگام ورود به مسجد نبوی (صلی الله علیه و آله) حفظ شد ، و خیمه های او را آتش نزدند تا آواره بیابان شود ، و دیگر مصیبت هایی که غم بزرگی را بر دل اهل بیت (علیهم السلام) بر جای گذاشت .

نقشی که حضرت زهرا (علیها السلام) آن را ایفا کرد هیچ کس حتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) نمی توانست آن را ایفا کند ؛ چرا که در آنصورت دشمنان او خواهند گفت که علی جوان جو یای نامی است که به دنبال رسیدن به قدرت و

اعمال نفوذ بر بزرگان قوم خویش است و با این کار بر حقیقت سرپوش می گذاشتند و مردم را گمراه می کردند ، اما حضرت زهرا (علیها السلام) مبرا از هر گونه تهمت و اشکال بود ، در واقع اگر نهضت مبارک فاطمی اتفاق نمی افتاد هیچ گاه حق امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امامت ایشان بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ثابت نمی شد .

و به همین شکل اگر خطبه های رسا و آتشین حضرت زینب (علیها السلام) نبود ، ارزشهای امام حسین (علیه السلام) و اهداف قیام او شناخته و منتشر نمی شد ؛ چرا که دستگاه تبلیغاتی امویان بسیار قوی بود و براحتی می توانست حقایق را تغییر دهد ، به طوری که امام حسین (علیه السلام) و یاران ایشان را مجموعه از آشوبگران معرفی کردند که بر حاکم خود شورش کرده اند و به دنبال ایجاد آشوب و فتنه بودند و به همین جهت آنها را سرکوب کردند ، و به این ترتیب خونهای پاک آنها در صحرای کربلا بیهوده هدر می رفت ؛ زیرا کسی جز سپاه ظالم اموی در آنجا حاضر نبود تا حقایق را به دیگران منتقل کند .

مساله (امامت) و خلافت بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از بزرگترین ، خطرناکترین و تأثیرگذارترین مسائل جهان اسلام پس از مساله توحید است ، که وظیفه تبیین ، تثبیت پایه ها و اصلاح انحراف ها در آن را دوزن ایفا کردند ، یعنی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) سرور زنان عالم و دختر ایشان حضرت زینب (علیها السلام) عقلیه بنی هاشم .

نتیجه ای که از آنچه بیان شد بدست می آید ، این است که زن می تواند در مهمترین مسائل امت و در بزرگترین چالشهایی که با آن روبه رو است ، هم دوش با مردان نقش خود را ایفا کند ، و صرفاً زن بودن نباید توجیهی برای کوتاهی در انجام وظایف باشد ، البته باید دقت کنیم نقشی را که زن ایفا می کند باید متناسب با ویژگی های او باشد .

جامعه امروز ما با مشکلات و چالشهای فراوانی مواجه است ، که نقش زن در مواجهه با آنها می تواند بسیار مهم باشد ، یکی از مسائلی که زن می تواند در آن نقش مهمی را ایفا کند ، مساله تبلیغ احکام شرعی ، نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام) ، امر به معروف و نهی از منکر و آموزش معارف دینی به مردم است ؛ چرا که جهل در میان مردم منتشر شده است و

بسیاری از مردم خصوصاً زنان نسبت به احکام شرعی اطلاعات کافی را ندارند ، و این وضعیت مطمئناً آن چیزی نیست که خداوند متعال ، پیامبر و اهل بیت ایشان (سلام الله علیهم اجمعین) از ما انتظار دارند .

زن می تواند بسیاری از مشکلات و ناهنجاریهای اجتماعی را حل کند ، یکی از این مشکلات اجتماعی مساله طلاق است که در سالهای اخیر به شدت در حال افزایش است ، به طوری که آمار طلاق در بعضی از دادگاه ها به 30 و یا 40 در صد رسیده است ، یعنی تقریباً یک سوم ازدواج ها به طلاق کشیده می شود ، این نتیجه بسیار تأسف باری است ؛ زیرا خداوند متعال به همان اندازه که ازدواج را دوست دارد نسبت به طلاق کراهت دارد ، در روایتی از امام باقر (علیه السلام) نقل است که می فرماید : (رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید : هیچ بنایی در اسلام محبوبتر از ازدواج بنا نشده است) (1) در واقع طلاق ویران کردن محبوبترین بنای خداوند متعال است ، و آثار ناگوار اجتماعی آن بر جامعه و خصوصاً کودکان بر کسی پوشیده نیست .

به همین جهت یک حرکت بزرگی باید انجام شود که در آن زنان و مردانی که بدنبال کسب رضایت الهی هستند ، با یکدیگر جمع شوند و بررسی کاملی برای شناخت عوامل افزایش این پدیده ناگوار انجام دهند . یکی از عواملی که به قبل از ازدواج باز می گردد عدم انتخاب صحیح است ، که علت آن توجه نکردن به ملاکهای حقیقی انتخاب همسر است ، در روایت شریف آمده (اگر کسی به نزد شما آمد که از اخلاق و تدین او راضی هستید ، او را ازدواج دهید ، در غیر اینصورت در زمین فتنه ایجاد می شود و فساد بزرگی رخ خواهد داد) (2) همچنین روایتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد انتخاب همسر آمده ، که می فرماید : (برای مرد پس از قبول اسلام ، هیچ سودی بهتر و برتر از همسری با یک زن مسلمان نیست ، زنی که مرد با دیدن او خوشحال شود ، هنگامی که او را امر کند اطاعت کند و در غیاب شوهر ، حافظ عفت خویش و اموال وی باشد) (3) .

ص: 46

1-74 - وسائل الشیعه، کتاب نکاح، بخشهای مقدمات، فصل 1، ح 4.

2-75 - وسائل الشیعه، کتاب نکاح، بخشهای مقدمات، فصل 28، ح 1.

3-76 - وسائل الشیعه، کتاب نکاح، بخشهای مقدمات، فصل 9، ح 10.

بر همین اساس ازدواج کردن به دلیل داشتن ثروت، موقعیت خوب و یا زیبایی ظاهری بدون در نظر گرفتن تدین، اخلاق نیکو، عفت، اصالت و خانواده محترم اساس مشکلات است.

بخش دوم عوامل طلاق مربوط به بعد از ازدواج است، مانند سوء استفاده مرد از قیومیت خود بر زن و تأثیر پذیری از آداب و رسوم اجتماعی نادرست از قبیل ضرورت سخت گیری بر زن تا حدی که ممکن است باعث ظلم بر زن شود، اما از طرف زن می تواند عدم تحمل شرایط همسر و درک نکردن وضعیت او باشد، و یا اینکه بعضی از نکات منفی همسر خود را بیش از اندازه بزرگ کند، یا اینکه مسائلی که بین او و همسرش پیش می آید را با دیگران در میان بگذارد و باعث دخالت آنها در زندگی مشترک خود شود، و یا شان خود را بسیار بزرگتر از همسر خود ببیند و عواملی از این قبیل.

به هر حال مسأله بسیار مهم و خطرناکی است که نیازمند زمان زیادی برای بررسی عوامل و ارائه راه حل برای آنها است، و نیاز به مشارکت گروهی مختلفی از حوزه های علوم دینی، قضات، جامعه شناسان، روانشناسان، پزشکان و غیره دارد.

چه مقامی بالاتر از آن است که انسان برای غضب الهی غضبناک شود و با رضایت خداوند متعال، راضی شود {پس خدا دعاهای ایشان را اجابت کرد که البته من (که پروردگارم) عمل هیچ کس از مرد و زن را بی مزد نگذارم} (1).

ص: 47

1- - فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى (آل عمران: 195).

سنت زیارت مخصوص امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سالروز وفات حضرت زهرا (علیها السلام)

حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) حق بزرگی را بر امت اسلامی دارد؛ زیرا با شجاعت و صلابت از مسیر صحیح حرکت اسلام دفاع کرد و در برابر انحراف ایستادگی کرد، اگر موضع گیری بزرگ ایشان نبود هیچ چیزی از اسلام اصیل محمدی باقی نمی ماند و دستان تزویر و کینه و حسادت آن را بازیچه خود قرار می دادند.

آن حضرت با مظلومیت خود و با تشییع و دفن شبانه و مخفی ماندن قبر مبارکش، موضع بزرگ خود را در تاریخ ثبت کرد، و پرسشی دردناک و مهم را در ذهن آیندگان باقی گذاشت:

ولأی الأمور تدفن لیلاً*** بضعة المصطفیٰ و یُعفی ثراها؟

(به چه دلیلی باید دخت مصطفیٰ شبانه دفن شود و اثری از قیر او باقی نماند؟)

او همان کسی است که در کتاب خدا و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مورد ستایش، تکریم، تقدیس، تطهیر و تفضیل قرار گرفته است، به همین جهت حضرت زهرا (علیها السلام) عامل هدایت نسلها و رسیدن آنها به نور حق بوده است، به طوری که یکی از این اشخاص هدایت شده کتابی را با عنوان (با نور فاطمه هدایت شدم) تألیف کرده است.

به هر اندازه که یاد حضرت زهرا (علیها السلام) را زنده نگه داریم و مظلومیت او را متذکر شویم و مواضع درخشان او را یاد آور شویم، به همان اندازه در حفظ مسیر امت از انحراف کمک کرده ایم.

به همین جهت محبان آن حضرت و داغداران مصیبت ایشان و آرزومندان شفاعت، که بر حسب روایت شریفه حضرت (علیها السلام) شیعیان و محبان خود را در روز قیامت همانند پرندۀ ای که دانه خوب را از دانه خراب جدا می کند، از صف دیگران جدا خواهد کرد، باید برای اقامه یک سنت مبارک که مطابق با الهام گرفتن از این حدیث شریف (هر کس سنت نیکویی را بناگذارد برای او پاداش آن سنت و پاداش هر کس که به آن عمل کند خواهد بود) آماده شوند، که آن زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سالروز شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) بر اساس روایت سوم است که اهل تحقیق به

آن عمل می کنند ، یعنی در روز سوم جمادی الثانی که امسال در روز پنج شنبه 29 / 6 / 2006 قرار گرفته است . البته این نکات باید مورد توجه قرار گیرند :

1- زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) از مستحبات اکید در هر حال زمانی است ، و دعوت به آن و مقید شدن به آن از کارهای محبوب نزد خداوند متعال است .

2- گذشتگان ما حدودا هشتاد سال پیش سنت زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در روز وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایجاد کرده بودند ، به جهت اینکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) عزادار پسر عموی خود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده است ، و با وجود اینکه در سالهای ابتدایی توجه لازم به آن نشده بود ولی در سالهای بعد مورد توجه ویژه قرار گرفت به طوری که میلیونها نفر در این زیارت شرکت می کردند ، و سنت حسنه و صدقه جاریه ای برای کسانی شد که آن را اقامه کردند . فرزندان این نسل هم باید برای اقامه چنین سنت شریفی اقدام کنند تا در طول سالیان متمادی صدقه جاریه ای برای آنها باشد ، این دو مناسبت در حقیقت با یکدیگر مشترک هستند ؛ زیرا شهادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بر امیر المؤمنین (علیه السلام) بسیار سخت گذشت ب جهت اینکه حضرت فاطمه (علیها السلام) عامل تسلی ایشان در سوگ فراق پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

3- برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) مناسبتهای زیارتی وجود دارد که در چهار بخش سال تقسیم شده اند ، در بخش اول سال این زیارت در سالروز وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام می شود و در بخش سوم سال مربوط به بعثت مبارک پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می باشد و در بخش چهارم سال در عید غدیر انجام می شود ، ولی در بخش دوم سال مناسبت زیارتی برای آن حضرت وجود ندارد که این مناسبت می تواند فرصتی برای تداوم ارتباط با امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد .

اگر این مناسبت به صورتی درست و مناسب شکل بگیرد و زائران در قالب یک هیئت بزرگ حرکت کنند و در جلوی آنها تشیع نمادین 1- پیکر حضرت زهرا (علیها السلام) بر دوش سادات صورت گیرد، خصوصا اگر این افراد لباس روحانی پوشیده باشند، به طور حتم یک انقلاب حقیقی بر ضد ظلم و انحراف و یادآور تمام سؤالاتی خواهد بود که حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) برای آیندگان باقی گذاشت.

5- ما با این اقدام مبارک دل پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) ایشان و خصوصا حضرت بقیة الله الأعظم (عج) را شاد خواهیم کرد، و باعث زنده نگه داشتن یاد آنها خواهیم شد (یاد ما را زنده کنید خداوند رحمت کند هر که یاد ما را زنده کند).

6- ما تأسیس سنتی مبارک اینچنینی را در موسم حج تجربه کردیم، به طوری که در سال 1424 که به سفر حج مشرف شدیم به دوستان خود توصیه کردیم هنگامی که در طواف یکی از آنها این دعا (اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن...) را خواند، همه با هم با صدایی بلند با او همراهی کنند، تا توجه مسلمانان را به امام بر حق خود جلب کنند، و هنگامی که این کار را کردند، حجاج بسیاری از کشورهای مختلف که پیرو اهل بیت (علیهم السلام) هستند با ما هم صدا شدند، خوشبختانه این سنت شریفه در این موسم حج (1426) گسترش پیدا کرد به طوری که باعث تعجب و نگرانی حسودان شد، ولی آنها نمی توانند در برابر این موج عظیم کاری انجام دهند، از سویی دیگر این صداها، باعث توجه مسلمانان در نقاط مختلف جهان به شخص مورد نظر در این دعا شد و به پرسش و تحقیق در مورد ایشان پرداختند که در نتیجه تبلیغ مسأله مهدویت بسیار گسترش پیدا کرد.

7- امت اسلامی در حق صدیقه طاهره کوتاهی کرده است و هیچ گاه در حد مقام قدسی سرور زنان عالم به آن اهتمام نداشته است، و

مناسبت‌هایی هم که پیش می‌آید صرفاً با یک سری فعالیت‌های ضعیف و بدون مشارکت اکثریت مردم انجام می‌شود، لذا بایستی با یک اقدام قوی وجدان امت اسلامی را به حرکت درآوریم.

8- ما در سایه برکت حضرت زهرا (علیها السلام) زندگی می‌کنیم و امید شفاعت ایشان را داریم، و بواسطه برپایی شعائر آن حضرت که در طول تاریخ تجربه شده است خداوند متعال بسیاری از بلاها را از ما دور کرده است، بر همین اساس باید در جهت زنده نگه داشتن یاد حضرت زهرا (علیها السلام) و برگزاری پرشور مراسمات آن حضرت تلاش کنیم تا خداوند متعال برکات و خیرات بیشتری بر ما نازل کند و رحمت خود را بر ما وسیعتر فرماید و از او بخواهیم تا بلاها را از ما دور کند.

همچنین بهتر است که مبلغان و سخنرانان و افراد فرهیخته از روایت دوم در تاریخ شهادت صدیقه طاهره (علیها السلام) که در تاریخ (13-15/ جمادی الأول) قرار دارد، استفاده کنند، تا مردم را برای انجام این مراسم آماده کرده و مقدمات و برنامه ریزی‌های لازم برای برگزاری باشکوه آن در قالب یک موبک بسیار بزرگ را انجام دهند، و همه مؤسسات دینی، سیاسی و فرهنگی آمادگی خود را برای مشارکت و مواظبت بر برگزاری این سنت حسنه اعلام کنند و از هر گونه پشتیبانی که از عهده آنها بر می‌آید کوتاهی نکنند.

{و بگو که عمل کنید خدا آن عمل را می‌بیند و هم رسول و مؤمنان بر آن آگاه می‌شوند} (1).

محمد یعقوبی - نجف اشرف

2006/5/20 - 1427/2/22

ص: 51

1- - وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ (توبه : 105).

حمایت مراجع تقلید و مردم از مراسم بزرگداشت شهادت حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام)

کارگروه مرکزی برگزاری مراسمات شهادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) در نجف اشرف با تعدادی از مراجع عظام تقلید در نجف اشرف و کربلای معلی دیدار کرد، و توضیحاتی در مورد این طرح بیان کردند و تأکید کردند که این طرح نیازمند توجه ویژه و فراهم کردن فضایی متناسب با این مراسم بزرگ است، تا بتوان از مواضع اعتقادی قهرمانانه حضرت زهرا (علیها السلام) در جهت صیانت از مسیر صحیح اسلام استفاده کرد، و با بهره گیری از رهنمودهای آن حضرت بتوانیم در این مسیر قدم برداریم، در ادامه علمای اعلام از این طرح مبارک استقبال کردند و برای آن آرزوی موفقیت کردند.

همچنین شیوخ عشایر و بزرگان شهر نجف اشرف، آمادگی خود را برای خدمت به زائران امیرالمؤمنین (علیه السلام) که از شهرهای مختلف عراق می آیند، اعلام کردند، و تأکید کردند که تمام تلاش خود را در جهت برگزاری هر چه بهتر این مراسم انجام خواهند داد.

این کارگروه برای نظم بخشیدن به این مراسم نکاتی را یادآور شد:

1- ایجاد یک کارگروه محلی از دفاتر دینی، سیاسی و عشایری در هر یک از شهرها، برای فراهم ساختن وسایل نقلیه، جمع آوری وجوهات شرعی و کمک های مردمی برای تأمین هزینه ها و محافظت از موكبها و ساماندهی حرکت و اقامت آنها در نجف اشرف.

2- مراسم با حول قوه الهی رأس ساعت 10 صبح روز پنج شنبه 1427/2/3 مصادف با 2006/6/29 در میدان ثورة العشرین در نجف اشرف برگزار می شود و در صحن شریف حیدری پایان می یابد.

3- اهالی شهرهای جنوبی که فاصله زیادی با شهر نجف اشرف دارند ان شالله عصر روز چهارشنبه حرکت خود را آغاز کنند

، چادرهای نصب شده در میدان الصدرین که در ورودی شهر نجف از سمت کوفه واقع شده است ، پذیرای آنها خواهد بود .

4- وعده های غذای ناهار روز پنجشنبه در مناطق مختلفی از شهر نجف اشرف در میان زائران محترم توزیع می شود .

5- بنرها و نوحه های موکب ها باید برگفته شده از حرکت آسمانی حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) و سخنان پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) در حق ایشان باشد. و از بلند کردن عکس و یا نام شخصیتی معین و یا گروهی خاص جدا پرهیز شود .

6- ضرورت پایبندی به اخلاق و رفتار محترمانه که متمایز کننده پیروان اهل بیت (علیهم السلام) و در شأن این شهر مقدس است .

ص: 53

بزرگداشت مراسم عزاداری فاطمی در نجف اشرف

هزاران نفر از عاشقان حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) دعوت مرجعیت را برای برپایی یک سنت مبارک در زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و عزاداری برای ایشان به مناسبت شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) در سوم جمادی الثانی را لبیک گفتند. هزاران نفر از مشتاقان شفاعت حضرت زهرا (علیها السلام) از شهرهای بغداد، بصره، ناصریه و عماره از عصر روز چهارشنبه دوم جمادی الثانی در شهر نجف اشرف حضور پیدا کردند، و شب را در چادرهایی که برای آنها تدارک شده بود سپری کردند، سپس در صبح روز پنجشنبه سوم جمادی الثانی موافق با 2006/6/29 موبک های عزاداری از شهرهای مختلف عراق به آنها ملحق شدند و مراسم رأس ساعت 10 صبح با تلاوتی آیاتی از کلام الله مجید آغاز شد. سپس حضرت آیت الله العظمی یعقوبی در میدان ثورة العشرین سخنان خود را در میان هزاران عزادار ایراد فرمودند، پس از آن طلاب علوم دینی و سادات محترم پیکر نمادین حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) را بر دوش خود گرفتند و سایر طلاب علوم دینی در نجف اشرف و نمایندگی های دانشگاه علوم اسلامی الصدر از شهرهای مختلف آنها را همراهی کردند، و صحنه ای غمگین و دردناک را ایجاد کردند، در نهایت مراسم در صحن شریف حیدری پایان یافت.

شرکت کنندگان در مراسم با رعایت نظم و با رفتار شایسته خود مورد تمجید بزرگان نجف و شیوخ عشایر واقع شدند، کسانی که تلاشهای فراوانی را در جهت خدمت رسانی به زائران امیر المؤمنین (علیه السلام) انجام دادند، همچنین ادارات دولتی که مسئول خدمت رسانی به مردم بودند وظایف خود را در تأمین امنیت و ساماندهی عبور و مرور به خوبی ایفا کردند، که در نتیجه همه این تلاشها، این مراسم در کمال نظم و شکوه انجام شد که می تواند الگویی نمونه برای سایر زیارتها و مراسمات میلیونی دیگر باشد.

از خداوند متعال مسألت دارم که به حق حضرت زهرا (علیها السلام) این عمل را از همه ما قبول فرماید و جزای خیر به همگان عطا کند و بلاها را از این مردم مظلوم دور کند و آرزوهای آنان را در دنیا و آخرت برآورده کند.

فاطمه زهرا (علیها السلام) : معیار حق

فاطمه زهرا (علیها السلام) : معیار حق (1)

بسم الله الرحمن الرحيم

{ ما به تو کوثر عطا کردیم * پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن * همانا دشمنت بی تبار خواهد بود } (2)

السلام عليك يا رسول الله، السلام على أمين لله على وحيه وعزائم أمره. الخاتم لما سبق والفتاح لما استقبل والمهيمن على ذلك كله ورحمة الله وبركاته.

السلام عليك يا سيدي يا أمير المؤمنين ومولى المتقين علي بن أبي طالب ورحمة الله وبركاته.

شهادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) را به همه شما تسلیت عرض می کنم ، و حضور شما را در این مقام محمود در کنار بارگاه ملکوتی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را تبریک عرض می کنم .

سروران من دل‌های مؤمنان آکنده از حزن و اندوه است و سختی این مصیبت بر آنها آسان نخواهد شد مگر اینکه انتقام مظلوم از ظالم گرفته شود ، و حق به صاحب آن بازگردد ، و بندگان صالح خداوند وارثان زمین و اهل آن شوند ، و یا اینکه خداوند متعال دیدار و همراهی شما را نصیب ما گرداند .

عزیزان من :

ارزش فاطمه (علیها السلام) را کسی نمی داند مگر خالق فاطمه که او را جزء اهل بیتی قرار داده که هر گونه پلیدی و ناپاکی را از آنها دور کرده است ، و پدر فاطمه یعنی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که صادق و امین است و خداوند متعال درباره او می فرماید : { و هرگز به هوای نفس سخن نمی گوید

ص: 55

1- 79 - سخنرانی حضرت آیت الله العظمی یعقوبی (دامت برکاته) در تجمع هزاران نفری عاشقان حضرت زهرا (علیها السلام) که از شهرهای مختلف عراق در میدان ثوره العشرین جهت برپایی مراسم عزاداری فاطمی در سالروز شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) در روز پنج شنبه سوم جمادی الثانی 1427 مصادف با 29/ 6/ 2006 کنار هم جمع شدند . این اجتماع در پاسخ به دعوت حضرت آیت الله یعقوبی برای زیارت حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) در سالروز شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) برپا شد .

2- - إنا أعطيناك الكوثر، فصل لربك وانحر، إن شائتك هو الأبتَر (کوثر: 1-3).

سخن او هیچ غیر وحی خدا نیست {1}، {اگر پیامبر} از دروغ به ما برخی سخنان را می بست * محققا ما او را (به قهر و انتقام) از یمینش می گرفتیم * و رگ و تیش را قطع می کردیم {2}، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: (فاطمه پاره تن من است هر آنچه او را بیازارد مرا آزار داده است) و همچنین در خطاب به فاطمه (علیها السلام) می فرماید: (خداوند متعال برای غضب تو غضبناک می شود و برای رضای تو راضی می شود)، آن حضرت معیار حق است و بواسطه ایشان راه حق شناخته می شود و رضایت خداوند رحمان بدست می آید، هر کس ولایت فاطمه را نداشته باشد و در مسیر او قدم بر ندارد و فاطمه را معیار تشخیص حق از باطل قرار ندهد، هیچ گاه به هدف مطلوب نخواهد رسید، خداوند متعال و رسول گرامی او فاطمه را اینگونه برای امت می خواستند تا مانع گمراهی و انحراف امت شود

ولی امت غافل که پیرو هواهای نفسانی و تسلیم بیماری های روانی و عقده های اجتماعی خویش بود، از فاطمه (علیها السلام) دوری کرد، و به موعظه های حضرت زهرا (علیها السلام) و هشدارهای او گوش نکرد، حضرت فرمود: (چه نیک داوری است خداوند و چه نیکو دادخواهی است پیامبر و چه نیکو وعده گاهی است قیامت، در آن ساعت و در آن روز اهل باطل زیان می برند، ولی پشیمانی به آنها سودی نمی رساند، برای هر خبری قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوارکننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد و عذاب جاودانه که را شامل می شود). حضرت (علیها السلام) همچنین فرمود: (وای بر شما آیا آن کس که مردم را به راه راست فرا می خواند سزاوار پیروی است یا آنکه خود راه را نمی داند؟ وای بر شما! چه بد داوری می کنید؟! به جان خودم سوگند که نطفه این بسته شده است، انتظار بکشید تا این فساد در پیکر جامعه اسلامی منتشر شود، سپس از سینه شتر خون و زهری که هلاک کننده است، خواهید دوشید، در اینجاست که جویندگانه باطل زیان می بینند، مسلمانانی که در پی خواهند آمد در می یابند که احوال مسلمانان صدر اسلام چگونه بوده است

ص: 56

1- وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (نجم: 3-4).

2- وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ، لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ، ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (حاقه: 44-46).

، قلبتان با فتنه ها آرام خواهد گرفت ، و بشارتتان باد به شمشیرهای کشیده و بران و حمله جائر و متجاسر ستمکار و درهم شدن امور همگان و خود رأیی ستمگران ، غنایم و حقوق شما را اندک خواهند کرد و جمع شما را با شمشیرهایشان دور خواهند کرد و شما جز میوه حسرت چیزی برداشت نخواهید کرد ، کارتان به کجا خواهد انجامید ؟ در حالی که « حقایق امور بر شما مخفی گردیده است ، آیا شما را به کاری وادارم که از آن کراهت دارید؟ »

این سخن خداوند متعال بر آنها منطبق شد {محمد (صلی الله علیه و آله) جز یک پیامبر نیست که پیش از او نیز پیغمبرانی بودند و درگذشتند، آیا اگر او به مرگ یا شهادت درگذشت شما باز به دین جاهلیت خود رجوع خواهید کرد؟ پس هر که مرتد شود به خدا ضرری نخواهد رسانید، و البته خدا جزای نیک اعمال به شکرگزاران عطا کند} (1).

آنها بر در خانه حضرت زهرا (علیها السلام) هجوم آوردند ، در خانه ای که به دستور خداوند متعال باز باقی ماند و همه درهای منتهی به مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) بسته شدند ، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای نشان دادن جایگاه والای آن حضرت هیچ گاه از آن وارد نمی شد مگر اینکه از ایشان اجازه می گرفت ، ولی این در را به آتش کشیدند و سرور زنان عالم را زدند و فرزندی را که در شکم داشت ساقط کردند و ارث پدری او را غصب کردند ، و بیعت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را زیر پا گذاشتند ، به همین جهت آن حضرت برای دفاع از حق خود و دفاع از امام بر حق از خانه خارج شد تا مقدس مآبانی که با معیارهایی باطل امت را گمراه ساخته و به معیار حق - حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) مظهر غضب و رضای الهی بر اساس نص صریح روایات شریفه - پشت کردند را رسوا کند .

حضرت زهرا (علیها السلام) در برابر ظالمان و منحرفان و تاجران دین و کسانی که به ناحق بر گردن امت سوار شده اند ساکت ننماند ، و این انقلاب را با ایجاد پرسشهایی در ذهن آیندگان جاودان کرد ، و هر طالب حقی را به تحقیق و جستجو واداشت تا با نور فاطمه هدایت شود.

ص: 57

1- - وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُدَّرَ اللَّهُ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (آل عمران: 144).

چرا فاطمه (علیها السلام) باید در سن هجده سالگی این دنیا را ترک کند؟ چرا شبانه و به طور مخفیانه باید به خاک سپرده شود، و هیچ یک از اصحاب پیامبر به جز تعداد اندکی که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و خود آن حضرت آنها را انتخاب کرده بود در تدفین پیکر مقدس آن حضرت شرکت نکردند؟ این چه جنایتی بود که امت در حق حضرت فاطمه (علیها السلام) و پدر ایشان (صلی الله علیه و آله) مرتکب شد و خود را از این نعمت بزرگ محروم کرد؟ آیا پاداش رسالت پیامبر (علیها السلام) باید جنایت در حق تنها یادگار او باشد؟ در حالی که خود پیامبر با نص صریح قرآن می فرماید: {بگو: من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندان منظور دارید} (1).

عزیزان من:

حضور در مراسم شهادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) صرفاً برای زنده کردن یک قضیه تاریخی نیست، بلکه هدایت به مسیری است که آن حضرت (علیها السلام) برای ما ترسیم کرده و به آن راضی است؛ چرا که رضایت او دلیل رضایت خداوند متعال و غضب او دلیلی بر غضب حضرت حق است.

هدف از این مراسم بازگشت به توحید ناب و آزادی از اسارت هواهای نفسانی و خودپرستی و منافع شخصی و اطاعت از طاغوتیان و تقدیس گذشتگان و دیگر بتهایی است که مانع رسیدن عقل و قلب انسان به آزادی حقیقی می شوند.

حضور در این مراسم به معنای مقابله با ظلم و فساد و انحراف و سوار شدن به ناحق بر گردن امت است و همچنین به معنای وحدت حقیقی امت در زیر سایه رهبری بر حق است، آن حضرت (علیها السلام) فرمود: (خداوند تبعیت از ما را مایه نظم امت و امامت ما را مایه وحدت آن قرار داد).

آیا گمراهی و سرگردانی بشریت را نمی بینید که درگیر جنگهای مختلف است و قتل و کشتار در آن بیداد می کند، ما در عراق روزانه دهها شخص بیگناه را از دست می دهیم و هیچ توافق نامه ملی و یا گنگره آشتی

ص: 58

ملی و یا گفتگو و یا دیگر گنگره های وحدت و اینگونه عناوین توخالی فایده‌های برای این امت نداشته است؛ چرا که بر یک پایه صحیحی قرار نگرفته اند، و با نیت‌های خالصانه ای که ارزش‌های والای انسانی را مد نظر قرار دهند، انجام نشده است، بلکه برای دستیابی به منافع شخصی و یا حزبی صورت می‌گیرد که باعث شکل‌گیری خود محوری و حاکم شدن قانون جنگل می‌شود که در آن جز ظلم و خشونت و تجاوز به حقوق دیگران چیزی بدست نمی‌آید.

ای عزیزان زهرا (علیها السلام):

شما با این کار مبارک خود برای نسل‌های آینده سنت مقدسی را تأسیس می‌کنید که در آن همه ارزش‌های نهضت والای حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) زنده می‌شود، قضیه حضرت زهرا را دوباره زنده می‌کنیم تا جهان آن را بشناسد، وقت آن رسیده تا امت حق حضرت زهرا (علیها السلام) را بشناسد، و بی توجهی و غفلت هزار و چهارصد ساله خود را کنار بگذارد، پس با استقامت و جهاد خود در این راه این سنت شریفه را استوار کنیم؛ زیرا حضرت امام صادق (علیه السلام) این کار را از اقسام جهاد برشمرده و می‌فرماید: (اما جهادی که سنت است، هر کس سنتی را اقامه کند و برای ثابت و زنده ماندن آن تلاش کند، همانا که تلاش و عمل او از بهترین اعمال است؛ چرا که یک سنت را تأسیس کرده است، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: هر کس سنت حسنه ای را ایجاد کند پاداش آن و پاداش عاملان به آن تا روز قیامت بدون اینکه ذره ای از آن کم شود نصیب او خواهد شد).

پس از امروز باید با تلاشی مضاعف و با بهره‌گیری از همه وسائل ارتباطی و رسانه ای مسیر حقی که حضرت فاطمه (علیها السلام) آن را ترسیم کرده است را برای تمام بشریت معرفی کنیم، و مطمئناً یاری و تأیید الهی پشت شما خواهد بود، شما امروز می‌بینید که جهان به معارف والای اهل بیت (علیهم السلام) توجه کرده است و چشمان خود را به روی اسلام جدیدی باز کردند، اسلامی متفاوت با تصویر غلطی که دشمنان حضرت زهرا (علیها السلام) و ادامه دهندگان راه آنان تا به امروز از اسلام ایجاد کرده بودند.

امروز فرصت‌های هدایت به سوی مسیر حق بسیار بزرگ است پس آنها را به برکت وجود مبارک حضرت زهرا (علیها السلام) غنیمت بشمارید.

همواره این توصیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به حضرت علی (علیه السلام) را به یاد بیاورید که می فرماید: (ای علی اگر خداوند متعال یک شخص را توسط تو هدایت کند، از آنچه که خورشید بر آن طلوع و غروب کرده برای تو بهتر خواهد بود).

ای شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) که همین عنوان برای عزت و افتخار شما کافی است. ما امروز در اینجا در شهر نجف اشرف در کنار هم جمع شده ایم تا برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) عزاداری کنیم که در مثل این روزی بر قبر حضرت زهرا (علیها السلام) نشسته بود و با انگشتان خود خاک ها را کنار می زد و با چشمانی اشک آلود می فرمود: (سلام بر تو ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، سلامی از طرف من و دخترت که هم اکنون در جوارت فرود آمده و شتابان به شما رسیده است. ای پیامبر خدا، صبر و بردباری من با از دست دادن فاطمه (علیها السلام) کم شده، و توان خویشتنداری ندارم اما برای من که سختی جدایی تو را دیده، و سنگینی مصیبت تو را کشیدم، شکیبایی ممکن است، این من بودم که با دستان خود تو را در میان قبر نهادم، و هنگام رحلت، روح بزرگ تو در میان سینه و گردنم عروج کرد. همه ما از خداییم و به خدا باز می گردیم. پس امانتی که به من سپرده بودی برگردانده شد و به صاحبش رسید. از این پس اندوه من جاودانه، و شبهایم، شب زنده داری است، تا آن روز که خدا خانه زندگی تو را برای من برگزیند. دخترت تو را آگاه خواهد ساخت که امت تو چگونه در ظلم بر حق او هم صدا شدند، از فاطمه (علیها السلام) بپرس، و احوال اندوهناک ما را از او خبر گیر، که هنوز روزگاری سپری نشده، و یاد تو فراموش نگشته است. ای رسول خدا شکایت خود را به سوی پروردگار می فرستم، و تسلیت مرا بپذیر که درود خدا بر تو باد و سلام و رضوان الهی بر فاطمه باد. رفتن من از اینجا دلیل خستگی نیست و ماندنم دلیل سوء ظن به وعده الهی برای صابران نخواهد بود.)

ای عزیزان زهرا (علیها السلام) و ای مشتاقان شفاعت ایشان و ای عزادارن مصیبت او، به پا خیزید تا پرده را از مظلومیت حضرت زهرا (علیها السلام) کنار بزنیم و او را یاری کنیم و عزت و کرامت او را نشان دهیم و او را در صبح و شام تشیع کنیم، و بینی ظالمان و دشمنان او را به خاک بمالیم،

برای برآورده شدن حاجتهایتان به وسیله حضرت زهرا (علیها السلام) به خداوند متعال متوسل شوید، تا بلا را از این کشور و مردم شریف آن دور کند، و حضرت مهدی (عج) را به مادرش حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) قسم دهید تا حوائج شما برآورده شود، از خداوند متعال مسئلت دارم که تلاش و سختی هایی را که تحمل کرده اید را بی اجر و پاداش قرار ندهد و شفاعت صدیقه طاهره را شامل حال شما کند زمانی که در صحرای محشر همچون پرنده ای که دانه های سالم و ناسالم را از هم جدا می کند، شیعیان و محبان خود را از صف دیگران جدا می کند.

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سید خلقه محمد وآله الطیبین الطاهرین.

آمادگی برای بزرگداشت سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

آمادگی برای بزرگداشت سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) (1)

دو و یا سه هفته به سالروز شهادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) در (13-15) جمادی الأول بر اساس روایت (75) روز که نزد عامه مردم مشهور است فاصله داریم، و بیست روز پس از آن سالروز شهادت ایشان در روز (3) جمادی الثانی مطابق با روایت (95) روز است که این روایت مورد اعتماد اهل تحقیق است و مؤمنان در سال گذشته در کنار مرقد امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن را زنده نگه می داشتند. خداوند متعال روز بدر را روز فرقان نام گذاشت؛ چرا که جدا کننده حق از باطل در عرصه تنزیل است، روز فاطمه را نیز می توان روز فرقان در عرصه تأویل دانست؛ زیرا حضرت فاطمه (علیها السلام) ویژگی های کلی هر دو گروه را تبیین کرد، در روایت داریم که پیامبر (صلی الله علیه و آله) خطاب به حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: (جنگ من برای تنزیل بوده است و تو برای تأویل جنگ خواهی کرد)؛ چرا که حق در عرصه تنزیل به دست رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روشن گردید، و شبهه و انحراف و گمراهی در عرصه تأویل ایجاد شد، یعنی در داخل همین حق، خداوند متعال می فرماید: {آنها خلاف و نزاع بر نینگیختند مگر دانسته، برای ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر} (2). برای راسخ شدن این حق در جامعه باید به قضیه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) توجه ویژه داشته باشیم و به اندازه توان خود یاد آن را زنده کنیم.

مراسمی که مؤمنان سال گذشته در شهر نجف اشرف در آن شرکت کردند، در همه سطوح کاری ارزنده و موفق بود، لکن این مقدار برای تثبیت این سنت شریفه در ذهن مردم و قرار گرفتن آن در کنار دیگر شعائر بزرگ دینی شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) به دلیل غفلت و عدم توجه به اهمیت آن کافی نیست، لذا باید تمام تلاش خود را برای رسیدن به این مهم و تثبیت این سنت شریفه بکار گیریم، و به امید الهی مؤسسان آن مصداق این حدیث شریف قرار گیرند: (هر کس سنت حسنه ای را ایجاد کند تا روز قیامت پاداش آن سنت و پاداش کسی که به آن عمل کند به او خواهد رسید

ص: 62

1- برگرفته شده از سخنان حضرت آیت الله العظمی یعقوبی (دامت برکاته) با گروه فرقان که در تاریخ 22 ربیع الثانی 1428 در بغداد انجام شد و در شماره 56 نشریه صادقین منتشر شد.

2- - فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ (جاثیه: 17).

(برای بزرگداشت این مناسبت و ایجاد فرصتی برای مردم جهت زنده کردن آن در شهرهای خود و آمادگی برای مراسم شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) طبق روایت دوم، به همه توصیه می کنیم با توجه به نزدیکی مناسبت شهادت آن حضرت در تاریخ (13-15 جمادی الأول) با برگزاری مراسمات عزاداری به اشکال مختلف در شهرهای خود بهره لازم را از این مناسبت ببرند، و مؤمنان عزیز توجه داشته باشند که این مناسبت شهادت و عزاداری است و باید به صورت های مختلف آن را اظهار کنند و شعرا با شعرها و نوحه هایشان و موکب ها با روش خاص عزاداری خود در این مراسم شرکت کنند، بنده در سال گذشته بیشتر شرکت کنندگان را در حالی می دیدم که انگار در یک تظاهرات سیاسی شرکت کرده اند، در حالی که وضعیت کاملا متفاوت است خصوصا در سالروز شهادت مظلومانه صدیقه طاهره حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام).

روز حضرت زهرا (علیها السلام) روز فرقان است

روز حضرت زهرا (علیها السلام) روز فرقان است (1) بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين حمداً لا ينقطع أبداً، ولا يحصي له الخلائق عدداً، حمداً هو أهله وكما يستحقه حمداً كثيراً. والصلاة والسلام على أشرف خلقه وأحبهم إليه محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين.

(السلام على الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء وعلى أبيها وبعلمها وبنيتها والسر المستودع فيها).

خداوند متعال در قرآن کریم از روز بدر به عنوان روز فرقان تعبیر کرد: {و به آنچه بر بنده خود در روز فرقان، روزی که دو سپاه (اسلام و کفر در جنگ بدر) روبرو شدند نازل کرده ایم ایمان آورده اید} (2)؛ زیرا پیروزی که خداوند متعال در جنگ بدر نصیب بندگان مؤمن خود کرد عاملی برای جدا کردن حق از باطل بود: حقی که در عقاید اسلامی و پیروی از دستورات خداوند متعال و برپایی جامعه ای بر اساس شریعت اسلام ظهور پیدا کرد، و باطلی که در پیروی از شهوتها و هواهای نفسانی و تبعیت از طاغوت و پذیرفتن اربابانی غیر از خداوند متعال نمود پیدا کرد.

که خداوند متعال حق و یاران آن را با نصرت خود عزت بخشید و باطل و یاران آن را ذلیل کرد.

در واقع روز بدر نقطه عطفی در تاریخ اسلام و مسلمانان است؛ زیرا مسلمانان در این روز از مرحله ترس و ضعف و از هم گسیختگی به مرحله قدرت و عزت و دولت رسیدند و پس از آن به سمت تشکیل یک تمدن بزرگ برای تمام بشریت حرکت کردند.

این روز باعث جدایی میان اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شد، در واقع کسانی که ایمان در قلب آنها راسخ شده بود و با جوانح و جوارح خود آن را پذیرفته بودند و به آنچه که با خداوند متعال عهد بسته بودند عمل کردند را از کسانی جدا کرده بود که ایمان لقلقه زبان آنها بود و به ظاهر برخی از

ص: 64

1- - بخش نخست سخنان حضرت آیت الله العظمی یعقوبی (دامت برکاته) که در تجمع هزاران نفری عزاداران حضرت زهرا (علیها السلام) در تاریخ سوم جمادی الثانی 1428 مصادف با 2007/6/19 در شهر نجف اشرف ایراد گردید.

2- - وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّفَيُّ الْجَمْعَانِ (أنفال: 41).

اعمال دینی را به جا می آوردند، زیرا هنگامی که مردم با بلاهای مختلف آزمایش می شوند دینداران کم می شوند.

این روز همچنین باعث تمایز بین دونگاه نسبت به عوامل حقیقی پیروزی شد، یعنی همواره تصور می شد که پیروزی در یک جنگ نیازمند کثرت عددی و امکانات مادی مختلف نسبت به دشمن است، به طوری که در قرآن کریم آمده است: {و (یاد آر) آن گاه که منافقان و بیماردلان با هم می گفتند که این مسلمین به دین خود مغرور و فریفته اند، و حال آنکه هر کس بر خدا توکل کند خدا غالب مقتدر و داناست} (1)، اما این روز همه این ملاکها را تغییر داد و معیار پیروزی ایمان، صبر و استقامت بر حق شد، و قریش با تمام عظمت و تعداد فراوان نیروها و امکانات خود در برابر قدرت ایمان مسلمانان ذلیل شد. خداوند متعال می فرماید: {و خدا شما را در جنگ بدر یاری کرد با آنکه ضعیف بودید} (2).

بر همین اساس روز بدر را می توان روز فرقان در تمام سطوح جنگ اعتقادی و جنگ نزول قرآن دانست، یعنی سطح ایمان و پذیرش آنچه که خداوند متعال بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود نازل کرده بود، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خود فرمانده این جنگ بزرگ بود.

پس از این جنگ، نیاز به جنگی دیگر در سطح عمل و تطبیق این تعالیم عالیه بود که همان جنگ تأویل است، یعنی پابندی به آنچه که بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شده بود و عدم انحراف از آن، و عمل نکردن به شریعت اسلامی بر اساس هواهای نفسانی و منافع و سلیقه های شخصی، فرمانده این جنگ حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود، که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مورد ایشان فرمود: (همانا او در برابر تأویل مبارزه می کند هنگامی که سنت من ترک می شود، و کتاب خدا تحریف می شود، و کسی که در امور دین وارد نیست در مورد آن سخن گوید، علی (علیه السلام) با اینان برای احیای دین خداوند متعال مبارزه خواهد کرد) (3).

حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) در مورد کسانی که حضرت علی (علیه السلام) با آنها مبارزه کرد می فرماید:

ص: 65

1- - إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّهٗ-وُلَاءَ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (أنفال:49).

2- - وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ (آل عمران: 123).

3- 91 - الإرشاد شيخ مفيد: 1/124.

همانا جرم آنها از جرم کسانی که با پیامبر (صلی الله علیه و آله) جنگ کردند بزرگتر است، از ایشان پرسیده شد ای فرزند رسول خدا چگونه این امر ممکن است؟ حضرت فرمود: آنان در زمان جاهلیت بودند ولی اینان قرآن را خوانده بودند و اهل فضل را می شناختند ولی با وجود این معرفت اینگونه رفتار کردند (1) و هنگامی که حضرت علی (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می پرسد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) من برای چه چیزی با این قوم جنگ خواهم کرد؟ حضرت فرمود: برای بدعت و تحریف دین).

این جنگ در واقع ادامه همان جنگ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود، اگر علی (علیه السلام) برای تأویل پیکار نمی کرد، چیزی از تنزیل باقی نمی ماند و دین مورد تحریف واقع می شد و همه چیز تمام می شد آنچنان که در ادیان گذشته حاصل شده بود؛ زیرا سخنانی که در زمان تنزیل بیان می شوند، مجمل هستند و در صورتی که واضح و روشن برای مردم تبیین نشوند امکان تحریف و تغییر آنها وجود دارد، علی (علیه السلام) بسان نقطه ای است که روی کلمات تنزیل حرکت می کند تا معنای آنها را تبیین کند و حدود آنها را مشخص کند و از تحریف آنها توسط منفعت طلبان و هواپرستان جلوگیری کند، به همین جهت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ صفین می فرماید: (به خدا قسم راهی جز پیکار و یا کفر نسبت به آن چیزی که بر محمد (صلی الله علیه و آله) نازل شده بود، نداشتم) (2).

در جنگ تأویل نیز روزی همانند روز بدر وجود داشت که آن روز حضرت زهرا (علیها السلام) است که در مسجد پدر خویش ایستاد و در حالی که اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سخنان ایشان گوش می دادند، با سخنانی محکم و کوبنده حق را اثبات می کرد و آن را به جایگاه خود باز می گرداند و تأویل و تحریف را از آن دور می کرد.

روز حضرت زهرا (علیها السلام) فرقانی برای تبیین ویژگی ها و صفات امام بر حق و متمایز ساختن او از افراد اهل تزویر بود، آن حضرت (علیها السلام) می فرماید: (آنها چه ایرادی را بر ابوالحسن علی (علیه السلام) داشتند؟ به خدا سوگند آنها بر شمشیر برنده ایراد می گرفتند، و به بی اعتنائیش در برابر

ص: 66

1- 92 - مناقب آل أبي طالب: 3/19.

2- 93 - مناقب آل أبي طالب: 3/18.

مرگ در میدان نبرد، و قدرت او در جنگجویی، و ضربات درهم شکننده اش بر دشمن! آری بخدا سوگند اگر امر خلافت نبود هر گاه مردم از جاده حق منحرف می شدند و از پذیرش دلیل روشن سرباز می زدند، آنها را با نرمی و ملایمت به سوی منزل مقصود سیر می داد سیری که هرگز آزار دهنده نبود، نه مرکب ناتوان می شد، و نه راکب خسته و ملول. و سرانجام آنها را به سرچشمه آب زلال و گوارا وارد می ساخت، نهی که دو طرفش مملو از آب بود، آبی که هرگز ناصاف نمی شد سپس آنها را پس از سیرابی کامل باز می گرداند و سرانجام او را در پنهان و آشکار خیر خواه خود می یافتند، آری او هرگز از دنیا بهره نمی گرفت، و از آن سودی جز سیراب کردن تشنه کامان و سیر نمودن گرسنگان نداشت. و در اینجا دنیا پرست و از زاهد، و راستگو از دروغگو، برای همه آنها روشن می شد، { و چنانچه مردم شهر و دیارها همه ایمان آورده و پرهیزکار می شدند همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی آنها می گشودیم و لیکن (چون آیات و پیغمبران ما را) تکذیب کردند ما هم آنان را سخت به کیفر کردار زشتشان رسانیدیم } (1)، { و کیفر زشتی و بدکاریها که (برای کسب مال) انجام دادند به آنها رسید. و ستمکاران از این مردم نیز به زودی کیفر کردار بدشان را خواهند یافت و هرگز از قهر و قدرت خدا رهایی نمی یابند } (2).

روز حضرت زهرا (علیها السلام) فرقانی برای ایجاد تمایز میان وفاداران به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و کسانی بود که به آن پشت کرده بودند { محمد (صلی الله علیه و آله) جز یک پیامبر نیست که پیش از او نیز پیغمبرانی بودند و درگذشتند، آیا اگر او به مرگ یا شهادت درگذشت شما باز به دین جاهلیت خود رجوع خواهید کرد؟ پس هر که مرتد شود به خدا ضرری نخواهد رسانید، و البته خدا جزای نیک اعمال به شکرگزاران عطا کند } (3).

ص: 67

-
- 1- - وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَـكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف: 96).
 - 2- - فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ (زمر: 51).
 - 3- - وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَقْلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (آل عمران: 144).

از آن روز به بعد در تاریخ اسلام دو جریان شکل گرفت که اولی بر صراط مستقیم {پس تو چنان که مأموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کند نیز پایدار باشد} (1) و نمایانگر خط اسلام ناب و اصیل است، و دومی جریانی انحرافی از مسیر حق است، و به هر اندازه که زمان بگذرد به همان اندازه از صراط مستقیم دور گشته و منحرف شد تا جایی که به قول خودشان خلفای مسلمین بر سر منبرها شراب می خوردند و این در حالی بود که اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هنوز زنده بودند.

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) معیاری برای تمایز میان حق و باطل بود، به طوری که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مورد ایشان می فرماید: (خداوند بسبب خشنودی فاطمه خشنود می شود و بسبب غضب او غضب می نماید) پس آنچه که فاطمه از آن خشنود شود مسلماً حق است و آنچه که فاطمه از آن غضبناک می شود باطل است؛ چرا که ایشان دارای مقام عصمت هستند و از مقربین درگاه الهی هستند، و به همین جهت آنچه را که باعث رضایت و یا غضب پروردگار می شود را می داند و هیچ عملی از او صادر نمی شود مگر اینکه همراه با رضایت خداوند متعال باشد.

امروز بیش از هر زمان دیگری به اینچنین معیاری برای شناخت درست از نادرست و یا حق از باطل در هر گونه اعتقاد، دعوت و یا اندیشه ای نیاز داریم.

به اینچنین فرقانی نیاز داریم تا تصورات و نظرات درست و نادرست ما را از یکدیگر جدا کند و بتوانیم تشخیص دهیم چه رفتار و اعمالی باعث خشنودی خداوند متعال می شوند و چه اعمالی باعث غضب خداوند متعال می شوند؛ چرا که مسائل با یکدیگر درهم آمیخته اند و مدعیان حق بسیار شده اند.

باید در هر گونه رفتار، سخن، موضع و یا اندیشه ای که در ذهن دارید و یا هر چیزی که در قلب خود مخفی کرده اید، حضرت زهرا (علیها السلام) را در مقابل چشمان خود قرار دهید، و در مورد همه اینها از خود پرسید. هنگامی که خانمی حجاب خود را رعایت نمی کند و جوانی نماز خود را

ص: 68

1- - فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ (هود: 112).

ترک می کند و تاجری خمس اموال خود را نمی دهد و مسئولی در انجام وظایف خود کوتاهی می کند و یا شخصی به انجام تکالیف شرعی اهتمام نداشته باشد، باید حضرت زهرا (علیها السلام) را ناظر بر اعمال خود ببیند که آیا از این رفتار خشنود می شود و یا اینکه باعث غضب او می شود؛ چراکه خشنودی ایشان خشنودی خداوند متعال است و غضب ایشان غضب خداوند متعال است.

اگر برسید که چگونه می توان به این معرفت دست پیدا کرد؟ و چگونه این نور در قلبهای ما روشن می شود تا بتوانیم با کمک آن حق را از باطل تشخیص دهیم، باید گفت که خداوند متعال از روی فضل و کرم خویش قبل از اینکه از او پرسید پاسخ شما را داده است: {ای اهل ایمان، اگر خدا ترس و پرهیزکار شوید خدا به شما فرقان بخشد (یعنی دیده بصیرت دهد تا به نور باطن حق را از باطل فرق گذارید) و گناهان شما را بپوشاند و شما را بیامزد، که خدا دارای فضل و رحمت بزرگ است} (1)، این همان تقوای الهی است که چشمه های معرفت را در دلهای ما می جوشاند، زیرا تقوی باعث از بین رفتن آثار هوای نفس می شود که حجابی بر قلب انسان است و مانع شناخت حق می شود و باعث کوری چشم دل می شود، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: (بیشترین چیزی که از آن بر امت خود بیم دارم هوای نفس و آرزوی دراز است، زیرا هوای نفس شخص را از راه حق بازمی دارد و آرزوی دراز باعث فراموشی آخرت می شود، این دنیا در حال گذران است و آخرت در حال نزدیک شدن به شماست، و برای هر یک از آن دو فرزندان است، اگر می توانید که از فرزندان آخرت شوید پس در اینکار کوتاهی نکنید؛ چرا که امروز روز عمل و کار است و فردا روز حساب و بازخواست است).

قلب انسان اگر با تقوای الهی آباد نشود و گرد و غبار هوای نفس و زنجیر شهوتها از آن جدا نشود، هیچ گاه نمی تواند به سوی حق هدایت شود، حتی اگر هزار برهان و دلیل برای او اقامه شود، خداوند متعال می فرماید: {و تو (ای پیغمبر) اگر هر قسم معجزه برای اهل کتاب بیاوری پیرو قبله

ص: 69

1- - یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (أنفال: 29).

تو نشوند {1}؛ چرا که یک استدلال هر چقدر هم که محکم و قوی باشد تا زمانی که اطمینان قلبی برای انسان حاصل نشود کارساز نخواهد شد .

کسی که اینگونه چراغ هدایتگری نداشته باشد ، به بیراهه خواهد رفت و خود و دیگران را گمراه خواهد ساخت و نمی تواند آنچه که به او سود می رساند را از آنچه که به او ضرر می رساند ، تشخیص دهد و نمی تواند دوست و دشمن خود را از یکدیگر تشخیص دهد ، در واقع همانند یک گاو وحشی خواهد بود که در میدان گاوبازی غافل از دشمن خود تمام تلاش خود را برای زدن پارچه قرمز می کند تا اینکه با زخم های حاصل از خنجرها جان خود را از دست می دهد .

ص: 70

1- - وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَّا تَبِعُوا قِبَلَتَكَ (بقره: 145).

دشمنان مردم سه گروه هستند : اشغالگران ، تروریستها و فساد در دولت

چند روز پیش جنایتکارانی که با همدستی برخی از افراد ذی نفوذ در دستگاه های دولتی ، بخش باقی مانده از حرم امام حسن عسکری (علیه السلام) در سامرا را منفجر کردند. تقریباً همه گروهها

این اقدام تروریستی را محکوم کردند ، ولی افراد بی عرضه ای که خود را در زندان های ساختگیمحصور کردند و از مردم مظلوم دور گشته اند ، تنها به این محکومیت اکتفا کرده اند .

این محکومیتها چه ارزشی دارد ، زمانی که بیش از یک سال و چهار ماه از انفجار گنبد حرم مطهر گذشته است ، و دولت حتی نتوانسته تیپ نظامی امامین عسکریین(1)

را برای تأمین امنیت راههای ورودی به سامرا و حمایت از زائران و حرم مبارک امام حسن عسکری را تشکیل دهد ، و این در حالی است که رسانه های محلی به طور پیوسته اخبار مربوط به تشکیل تیپهای نظامی مختلف و مجهز ساختن آنها و بازگشت صدها نفر از فرماندهان سابق را ارسال می کنند ، پس چرا با وجود هزاران نفر از جوانان داوطلب برای دفاع از مقدسات خود و اعلام آمادگی اهالی سامرا که تظاهرات بزرگی را در محکومیت این اقدام تروریستی انجام داده اند ، تیپ نظامی امامین عسکریین تا به حال تشکیل نشده است؟!

ما نباید از کوتاهی اینان در حمایت از آستان های مقدسه تعجب کنیم ؛ چرا که آنها حرمت مقدس ترین مقدسات یعنی انسان که خداوند او را خلیفه خود بر زمین قرار داده را از بین برده اند ، خداوند متعال می فرماید : { و محققا ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در برّ و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم } (2).

به طوری که خون ، تمدن ، ثروت ، تاریخ و عزت یک انسان عراقی

ص: 71

1- 100- این تیپ نظامی به تازگی شکل گرفته و نقش بسزایی در تأمین امنیت بغداد تا سامراء داشته است ، به طوری که به تدریج امکان زیارت امامین عسکریین را برای مؤمنان فراهم ساخته است .

2- - وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (إسراء:70).

را بهای معاملات و درگیری های خود بر سر غنایم و مصالح و مقام ها قرار داده اند . کسانی که در ظلم به مردم عراق به هر میزانی مشارکت داشته اند ، قطعاً نتیجه ظلم خود را خواهند دید ؛ زیرا خداوند متعال ظلم بندگان به یکدیگر را ترک نخواهد کرد .

هر روز شاهد به زمین ریختن خونهای بیگناهی هستیم که در توصیف آنها در روایت شریفه آمده (حرمت خون مؤمن نزد خدا از حرمت کعبه بالاتر است) ، و هر روز بر تعداد مهاجران در داخل و خارج عراق که تعدادشان به چهار میلیون نفر رسیده افزوده می شود ، کسانی که مجبور به ترک خانه و زادگاه و ما حاصل سالها تلاش خود شده اند ، و هر روز افراد جدیدی بر تعداد فراوان بیکاران به دلیل تعطیلی کارخانه ها و توقف تجارت و کشاورزی افزوده می شود .

تا به حال چه تعداد پل ویران شده ، ساختمان آسیب دیده و یا طرح های خدمتی متوقف شده را دیده ایم که دولت برای اصلاح آنها هیچ اقدامی نکرده است ، وقتی که آثار انفجار حرم بعد از یک سال و چهار ماه هنوز برداشته نشده است ، چطور باید انتظار داشته باشیم که حرم اما حسن عسکری (علیه السلام) را بازسازی کنند ، پل صرافیه (1) را ببیند که داستان جاماندگان از زیارت را حکایت می کند ، خیابان متنبی (2) را ببینید ، که نماد فرهنگ و علم و اندیشه و ادب است . در هر بار می شنویم که کارگروهی برای انجام تحقیقات تشکیل شده ولی تاکنون نتیجه ای از آنها بدست نیامده است ، و این در حالی که عوامل برخی از جنایت ها مشخص هستند ، مانند حادثه شهادت هزار نفر از عزاداران بزرگداشت شهادت حضرت امام کاظم (علیه السلام) روی پل ائمه ، که دو سال پیش اتفاق افتاد و تا به امروز نتایج آن مشخص نشده است .

با این وجود تنها چیزی که می شنویم اختلاس اموال مردم است به طوری

ص: 72

1- - پل صرافیه مسیر عبوری ما بین کرخ و رصافه بوده است خصوصاً برای محبان اهل بیت (علیهم السلام) که به جهت مسدود شدن مسیرهای دیگر به دلیل فتنه های مذهبی از این مسیر برای زیارت امامین کاظمین (علیه السلام) استفاده می کردند ، لذا انفجار این پل و سقوط قطعه بزرگی از آن در رود دجله دارای جنبه ای معنوی بود ؛ چرا که باعث قطع ارتباط میان دو طرف بغداد شد و از آنجایی که عمر آن به حدود 60 سال می رسد اهالی بغداد دارای خاطرات فراوانی با این پل بوده اند .

2- - خیابان متنبی نمایانگر چهره تاریخی و فرهنگی بغداد است ، که در پی انفجار آن بسیاری از کتابخانه ها و آثار باستانی در آتش سوختند و تعداد زیادی از مردم جان خود را از دست دادند .

که بر اساس گزارش سازمان شفافیت بین الملل، کشور عراق با وجود پشتوانه تاریخی و فرهنگی بسیار غنی خود و حضور ائمه و دانشمندان در آن، در صدر کشورهای قرار گرفته که فساد در آنها رسوخ پیدا کرده است، ما اکنون به نیمه سال 2007 رسیده ایم و از بودجه (41) میلیارد دلاری هیچ اثری در بهبود وضعیت کشور و زندگی مردم نمی بینیم، و همچنین از بودجه (11) میلیارد دلاری که برای سرمایه گذاری در پروژه های مختلف جهت ایجاد اشتغال برای بیکاران تخصیص یافته بود، هیچ اثری یافت نمی شود، ولی بالعکس همه مردم جهان از طریق تلویزیون زنان و کودکانی را دیدند که در حال جستجو در میان زباله ها برای یافتن لقمه ای غذا بودند، و سیاستمداران هیچ کاری برای بهبود وضعیت این فقرا و محرومان انجام ندادند، در حالی که نهج البلاغه در میان دستان آنها قرار دارد، و در آن حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس از اینکه سربازان معاویه به انبار هجوم بردند و آن را به غارت بردند و زنان مسلمان و غیر مسلمان را به اسارت گرفتند، فرمود: (اگر بعد از این ماجرا، مردی مسلمان از اندوه بمیرد، وی را سرزنش نباید کرد؛ بلکه از دیدن من، اگر بمیرد نیز سزاوار است) (1).

ای مردم شریف عراق: اشغالگران و تروریست ها دو خطر بسیار بزرگ برای کشور عراق و مردم آن هستند، و علت بسیاری از مصیبت ها و جنایاتی هستند که در کشور رخ داده است، ولی این دو عامل علت همه فجایع حاصل شده در عراق نیستند؛ زیرا آنچه که از آنها خطرناکتر است و زمینه را برای بقاء و رشد آنها فراهم می کند، درگیری های سیاسی برای رسیدن به قدرت، سوء استفاده از بیت المال، استبداد در تصمیم گیری، نگاه احزاب به یکدیگر به عنوان رقبایی برای دستیابی به غنایم و محروم ساختن مردم از کوچکترین حقوق خود، نگاه به مناصب حکومتی به عنوان وسیله ای برای کسب اموال نامشروع و نه وسیله ای برای خدمت به مردم و آبادانی کشور، و استخدام افراد در دولت بر اساس میزان وفاداری و نه بر اساس شایستگی و پاکدستی و دلسوز بودن برای مردم و کشور است، این همان عاملی است که باعث تفرقه در میان مردم

ص: 73

و نابودی دولت شده است و باعث شده تا احزاب مختلف بدور از نیازهای مردم به دنبال معاملات خود هستند ، و برای دستیابی به حجم بزرگتری از غنایم و کنار زدن رقبای خود از هیچ تلاشی دریغ نمی کنند ، حتی اگر به قیمت توافق با طرف های خارجی تمام شود .

مشروعیتی که از پای صندوق های رأی حاصل شده مشروط به عمل بهوعده های سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی داده شده در زمان انتخابات است ، و اگر نتوانند وعده های خود را عملی کنند و به مردم خدمت کنند و نیاز های یک زندگی شرافتمندانه را برای آنها فراهم کنند ، باید از منصب خود کنار روند { و اگر شما روی بگردانید خدا قومی غیر شما که مانند شما نیستند به جای شما پدید آورد } (1).

ای عزیزان : جناب ابوذر (رضوان الله علیه) از جمله افراد معدودی بود که در تشییع شبانه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) به همراه امیرالمؤمنین (علیه السلام) حاضر بود ، ایشان با وجود اینکه کمتر از آنچه که شما با آن مواجه هستید را دیده بود ولی می فرمود : (در شگفتم از کسی که چیزی برای خوردن در خانه اش پیدا نمی کند ، ولی شمشیر برنمی گیرد و بر مردم نمی شورد) ، ای سخن تلنگری برای شما و همه محرومان در طول تاریخ است .

و شما ای پیروان حضرت زهرا (علیها السلام) و ای کسانی که نسبت به قدر و منزلت ایشان آگاه هستید و برای بزرگداشت ایشان در کنار هم جمع شده اید ، شما از همه مردم استحقاق بیشتری برای قرار گرفتن نور فرقان و معرفت حق در دلهایتان دارید ، خوشا به حال شما.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

ص: 74

1- - وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (محمد:38).

بزرگداشت سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

بزرگداشت سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) (1)

روز شنبه سوم جمادی الاولی 1429 مصادف با 2008/6/7 مراسم بزرگداشت شهادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) در شهر نجف اشرف برگزار شد. از ظهر روز جمعه موکب های عزاداری از شهرهای مختلف وارد شهر نجف اشرف می شدند و در چادرهایی که برای پذیرایی آنها از قبل آماده شده بود مستقر شدند، به طوری که از عصر همان روز مراسم تعزیه خوانی و شعر خوانی در جهت بیان فضائل حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) و نقش ایشان در حفظ اعتقادات و آداب اسلامی برگزار شد و مظلومیت آن حضرت را یادآور شدند. مظلومیتی که چنان آتشی بر دل های شیعیان و محبان ایشان شعله ور کرده که با گذشت سالیان دراز هنوز سرد نشده است.

در ساعات آغازین صبح دهها هزار نفر از زائران و عزاداران به سمت میدان الثورة (انقلاب) حرکت کردند و پس از استقرار در این میدان هزاران نفر دیگر به آنها ملحق شدند و به سخنان حضرت آیت الله العظمی یعقوبی که توسط جناب حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد هندای ایراد می شد، گوش دادند، و با شعارها و فریادهای حماسی خود به سخنان ایشان پاسخ می دادند، پس از پایان سخنرانی پیکر نمادین حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) از دانشگاه صدر خارج شد و موکبهای عزاداری در پشت سر آن به حرکت درآمدند و در جلوی آنها موکب بزرگی از فضلا و اساتید و طلاب حوزه علمیه در نجف اشرف و دیگر شهرها حرکت کردند، و به دنبال آنها موکبهای عزاداری هر یک از شهرها به ترتیب حرکت خود را ادامه دادند، که در این بین استان های دیالی، صلاح الدین و کرکوک حضور چشم گیری را در کنار دیگر استانهای مرکزی و جنوبی عراق داشتند، سپس شرکت کنندگان در مراسم در جوار بارگاه نورانی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) تجمع کردند و مراسم عزاداری و مرثیه خوانی حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) را در آنجا برگزار کردند، در این میان موکبهای بزرگان و اهالی شهر نجف با نظم، مدیریت و حکمت به صورت

ص: 75

مخلصانه و تنها برای رضای الهی و محبت به اهل بیت (علیهم السلام) به زائران خدمت می کردند، و در طول مسیر چند کیلومتری عزاداری هیچ گونه تصویر و یا بنری از شخصیت‌های دینی و یا سیاسی نصب نشده بود. از خداوند متعال مسئلت داریم که همه این تلاشها را مورد قبول درگاه خویش قرار دهد و شفاعت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) را شامل حال همه بفرماید و توفیق روز افزون انجام اعمال صالح را نصیب همه بفرماید.

ص: 76

فاطمه (علیها السلام) کوثر است

فاطمه (علیها السلام) کوثر است (1)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الخلق أجمعين محمد وآله الطيبين الطاهرين

السلام عليك يا سيدي ومولاي يا أمير المؤمنين ورحمة الله وبركاته..

سلام و دورد بر همه شما مؤمنان و عزاداران شهادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام)..

عطای فاطمه زهرا (علیها السلام) بسیار متنوع است

هجده سال عمری است که حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در این دنیا گذراند، که هر چند از لحاظ زمانی بسیار کوتاه بود لکن سرشار از خیر و برکت و ظهور کمالات والای انسانی بود.

از همان بدو تولد رسالت خود را در همراهی با خدیجه کبری ادا می کرد و مونس تنهایی ایشان بود، زیرا آن حضرت به دلیل همراهی با همسر خویش حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، مجبور بود در تنهایی و بدور از دیگر زنان قریش زندگی کند. حضرت خدیجه از بودن در کنار حضرت فاطمه (علیها السلام) خوشحال بود و خوشحالی خود را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ابراز می کرد که این امر باعث خوشنودی پیامبر (صلی الله علیه و آله) می شد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) عظمت این مولود مبارک را برای همسر خود بیان می کرد.

حضرت زهرا (علیها السلام) در سنین ابتدایی همراه با پدر خود آزار و اذیت قریش را تحمل می کرد و مونس و همدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هنگام سختی ها بود، در شعب ابی طالب در طول سه سالی که قریش تحریم های اقتصادی و اجتماعی فراوانی را بر بنی هاشم اعمال کرد همراه با پدر خویش دشواریها، سختی ها

و گرسنگی های زیادی را تحمل کرد، قبل از پایان این سالهای سخت، پیامبر (صلی الله علیه و آله) دو پشیمان بزرگ خود یعنی عمومی

ص: 77

107-1 - سخنان حضرت آیت الله العظمی یعقوبی (دامت برکاته) در تجمع هزاران نفری محبان حضرت زهرا (علیها السلام) در میدان ثوره العشرین در شهر نجف اشرف که از استان های مختلف عراق مانند صلاح الدین و کرکوک کنار هم جمع شده بوده اند و قبل از حرکت موکب های عزاداری به سمت حرم مطهر علوی در سالروز شهادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) در تاریخ سوم جمادی الثانی 1429 مصادف با 2008/6/7 ایراد گردید. این سخنان به نیابت از حضرت آیت الله یعقوبی توسط حجت الاسلام و المسلمین محمد الهنداوی ایراد گردید و عزاداران با شعار های خود (نعم نعم للإسلام، نعم نعم یا ربی، هیئات منا الذلّة، لبیک لبیک یا علی، لبیک یا زهراء، الله أكبر لا إله إلا الله، نَعَمَ الحکم الله ونعم الخصیم محمد) حضوری پر شور را در این مراسم داشتند.

خود ابوطالب و همسر خویش خدیجه کبری را از دست داد به همین جهت آن سال را عام الحزن نامیدند ، به هر حال حضرت زهرا (علیها السلام) قبل از اتمام هشت سالگی درد یتیمی و فقدان مادر را نیز تجربه کرد .

این مشکلات هیچ گاه بر عزم و اراده آن حضرت در یاری و همراهی پدر خویش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خللی وارد نساخت ، بلکه آن حضرت آنچنان مهر و محبت خود را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) ابراز می کرد که توانست جای خالی حضرت خدیجه (علیها السلام) را پر کند ، تا جایی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به او لقب (ام اییها) را داد ، در واقع پیامبر (صلی الله علیه و آله) قلب مادری مهربان و محبت همسری دلسوز و انس رفیقی باوفا را در فاطمه (علیها السلام) می یافت .

هنگامی که قریش تصمیم به کشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه را گرفت ، خداوند به ایشان دستور داد که از مکه به سوی مدینه مهاجرت کند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز پس از خروج از مکه علی (علیه السلام) را در جای خود قرار داد تا دشمنان خود را فریب دهد ، سپس امیرالمؤمنین (علیه السلام) همراه با فاطمه بنت اسد و فاطمه بنت زبیر و فاطمه زهرا (علیها السلام) به دنبال رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رهسپار شد ، و قریشیان که در برابر ترفند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خود را شکست یافته می دیدند عده ای را برای بازگرداندن علی و زنان همراه او به مکه به دنبال آنها فرستادند ، تا اینکه حضرت علی (علیه السلام) در برابر آنها ایستاد و چند نفر را به هلاکت رساند و دیگر افراد باقی مانده با ذلت و خواری عقب نشینی کردند ، حضرت زهرا (علیها السلام) در تمام این سفر پر مشقت و مخاطره آمیز حضور داشت .

در مدینه منوره مسئولیتهای آن حضرت بیشتر شد ، زیرا در این برهه از زمان جهاد با دشمنان اسلام جهت تشکیل تمدن و امت اسلامی آغاز شده بود ، که حضرت زهرا (علیها السلام) در مرکز این مسئولیتهای قرار داشت .

آن حضرت بسان مجاهدی در راه خدا بود که همراه با پدر و همسر خویش (صلوات الله علیهم) در جنگها حاضر می شد تا مجروحان را مداوا کند و از درد آنها بکاهد و در پشت جبهه نبرد تدارکات لازم را برای جنگ آماده کند . و مادری دلسوز برای فرزندان خود و نوه های رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و سرور جوانان اهل بهشت بود که راههای رسیدن به کمال را

برای آنها هموار می کرد، در کتاب مفاتیح الجنان آمده که آن حضرت در هنگام روز فضای لازم برای استراحت فرزندان را آماده می کرد تا بتوانند در هنگام شب به عبادت خداوند متعال پردازند خصوصا در دهه آخر ماه مبارک رمضان.

آن حضرت همسری نیکو و کامل برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود، که حضرت علی (علیه السلام) خود بر این امر گواهی دادند، هنگامی که حضرت زهرا (علیها السلام) در لحظات پایانی عمر خود از ایشان می پرسد: (ای پسر عمو آیا از زمانی که با من معاشرت داشتی از من دروغ، مخالفت و یا خیانتی دیده ای؟ امیرالمؤمنین (علیه السلام) در پاسخ ایشان فرمود: پناه بر خدا! تو نیکوکارتر، پرهیزکارتر و وفادارتر از آن هستی که به دلیل مخالفت با من تو را سرزنش کنم) آن حضرت با این سؤال خود توجه ما را به علت اصلی همه اختلافاتی جلب می کند که ممکن است بین زن و شوهر ایجاد شود و باعث متلاشی شدن بنیان خانواده می شود.

آن حضرت (علیها السلام) همواره پیگیر تعالیم و توصیه های پدر بزرگوار خویش (صلی الله علیه و آله) بود، به طوری که هر زمان حسن و حسین (علیهما السلام) از مسجد جد بزرگوار خود بر می گشتند از آنها در مورد اخبار نزول وحی، دستورات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا پاسخ های ایشان به پرسشهای مردم می پرسید.

آن حضرت در محراب عبادت آنچنان غرق در عبادت پروردگار می شد که خود را فراموش می کرد، حضرت امام حسن (علیه السلام) می فرماید: (مادرم فاطمه را دیدم که در شب جمعه در محراب عبادت خود تا صبح مشغول عبادت بود و برای مؤمنان با ذکر نام آنها بسیار دعا می کرد در حالی که برای خود دعایی نمی کرد، از او پرسیدم: مادر چرا همانطور که برای دیگران دعا می کنی برای خود دعا نمی کنی؟ مادرم فرمود: ای فرزندم اول همسایه و سپس خود) (1).

آن حضرت هرآنچه که موجب خشنودی خداوند متعال و پیامبر او می شد را انجام می داد، و برای انجام آن کار نیاز نبود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به ایشان امر بفرماید بلکه صرفا اگر احساس می کرد که رسول خدا

ص: 79

(صلی الله علیه و آله) از فلان کار خشنود می شد آن را بلافاصله انجام می داد ((هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سفر بازگشت به خانه فاطمه (علیها السلام) آمد و در گردن او گردنبندی از طلا دید که حضرت علی (علیه السلام) از سهم خمس خویش برای فاطمه خریده بود، پس پیامبر به فاطمه (علیها السلام) فرمود: ای فاطمه! آیا دوست می داری که مردم بگویند فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه و آله) است ولی لباس ستمگران و زیور زورگویان را مورد استفاده قرار می دهد؟ پس فاطمه (علیها السلام) آن گردنبند را باز کرد و فروخت و با پول آن برده ای را خریده و آزاد نمود، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از این کردار فاطمه خوشحال گردید. (1).

آن حضرت نمونه بارز عفت و پاکدامنی بود، از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) نقل است که می فرماید: (علی و فاطمه (علیهما السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تقاضا کردند که آن حضرت کارهای خانه و بیرون خانه را بین آنها تقسیم نماید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام کارهای داخل خانه را به عهده فاطمه (علیها السلام) نهاد و امور خارج از منزل را به عهده علی (علیه السلام) گذاشت. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: فاطمه (علیها السلام) فرمود: هیچ کس جز خداوند نمی داند که من چقدر خوشحال شدم از اینکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کارهای بیرون از خانه را به عهده من فرار نداد و مرا از مراوده با مردان نجات داد. (2).

بزرگترین چالشی که حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) با آن مواجه شد، پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) اتفاق افتاد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) حضرت زهرا (علیها السلام) را از قبل برای مواجهه با این شرایط آماده کرده بود و در مورد حوادثی که در پیش رو داشت به او خبر داده بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله) به اهل بیت (علیهم السلام) و خواص خود گفته بود که: (شما پس از من مستضعف خواهید بود).

حضرت زهرا (علیها السلام) از یک جهت بایستی از امامت بر حق امیرالمؤمنین (علیه السلام) دفاع می کرد و با استدلالهای محکم خود خلافت او را پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اثبات می کرد. و از سویی دیگر امت را بیدار می کرد و پرده ها را از جلوی چشمان آنها بر می داشت، و دوگانگی معیارهایی که قوم ظالم از آنها استفاده می کرد را برملا می کرد، معیارهایی که بر اساس آنها همسران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از ایشان ارث می بردند ولی دختر او حق

ص: 80

1- 109 - عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج 2، ص 44، فصل 31، ح 161.

2- 110 - بحار الأنوار، ج 43، ص 81، در سندی دیگر، ص 52، ح 170.

ندارد که چیزی از پدر خویش به ارث ببرد فقط به دلیل اینکه شنیده بودند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده است (ما پیامبران ارثی را از خود به یادگار نمی گذاریم) ، و برای اثبات خلافت خود پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به انصار و دیگران می گفتند که ما درخت رسالت هستیم و پیامبر از ماست در حالی که میوه و ثمره آن درخت یعنی اهل بیت (علیهم السلام) عصمت و طهارت را ترک کردند . علاوه بر این آن حضرت می بایست با استفاده از هر ابزاری که در اختیار داشت در مقابل هر گونه ظلم و انحراف ایستادگی می کرد ، و در همین راستا خطبه های خود در مسجد نبوی را ایراد کرد که همچون صاعقه ای بر سر اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و زنان انصار که سخنان ایشان را به گوش مردان خود می رساندند ، نازل می شد ، و از طریق حزن و گریه های مستمر خود که خبر آن در جاهای مختلف شهر منتشر شده بود باعث اعمال فشار بر ستمگران شد ، به همین علت آنها از حضرت علی (علیه السلام) درخواست کردند تا خانه ای خارج از شهر مدینه برای او بنا کند تا گریه ها و شکایتهای خود به سوی خداوند متعال را در آنجا انجام دهد .

آن حضرت هنگامی که توصیه کرد شبانه دفن شود و جای قبر مطهرش مخفی بماند و اجازه حضور ستمگران و غاصبان حق خویش را در تشیع پیکر مبارک خود نداد ، باعث شد تا عطای ایشان حتی بعد از شهادت ادامه پیدا کند و تا قیام قیامت ذکر و یاد ایشان در ذهن ها باقی بماند تا بشریت را به سمت حق هدایت کند و مانع گمراهی آن شود .

ای عزیزان ...

آنچه که گفته شد تنها گوشه ای از عطای حضرت زهرا (علیها السلام) و مسئولیتهای بزرگ ایشان بود که متناسب با شخصیت بزرگ و مقام والای ایشان بود .

على قدر أهل العزم تأتي العزائم *** وتأتي على قدر الكرام المكارم

(به اندازه همت و اراده انسان ها فرائض واجب می شوند و اهل کرامت به اندازه منزلتشان بزرگداشت می شوند)

وتعظم في عين الصغير صغارها *** وتصغر في عين العظيم العظائم

(در چشمان انسان کوچک چیزهای کوچک بزرگ دیده می شوند و در چشمان انسان بزرگ چیزهای بزرگ کوچک دیده می شوند)

حضرت زهرا (علیها السلام) قبل از آنکه الگویی برای زنان باشد الگویی نمونه برای مردان است، پس باید با الهام گرفتن از صدیقه طاهره (علیها السلام) عزم و اراده خود را در وفای به عهد با خداوند متعال تقویت کنیم و به رسالتپیامبران و کتب آسمانی ایمان داشته باشیم، و تلاش کنیم آنچه که موجب رضایت پروردگار می شود و صلاح امت در آن است را انجام دهیم، چرا که ما فردا باید در مورد هر چیزی پاسخگو باشیم، خداوند متعال می فرماید: {آنها (در موقف حساب) نگاهشان دارید که در کارشان سخت مسئولند} (1) و در تویخ آنها می فرماید: {به آنان خطاب شود که} چرا شما (در دفع عذاب) به یکدیگر نصرت نمی کنید؟* بلکه در این روز آنها همه سخت تسلیم و ذلیلند} (2)، و این آن چیزی است که حضرت زهرا (علیها السلام) به ما یادآوری کرده است: {چه نیک داوری است خداوند، و چه نیکو دادخواهی است پیامبر} در آن روز خداوند متعال قاضی است که {خدایی که بر غیب جهان آگاه است و مقدار ذره ای (از موجودات عالم) در آسمانها و زمین از او پوشیده نیست و نه کمتر و نه بیشتر از ذره ای جز آنکه در کتاب روشن (علم ازلی حق) ثبت است} (3) و دادخواهی که شکایت خود را به محضر خداوند می برد حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) است که

ص: 82

1- - وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ (صافات: 37).

2- - مَا لَكُمْ لَا تَنصُرُونَ، بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ (صافات: 24-26).

3- - لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (سبأ: 3).

رستگاری در آن روز در گرو شفاعت اوست ، حال چگونه کسی امید نجات داشته باشد در حالی که شفیعان او دادخواه او باشند .

ص: 83

ملت بر سر رهبران دینی و سیاسی خود فریاد می‌کشد

هر یک از ما باید این هشدارها را در جلوی چشمان خود قرار دهد، خصوصاً کسانی که مسئولیت رهبری امت و اداره مملکت را دارند و مقدرات مردم در اختیار آنها است، خواه از رهبران دینی باشند و یا از رهبران سیاسی و اجتماعی؛ زیرا هر یک از این مردم ستمدیده و محروم فریادی آکنده از درد و اندوه را بر سر این افراد می‌زند.

و به دلیل همه محرومیتهای خود از یک زندگی شرافتمندانه در خوراک، پوشاک، مسکن و ازدواج و به دلیل همه کاستی‌ها در خدمات اجتماعی مانند نبود آب و برق و به دلیل آمار بالای فقر در کشور که نزدیک به چهل درصد از مردم در زیر خط فقر زندگی می‌کنند یعنی حدود دوازده میلیون انسان، و به دلیل شمار زیاد بیمارانی که به علت نبود امکانات بهداشتی و داروهای مورد نیاز در بیمارستانها جان خود را از دست می‌دهند، و به دلیل آمار زیاد مهاجرت کنندگان در داخل و خارج از عراق کهعلی‌رغم میل باطنی مجبور به ترک زادگاه خود شدند و تعداد آنها به میلیونها نفر رسیده که به نوعی یک مشکل جهانی را ایجاد کرده است، و به دلیل تعداد زیاد یتیمانی که پس از دست دادن والدین خود به علت جنگ میان احزاب سیاسی بر سر قدرت، کسی را نیافتند که دستی بر سر آنها بکشد، و به دلیل خون‌های بی‌گناه ریخته شده بر زمین که مرتکب جرمی نشده‌اند و تنها جرم آنها این بود که خانه‌هایشان در محل درگیری‌های ظالمانه قرار گرفته بود، این مردم آنچه را که حضرت زهرا (علیها السلام) فرموده بود: (چه نیک داوری است خداوند، و چه نیکو دادخواهی است پیامبر) را تکرار می‌کند.

این‌ها همان معیارهای دوگانه‌ای است که حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) آنها را بر ملا کرد، و امروزه ما و دیگر ملتها در طول سالیان دراز درگیر آنها هستیم، چگونه ممکن است که یک خطاکار، شخصی را که مرتکب همان خطا شده است را محاکمه کند، در روایت آمده است: (کسی که حدی بر گردن اوست نمی‌تواند حدی را جاری کند)، و این همان دوگانگی در معیارها است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مورد آن هشدار داده و آن را علت هلاک امتها معرفی کرده است، حضرت (صلی الله علیه و آله) می

فرماید: (کسانی که قبل از شما هلاک شدند ، هنگامی که شخص موجهی دزدی می کرد کاری به کار او نداشتند ، و هنگامی که شخص ضعیفی دزدی می کرد بر او حد جار می ساختند) (1).

چالشهای متعددی که با آنها روبرو هستیم :

ای عزیزان ..

اولین چالشی که با آن مواجه هستیم و تا پایان عمر تا زمانی که در این دنیا زندگی می کنیم همراه ما خواهد بود ، مبارزه با هواهای نفسانی است ، باید در کنترل شهوتها و امیال نفسانی و رعایت حقوق دیگران بسیار تلاش کنیم ، و آنچه را که برای خود می پسندیم برای دیگران نیز دوست داشته باشیم و آنچه را که برای خود نمی پسندیم برای دیگران نیز دوست نداشته باشیم و اگر بخواهیم به قله های بالاتری از کمال صعود کنیم باید با الگو گرفتن از حضرت زهرا (علیها السلام) دیگران را بر خود مقدم سازیم ، آنحضرت (علیها السلام) یک فقیر ، یتیم و اسیری را سیر کرد و خود به همراه امیر المؤمنین و حسن و حسین (علیهم السلام) به مدت سه روز گرسنه ماندند ، تا اینکه سوره مبارکه (هل أتى) برای بیان فضیلت و بزرگی آنها در حقشان نازل شد .

در برابر ما چالشهای اخلاقی و اجتماعی فراوانی وجود دارد ، شما می بینید که هر زمان وضع کشور سامان پیدا کرد و اوضاع آرام شد گناهان و معصیت ها در جامعه منتشر می شوند ، و هنگامی که برخی از ادارات با توجه به قانون اساسی - که هر گونه مخالفت با ضروریات اسلام را منع می کند - دستور منع خرید و فروش شراب و استفاده از آن به صورت علنی را می دهند ، صدای رسانه ها بلند می شود و نشست هایی در رابطه با نقض آزادی های اجتماعی - به گمان خود - برگزار می شود ، به طوری که انسان از این همه سر و صدا به خاطر یک قضیه جزئی شگفت زده می شود ، و می فهمد که این صداها نشان دهنده اهدافی در پشت پرده هستند .

آیا حق دولتها نیست که از مردم خود در برابر خطرات و ضررها حمایت کنند؟ و در همین راستا کشیدن سیگار در اماکن عمومی ممنوع کنند و

ص: 85

استفاده از مواد مخدر را به عنوان جرم معرفی کنند. کشورهای غربی نوشیدن مشروبات الکلی را برای افراد زیر 18 سال و یا در هنگام رانندگی ممنوع می کنند، پس علت این همه سروصدا در رابطه با یک قانون حکومتی چیست؟ چه تفاوتی میان آن و دیگر قوانین وجود دارد؟ مگر در روایت شریف نیامده که (شراب علت همه پلیدی هاست) پس این همه سروصدا به خاطر چیست؟

آنها قصد دارند با این کارهای خود اسلام بزرگ ما را از بین ببرند و می خواهند که شما اسلام را کنار بزنید و از اینکه مسلمان هستید خجالت بکشید.

برادران، در برابر ما تهدیدهای اقتصادی وجود دارد، نزدیک است که بازارهای عراق توسط شرکتهای بزرگ جهانی مورد هجوم قرار گیرند، و در نتیجه فرزندان این سرزمین دیگر فرصتی برای رقابت با آنها نداشته باشند بلکه ممکن است به دلیل بهره گیری از نیروی کار ارزان قیمت از دیگر کشورها (1)، جوانان کشور ما دیگر کاری پیدا نکنند، و یا اینکه این شرکتها به کارکنان خود دستور دهند که نماز خود را ترک کنند و زنان را از پوشیدن حجاب منع کنند، و یا اینکه قوانینی در آنها وضع شود که افراد را مجبور به انجام کارهای حرام کنند، در نتیجه یک کارگر بین دو انتخاب (یکی از یکی دیگر تلخ تر) باقی می ماند، یا دین خود را کنار بگذارد و یا اینکه کار و منبع درآمد خود را از دست بدهد، از سویی دیگر دولت نیز در راستای اجرای سیاستهای پولی بانک بین الملل و سازمان های تجاری جهانی سعی در کاهش یارانه های معیشتی و پشتیبانی از تولید فرآورده های نفتی و خصوصی سازی شرکتهای دولتی و مراکز تولیدی دارد.

اما در رابطه با فتنه های سیاسی که همچون طوفانی بر سر ما سرازیر می شود، باید گفت که این فتنه ها تر و خشک را با هم از بین می برد و باعث نابودی کشور و از بین رفتن میلیاردها دلار از سرمایه کشور شده

ص: 86

1-115 - همه این مسائلی که حضرت آیت الله یعقوبی نسبت به آنها هشدار داده بودند اتفاق افتادند، به طوری که بازار مملو از کارگران خارجی خصوصا از کشورهای جنوب شرق آسیا شده است، و این در حالی است که جوانان بیکار عراقی در گوشه و کنار خیابان ها دست فروشی می کنند، که این امر منجر به اعتراضات زیادی شد.

است، جان مردم بیگناه و دارایی های آنها وابسته به تکان خوردن یک خودکار شده است که دستور لازم را صادر کند، و رأی مردم هیچ جایگاهی در این بین ندارد، البته این غیر از توافقی ها و معامله هایی است که بدون اطلاع مردم و رهبران مخلص آنها در پشت پرده برای مردم برنامه ریزی می کنند، که فقط خداوند متعال نسبت به خطرات آنها آگاه است.

ص: 87

عراق میدانی برای تقابل های تأثیرگذاری در تاریخ است که نقشه راه آینده را ترسیم می کند :

عزیزان من ... عطاء حضرت زهرا (علیها السلام) با توجه به تنوع مسئولیتها و چالشهایی که با آنها روبه رو بود بسیار متنوع است ، و به همین جهت این خیر کثیر از ایشان صادر شده است ، تا جایی که مفسران مصداق کوثر در آیه شریفه را [إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ] حضرت زهرا (علیها السلام) می دانند ؛ چرا که کوثر بمعنای خیر کثیر است و حضرت زهرا (علیها السلام) خیر کثیری بود که آنچه نسلهای آینده برای رسیدن به قله ها کمال و مقابله با فتنه ها و تهدیدهای مختلف نیاز داشتند در اختیار آنها قرار داد ، در واقع هیچ مشکلی نیست مگر اینکه راه حل آن نزد صدیقه طاهره ، پدر ، همسر و فرزندان ایشان (صلوات الله علیهم اجمعین) است .

ای محبان و ای شیعیان زهرا (علیها السلام) ای کسانی که در راه حضرت زهرا (علیها السلام) قدم گذاشته اید ، و ای کسانی که برای عرض تسلیت به امیرالمؤمنین و زیارت ایشان به مناسبت شهادت دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کنار هم جمع شده اید ، که با توجه به این سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله): (هر کس علی بن ابی طالب را زیارت کند همانند کسی است که فاطمه را زیارت کرده است) (1) زیارت حضرت زهرا (علیها السلام) برای شما نوشته می شود ، خداوند متعال شما و این سرزمین پاک و سخاوتمند را انتخاب کرده تا میدانی برای تقابل های تأثیرگذاری در تاریخ باشد که خطوط کلی حرکت تاریخ در آینده را ترسیم می کند :

یک : تقابل میان تمدن مادیرای غرب که سعی در تأثیر گذاری بر ملتها و هم رنگ ساختن آنها با فرهنگ ، اندیشه ، سبک زندگی ، سیاستهای اقتصادی ، اجتماعی و اخلاقی خود دارد ، و تمدن اسلامی شرق که بدنبال حفظ دین ، اخلاق ، اصالت و فرهنگ خود است .

دو : تقابل میان حکومتهای دیکتاتوری و مستبد در منطقه که با منطق قدرت بر ملتهای خود حاکم شده اند و اراده آنها را از بین برده اند و ثروتهای آنها را به یغما برده اند و جهل و سرسپردگی را در میان آنها رواج داده اند ، و میان یک زندگی شرافتمندانه و آزاد که در آن اراده

ص: 88

مردم مورد احترام واقع می شود و ارزش انسان در آن حفظ می شود و دنیا و آنچه که در آن است در خدمت انسان قرار می گیرد و انسان نیز در مسیر بندگی خداوند متعال حرکت کند، و مردم بسان ابزاری در اختیار حاکمان قرار نمی گیرند تا به وسیله آنها شهوتها و حرص و طمع خویش را برآورده کنند { آنچه می بینم به شما نمی نمایم } (1)، { من پروردگار بزرگ شما هستم } (2).

سه: تقابل مدعیان اسلام کسانی که به علت اختلاف نظر با دیگر مسلمانان و با نام جهاد، تکفیر و مقاومت جرایمی را مرتکب شده اند که تصویری نادرست از اسلام و مسلمان را برای دیگران معرفی کرده اند و چهره تاریخ را سیاه کرده اند، و با ظلم و ستم سعی دارند امامت و رهبری امت را در اختیار بگیرند، با پیروان امامت حقه که خداوند متعال آن را تعیین کرده است و به پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود دستور داد تا آن را به مردم ابلاغ کند، و بیش از چهارده قرن است که خونهای پاکی را در این مسیر تقدیم می کنند.

این ها تقابلهایی برای احقاق حق و دفاع از عزت امت و حفظ کرامت و تضمین صحت مسیر آن است، {براستی که این همان کامیابی بزرگ است* برای چنین [پاداشی] باید کوشندگان بکوشند} (3)، {مهری که بر آن نهاده شده از مشک است، و در این نعمتهای بهشتی باید راغبان بر یکدیگر پیشی گیرند} (4)

و السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

ص: 89

1- - مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى (غافر: 29).

2- - أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى (نازعات: 24).

3- - إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ (صافات: 60-61).

4- - خِتَامُهُ مِسْكَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ (مطففين: 26).

خداوند به خاطر غضب فاطمه غضبناک می شود

خداوند به خاطر غضب فاطمه غضبناک می شود(1)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وحده، والحمد لله كما يستحقه حمداً كثيراً، وأفضل الصلاة والسلام وأتمهما وأحسنهما وأزكاهما وأنماهما وأطيبهما وأطهرهما على سادة الخلق أجمعين: أبي القاسم محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين والتسعة المعصومين أجمعين.

سلام ورحمت خدا بر شما ای عزاداران حضرت زهرا (علیها السلام)

ائمه معصوم (سلام الله علیهم) فریضه امر به معروف و نهی از منکر را با بزرگترین توصیفها برای ما بیان کرده اند و آن را در جایگاه بسیار والایی قرار داده اند و آثار و برکات فراوانی را برای آن برشمرده اند، از حضرت امام باقر (علیه السلام) روایت است که می فرماید: (امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است و فریضه بزرگیاست که دیگر فرائض با آن اقامه می شوند، راهها امن می گردد و در آمدها حلال می شود و حقوق پایمال شده به صاحبانش بازمی گردد، زمین آباد می شود و حق از دشمنان گرفته می شود و کارها سامان می پذیرد) (2).

حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) می فرماید: (امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق خدا هستند، هر کس آنها را یاری کند خداوند به او عزت می بخشد و هر کس آنها را خوار کند خداوند او را ذلیل خواهد کرد) (3).

با وجود آثار ارزشمندی که انجام این فریضه برای امت به ارمغان می آورد، ولی اگر امتی امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، عواقب خطرناکی گریبانگیر آن خواهد شد، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت است که می فرماید: (تا زمانی که امت من امر به معروف و نهی از منکر انجام دهد و بر انجام کار خیر و رعایت تقوی به یکدیگر کمک کنند در خیر بسر خواهند برد، اما در صورتی که این کارها را انجام ندهند خیر و

ص: 90

1-121- سخنرانی حضرت آیت الله یبغقوی (دامت برکاته) در تجمع هزاران نقری عزاداران در میدان ثوره العشرین در نجف اشرف قبل از آغاز تشیع نمادین پیکر حضرت زهرا (علیها السلام) در سالروز شهادت ایشان در تاریخ سوم جمادی الثانی 1430 مصادف با 28 / 5 / 2009 .

2- 122 - وسائل الشیعه، کتاب امر به معروف و نهی از منکر، بخش امر و نهی، فصل 1، ح 6.

3- 123 - وسائل الشیعه، کتاب امر به معروف و نهی از منکر، بخش امر و نهی، فصل 1، ح 20.

برکات از آنها گرفته خواهد شد، و یکی از آنها بر دیگری تسلط پیدا می کند که هیچ یآوری در آسمان و یا زمین نخواهند داشت) (1).

از حضرت امام رضا (علیه السلام) نقل است که می فرماید: (باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گر نه اشرار بر شما مسلط می شوند و آن وقت دعای نیکان (برای رفع بدی) مستجاب نخواهد شد) (2).

از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل است که می فرمایند: (امتی که حقوق زیردستان را از زورمندان نگیرد هیچ گاه پاک و منزّه نخواهد شد) (3).

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در یکی از خطبه خود پس از حمد و ستایش خداوند متعال می فرماید: (اما بعد واقعیت آن است که پیشینیان شما زمانی هلاک شدند که معصیتها را انجام دادند، و ربانیان و احبار آنان را از معصیت بازداشتند، و در پی این جریانها کیفرها و عذابهای الهی بر آنها فرود آمد پس امر به معروف و نهی از منکر کنید، بدانید که امر به معروف و نهی از منکر نه مرگی را نزدیک می گرداند و نه رزق و روزی را می کاهد) (4).

تمام این موارد را می توان در آیات بسیاری از قرآن کریم یافت، خداوند متعال می فرماید: {باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند} (5)، همچنین خداوند عزوجل می فرماید: {شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شدید (چه اینکه) امر به معروف می کنید و نهی از منکر، و به خدا ایمان دارید، و اگر اهل کتاب (به چنین برنامه و آئین درخشانی) ایمان آورند به سود آنها است (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند و اکثر آنها فاسق (و خارج از اطاعت پروردگار) می باشند} (6)، و نیز می فرماید: {بسیاری از آنها را می بینی که در گناه و تعدی و خوردن مال حرام بر یکدیگر سبقت می جویند، چه زشت است کاری که انجام می دهند * چرا

ص: 91

1-124 - وسائل الشیعه، کتاب امر به معروف و نهی از منکر، بخش امر و نهی، فصل 1، ح 18.

2-125 - وسائل الشیعه، کتاب امر به معروف و نهی از منکر، بخش امر و نهی، فصل 1، ح 18.

3-126 - وسائل الشیعه، کتاب امر به معروف و نهی از منکر، بخش امر و نهی، فصل 1، ح 4.

4-127 - منبع قبلی، فصل 1، ح 9 و 7.

5- - وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران: 104).

6- - كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا وَآمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (آل عمران: 110).

دانشمندان نصاری و علمای یهود آنها را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام نهی نمی کنند! چه زشت است عملی که انجام می دهند {1}.

ای عزیزان من :

این فریضه مبارک و بزرگ زمانی عملی می شود که دو ویژگی در انسان وجود داشته باشند ، این دو ویژگی عبارتند از : ناراحتی از اینکه معصیت خداوند انجام می شود و خشنودی از انجام دستورات الهی ، حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید : (هرگاه کسی منکر را مشاهده کند و آن را انکار نماید در حالی که قدرت بر انکار دارد در حقیقت دوست دارد که معصیت خدا انجام شود و کسی که دوست داشته باشد که معصیت خدا انجام شود آشکارا به دشمنی خدا برخاسته است ، سپس فرمود: { پس ریشه آن گروهی که ستم کردند برکنده شد و ستایش برای خداوند پروردگار جهانیان است } {2} {3}.

از حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) روایت است که می فرماید : (جایز نیست برای یک چشم مؤمن که معصیت خدا را می بیند ، روی گرداند مگر اینکه آن را تغییر دهد) {4}.

حضرت امام باقر (علیه السلام) می فرماید : (خداوند متعال به شعیب پیامبر وحی فرمود که من صد هزار نفر از قوم تو را عذاب خواهم کرد ، چهل هزار نفر بدکار را و شصت هزار نفر از نیکانش را ، شعیب عرض کرد پروردگارا بدکاران سزاوارند اما نیکان چرا ؟ خداوند متعال به او وحی فرمود که آنان با گناهکاران راه آمده اند و به خاطر خشم من به خشم نیامدند) {5}.

حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید : (خداوند متعال دو ملک را به سوی شهری فرستاد تا آن شهر را بر سر ساکنانش ویران کنند ، هنگامی که به شهر رسیدند مردی را یافتند که به درگاه خدا دعا می کرد و اشک

ص: 92

1-- وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانَ وَأَكْلِهِمُ الشَّحْتَ لِبَيْسٍ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ، لَوْلَا يُنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ الشَّحْتَ لِبَيْسٍ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (مائده: 62-63).

2-- فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام: 45).

3- 132 - منبع قبلی، فصل 1، ح 25.

4- 133 - منبع قبلی، فصل 8، ح 1.

5- 134 - منبع قبلی، فصل 6، ح 2.

می ریخت، سپس یکی از ملائکه به سوی خداوند بازگشت، و گفت: پروردگارا من به شهر رسیدم و مردی را یافتم که به درگاه تو دعا می کرد و اشک می ریخت، خداوند فرمود: برو و به آنچه که به تو دستور داده ام عمل کن، زیرا آن مرد هیچ گاه چهره اش برای من خشمگین نشده است (1).

هنگامی که منکر از سوی کسی که خود را با لباس اسلام پوشانده و به ظاهر دین مزین کرده مشروعیت پیدا کند در اینصورت این منکر بسیار زشت تر از دیگر منکرات خواهد بود و خشم برای تغییر آن باید شدیدتر باشد؛ زیرا حق و باطل در هم آمیخته می شوند و فتنه ها و شبهات در میان امت منتشر خواهند شد و معروف تبدیل به منکر می شود و منکر تبدیل به معروف خواهد شد، این علمای به ظاهر متدین احکام دینی را تحریف می کنند و آنها را برای رسیدن منافع و اهداف خود از محتوا یا اصلی خالی می کنند، و اسلام ناب و اصیل به حاشیه کشانده می شود و شبهات زیادی در رابطه با آن ایجاد می شود.

از حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت است که می فرماید: (همانا از کسانی که مدعی مودت ما اهل بیت هستند کسی هست که در فتنه گری برای شیعیان ما از دجال شدیدتر است، پرسیدم برای چه؟ حضرت فرمود: به خاطر دوستی با دشمنان ما و دشمنی با دوستان ما، و هنگامی که چنین شد حق و باطل در هم آمیخته می شوند و مؤمن از منافق شناخته نمی شود (2)).

در آخر الزمان گروهی هستند که در میان آنان دسته ای ریاکار رهبر و متبوع قرار میگیرند پس تظاهر به قرائت قرآن و ادعیه و انجام عبادات می نمایند ولی سبک مغز و نادانند و امر به معروف و نهی از منکر را لازم نمی دانند مگر در موردی که از زیان در ایمن باشند و همیشه در ترک این وظیفه سازنده برای خود عذر تراشی می کنند و در ترک آن تظاهر به رخصت داشتن می نمایند، همواره به دنبال خطای علما و فساد در اعمال آنها هستند، نماز و روزه را تا زمانی که هزینه ای مالی و یا

ص: 93

1- 135 - منبع قبلی، فصل 17، ح 9.

2- 136 - فروع کافی: کتاب جهاد، بخش امر به معروف و نهی از منکر، ح 1.

جانی برای آنها نداشته باشند بجا می آورند ، و اگر به جا آوردن نماز ضرری برای آنها داشته باشد آن را ترک می کنند آنچنان که برترین و شریفترین فرائض را ترک کردند (1).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید : (شما چه خواهید کرد اگر زندهای شما فاسد شوند و جوانهایتان فاسق شوند و امر به معروف و نهی از منکر نکنند؟ از ایشان پرسیده شد ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آیا چنین می شود؟ فرمود : بلی و بدتر از این هم می شود ، چه خواهید کرد هنگامی که امر به منکر و نهی از معروف شود؟ از ایشان پرسیده شد؟ ای رسول خدا آیا چنین می شود؟ فرمود: بلی و بدتر از این نیز می شود ، بر شما چه خواهد گذشت زمانی که معروف را منکر و منکر را معروف ببینید؟ (2).

از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل است که می فرماید : (در روز قیامت گروهی را برای محاسبه می آورند که اعمال نیک آنان مانند کوه هایی بر روی همانباشته شده است ، اما فرمان می رسد که به آتش برده شوند ، اصحاب گفتند : ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آیا اینان نماز می خوانند؟ حضرت فرمود : بلی نماز می خوانند و روزه می گرفتند و قسمتی از شب را در عبادت به سر می بردند ، اما همین که چیزی از دنیا به آنها عرضه می شد پرش و جهش می کردند تا خود را به آن برسانند (3).

و جوب این فریضه زمانی شدیدتر خواهد شد که انجام آن باعث هدایت مردم به بزرگترین مسئله در اسلام یعنی امامت امت و خلافت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) باشد که خداوند متعال با شدیدترین لهجه به پیامبر خود دستور می دهد که آن را به مردم ابلاغ کند : { ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می دارد آری خدا گروه کافران را هدایت نمی کند { (4)؛ علت تأکید بر این مسأله این است که هدایت مردم به سمت قله

ص: 94

1- 137 - وسائل الشیعه: کتاب امر به معروف و نهی از منکر، بخش امر و نهی، فصل 1، ح 12.

2- 138 - بحار الأنوار: 74/186.

3- 139 - وسائل الشیعه: کتاب امر به معروف و نهی از منکر، بخش امر و نهی، فصل 38، ح 10.

4- - يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (مائده: 67).

کمال و سعادت و حفظ آنها از انحراف وابسته به آن است ، خداوند متعال اهمیت بسیار زیادی برای این مسأله قائل است به طوری که اگر کسی در جایی بنشیند که در آن نسبت به ائمه اسلام بدگویی می شود او را عذاب خواهد کرد ، حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) می فرماید : (هر کس در مجلسی بنشیند که در آن مجلس به یکی از امامان حق دشنام داده شود و این شخص بتواند دفاع کند و نکند خدای عزوجل در دنیا جامه خواری بر او بپوشاند و در آخرت او را عذاب کند و نعمت و معرفت ما را که به او داده از او بگیرد) (1).

حضرت امام صادق (علیه السلام) نیز در مورد اینگونه مجالس می فرماید : (پس هر کس از مؤمنین که گرفتار آنها شود ، چون در این مطالب وارد شدند باید برخیزد و شریک و هم نشین شیطان نشود ، زیرا در برابر غضب خدای عزوجل چیزی یارای مقاومت ندارد و لعنت خدا را چیزی بازنگرداند ، سپس آن حضرت (علیه السلام) فرمود: و اگر نتواند باید آن را در دل خود انکار کند و برخیزد هر چند بقدر دوشیدن گوسفند و یا شتری باشد) (2).

آن حضرت همچنین می فرماید : (پس هر گاه دیدی که درباره امامی از امامان بد گویند برخیز ، زیرا غضب خداوند در چنین وقتی بر ایشان نازل گردد) (3).

ای محبان حضرت زهرا (علیها السلام) که برای یاری ایشان در کنار هم جمع شده اید :

حضرت زهرا برای مقابله با همه این فتنه ها و انحرافات ، و برای انجام این واجب بزرگ و احیای این فریضه مبارک و برای یاری امام بر حقش امیرالمؤمنین (علیه السلام) از منزل خارج شد (همراه با گروهی از زنان خویشاوند خود که در راه رفتن پا روی پایین لباسش می گذاشتند ، و راه رفتن ایشان همانند راه رفتن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود تا اینکه جمع مهاجرین و انصار در مسجد پدر خویش وارد شد) (4) ، خروج ایشان برای مطالبه

ص: 95

1- 141 - وسائل الشیعه: کتاب امر به معروف و نهی از منکر، بخش امر و نهی، فصل 38، ح 12.

2- 142 - وسائل الشیعه: کتاب امر به معروف و نهی از منکر، بخش امر و نهی، فصل 38، ح 13.

3- 143 - احتجاج طبرسی: 1/132.

4- 144 - علل الشرائع شیخ صدوق : 2/366.

درختهای فدک نبود؛ زیرا در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مدت سه سال فدک در اختیار ایشان بود و هیچ گاه از کسی نشنیده ایم که آن حضرت از امور دنیایی بهره ای برده اند، بلکه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصف ایشان می فرماید: (حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) آنقدر با مشک آب کشید که اثر آن در سینه اش آشکار شد و چندان با دست خود آسیاب کرد که دستهایش پینه زد و آنقدر خانه را جاروب کرد که لباسهایش خاک آلود گردید و چندان آتش در زیر دیگ روشن کرد که لباسهایش سیاه و دود آلود شد و از این کارها رنج و سختی زیادی به او رسید) (1).

او همان کسی است که به همراه همسر و دو فرزند خود (امام حسن و امام حسین) (صلوات الله علیهم اجمعین) یک شخص فقیر، یتیم و اسیری را اطعام کردند و به مدت سه روز گرسنه ماندند تا اینکه در حق ایشان سوره (هل آتی) نازل شد.

او همان کسی است که وقتی احساس کرد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از کار او در ساختن زیورآلاتی از نقره و پرده ای برای منزل که به مناسب بازگشت پدر و همسر خویش انجام داده بود، راضی نیست، بلافاصله همه آنها را به فقرا بخشید، که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مورد ایشان فرمود: (آری چنین کرد، و سه بار فرمود پدرش فدایش شود، دنیا برای محمد و آل محمد نیست، اگر دنیا نزد خدا به اندازه بال پشه ای ارزش داشت شربتی از آب آن به کافری نمی داد) (2).

آیا حضرت زهرا (علیها السلام) برای غصب فدک از ایشان و از همسر خویش امیرالمؤمنین (علیه السلام) ناراحت شد، در حالی که حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: (آری از آنچه که آسمان بر آن سایه انداخته بود فقط فدک در دست ما قرار داشت، که گروهی از اینکه در دست ما باشد بر آن بخل ورزیدند و ما هم به سخاوت از آن دست برداشتیم، و خداوند نیکوترین حاکم است، مرا با فدک و غیر فدک چکار؟ که در فردا جای شخص در گور است، که آثار آدمی در تاریکی آن از بین می رود و اخبارش پنهان می گردد، گودالی که اگر به وسعت آن بیافزایند و دستهای گورکن به وسیع کردن آن

ص: 96

1- 145 - بحار الأنوار: 43، 20 به نقل از امالی صدوق.

2- 146 - نهج البلاغه، نامه حضرت (علیه السلام) به عثمان بن حنیف، شماره 285.

اقدام نماید، باز هم سنگ و کلوخ زمین آن را به هم فشارد، و خاک روی هم انباشته رخنه هایش را ببندد (1).

آن حضرت (علیها السلام) در آن موضع تاریخی قرار گرفت تا حق را به جایگاه خود بازگرداند، و مسیر حرکت امت را تصحیح کند، و تمام غضب ایشان برای خداوند متعال بود آنچنان که تمام رضای ایشان نیز برای خداوند بود، به همین جهت کاملاً طبیعی بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مدال افتخاری را بر گردن ایشان بیاویزد که تا روز قیامت الگویی برای همه نسلها باشد، حضرت فرمود: (خداوند برای غضب فاطمه غضبناک می شود و برای رضای او راضی می شود) (2)؛ چرا که آن حضرت (علیها السلام) جز برای خدا ناراحت نمی شد و جز برای خشنودی خداوند متعال خشنود نمی شد. و تمام تلاش و محور سخنان ایشان رساندن این پیام و ادای وظیفه خود در قبال هدایت امت بود که همان رسالت همه انبیای الهی است {من قصدی جز اصلاح [جامعه] تا آنجا که بتوانم ندارم} (3).

هنگامی که زنان مهاجر و انصار به دیدار حضرت زهرا (علیها السلام) آمدند و حال ایشان را جویا شدند، آثار غم و اندوه بر سخنان ایشان واضح بود، و هنگامی که از ایشان پرسیدند: (ای دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حالت چگونه است؟) (چگونه که متعارف بود حال خود را برای آنها بازگو نکرد بلکه هدف والای خود را برای آنها بیان کرد، و پس از حمد و ستایش خداوند متعال و درود بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: (شگفتا از آنان چگونه خلافت را از سنگ پایه های رسالت و پایه های نبوت و جایگاه وحی و آنکه در امر دین و دنیای آنها آگاه بود، دور ساختند، آری براستی این زبانی فراوان و آشکار است، از ابوالحسن (علیه السلام) چه چیزی را نپسندیدند به خدا سوگند آنان بی پروایی شمشیر ابوالحسن، استواری گامها، سختی کارزار و خشم خدایی او را خوش نداشتند) (4).

بر همین اساس حضرت صدیقه طاهر (علیها السلام) درد بزرگی که ملتها به مبتلا

ص: 97

1- 147 - این حدیث مورد اجماع علمای شیعه است که متن و سند آن در کتابهای مختلف آمده است مانند کتاب بحار الأنوار:

43/19، همچنین علمای اهل سنت در صحاح خود نقل کرده اند (مراجعه شود به کتاب فضائل خمسه از صحاح سته: 3/180).

2- 148 - احتجاج طبرسی: 1/148.

3- - إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ (هود: 88).

4- 150 - احتجاج طبرسی: 1/148.

هستند و علت همه مشکلات و درماندگی آنها است را تشخیص داد، که آن انتخاب نادرست حاکمان و رهبران خود و دوری از رهبران صالح بود، حضرت (علیها السلام) فرمود: (به خدا قسم پر را با دم عوض کردند، بدا به حال آنان آیا نمی دانند کسی که به سوی حق هدایت می کند سزاوارتر است که پیروی شود تا آنکس که هدایت نشده است، پس چه شده است شما را چگونه حکم می کنید)، آنها به جای اینکه به سمت قله کمال پرواز کنند، به سمت پرتگاه سقوط کردند.

این انحراف خطرناک در تفکر که ناشی از حب دنیا و پیروی از شهوات و جهل و تعصب است که ملتهای مختلف در طول تاریخ به آن مبتلا شده اند، و در طی آن حضرت علی (علیه السلام) را با معاویه، و حسین (علیه السلام) را با یزید، و ائمه معصومین (علیهم السلام) و علمای صالح را با مستکبران و ستمگران عوض کردند، خداوند متعال در تعبیر از آن می فرماید: {وای بر حال این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنها نیامد جز آنکه او را به تمسخر گرفتند} (1). فریاد حضرت زهرا (علیها السلام) نمودی از آن حسرت و مظهري از آن غضب الهی بود.

هیچ کس غیر از حضرت زهرا (علیها السلام) به دلیل طهارت، شجاعت و منزلت والای او نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، نمی توانست این فریاد جان کاه را در اعماق تاریخ بزند، اگر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) این کار را انجام می داد، خواهند گفت که او طمع در خلافت دارد و به دنبال رسیدن به پست و مقام است و یا اینکه همانطور که گفتند: نان را به تنور خود می کشاند.

هنگامی که حضرت امام حسین (علیه السلام) برای ادای این وظیفه قیام کرد، گفتند که او با شمشیر جلدش کشته شد. اما در مورد حضرت زهرا (علیها السلام) هیچ کس نتوانست حتی با یک کلمه به ایشان چیزی بگوید، و تنها کاری که توانستند انجام دهند این بود که برخی از ظلم هایی را که بر ایشان جاری شد را انکار کردند. به همین جهت زنده کردن مواضع و مظلومیتهای حضرت زهرا (علیها السلام) یکی از بزرگترین وسایل نشر مکتب

ص: 98

1- - يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (ي-س: 30).

اهل بیت (علیهم السلام) و اقتناع مردم نسبت به حق امامت و رهبری ایشان است .

ای شیفتگان شفاعت حضرت زهرا (علیها السلام) :

در زندگی با برکت آن حضرت درسهای فراوانی برای بشریت وجود دارد که بایستی از آنها الگو گرفت ، درس مهمی که ما باید از ایشان بگیریم : خشم برای خداوند متعال هنگامی که معصیتی را مشاهده می کنیم و انکار منکر و تلاش برای تغییر فساد جاری در همه سطوح و ایستادن در برابر ظلم و انحراف است ، تا شاید خداوند متعال شفاعت حضرت زهرا (علیها السلام) را شامل حال ما بکند ؛ چرا که رسیدن به این مهم با راحت طلبی و فرار از مسئولیت حاصل نمی شود ، در روایت معتبری از حضرت امام صادق (علیه السلام) و ایشان از پدران خود و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل است که می فرماید : (خداوند عزوجل بر مؤمن ناتوانی که دین ندارد خشم می کند ، عرض شد : مؤمنی که دین ندارد چگونه مؤمن خواهد بود ، حضرت فرمود : کسی که نهی از منکر نکند) (1). همچنین از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل است که می فرماید : (کسی که منکری را در قلب و زبان و دست خود انکار نکند ، مرده ای در میان زندگان خواهد بود) (2).

از حضرت امام حسین (علیه السلام) روایت است که می فرماید : (جایز نیست برای چشم مؤمنی که معصیت خدا را می بیند روی برگرداند مگر اینکه آن را تغییر دهد) (3).

پس حضرت زهرا (علیها السلام) را الگوی خود قرار دهید و با احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و تلاش برای اصلاح مردم و هدایت آنها و اعلائی کلمه الله قلب آن حضرت را از خود شادمان کنید ، و سعی کنید عملتان در این راه تنها برای رضای خداوند متعال باشد و توصیه های مرجعیت عالیقدر را مورد توجه قرار دهید ، همانطور که ائمه (سلام الله علیهم) شما را به آن توصیه کرده اند : (بی آنکه در این فعالیت برای خود طلب قدرت و شوکت کنید ، و یا بخواهید از این راه اموالی را بدست

ص: 99

1-152 - فروع کافی: کتاب جهاد، بخش امر به معروف و نهی از منکر، ح15؛ وسائل الشیعه: کتاب امر به معروف و نهی از منکر، بخش

امر و نهی ، فصل 1، ح 23 همراه با تغییر جزئی.

2-153 - منبع قبلی، فصل 3، ح 4.

3-154 - منبع قبلی، فصل 1، ح 25.

آورید و یا بخواهید بر آنها نسبت به خواسته های نفسانی خود پیروز شوید(1)، خداوند متعال تا زمانی که در مسیر طاعت و یاری دین او اولیانش حرکت کنید به شما وعده پیروزی داده است ، خداوند متعال می فرماید : { ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خدا را یاری کنید یاریتان می کند و گامهایتان را استوار می دارد } (2).

اگر کسی در این مسیر کوتاهی کند و یا بدنبال راحتی و دنیای خود باشد ، خداوند متعال این کرامت را از او سلب خواهد کرد : { اگر روی برتابید [خدا] جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود } (3) ، { اگر [به راستی] اراده بیرون رفتن داشتند قطعا برای آن ساز و برگی تدارک می دیدند ولی خداوند راه افتادن آنان را خوش نداشت پس ایشان را منصرف گردانید و [به آنان] گفته شد با ماندگان بنماینید } (4).

والحمد لله رب العالمین وصلى الله على سيدنا أبي القاسم محمد وعترته الطيبين الطاهرين.

ص: 100

1- 155 - فروع کافی: کتاب جهاد، باب امر به معروف ونهی از منکر، ح 1.

2- - إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَيُيَسِّرْ لَكُمْ أَسْرَارَكُمْ (محمد: 7).

3- - وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (محمد: 38).

4- - وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ (توبه: 46).

آیا می‌خواهی همراه با حضرت زهرا (علیها السلام) در مقام و منزلت ایشان باشی؟

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على خير خلقه ابي القاسم محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين.

شاید مطرح ساختن این سؤال کمی عجیب به نظر برسد و جواب آن از قبل روشن باشد؛ زیرا هیچ شخص عاقلی وجود ندارد که نخواهد در مقام و منزلت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) باشد. هدف از مطرح کردن این پرسش شناختن راهی است که انسان از طریق آن می‌تواند به این مقام و درجه برسد.

مقام حضرت زهرا (علیها السلام) چه هست؟ آن حضرت همراه با پدر، همسر و دو فرزند خود (صلوات الله علیهم اجمعین) در قرارگاه صدق نزد پادشاهیتوانایند {1}، {در زمره کسانی قرار دارند که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدم اند} {2}، بلکه ایشان (صلوات الله علیهم اجمعین) خود بهشت حقیقی هستند، خداوند متعال می‌فرماید: {خشنودی خدا بزرگتر است} {3}، و همانطور که در حدیث شریف آمده خشنودی ایشان همان خشنودی خداوند متعال است: (خداوند با خشنودی فاطمه خشنود می‌شود و با خشم فاطمه خشمگین می‌شود) حضرت امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: (رضایت خدا همان رضایت ما اهل بیت (علیهم السلام) است).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیث ثقلین تلازم و همراهی میان خود و اهل بیت (علیهم السلام) را اینگونه توصیف می‌کند: (من در میان شما دو امانت نفیس و گرانبها به جای می‌گذارم، یکی کتاب خدا که ریسمانی کشیده شده از آسمان به سوی زمین است و دیگری عترت من اهل بیت است، و خداوند متعال به من فرمود که این دو یادگار هیچ‌گاه از هم جدا نخواهند شد، تا اینکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند، پس آگاه باشید که

ص: 101

1- - فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (قمر: 55).

2- - [أُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا (نساء: 69).

3- - وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ (توبه: 72).

چگونه با آنها رفتار خواهید می کنید (1).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خطاب به امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید: (تو در کنار من در کاخی در بهشت و همراه با دخترم فاطمه خواهی بود) (2)، و هنگامی که خطاب به دختر خود حضرت زهرا (علیها السلام) می فرماید: (فاطمه پاره تن من است هر کس او را بیازارد مرا آزار داده) (3)، به این دلیل نیست که فاطمه (علیها السلام) دختر اوست؛ زیرا در اینصورت همانند دیگران خواهد بود و منزلتی نسبت به آنها نخواهد داشت تا مستحق این سخن قرار گیرد، بلکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قصد دارد به ما بفهماند که فاطمه (علیها السلام) جزئی از وجود معنوی ایشان و امتداد آن است، و اینکه حضرت زهرا (علیها السلام) پرتوی از خورشید نورانی ایشان است. و به همین جهت حضرت (صلی الله علیه و آله) فرمود: (هر کس فاطمه را بیازارد مرا آزار داده است).

حضرت امام حسین (علیه السلام) همین معنی را در سخنانی که در مکه مکرمه قبل از خروج از عراق ایراد فرمودند، مورد تأکید قرار می دهد، حضرت می فرماید: (ما خاندان رسالت به رضای خدا راضی هستیم و به بلایش شکیبیا، و خداوند بهترین پاداش شکیبیان را به ما عطا خواهد کرد، فرمود: هرگز پاره تن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از او جدا نگردد و همگی در جایگاه قدس در کنار اویند، تا دیده اش به آنان روشن شود و وعده الهی با آنان تحقق یابد) (4).

ای عزیزان:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پاسخ پرسشی را که در ابتدا مطرح کرده ام را در احادیث متعددی بیان فرموده اند، و ما را به آنچه که موجب همراهی با حضرت زهرا (علیها السلام) می شود رهنمون ساخته است، مانند روایتی که ترمذی در صحیح خود و احمد بن حنبل در مسند خود و دیگر علمای اهل

ص: 102

1- 162 - به نقل از مسند أحمد بن حنبل، و همچنین منابع آن در کتب عامه مانند (فضائل الخمسة من الصحاح الستة): 2/52-62 موجود می باشد.

2- 163 - کنز العمال: 5/400 حدیث 36345 و منابع حدیث در کتب عامه مانند (فضائل الخمسة من الصحاح الستة): 3/129-131.

3- 164 - این عبارت نص صحیح بخاری است که منابع آن را می توان در منبع قبلی پیدا کرد.

4- 165 - مقتل الحسين (علیه السلام): سید مقرر: 193.

سنت از امیرمؤمنین (علیه السلام) نقل می کنند ، حضرت می فرماید : (رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دستان حسن و حسین (علیهم السلام) را گرفت ، سپس فرمود : هر کس این دو و پدر و مادرشان را دوست داشته باشد ، روز قیامت در کنار من خواهد بود) (1)

، البته این احادیث باید به صورت صحیح فهمیده شوند زیرا مقصود از دوست داشتن در اینجا دوست داشتن به معنای حقیقی همراه با آثار آن است .

ص: 103

1- 166 - منابع این حدیث را می توان در کتاب (فضائل الخمسة من الصحاح الستة: 1/299-300) یافت .

هر کس سرپرستی یتیمی را بر عهده بگیرد در کنار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حضرت فاطمه (علیها السلام) خواهد بود.

آنچه که امروز قصد داریم در مورد آن صحبت کنیم روایتی از حضرت امام صادق (علیه السلام) است که می فرماید: (رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس یتیمی را کفالت نماید و نفقه او را نیز بر عهده بگیرد، من و او در بهشت همانند این دو هستیم، و اشاره نمود به انگشت سبابه و وسطی) (1).

و در روایتی دیگر فرمود (صلی الله علیه و آله): (من و کسی که کفالت یتیمی را بر عهده بگیرد، در صورتی که تقوای الهی را رعایت کند با هم در بهشت خواهیم بود، و اشاره به انگشت سبابه و وسطی خود نمود) (2)، این روایت مشهوری است، هر چند که در بعضی از نقلها قسمت آخر آن که شرط قبول اعمال است، نقل نمی شود، خداوند متعال می فرماید: {خدا فقط از تقوای پیشگان می پذیرد} (3)، لکن شرطی که در روایت بیان شده برای قرار گرفتن کفالت کننده یتیم در درجه و مقام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است، و شرط دادن پاداش به او نیست؛ چرا که انسان پاداش کارهای نیک خود بدست خواهد آورد حتی اگر در انجام آنها قصد قربت نداشته باشد.

در نتیجه این راهی است که به لطف و کرم خداوند متعال امکان قرار گیری در مقام و منزلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را برای ما فراهم می کند، روایات بسیاری در بیان فضیلت کفالت یتیم و سرپرستی او وجود دارد، یکی از آنها روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است که می فرماید: (در بهشت خانه ای وجود دارد که به آن خانه شادی گفته می شود، هیچ کس وارد آن نمی شود مگر اینکه دل یتیمان مؤمنان را شاد کند) (4)، همچنین می فرماید: (هر کس سرپرستی یتیمی از مسلمانان را بر عهده بگیرد، خداوند او را وارد بهشت خواهد ساخت مگر در صورتی که گناهی نابخشودنی مرتکب شود) (5).

از ابی درداء نقل است که می گوید: (مردی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و

ص: 104

1- 167 - بحار الأنوار: 75/3.

2- 168 - تفسیر نور الثقلین: 5/597.

3- - إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (مائده: 27)

4- 170 - کنز العمال: ح 6008.

5- 171 - الترغیب والترهیب: 3/347.

از قساوت قلب خویش شکایت می کرد ، حضرت فرمود : آیا دوست داری نرم دل شوی و به خواسته ات برسی ؟ پس به یتیم مهربانی کن و دست محبت بر سر او بکش و از غذای خود به او بده در اینصورت دلت نرم خواهد شد و به مرادت می رسی (1).

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت است که می فرماید : (هیچ مرد و زن مؤمنی نیست که دست محبت بر سر یتیمی بگذارد مگر اینکه خداوند به اندازه هر تار مویی که بر آن دست کشیده است ثوابی برایش بنویسد) (2).

از حضرت امام صادق (علیه السلام) روایت است که می فرماید : (رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود : هر کس سرپرستی یتیمی را بر عهده بگیرد تا زمانی که بی نیاز از او شود ، خداوند عزوجل بهشت را بر او واجب می گرداند همانطور که وعده آتش جهنم را به کسی که مال یتیم را می خورد داده است) (3).

یتیمان معنوی :

نوع دیگری از ایتم وجود دارند که تعداد آنها بیشتر است و شامل اکثریت مردم می شوند ، و سرپرستی آنها نیاز به پول ندارد ، بلکه به تلاش و همت و اخلاص نیاز دارد ، و کفالت کننده آنها نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از یتیمان نوع اول مقرب تر خواهد بود ، پاره ای از روایات شریفه (4)

این گروه را برای ما معرفی می کنند و منزلت آنها را نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت ایشان بیان می کنند ، از حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت است که می فرماید : (پدرم و ایشان از پدران خود نقل می کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید : سخت تر از یتیم جدا شده از پدر ، یتیمی است که از امامش جدا شده و توانایی دستیابی به وی را ندارد و حکم امامش را درباره مسائل دینی مورد ابتلا نمی داند ، آگاه باشید هر فرد ناآگاه به شریعت ما که از دیدار ما محروم است یتیمی است که در دامن عالمان شیعه جای دارد ، آگاه باشید هر کس وی را هدایت و راهنمایی کند

ص: 105

1- 172 - الترغیب والترهیب: 3/349.

2- 173 - بحار الأنوار: 75/4.

3- 174 - بحار الأنوار: 75/4.

4- 175 - این احادیث را علامه مجلسی (قدس سره) در کتاب بحار الانوار: 2/2-6 در بخش عقل و علم و جهل به نقل از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام) و کتاب احتجاج طبرسی گردآوری کرده است .

و شریعت ما را به وی بیاموزد در مقام رفیق اعلا با ما خواهد بود (1).

حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) می فرماید: (حسن بن علی (علیه السلام) می فرماید: فضیلت کسی که یتیمی از آل محمد را - که از والیان دور افتاده و گرفتار حیرت جهل شده - کفالت و سرپرستی کرده و از تاریکی جهل بیرون سازد و مشتبهات او را برطرف نماید، نسبت به کفالت کننده یتیمی که او را آب و غذا می دهد، همچون فضیلت خورشید بر ستاره "سها" - کم سو ترین ستاره - است).

همچنین از ایشان (علیه السلام) نقل است که می فرماید: (حسین بن علی (علیه السلام) فرمود: هر کس یتیمی از ما را که به سبب در خفا و استتار بودن ما، به ما دسترسی ندارد، سرپرستی کند و از علوم ما که نصیب او شده است در اختیار وی بگذارد و او را راهنمایی و هدایت کند، خداوند عزوجل خطاب به او می فرماید: ای بنده کریم و غمخوار من به کرم و بخشندگی تو سزاوارترم، ای فرشتگان من به تعداد هر حرفی که به او آموخته است هزار هزار قصر در بهشت برایش بسازید، و از دیگر نعمتهایی که در خور این قصرهاست به آنها اضافه کنید).

از ایشان (علیه السلام) روایت است که می فرماید: (موسی بن جعفر (علیه السلام) می فرماید: یک فقیهی که یتیمی از یتیمان جدا شده از ما را آموزش دهد و نیازهایش را برطرف سازد، از هزار عابد بر ابلیس گرانتر می آید؛ چون همت عابد تنها خودش است و فقیه افزون بر خود به بندگان و کنیزان خدا نیز می اندیشد تا آنان را از دست ابلیس و گردنکشان وی برهاند، از این رو او نزد خدا از هزار عابد و هزار هزار عابد برتر است).

حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) می فرماید: (علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می فرماید: روز قیامت به عابد گفته می شود آدم خوبی بودی، به خودت پرداختی و زحمت خود را از دوش مردم برداشتی، به بهشت درآی. بدانید که فقیه کسی است که خیر خود را بر مردم فرو ریزد و آنان را از دشمنانشان برهاند. به فقیه گفته می شود: ای کسی که سرپرستی یتیمان آل محمد را به عهده گرفتی و دوستداران و پیروان مستضعف آنان را هدایت کردی، بایست تا برای هر کس که از تو بهره

ص: 106

مند شده یا دانش آموخته شفاعت کنی ، پس همراه با او گروه گروه وارد بهشت می شوند) .

از ایشان (علیه السلام) نقل است که می فرماید : (محمد بن جواد (علیه السلام) می فرماید : همانا کسانی که یتیمان آل محمد که از امامشان جدا شده اند و در جهل خود سرگردان و اسیر شیاطین و ناصبی ها شده اند را سرپرستی کنند ، و آنان را نجات دهند و از سرگردانی و قهر شیاطین با بازگرداندن و سوسه هایشان و از قهر ناصبی ها با آوردن حجت های خدایشان و دلیل های اثمه خویش خارج سازند ، نزد خداوند بر عابد به بهترین شکل ممکن برتری داده می شوند بیشتر از برتری آسمان بر زمین ، و برتری عرش و کرسی و حجابها بر آسمان ، برتری آنها بر عابد مانند برتری ماه شب چهارده بر کوچکترین ستاره در آسمان است) .

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) هر دو نوع یتیم را کفالت می کند :

حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) قدم در جای پای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در اقوال ، افعال و خصلتهای نیکوی ایشان داشت ، و با وجود اینکه در علم الهی از قبل روشن بود که ایشان در بهشت در مقام و درجه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خواهد بود ، لکن آن حضرت همچنان نسبت به انجام آنچه که موجب تقرب او به خداوند متعال و پیامبر (صلی الله علیه و آله) او می شد ، حریص بود ، و به آن استحقاق و عطای سابق الهی اکتفا نمی کرد ، بلکه آن را با تلاش مستمر و تحمل مشقتها و سختی های فراوان در انجام مسئولیتها و صبر بر آنها تقویت کرد ، و استحقاق خود برای رسیدن به آن مقام و منزلت را اثبات کرد ، در زیارت ایشان در روز یکشنبه آمده است : (سلام بر تو ای آزموده، آزمودت خدایی که تو را آفرید، پیش از آنکه تو را بیافریند، پس به آنچه آزمودت تو را شکیبیا یافت) ، آن حضرت (علیها السلام) وظایف و عهدی را که با خدای خود بسته بود را به خوبی ادا کرد و با بالاترین درجه موفق به گذراندن امتحانات الهی شد .

یکی از امتحانهایی که حضرت (علیها السلام) در گذراندن آن موفق بود کفالت هر دو نوع یتیمی بود که آنها را قبلا بیان کردیم .

در رابطه با یتیم نوع اول خداوند متعال برای ایشان ، امیرالمؤمنین و دو فرزندشان یعنی حسن و حسین (صلوات الله علیهم) در قرآن کریم

شهادت می دهد که با وجود نیاز آنها به غذا به دلیل اخلاص و عشقی که به خداوند متعال داشتند ، غذای خود را به یتیمان دادند {و به [پاس] دوستی [خدا] بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می دادند * ما برای خشنودی خداست که به شما می خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم} (1).

در زندگینامه آن حضرت می خوانیم که ایشان آنقدر گندم آسیاب کردند که دستانشان پینه بسته بود و از بس که تنور را روشن کرده بود لباسهایش از دود آتش سیاه گشته بود ، همه این زحمت برای آماده کردن غذا برای همسر و فرزندانش نبود ؛ چرا که آنها تنها برای جلوگیری از ضعف و بی رمقی غذا می خوردند ، بلکه همه این زحمتهای همانطور که از روایات دیگر اثبات می شود به جهت تعداد افراد زیادی بود که به آنها غذا می داد و سرپرستی آنها را بر عهده گرفته بود ، حتی هنگامی که در حال وداع با این دنیا بود توصیه در مورد یتیمان را فراموش نکرد ، در روایت است که آن حضرت در توصیه به امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) می فرماید : (ای ابا الحسن بر سر آن دو فریاد نزن چرا که آنان بعد مرگ من یتیم می شوند ، دیروز پدر بزرگشان را از دست دادند و امروز مرا از دست خواهند داد) (2).

اما در رابطه با نوع دوم از یتیمان ، حضرت در کفالت اینگونه ایتم تلاش بی وقفه ای داشتند ، از حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت است که می فرماید : (زنی خدمت حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) آمد و عرضه داشت : مادر ضعیفی دارم که در مورد نمازش دچار شبهه شده و مرا برای حل آن به محضر شما فرستاده است ، حضرت فاطمه (علیها السلام) پاسخ ایشان را دادند ، اما آن زن تا ده سوال پرسید و حضرت جواب همه آنها را بیان کردند ، پس از سوال و جوابهای فراوان آن زن احساس شرمندگی کرد و به حضرت (علیها السلام) عرض کرد : ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) من بیش از این قصد مزاحمت برای شما ندارم ، اما حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمودند : هر مساله ای برایت پیش آمد بیا و از من بپرس ، اگر

ص: 108

1- -- وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا، إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (إنسان: 8-9).

2- 178 - بحار الأنوار: 43/178.

کسی یک روز و در قبال یکصد هزار دینار اجیر شود تا بار سنگینی را به پشت بام ببرد آیا این عمل برای او سنگین و ناگوار است؟ آن زن پاسخ داد: خیر حضرت فرمود: مزد من در برابر هر مساله ای که از من پرسیده شود بیشتر از وزن مروارید هایی است که فاصله زمین تا عرش را پر کرده پس سوالاتی که از من پرسیده می شوند اصلا باعث زحمت و ناخوشی من نمی شوند. از پدرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمود: علما و دانشمندان شیعیان و پیروان ما در روز قیامت در حالی محشور می شوند که تاج کرامت بر سر نهاده اند چون آنان در دنیا بر هدایت بندگان خدا تلاش و کوشش داشته اند، مورد لطف و رحمت خدا قرار می گیرند و هدایا و خلعت های فراوان و گرانبهای بهشتی از جنس نور تقدیمشان می شود سپس منادی الهی ندا می دهد که ای سرپرستان یتیمان آل محمد که آنها را در روزگار یتیمی و محرومیت از وجود ائمه خود هدایت و راهنمایی کردید! اینها شاگردان و یتیمانی هستند که شما آنها را سرپرستی و هدایت نمودید، پس از خلعت هایی که به شما ارزانی شد، به آنها نیز بدهید. در این هنگام به اندازه علومی که مردم از آن فرا گرفته اند به آنها خلعت می دهند تا جایی که برخی از مردم صد هزار خلعت نصیب آنها می شود، و پس از آن خداوند از فضل خود خلعت های علما را فزون و مضاعف میگرداند. پس از آن حضرت زهرا (علیها السلام) فرمود: ای بنده خدا، ارزش یکی از آن خلعت ها، هزار هزار بار بیشتر از آنچه است که در این دنیا وجود دارد و خورشید بر آن می تابد (1).

همچنین از ایشان نقل است که می فرماید: (علی ابن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: کسی که فرد نیازمند در امر دینش و ناتوان در معرفتش را در مقابل دشمن تقویت کند و آن مخالف را محکوم نماید، روزی که او را در قبر می گذارند، خدا به او تلقین می نماید که بگوید: الله پروردگار من، محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبر من و حضرت علی ولی من است و کعبه قبله من و قرآن مایه شادمانی قلب من و مومنان برادر من هستند، پس خداوند می فرماید دلیل و برهان قاطع آوردی، پس به این سبب بالاترین درجات بهشت بر تو واجب شد، در این هنگام قبرش به فرحبخش ترین باغهای

ص: 109

مسئولیت ما در قبال کفالت این دو نوع ایتم :

ای خواهران و برادران : بیایید از حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) تأسی بگیریم و ایشان را الگوی خود قرار دهیم و با کفالت هر دو نوع یتیم در بهشت در

کنار ایشان و پدر بزرگوارشان (صلوات الله علیهما و آلهما) قرار گیریم .

امروز کشور ما به دلیل جنگ و قتل و گورهای دسته جمعی در زمان حکومت صدام ، و جنایتهای تروریستها و آشفتگی برنامه ریزی شده و کشتار بی حساب و کتاب در زمان حضور اشغالگران ، دارای صدها هزار یتیم است ، این ایتم مسئولیت بزرگی را بر دوش همه امت قرار داده اند ، و اگر به آنها رسیدگی نشود تبدیل به یک نسل کامل از تبهکاران ، قاتلان، بیماران روانی ، منحرفان اخلاقی و کینه ورزان به جامعه می شوند ، در حالی که با توجه به توصیه های نبوی که بیان شد حضور این افراد در جامعه فرصت بزرگی برای عبادت و رسیدن به قرب الهی را برای ما مهیا می کند .

اما در رابطه با نوع دوم از یتیمان باید بگوییم این افراد اکثریت مردم را شامل می شوند ، که در بین آنها افرادی پیدا می شوند که حتی احکام ضروری دین مانند نماز ، وضو و غسل را نمی دانند ، و برخی به دلیل مواجهه با شبهات مختلف دچار تردید و آشفتگی ذهنی شده اند ، عده ای نیز به دلیل غفلت و نبود کسانی که آنها را موعظه و به سوی خداوند متعال دعوت کنند ، در گرداب گناهان غوطه ور شده اند ، و در میان آنها افرادی وجود دارند - آنچنان که در روایت شریفه توصیف شده اند - که هر صدایی را که می شنوند به دنبال آن حرکت می کنند ، و برخی نیز ضعیف و یا مستضعف هستند که نیاز به کسی دارند که اعتقادات و ایمان آنها را تقویت کند ، شاید شما به دلیل ارتباط با مردم و آشنایی با محیطی که در آن زندگی می کنید ، بیشتر از من مصادیق این افراد را بشناسید ، شاید برخی از شما به دلیل حضور در مراسم هایی که در مناسبتهای اجتماعی و دینی برگزار می شوند نسبت به بسیاری از مواردی که بیان

ص: 110

شده اطلاع پیدا کرده باشند .

در برابر شما فرصت بزرگی قرار گرفته تا با حمایت از یتیمان نوع اول و با سرپرستی ، مراقبت و تربیت آنها و با ایجاد مراکز نگهداری ، آموزشی ، سرگرمی و غیره ، قدم بزرگی را در رسیدن به قرب الهی و قرار گرفتن در جوار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) بردارید ، در همین راستا مرجعیت عالیقدر نیز بخش زیادی از حقوق شرعی را جهت هزینه برای سرپرستی و کفالت ایتم تخصیص داده است .

فرصت بزرگتری که در برابر شما قرار دارد ، کفالت ایتم نوع دوم است ، که امکان آن برای همه فراهم است ؛ زیرا هر یک از ما نسبت به یک مسأله شرعی و یا روایتی شریفه و یا موعظه ای سودمند آگاهی داریم ، لذا همه ما باید به برکت حضرت زهرا (علیها السلام) حرکت بزرگی را آغاز کنیم که در طی آن هر چند به اندازه یک سخن مفید ، یا موعظه ای که شنیده ایم ، و یا مسأله ای که یاد گرفته ایم و یا عمل صالحی که آن را انجام داده ایم ، مردم را آموزش دهیم .

در این راه نسبت به هیچ یک از اعضای خانواده ، دوستان و همکاران خود بخل نورزید ، و تا جایی که می توانید بین افراد بیشتری منتشر کنید تا پاداش شما نزد خداوند متعال بیشتر گردد و رضایت الهی و همنشینی با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و صدیقه طاهره (علیها السلام) شامل حال شما شود ، این مسئولیت تنها بر دوش حوزه علمیه نیست ، بلکه هر کس که چیزی بیاموزد هر چند به اندازه یک مسأله شرعی باشد بار این مسئولیت بر دوش او خواهد بود ، شما شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستید لذا باید به وصیت ایشان که در زمان رحلتشان به آن توصیه کرد عمل کنید ، این روایت در کافی با سندی صحیح روایت شده ، حضرت می فرماید : (درباره یتیمان از خدا بترسید و مبادا یک روز سیرشان کنید و یک روز گرسنه بمانند و مبادا که با حضور شما آنان از بین بروند؛ زیرا از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرماید : هر کس یتیمی را سرپرستی کند، تا آن که بی نیاز شود، خداوند عز و جل با این کار بهشت را بر او واجب گرداند، همچنان که آتش دوزخ را بر خورنده مال یتیم واجب ساخته

همچنین به امام خود حضرت مهدی (صلوات الله علیه) تاسی کنید؛ چرا که ایشان با وجود غیبت و عدم امکان ادای نقش خود در زندگی امت، ولی لحظه ای از حال شیعیان خود غافل نشده است، حضرت می فرماید: (ما اگرچه هم اکنون در مکانی دور از جایگاه ستمگران سکنی گزیده ایم، که خداوند صلاح ما و شیعیان با ایمان ما را مادامی که حکومت دنیا به دست تبهکاران می باشد در این کار به ما ارائه فرموده است، ولی در عین حال بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده نیست، از خواری و مذلتي که دچارش شده اید با خبریم؛ از آن زمان که بسیاری از شما به برخی از کارهای ناشایستی میل کردند که پیشینیان شما از آنها دوری می جستند، و عهد و میثاق مأخوذ خدایی را آنچنان پشت سر انداختند که گویا به آن پیمان آگاه نیستند. ما شما را رها نکرده و یادتان را از خاطر نبرده ایم؛ اگر جز این بود بلاها و مصیبت ها بر شما فرود می آمده، و دشمنان شما را ریشه کن می نمودند، پس تقوای خدا پیشه کنید...)(2).

ص: 112

1- 181 - کافی: 7/51-52 بخش صدقات نبی (صلی الله علیه وآله وسلم) وفاطمه وائمه (علیه السلام) و توصیه های ایشان، ح 7.

2- 182 - احتجاج طبرسی: 2/323.

بزرگداشت مناسبت‌های فاطمیه محدود به بیان مظلومیت‌های آن حضرت (علیها السلام) نیست :

ای عزیزان :

ما در بزرگداشت قضیه حضرت زهرا (علیها السلام) صرفاً بر مظلومیت ایشان تأکید می‌کنیم ، هر چند که این مسأله خود صفحه مهمی در زندگی آن حضرت است ؛ چرا که منعکس‌کننده بسیاری از مسائل امت است و حق را از باطل متمایز می‌کند ، و زمینه را برای بناگذاری اعتقادات حقه و مسیر صحیح رسیدن به قرب و رضای الهی را آماده می‌کند ، و افراد بسیاری از همین طریق هدایت شده‌اند ، ولی محدود شدن بر این بعد باعث محرومیت امت از صفحات دیگری از زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) می‌شود که می‌تواند درسی بزرگ برای همه مردم باشد ، و کتابی ماندگار برای نسل‌های آینده باشد ، پس نباید خود را از استفاده از این مکتب مبارک محروم کنید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

ص: 113

حضرت زهرا (علیها السلام) امت را برای شناخت رهبران خود بیدار می کند

حضرت زهرا (علیها السلام) امت را برای شناخت رهبران خود بیدار می کند(1)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سادة الخلق اجمعين ابي القاسم محمد وآله الطاهرين.

در روایت مشهوری آمده که (مردم در خوابند و زمانی که از دنیا رفتند بیدار می شوند) (2)، یعنی ممکن است در ظاهر مردم را در حال فعالیت های مختلف ببینی، لکن با این وجود در خواب بسر می برند، خواب غفلت از حقیقت وجودی خود، و آنچه که از آنها خواسته شده و هدفی که باید به دنبال تحقیق آن باشند، و آنچه که پس از مرگ منتظر آنها است، و سعادت و شقاوتی که به آن دست پیدا می کنند، هنگامی که می میرند متوجه این غفلت خود می شوند، و با عدم آمادگی خود برای زندگی دائمی جدید مواجه می شوند، زندگی ای که هیچ کس با هر ادعایی که داشته باشد نمی تواند حقیقت آن را دریابد، مگر کسانی که خداوند متعال معرفت آن را به آنها داده است، در این هنگام است که انسان دچار حیرت و سرگردانی می شود، و احساس ندامت و پشیمانی پیدا می کند، آنچنان که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: (با سكرات مرگ و حسرت از دست دادن فرصت ها مواجه می شوند) (3)، خداوند متعال در این مورد می فرماید: {و سكرات مرگ به راستی در رسید این همان است که از آن می گریختی* و آن گاه در صور بدمند این است روز تهدید* و هر نفسی را فرشته ای (برای حساب به محشر) کشاند و فرشته ای (بر نیک و

ص: 114

1- 183 - سخنان آیت الله العظمی یعقوبی (دامت برکاته) در جمع زائران حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) که در سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در روز شنبه سوم جمادی الثانی 1432 مصادف با 2011/5/7 ایراد گردید.

2- 184 - علامه مجلسی (قدس سره) این روایت را در کتاب بحار الانوار (4/43 و 50/134) به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) منسوب می کند، و ابن میثم بحرانی در کتاب شرح صد سخن از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سخن دوم این روایت را به امیرالمؤمنین (علیه السلام) منسوب می کند ولی منبع آن را ذکر نمی کند، شاید سخن مشهوری است که از روایت معصومین (علیه السلام) برگرفته شده است و یا اینکه از این سخن امیر المؤمنین (علیه السلام) برگرفته شده است که می فرماید: (اهل دنیا همچون سوارانی هستند که آنها را می برند در حالی که خواب هستند) (نهج البلاغه، ج4).

3- 185 - نهج البلاغه، خطبه 109.

بدش) گواهی دهد* و تواز این (روز سخت مرگ) در غفلت بودی تا آنکه ما پرده از کار تو برانداختیم و امروز چشم بصیرت بیناتر گردید {1}.

تو در دنیا غافل از این همه حوادث و عواقب بودی، و آنچنان سرگرم کار و ثروت و تفریح و لهو و لعب و رقابت با دیگران بودی که نتوانستی خود را برای این روز آماده کنی، با مرگ پرده غفلت از چشمانت برداشته شد و پس از برداشته شدن حجابها اکنون می توانی با چشم بصیرت حقیقت امر و عاقبت خود را ببینی، آنچه را که در دنیا حقیقت می پنداشتی اکنون آن را خیالی بیهوده می بینی و خود را همانند کسی می بینی که به دنبال سراب بوده است، و آنچه را که حقیقت نمی پنداشتی و خود را برای آن آماده نکرده ای- یعنی مرگ و حوادث روز قیامت- اکنون آن را حقیقتی ثابت می بینی. { آنچه تصورش را نمیکردند از جانب خدا بر ایشان آشکار می گردد } {2}.

با دقت در این آیه شریفه، به این نتیجه خواهیم رسید که این حقایق در دنیا نیز موجود بوده اند؛ چرا که غفلت همواره از امری موجود صورت می گیرد، لکن انسان این حقایق را با چشم مادی خود نمی تواند ببیند، بلکه به چشم بصیرت و قلبی پاک نیاز دارد، زیرا هنگامی که حجاب غفلت و قساوت بر قلب او چیره شود، قلب او دیگر نمی تواند همچون آینه ای صاف حقایق موجود در لوح محفوظ را منعکس کند.

در کتاب غرر الحکم به نقل از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده که می فرمایند: (بیداری چشم ها با وجود غافل بودن دل ها سودی ندارد) عبارت [لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ] شامل کسانی نمی شود که به بالاترین مراتب معرفت دست یافتند و حجاب جهل و غفلت از چشمان آنها برداشته شده است؛ زیرا اینان غافل نیستند و حقایق عالم دیگر را می بینند و در مورد آن سخن می گویند مانند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) {3}، امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز همین معنای آیه شریفه را به کار می برد هنگامی که می فرماید: (گر پرده برداشته

ص: 115

1- - وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ، وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعِيدِ، وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ، لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (ق: 19-22).

2- - وَبَدَأَ لَهُمْ مِّنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ (زمر: 47).

3- 188 - شواهد بر این مدعا بسیار است مانند سخن گفتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) با کشته شدگان جنگ بدر و حکایت پیامبر از فشار قبر سعد بن معاذ و بشارت بهشت برای عبدالله پدر جابر انصاری و غیره.

شود، بر یقین من چیزی افزوده نمی گردد(1)

؛ زیرا ایشان نسبت به این حقایق غافل نبوده و آنها را نزد خود حاضر می دید .

غفلت - و همچنین فراموشی - هر چند که بر حسب ظاهر امری خارج از اراده انسان است ، ولی در واقع این خود انسان است که باعث آن می شود ، هنگامی که انسان مراقبت لازم را از اعمال خود نداشته باشد و مقدمات غفلت را مهیا کند به طور طبیعی دچار غفلت می شود ، مقدمات غفلت را می توان از طریق ضد آنها شناخت ، یعنی از توصیه هایی که ائمه (علیه السلام) برای درمان غفلت به ما کرده اند .

در واقع این خود انسان است که باعث محروم ماندن خود از شناخت حقایق و زندانی شدن در حجاب غفلت می شود ، زمانی که مرتکب کارهایی می شود که او را از خداوند متعال دور می کنند و باعث قساوت قلب او می شوند تا اینکه دیگر قلب نمی تواند معارف حقه را بپذیرد ، از امام حسن (علیه السلام) روایت است که می فرماید : (غفلت آن است که مسجد را ترك کنی و از مفسد فرمان بری) (2) ، اینها برخی از مصادیق حاصل شدن غفلت هستند ، از حضرت امام باقر (علیه السلام) روایت است که می فرماید : (از غفلت پرهیز ؛ زیرا که در آن قساوت قلب است) ، همچنین امیرالمؤمنین (علیه السلام) در غرر الحکم می فرماید : (کسی که دچار غفلت می شود قلب او می (غفلت پیوسته ، بصیرت انسان را کور می کند) .

خداوند متعال اینگونه مؤمنان را از غفلت بر حذر می دارد : { ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا دارید و هر کسی باید بنگرد که برای فردای خود از پیش چه فرستاده است و باز از خدا بترسید در حقیقت خدا به آنچه می کنید آگاه است * و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او نیز آنان را دچار خودفراموشی کرد آنان همان نافرمانانند } (3) ؛ به همین جهت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در توصیف غفلت می فرماید : (غفلت بدترین دشمنان است) ؛ زیرا غفلت باعث گمراهی انسان و عامل شقاوت انسان می شود ، ایشان (علیه السلام) همچنین می فرمایند : (وای بر حال

ص: 116

1- 189 - مناقب آل ابي طالب ، ابن شهر آشوب: 1/317.

2- 190 - بحار الأنوار: 78/115.

3- - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ، وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (حشر: 19).

کسی که غفلت بر او غلبه کند ، کوچ کردن (از این دنیا) را فراموش کند و خود را آماده نکند).

از این رو شارع مقدس همواره سعی دارد مردم را پیش از دیر شدن از خواب غفلت بیدار کند ، خداوند متعال می فرماید : { آیا برای کسانی که ایمان آورده اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و انتظار بر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند } (1)، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در غرر الحکم می فرماید : (با بیداری به جنگ غفلت بروید) (آیا کسی نیست که پیش از پایان عمر از خواب غفلت بیدار شود؟) (درد سستی دل خود را با تصمیم قاطع درمان کن و با بیداری خواب غفلت را از چشمان خود دور کن). پیشوایان ما چگونگی بیدار شدن از خواب غفلت را برای ما بیان کرده اند ، یکی از راه‌های از بین رفتن غفلت تلاوت قرآن و انجام اعمال صالح است ، هر چند که این اعمال در حد نیت باشند و به مرحله عمل نرسند ، از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت است که می فرماید : (ای ابوذر! قصد کار نیک کن هر چند انجامش ندهی ، تا از غافلان نوشته نشوی) (2)، همچنین رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید : (کسی که ده آیه در یک شب بخواند، از گروه گمراهان خارج خواهد شد و هر کس پنجاه آیه بخواند در زمره ذاکرین نوشته می شود) (3)، از دیگر راه‌های از بین رفتن غفلت رعایت تقوای الهی و یاد خداوند متعال است ، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرماید : (شما را به رعایت تقوای الهی دعوت می کنم .. با تقوا خواب خود را به بیداری، و روزتان را با آن سپری) ، حضرت (علیه السلام) در غرر الحکم می فرماید : (با پیوسته به یاد خدا بودن است که پرده غفلت کنار می رود) ، همچنین یاد مرگ و شنیدن موعظه و مطالعه کتابهایی که یاد آخرت را در دلها زنده می کنند از راه‌های تأثیرگذار در از بین رفتن حجاب غفلت است ، حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید: (شما را به

ص: 117

1- -- أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (حدید:16).

2- 193 - بحار الأنوار: 77/88.

3- 194 - أصول کافی، کتاب فضل القرآن، بخش ثواب قرائت قرآن ، ح.5.

یاد مرگ سفارش می کنم و اینکه از آن کمتر غفلت کنید)، و همچنین می فرماید: (موعظه باعث از بین رفتن غفلت می شود) (غافل ترین مردم آن کسی است که از تغییرات و تبدلاتی که در عالم به وجود می آید، پند نگیرد) (1)، ترک کارهای بیهوده و مشغول شدن به کارهای مفید و مداومت بر نماز و مواظبت بر خواندن آن در اول وقت خصوصا در هنگام فضیلت از جمله عوامل دیگر است که در از بین رفتن حجاب غفلت تأثیر گذار است، حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید: (اگر طالب پیروزی هستید پس غفلت و کارهای بیهوده را کنار بگذارید و با جدیت و پشتکار تلاش کنید)، حضرت می فرماید: (هر شخص با ایمانی که بر نماز واجب مواظبت ورزد و آن ها را در وقتشان بخواند، از غافلان نخواهد بود)، در دعاهای شریفه بسیاری از خداوند متعال درخواست بیداری از غفلت شده است، در دعای روز اول ماه رمضان آمده که (اللهم نبهني من نومة الغافلین) یعنی خدایا مرا از خواب غافلان هوشیار ساز.

ای برادران مؤمن:

غفلت از خداوند متعال، غفلت دیگری به دنبال خود خواهد داشت که خطر آن از غفلت اولی کمتر نیست، و آن عدم هدایت به سوی حجت منصوب از طرف خداوند است؛ زیرا همانطور که در دعای معروف آمده (خدایا حجتت را به من بشناسان، زیرا اگر حجتت را به من شناسانی، از دین خود گمراه می شوم)، این غفلت باعث گمراهی در دین می شود، حضرت امام حسین (علیه السلام) در این رابطه می فرماید: (معرفت خدا همان معرفت اهل هر زمان نسبت به امام خود است).

خطرناکترین خوابی که هنگام مرگ حقیقت آن برای انسان روشن می شود، خواب غفلت از شناخت راهی است که انسان را به سوی معرفت خداوند و صراط مستقیم هدایت می کند، در دعای ندبه می خوانیم: (و فرمودی: برای تبلیغ رسالت از شما مزدی نمی خواهم، مگر اینکه کسی بخواهد به سوی خدا راهی را برگزیند، که راه به سوی تو و قرارگاه رسیدن به رضایت تو اهل بیت هستند).

ص: 118

غفلت از رهبری بر حق امت ممکن است به صورت غفلتی کامل همراه با تبعیت از دشمنان ایشان باشد، مانند کسی که از معاویه و یزید و هم کیشان آنها تبعیت می کند و با ائمه معصومین (علیهم السلام) دشمنی می کند، و یا اینکه به صورت انحرافی نسبی باشد که در پی آن افراد غیر صالح و ناکارآمد در ادای مسئولیتهای خویش انتخاب شوند.

برحسب نوع و درجات غفلت، آثار مترتب بر آن و مقدار دوری از خداوند متعال متفاوت خواهند بود، هر چند که راه حق و صراط مستقیم یکی است، لکن راههای انحرافی و گمراه کننده متعدد خواهند بود، { آیا کسی که به سوی حق رهبری می کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی نماید مگر آنکه خود هدایت شود شما را چه شده چگونه داوری می کنید } (1)، { بعد از حقیقت جز گمراهی چیست پس چگونه از حق بازگردانیده می شوید } (2).

ای برادرانی که به خاطر محبت به حضرت زهرا (علیها السلام) و یاری ایشان در کنار هم جمع شده اید :

حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) هنگام رفتن به مسجد نبوی رغبتی در خروج از خانه نداشت؛ چرا که ایشان در پاسخ به سؤال پدر بزرگوارشان (صلی الله علیه و آله) در مورد بهترین چیز برای زنان، فرمود: (اینکه نه مردی را ببیند و نه مردی او را ببیند)، و هنگامی که با امیرالمؤمنین (علیه السلام) ازدواج کرد و به خانه ایشان وارد شد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در تقسیم کارها میان آنها آنچه که مربوط به داخل منزل بود را بر عهده فاطمه (علیها السلام) گذاشت و آنچه که مربوط به بیرون منزل بود را بر عهده علی (علیه السلام) قرار داد، حضرت فاطمه (علیها السلام) از این تقسیم کار بسیار خوشحال شد و فرمود: (خدا می داند که من چقدر از این تقسیم کار خوشحال شدم؛ که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مرا از اختلاط با مردان معاف کرد) (3).

با این وجود ایشان برای ادای وظیفه خود در بیدار ساختن امت پدر خویش (صلی الله علیه و آله) که در خواب غفلت بسر می بردند و به وصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عمل نکردند، از خانه خود خارج شد، تا حجاب غفلت را از جلوی

ص: 119

1- -- أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (یونس: 35).

2- -- فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ (یونس: 32).

3- 198 - بحار الأنوار: 43/81.

چشمان آنها کنار زند و آنها را از روزی که پرده ها کنار زده می شود بر حذر دارد، و لزوم پیروی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به آنها یادآوری کند، سخنان ایشان همچون صاعقه ای بر سر آنها فرود می آمد، مانند این سخن حضرت (علیها السلام): (ای مسلمانانی که خیلی سریع به سوی گفته های باطل رفتید و در مقابل کار زشتی که زیان بار است، چشم خود را بر هم گذاشتید، آیا در قرآن تدبیر نمی کنید یا آنکه بر دل های شما قفل زده شده؟ بلکه این کارهای زشت شماست که سبب شد دل های شما را زنگار بگیرد و چشم و گوش شما بسته شود. تاویل بدی کردید و آنچه در عوض گرفتید شر است. بخدا سوگند بار سنگینی را به دوش گرفتید و عاقبت آن وخیم است، زمانی که پرده کنار رود آن وقت سختی های پشت آن ظاهر می شود و از ناحیه پروردگار چیزهایی بر شما روی می کند که گمانش را همنمی برید، در آنجاست که زیان کار آنهايي خواهند بود که راه باطل را طی کردند).

حضرت زهرا (علیها السلام) صفات کسی که مستحق امامت و رهبری امت است را از طریق زنان انصار که به دیدار ایشان آمده بودند برای امت اسلامی بیان فرمودند: (وای بر آنان! چرا حق را در جای خود قرار ندادند و خلافت را از پایه های نبوت دور داشتند، و از سرایی که محل نزول جبرئیل بود، به دیگر سرا بردند و از ید قدرت کاردانان دین و دنیا خارج ساختند؟! به هوش! که زیانی بس بزرگ است! چه چیزی سبب گردید تا از ابوالحسن، علی (علیه السلام) عیبجویی کنند؟ عیب او گفتند؛ زیرا شمشیرش، خویش و بیگانه، شجاع و ترسو نمی شناخت. دریافتند که او به مرگ توجهی ندارد. دیدند که او چگونه بر آنها می تازد و آنان را به وادی فنا می افکند، و برخی را برای عقوبت و سرمشق دیگران باقی می گذارد. به کتاب خدا مسلط و دانا، و خشم او در راه خوشنودی خداوند بود.

به خداوند سوگند اگر از طریق آشکار حق منحرف شده، و از قبول دلایل و حجتهای روشن و مبین، امتناع می نمودند، آنان را به راه مستقیم، رهنمون می شد و از انحراف و اعوجاج آنان جلوگیری می نمود.

[به خداوند سوگند، اگر مردانتان در خارج نشدن زمام امور، از دستان

علی پای نمی فشردند و تدبیر کار را آنچنان که پیامبر بدو سپرده بود، تحویل او می دادند، علی آن را به سهولت راه می برد و این شتر را به سلامت به مقصد می رساند، آن گونه که حرکت این شتر رنج آور نمی شد. علی آنان را به آبشخوری صاف و مملو و وسیع هدایت می کرد، که آب از اطرافش سرازیر می شد و هرگز رنگ کدورت به خود نمی گرفت.

او آنان را از این آبشخور سیراب به در می آورد. علی خیر و نیکی را در نهان و آشکار برای آنان خوش می داشت. [او اگر بر مسند می نشست]، هرگز بهره ای فراوان از بیت المال را به خود اختصاص نمی داد، و از فزونی و ثروت دنیا جز به مقدار نیاز برداشت نمی کرد، به مقدار آبی که تشنگی را فرو نشانند و خوراکی که گرسنگی را برطرف نماید.

(در آن هنگام)، مرد پارسا از شخص دنیا پرست بازشناخته می شد و راستگو از دروغگو متمایز می گشت، {در این صورت، ابواب برکات آسمانی و زمین بر آنان گشوده می شد ولی خداوند به زودی، آنان را به سبب اعمال و کردارشان مؤاخذه خواهد کرد} (1).

و ایشان را نسبت به عاقبت کار خود در مورد اینکه رهبری امت را به ناهلان سپردند، برحذر داشت، حضرت (علیها السلام) فرمود: (به جان خودم سوگند که نطفه این، بسته شده است. [و شتر این فتنه، آبستن شده به همین زودی خواهد زایید] انتظار بکشید تا این فساد در پیکر اجتماع اسلامی منتشر شود. سپس، از پستان شتر خون و زهری که زود هلاک کننده است، بدوشید. {در اینجاست که پویندگان راه باطل زیان بینند} (2)، مسلمانانی که در پی خواهند آمد، درمی یابند که احوال مسلمانان صدر اسلام چگونه بوده است. قلبتان با فتنه ها آرام خواهد گرفت. بشارتتان باد به شمشیرهای کشیده و بُرا، و حمله جائز و متجاسر ستمکار و درهم شدن امور همگان و خود رأیی ستمگران! غنایم و حقوق شما را اندک خواهند داد، و جمع شما را با شمشیرهایشان دور خواهند کرد. و شما جز میوه حسرت برداشت نخواهید نمود. کارتان به کجا خواهد انجامید؟ در حالی که «حقایق امور بر شما مخفی گردیده است. آیا شما را به کاری وادارم که

ص: 121

1- - وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَـٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. (اعراف: 96).

2- - وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ. (غافر: 78).

همین رویه را فرزندان معصوم (علیه السلام) ایشان نیز در پی گرفتند ، و مردم را بیدار می کردند و به سوی امام برحق هدایت می کردند ، در نامه ای که حضرت امام حسین (علیه السلام) برای مردم کوفه توسط پسرعموی خویش مسلم ابن عقیل فرستاد ، می فرماید : (به جانم سوگند! امام و پیشوا تنها کسی است که به کتاب خدا عمل کند و عدل و داد را بر پا دارد، دین حق را پذیرفته و خود را وقف راه خدا کند)(2). و مردم را در واقعه کربلا- از تبعیت رهبران گمراه و منحرف و ترک ائمه حق و هادیان امت که یاری آنها بر همه لازم و ضروری است ، بر حذر داشت ، آن حضرت (علیه السلام) در این رابطه می فرماید : (ای مردم! هلاک و اندوه بر شما باد که با آن شور و شعف زاید الوصف ما را خواندید تا به فریاد شما برسیم، و ماستابان برای فریادرسی شما آمدیم، ولی شما شمشیری را که خود در دست شما نهاده بودیم به روی ما کشیدید، و آتشی که ما بر دشمن خود و دشمنان شما افروخته بودیم برای ما فروزان کردید! و در جنگ با دوستانتان، به یاری دشمنانتان برخاستید! با اینکه آنان در میان شما نه به عدل رفتار کردند و نه امید خیری از آنان دارید و بدون اینکه از ما امری صادر شده باشد که سزاوار این دشمنی و تهاجم باشیم. وای بر شما! چرا آنگاه که شمشیرها در غلاف و دلها آرام و خاطرها جمع بود ما را رها نکردید؟! وای بر شما! چگونه این زنازادگان را حمایت می کنید و ما را تنها می گذارید؟ ای گروه کفران پیشه! بخدا سوگند پس از من چندان زمانی نخواهد گذشت مگر به اندازه ای که سوارکار بر اسب خویش سوار شود ، و شما را به دور آسیاب حوادث بچرخانند، و مانند مدار سنگ آسیاب نا آرامتان بگذارند ، آنچه را که گفتم عهدهی است که پدرم از جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گرفته و به من سپرده است)(3).

زهیر ابن قین هنگامی که در روز عاشورا در برابر سپاه امویان قرار گرفت در سخنان خویش به همین نکته اشاره داشت : (شما از آن دو -

ص: 122

1- - اَنْلِزِ مَكْمُوها وَاَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ؟ (هود: 28).

2- 202 - مقتل حسین (علیه السلام) ، سید مقرر: 165.

3- 203 - مقتل حسین ، سید مقرر: 286-288.

یعنی یزید بن معاویه و عبید الله بن زیاد - در دوران حکومتشان چیزی جز بدی نخواهید دید ، چشمه‌ایتان را کور خواهند کرد و دست و پاهایتان را قطع خواهند کرد ، بدنهایتان را مثله کرده و بر بالای درخت آویزان خواهند کرد ، و بزرگان و قاریانتان مانند حجر بن عدی و یاران او و هانی بن عروه و امثال او را خواهند کشت(1).

این مسأله ای است که در آن زمان حاصل شده و در هر زمانی حاصل می شود و تا به امروز نیز ادامه داشته است ، به طوری که مردم از سلطه ناهلان و ریاست آنها چیزی جز فتنه ها ، گمراهی ، درگیری های مرگبار ، تحریف چهره اسلام ، تضعیف روحیه دینی در میان مردم که باعث کاهش تعداد دینداران شده است ، کند کشدن حرکت اسلام در هدایت بشریت ، محروم شدن مردم از ثروتهای معنوی ، بردگی مردم و به یغما بردن ثروتهای امت و به هدر رفتن آنها در جهت منافع و مصالح سلطه گران و دیگر فجایع بزرگی که گریبانگیر امت شده است .

ای یاران حضرت زهرا (علیها السلام) ...

ما امروزه شاهد شکوفایی نهضت مبارک فاطمیه و پیروزی آن هستیم ، به طوری که پس از گذشت چهارده قرن از تلاش فقهای دربار در جهت تسلیم شدن مردم در برابر اراده حاکمان که خود را امیرالمؤمنین می نامند ، و مجبور ساختن مردم در تبعیت از آنان به این دلیل که مقصود از اولی الامر در آیه شریفه { ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و اولی الامر خود را نیز پیروی کنید } (2) همین حاکمان هستند ، و قیام در برابر آنها را هر چند که غرق در فسق و فجور باشند حرام کردند به طوری که در مورد امام حسین (علیه السلام) گفتند که ایشان (با شمشیر جد خود کشته شد) تنها به این دلیل که ایشان برای اصلاح امت و جلوگیری از انحراف مسیر حرکت حاکمان قیام کردند .

حضرت زهرا (علیها السلام) نیز از همان روز اولی که امت دچار انحراف شد در برابر آن ایستاد و به آگاه سازی امت و هدایت آنها به سوی امام بر حق

ص: 123

1- 204 - مقتل حسین ، سید مقرر: 283.

2- - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء: 59).

پرداخت، و به آنها متذکر شد که رهبری با ادعا حاصل نمی شود بلکه نیاز به وجود صلاحیتها و توانایی هایی است که خداوند متعال آنها را می خواهد، لکن تحریف حقایق که فقهای دربار در طول قرنهای انجام داده اند باعث رسوخ پیدا کردن این عقیده در ذهن پیروانشان شده که هر کس توانست به قدرت دست پیدا کند هر چند که از طریق شمشیر و اجبار و یا کودتا باشد، سایه خدا در زمین و خلیفه او خواهد بود، و خداوند متعال به ما دستور داده که از ایشان تبعیت کنیم، هنوز هم عده بسیاری هستند که این حرفها را تکرار می کنند.

ولی امروز مردم منطقه با قیام خود در برابر حاکمان ظالم و دیکتاتور، این تزویر و تحریف حقایق که از سوی فقهای دربار انجام شده بود را رد کردند، به طوری که بعضی از این فقها مجبور به همراهی با مردم و تأیید انقلاب آنها شده اند، و بطلان نظریه دشمنان حضرت زهرا (علیها السلام) یعنی امویان و عباسیان و امثال آنان اثبات شد، و همه - خواسته یا ناخواسته- به درستی خواسته حضرت زهرا (علیها السلام) در رابطه با قرار دادن زمام امور به اهل آن ایمان آوردند.

البته پیروزی بسیار بزرگتر از آن است؛ زیرا آنچه که در آکادمی های سیاسی در آمریکا و اروپا در جریان است، ناکامی نظریات آنها در رابطه با حکومت است؛ چرا که اساس یک حکومت باید بر پایه عدالت باشد و هدف از آن توزیع عادلانه حقوق در میان مردم است، که هیچ یک از سیستم های حکومتی که توسط بشر پایه گذاری شده نتوانسته این هدف را محقق سازد، در ابتدا نظام دیکتاتوری با شکست مواجه شد؛ زیرا همه امتیازات و حقوق مردم در دستان یک شخص قرار می گرفت و او آنطور که دوست داشت رفتار می کرد، پس از آن دموکراسی شکل گرفت که آن را بزرگترین یافته بشر در رابطه با حکومت می دانستند، ولی این نظام حکومتی نیز به سرعت ناکارآمدی خود را نشان داد؛ زیرا مصالح و منافع اکثریت مردم را در نظر می گرفت و حقوق اقلیت را ضایع می کرد و در نتیجه نتوانست عدالت را محقق کند، بعد از آن نظریه شراکت در حکومت مطرح شد، که بطلان آن به سرعت روشن شد؛ زیرا باعث فساد، تقسیم مناصب بین افراد غیر اصلح و کنار گذاشته شدن افراد پاک

دست و دارای تخصص می شد، و در پی آن مؤسسات دولتی در کارزار درگیری های سیاسی و منافع احزاب از بین رفت.

و امروزه به درستی آنچه که اهل بیت (علیهم السلام) با دستور خدا به آن سفارش کرده بودند، ایمان آوردند، یعنی شخصی که دارای بالاترین ویژگی های انسانی مانند علم و پاک دستی و توانایی در اداره امور است باید در رأس حکومت قرار گیرد و آن را اداره کند، و این همان چیزی است که ما در مورد رهبری مردم و تصدی این منصب شریف به آن معتقد هستیم و که مصداق آن را در انبیا و ائمه (صلوات الله علیهم اجمعین)، و پس از آنها فقهای جامع شرایط برای نیابت از معصوم (علیه السلام) هستند.

این آکادمی های سیاسی نسبت به درستی مذهب اهل بیت (علیهم السلام) در رابطه با حکومت و سلطه اذعان کرده اند و شیعیان را موظف به بیان این حقایق و رساندن آنها به جهانیان می دانند، زیرا اگر بشریت آنها را به درستی بفهمد حتما به آن ایمان خواهد آورد. این یکی از بزرگترین مسئولیتهایی است که امروزه باید آن را انجام دهیم؛ چرا که جنگ بین حق و باطل در طول تاریخ در مسأله حاکمیت و قانونی که باید بر اساس آن در زمین حکمرانی شود، تجلی یافته است، خداوند متعال می خواهد که حق و عدالت در زمین حاکم شود و افراد صالح رهبری مردم را بر عهده بگیرند، در حالی که اولیای شیطان و پیروان هواهای نفسانی و تشنه گان رسیدن به قدرت به دنبال رسیدن به منافع خود و سلطه بر دیگران هستند، این دو جبهه در طول تاریخ در برابر هم قرار گرفتند، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در پاسخ به شخصی که در واقعه صفین به ایشان گفت: تو به عراق بازگرد و ما به شام باز می گردیم..، فرمود: (می دانم که این سخن تو از روی خیرخواهی و دلسوزی است... خداوند تبارک و تعالی راضی نمی شود که در زمین نافرمانی شود و دوستان او خاموش بنشینند و دم بر نیاورند و امر به معروف و نهی از منکر نکنند. بنابراین، من جنگیدن را آسانتر از قرار گرفتن در غل و زنجیرهای دوزخ یافتم) (1).

در امتداد همین تقابل است که حضرت زهرا (علیها السلام) وارد مسجد پدر

ص: 125

خود شد و با مسلمانان سخن گفت و با ادله کوبنده خود آنها را محکوم ساخت ، و در جهت ادای این وظیفه بود که حضرت امام حسین (علیه السلام) به سمت کربلا حرکت کرد و در جاهای مختلف هدف خود را برای مردم بیان کرد و به مردم گوشزد می کرد که برای امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امت جدم از انحراف قیام کرده ام ، ایشان در این رابطه می فرمایند : (ای مردم! پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال شمرده، پیمان الهی را شکسته و با سنت رسول خدا مخالفت ورزیده، در میان بندگان خدا به ستم رفتار می کند؛ و او با زبان و کردارش با وی به مخالفت بر نخیزد، سزاوار است خداوند او را در جایگاه آن سلطان ستمگر (دوزخ) بیاندازد» (1). همچنین فرمود : (محلّ و مجرای اُمور و احکام ، بدست علمای بالله است ، که بر حلال و حرام او آمین هستند) ، سپس در ادامه فرمود : (خداوندا! تو می دانی که آنچه از ما (در طریق تلاش برای بسیج مردم) صورت گرفت، به خاطر رقابت در امر زمامداری و یا به چنگ آوردن ثروت و مال نبود، بلکه هدف ما آن است که نشانه های دین تو را آشکار سازیم و اصلاح و درستی را در همه بلاد بر ملا کنیم تا بندگان مظلومت آسوده باشند و فرایض و سنت ها و احکامات مورد عمل قرار گیرد . اگر شما دست به کار نشوید و ما را کمک نکنید، باطل را یاری کرده اید و نتیجه اش این می شود که نور نبوت خاموش خواهد شد ، و همانا که خدا ما را کافی است و به او توکل می کنیم و بازگشت همه ما به سوی اوست) (2).

پس خوشا به حال شما که ادامه دهنده راهی هستید که حضرت زهرا (علیها السلام) آن را پایه ریزی کرد ، و از زمانی که حضرت زهرا (علیها السلام) را شناختید حق را نیز شناختید و به آن متمسک شدید ، از این نعمت الهی مراقبت کنید ، و مواظب باشید که غفلت شما را از شناخت رهبران حقیقی خود که هدایتگر شما به سوی سعادت و رضای خداوند متعال هستند ، منع نکند { و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی

ص: 126

1- 207 - مقتل الحسين (علیه السلام) سید مكرم: 218.

2- 208 - تحف العقول: 172.

1- - وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (أنبياء: 73).

حضرت زهرا (علیها السلام) و هدایت امت در صراط مستقیم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف المخلوقات وساداتهم أبي القاسم محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين.

عرض سلام و ادب دارم خدمت همه برادران عزیز

سه روز در تاریخ اسلام وجود دارد که خداوند متعال آنها را برای تثبیت اعتقادات امت، تصحیح مسیر حرکت آن و مایه حفظ اسلام از انحرافی قرار داده که دنیاطلبان برای رسیدن به منافع خود سعی در ایجاد آن داشتند. این سه روز مهمترین تحولات را در تاریخ امت اسلامی برجای گذاشتند:

یک: روز غدیر و معرفی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عنوان امام و خلیفه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و تکمیل کننده رسالت ایشان. خداوند متعال این روز را مایه اكمال دین و اتمام نعمت بر بندگان خود قرار داده است؛ چراکه این روز عامل جاودانگی رسالت و بقای آن پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است.

دو: روز قیام فاطمی، در زمانی که امت اسلامی پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دوباره به عقب بازگشتند، و مصداق این آیه مبارکه قرار گرفتند: { آیا اگر او به مرگ یا شهادت درگذشت شما باز به دین جاهلیت خود رجوع خواهید کرد؟ } (1)، این روز، روز فرقان در جنگ تأویل است که بر حسیب روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) امیرالمؤمنین (علیه السلام) عهده دار آن است، حضرت (صلی الله علیه و آله) خطاب به امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: (تو برای تأویل جنگ خواهی کرد، آنچنان که من برای تنزیل جنگ کرده ام) (2)، یعنی وارد جنگ اصلاح ارزشها، رفتارها و مقابله با انحراف خواهی شد.

سه: روز عاشورا، روز فداکردن خود و نزدیکان برای مفتضح ساختن حاکمان مستبد و فاسق که در برابر خداوند متعال و پیامبر او (صلی الله علیه و آله)

ص: 128

1- - أفان مات أو قتل انقلبتم على أعقابكم (آل عمران: 144)

2- 211 - بحار الأنوار: 37/191، و همچنین در سنن الکبری نسائی: 5/154: (علی برای تأویل قرآن می جنگد آنچنان که من برای تنزیل آن جنگیدم).

ایستاده بودند ، پس از روز عاشورا خط امامت و خلافت الهی از خط سلطه و دنیا طلبی جدا شد ، و دوران خلط مفاهیم و درهم آمیخته شدن حق و باطل به پایان رسید .

اگر مردم از دستورات الهی پیروی می کردند و به آنچه که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده بود - یعنی آنچه که در روز اول (روز غدیر) بیان کرده بود - ایمان می آوردند ، دیگر نیازی به روز دوم نبود ، یعنی روزی که حضرت زهرا (علیها السلام) برای اصلاح امت قیام کرد و زندگی خود را فدای آن کرد ، در حالی که بیش از هجده بهار از عمر مبارکشان نگذشته بود .

اگر به نصیحت حضرت زهرا (علیها السلام) گوش می دادند که در آن با اثبات حق امیرالمؤمنین (علیه السلام) مسیر هدایت امت را روشن ساخته بود ، هیچ گاه انحرافی در امت ایجاد نمی شد تا برای اصلاح آن نیاز به ریختن خون نوه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و سرور جوانان اهل بهشت و اسارت خاندان نبوت و انتقال آنها از شهری به شهر دیگر در مقابل دیدگان دشمنان باشد . برای حفظ اسلام اصیل باید این سه روز را آنطور که شایسته است زنده نگه داریم ، و حقایق آنها را برای مردم بازگو کنیم ، ولی با وجود گذشت قرن های متمادی هنوز حق دور روز اول به خوبی ادا نشده است ، و به آنها آنطور که باید و شاید اهمیت داده نشده است ، ممکن است علت این بی توجهی تقیه و یا خدشه دار نکردن احساسات دیگران باشد ، لکن این حق است که باید مورد تبعیت قرار گیرد و تنها خداوند متعال سزاوار فروتنی است .

در این بین تنها روز عاشورا (علیه السلام) مورد اهتمام واقع شده و همین روز است که تا به حال باعث حفظ اعتقادات امت و حمایت آن از انحراف شده است ، اگر دو روز دیگر نیز همانند روز عاشورا (علیه السلام) مورد توجه قرار می گرفتند ، بدون شک خیرات و برکات بیشتری نصیب ما می شد ، که امروز گوشه ای از آثار آن را مشاهده می کنیم .

امت اسلامی باید صلاح ، پایداری ، ثبات بر دین و سعادت خود در دنیا و آخرت را پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مدیون امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و یاران وفادار این بزرگواران بدانند ، یارانی

که با وجود تعداد اندک توانستند راه و روش اهل بیت (علیهم السلام) را برای آیندگان حفظ کنند و خیرات و برکات آنها شامل همه نسلها شود.

حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) نقش بسیار بزرگی را در حفظ کیان امت اسلامی در زمانی که دچار انحراف شده بود، ایفا کرد، و هیچ کس غیر از ایشان نمی توانست این نقش را ایفا کند؛ زیرا اراده ها ضعیف، دلها لرزان و صدای شیطان بلند شده بود، و شبها بر فکر و اندیشه مردم سایه افکنده بود و هیچ کس اهمیت مسأله و نتایج آسف بار مترتب بر آن را درک نکرده بود، و این در حالی بود که حضرت (علیها السلام) همه توان خود را برای حفظ مسیر اسلام بر صراط مستقیم قرار داده بود.

ای عزیزان:

دو کلمه ثبات و تثبیت از جمله قضایایی هستند که قرآن کریم اهمیت ویژه ای به آنها داشته است؛ زیرا انسان در این دنیا با بلاهای بسیاری مواجه می شود، و تنها راه نجات او طلب تثبیت از خداوند متعال و عمل برای تحصیل آن است، به همین جهت مؤمنان در ساحت مبارزه با نفساماره، شیطان و دشمنان اینگونه از خداوند طلب یاری می کردند: {پروردگارا، به ما صبر و استواری بخش و ما را ثابت قدم دار و بر شکست کافران یاری فرما} (1)، {چه بسیار رخ داده که پیغمبری جمعیت بسیار از پیروانش همراه او جنگیدند و با این حال، اهل ایمان با سختی هایی که در راه خدا به آنها رسید هرگز بیمناک و زبون نشدند و سر زیر بار دشمن فرو نیاوردند و خدا صابران را دوست می دارد* و آنها جز این نمی گفتند که پروردگارا، از گناه و سستی که ما درباره خود کرده ایم درگذر و ما را ثابت قدم بدار و بر گروه کافران پیروز گردان} (2).

ویژگی ثبات و استقامت هنگام سختی ها یکی از ویژگی های بارز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دعای صباح آن را اینگونه توصیف می کند: (آن کس که در زمان پیشین در لغزشگاه ها ثابت قدم

ص: 130

1- رَبَّنَا أفرغ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أقدامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (بقره: 250).

2- وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ، وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَتَبَّتْ أقدامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (آل عمران: 147).

بود)، آن حضرت این ویژگی را در زندگی با برکت خود به عرصه ظهور رساند، به طوری که هیچ گاه از ایشان ضعف، سستی و یا کوتاهی در انجام وظایف مشاهده نشده است، شواهد بسیاری برای اثبات این مدعا موجود می باشد.

اهل بیت (صلوات الله عليهم اجمعین) و پیروان صالح آن حضرت (صلی الله علیه و آله) نیز ایشان را الگوی خود قرار داده بودند، و تا آخرین نفس ثبات، پایداری و صبر خود را حفظ می کردند، به طوری که بازنشستگی در زندگی آنها معنایی نداشت، روایات شریفه نیز به این مهم سفارش کرده اند، در روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده است که می فرماید: (اگر قیامت فرا رسد و در دست یکی از شما نهالی باشد چنانچه بتواند برنخیزد تا آن را بکارد، باید آن را بکارد)⁽¹⁾.

ما امروزه به دلیل فراوانی شبهات و انتشار فساد و متحد بودن دشمنان و تفرقه میان دوستان بیش از هر زمان دیگری به ثبات و استقامت نیازمندیم؛ زیرا رستگاری و عاقبت بخیری جز با استقامت و پایداری حاصل نمی شود، حضرت زین العابدین (علیه السلام) می فرماید: (هرکس در دوران غیبت قائم ما بر ولایت ما ثابت قدم باشد، خداوند پاداش هزار شهید مانند شهدای بدر و احد را به او عطا میفرماید) همچنین از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل است که می فرماید: (قسم به آن خدایی که به حق مرا به بشارت دادن مبعوث گردانیده، همانا ثابت قدمان بر قول و عقیده به امامت آن حضرت در زمان غیبتش، از یاقوت سرخ عزیزترند)⁽²⁾.

این مهم تنها با الطاف خاصه الهی و عمل مخلصانه برای تحصیل آنها حاصل می شود، از حضرت امام صادق (علیه السلام) روایت است که می فرماید: (اگر خداوند عزوجل اراده کند تو را ثابت قدم خواهد کرد و راه نفوذ شیطان را در تو خواهد بست)⁽³⁾، و در روایتی دیگر از ایشان آمده که می فرماید: (به زودی شبهه ای به شما روی خواهد آورد و شما نه پرچی خواهید داشت که دیده شود و نه امامی که هدایت کند، تنها کسانی از این شبهه نجات خواهند یافت که دعای غریق را بخوانند، گفتم دعای غریق

ص: 131

1- 214 - میزان الحکمه: 2/1410.

2- 215 - این دو حدیث در میزان الحکم: 1/180.

3- 216 - کافی: 2/425.

چگونه است؟ فرمودند: میگویی: ای خدا، ای بخشنده، ای بخشایشگر، ای کسی که قلب ها را دگرگون میسازد! قلب مرا بر دینت استوار فرما. (1)، و در دعاهای وارد شده در قرآن کریم آمده: {بار پروردگارا، دلهای ما را به باطل میل مده پس از آنکه به حق هدایت فرمودی} (2)، در مجمع البیان آمده: (نقل است: هنگامی که این آیه [وَلَوْلَا أَنْ تَبْتَئَاكَ] (3) (إسراء: 74) بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد حضرت فرمود: پروردگارا مرا به اندازه یک چشم به هم زدن به خودم واگذار مکن) (4).

به همین جهت تا زمانی که ثبات و استقامت خود در ابتلاءات و امتحانات را حفظ نکرده ایم نباید به ایمان و اعمال ظاهری خود مغرور شویم، زیرا در هر زمانی امکان سقوط ما به دلیل تبعیت از هوای نفسانی و دل بستگی به دنیا و جدایی از هدایتگران به سوی حق وجود دارد. حضرت زهرا (علیها السلام) ما را به آنچه که موجب ثبات ایمان در دلها و انجام اعمال صالح می شود، راهنمای کرده است، که آن تبعیت از امیرالمؤمنین (علیه السلام) و پیروی از راه و روش ایشان و تمسک جستن به ولایت ایشان است، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت است که می فرماید: (هرگاه خداوند متعال محبت علی را در دل مومنی استوار سازد و با این حال قدمش بلغزد در روز قیامت قدمش را بر صراط استوار خواهد کرد) (5).

همچنین از ایشان نقل است که می فرماید: (استوارترین شما بر صراط کسی است که محبتش به اهل بیت من بیشتر باشد) (6)، و از حضرت امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) در تفسیر این آیه قرآن آمده: [وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيثًا] حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید: (اگر اهل خلاف به توصیه هایی که نسبت به امام علی (علیه السلام) به آنها داده می شد، عمل می کردند برای آنان بهتر بود) (7).

خداوند متعال ما را به ثبات و پایداری دعوت کرده و از ما خواسته با

ص: 132

1- 217 - میزان الحکمه: 1/181.

2- رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا (آل عمران: 8).

3- اگر تو را ثابت قدم نمی ساختم.

4- 220 - تفسیر صافی: 4/436.

5- 221 - میزان الحکمه: 1/136.

6- 222 - میزان الحکمه: 2/1610.

7- 223 - تفسیر صافی: 2/266 به نقل از اصول کافی.

تبعیت از دستورات او و پیروی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و داشتن صبر و کنار گذاشتن اختلافاتی که باعث ضعف و شکست در برابر دشمنان می شود، ثبات و استقامت بر ایمان را بدست آوریم. {ای کسانی که ایمان آورده اید، هر گاه با فوجی از دشمن مقابل شدید پایداری کنید و خدا را پیوسته یاد آرید، باشد که پیروز گردید * همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نپوید که در اثر تفرقه ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد، بلکه همه باید یکدل، پایدار و صبور باشید، که خدا همیشه با صابران است} (1)، { اگر به آنچه پندشان می دهند عمل می کردند البته نیکوتر و کاری محکم و با اساس تر برای آنها بود} (2).

یکی از راههای مطمئن جهت بدست آوردن ثبات در ایمان رعایت تقوای الهی و دوری از محرّمات است، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) میفرماید: (همانا این نفس من است که ان را با پرهیزکاری ریاضت می دهم تا با امنیت وارد روز خوف اکبر گردد و در لغزشگاه ثابت قدم بماند) (3).

، حضرت امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به آنچه که موجب ثبات ایمان در بنده می شود، می فرماید: (آنچه ایمان را در دل ثابت نگه می دارد پرهیزکاری است و آنچه آنرا از دل دور می کند طمع و زیاده طلبی است) (4).

انسان تنها در سایه انجام عمل صالح است که می تواند ثبات در ایمان را بدست آورد و به نتایج مترتب بر آن دست پیدا کند، از حضرت امام صادق (علیه السلام) روایت است که می فرماید: (ایمان جز با عمل استوار نمی شود) (5) و همچنین از حضرت امام باقر (علیه السلام) نقل است که می فرماید: (رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر مردی گذشت که در مزرعه اش درخت می کاشت، حضرت در کنار او ایستاد و فرمود: آیا می خواهی تو را به اصله هایی راهنمایی کنم که بادوام تر زودبارتر و میوه هایش گواراتر و پایدار تر

ص: 133

1- - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ، وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال: 45-46).

2- - وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا (نساء: 66).

3- 226 - نهج البلاغه: 3/171 نامه حضرت علی (علیه السلام) به عثمان بن حنیف انصاری که کارگذار امام در بصره بود، و به حضرت خبر رسیده بود که عثمان دعوت عده ای را برای مهمانی پذیرفته بود.

4- 227 - میزان الحکمه: 1/200.

5- 228 - الفصول المهمه فی أصول الأئمه حر عاملی: 1/434.

است؟ آن مرد گفت: بله راهنمایی ام کن، پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: صبح و شام بگو سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر، اگر این ذکر را بگویی، در قبال هر تسبیح ده اصله از انواع درختان میوه که دائمی هستند در بهشت به تو داده می شود(1).

حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید: (هرکس در دنیا پارسایی گزیند و بر ذلت آن بیتابی ننماید، و برای کسب عزت در آن به رقابت نپردازد، خدا او را بدون هدایت خلق راهنمایی می کند و بدون آموختن او را بیاموزد و حکمت را در قلبش ثابت و بر زبانش جاری می سازد) در روایتی دیگر آمده (هر کس حسین (علیه السلام) را زیارت کند خداوند او را در روزی که قدم ها لرزان می شوند بر صراط مستقیم ثابت قدم می سازد(2).

ثبات بر ایمان و استقامت بر آن لطف الهی است که به هر کس بخواهد عطا می کند: {و اگر ما تو را ثابت قدم نمی گردانیدیم نزدیک بود که به آن مشرکان اندک تمایل و اعتمادی پیدا کنی} (3)، {بگو که این آیات را روح القدس از جانب پروردگارت به حقیقت و راستی نازل کرده تا اهل ایمان را ثابت قدم گرداند و برای مسلمین هدایت و بشارت باشد} (4)، {تادلهاى شما را محکم و استوار گرداند و گامهای شما را استوار بدارد} (5)، {تا تو را به آیات آن دل آرام کنیم} (6).

ولی با این وجود از درون نفس مطمئنه ای که آکنده از ایمان و محبت به خداوند متعال است حاصل می شود، کسانی که خداوند متعال در قرآن کریم آنها را اینگونه توصیف کرده که از روی اشتیاق و رغبت به ثبات قدم و بندگی خداوند متعال به انجام کارهای خیر می پردازند: { مثل آنان که مالشان را در راه خشنودی خدا انفاق کنند و با کمال اطمینان خاطر، دل به لطف خدا شاد دارند مثل بوستانی است که در زمین بلندی باشد و

ص: 134

1- 229 - کافی: 2/506.

2- 230 - هر دو حدیث در میزان الحکمه: 2/1172.

3- -- وَلَوْلَا أَنْ تَبَيَّنَّاكَ لَفَدَّ كِدْتَّ تَزَكَّنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا (إسراء: 74).

4- -- قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (نحل: 102).

5- -- وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ (أنفال: 11).

6- -- كَذَلِكَ لِيُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ (فرقان: 32).

بر آن باران زیادی به موقع ببارد و حاصلی دو چندان دهد، و اگر باران زیاد نیاید، اندک بارد (تا باز به ثمر رسد)، و خدا به کار شما بیناست {1}.

اگر انسان بندگی خداوند متعال را بدرستی انجام دهد و با دعا و عمل صالح برای ثبات در ایمان و هدایت در صراط مستقیم تلاش کند، خداوند متعال او را ثابت قدم می سازد و سعادت دنیا و آخرت را نصیب او می فرماید. در قرآن کریم آمده: { خدا اهل ایمان را با عقیده ثابت در حیات دنیا و در آخرت پایدار می دارد و خداوند ستمکاران را به حال گمراهی وا می گذارد و خدا هر چه بخواهد می کند } {2}، حضرت امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه مبارکه می فرماید: (هنگامی که مرگ یکی از پیروان ما فرا می رسد، شیطان در سمت راست و چپ او می آید تا او را گمراه کند ولی خداوند متعال مانع او می شود) {3}. این همان خیری است که حضرت زهرا (علیها السلام) در خطبه های خود برای امت می خواست و آنها را به تبعیت از امیرالمؤمنین (علیه السلام) دعوت می کرد و از مخالفت با او بر حذر می داشت: (وای بر آنها خلافت را از پایگاههای محکم رسالت و از پایه های نبوت و رهبری و از محل نزول وحی جبرئیل امین و از کسی که حاذق و آگاه به امور دین و دنیا می باشد به کجا تغییر جهت دادند، آگاه باشید که این زیان آشکار است)، { چنانچه مردم شهر و دیارها همه ایمان آورده و پرهیزکار می شدند همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی آنها می گشودیم و لیکن (چون آیات و پیغمبران ما را) تکذیب کردند ما هم آنان را سخت به کیفر کردار زشتشان رسانیدیم } {4}، حضرت (علیها السلام) آنها را از عاقبت کار خویش بر حذر می داشت، و اینکه کار آنها زمینه را برای ایجاد یک فساد و فتنه ای بزرگ که آتش آن نسلهای آینده را خواهد سوزاند، فراهم می کند: (اما به جان خود سوگند که نطقه این بسته شده است، انتظار کشید تا این فساد در پیکر جامعه اسلامی منتشر شود، پس از این از سینه شتر خون و زهری هلاک کننده خواهید دوشید، در اینجا است که پویندگان راه باطل

ص: 135

- 1- - وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ اِتِّغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَشْتِئًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (بقره: 265).
- 2- - يُبَيِّنُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ (ابراهيم: 27).
- 3- 237 - تفسیر صافی: 4/239 به نقل از فقیه و تفسیر عیاشی.
- 4- - وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَـكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف: 96).

زیان می بینند، و مسلمانانی که در پی خواهند آمد، خواهند دید که احوال مسلمانان صدر اسلام چگونه بوده است).

اما شما ای پیروان حضرت فاطمه (علیها السلام) با احیای شعائر فاطمی و اظهار مودت خود نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) به ریسمان محکمی چنگ زده اید که شما را در بزنگاه های دنیا و در آخرت در صراط مستقیم ثابت قدم خواهد کرد، خداوند متعال می فرماید: [إِنْ تَصُورُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ] (محمد:7).

یاری اولیای الهی و اثبات حق آنها از مصادیق نصرت خداوند متعال است، که در این بین یاری حضرت زهرا (علیها السلام) از بزرگترین مصادیق حدیث شریف پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می باشد، حضرت (صلی الله علیه و آله) می فرماید: (کسی که در راه احقاق حق ستمدیده ای گام بردارد، خداوند قدمهای او را در آن روز که همه قدمها بلغزد، استوار خواهد نمود) (1).

خداوند متعال راه دیگری را نیز برای ثبات قدم در دین پیش روی شما قرار داده و آن انتظار فرج مولا- و مقتدای ما حضرت مهدی (ارواحالعالمین له الفداء) و امید داشتن به اقامه دولت کریمه توسط ایشان است، علی ابن یقظین می گوید: موسی ابن جعفر (علیه السلام) به من فرمود: شیعه در طول دویست سال با انتظار و آرزو تربیت شده است) علی بن یقظین در شرح روایت می گوید: (اگر به ما گفته شود: که این امر (ظهور) محقق نمی شود مگر پس از گذشت دویست و یا سیصد سال دلها سخت شود و بیشتر مردم از اسلام دست خواهند کشید، ولی می گویند: چقدر زود می آید، و چقدر به ما نزدیک است، برای اینکه دلها گرم شود و گشایش نزدیک گردد) (2).

برای شما ای ثابتن بر حق در زمان غیبت، بشارتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است که در کتب شیعه و اهل تسنن آمده است: (به زودی بعد از شما مردمانی خواهند آمد که هر کدام از آنها ثواب و اجر پنجاه نفر از شما را دارد، اصحاب گفتند: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ما در جنگ های بدر و احد و حنین در رکاب شما بودیم و قرآن در بین ما نازل شد، حضرت فرمودند

ص: 136

1- 239 - میزان الحکمه: 1/659.

2- 240 - کافی: 1/369 والغبیه شیخ طوسی: 207 وبحار الأنوار: 52/102.

: اگر آنچه را که بر آنها تحمیل می شود ، بر شما تحمیل کنند نمی توانید مانند آنها صبر کنید (1).

ص: 137

1- 241 - الغیبه شیخ طوسی: 275 والخرائج: 284 ؛ والكبیر طبرانی: 10/225 وسنن ابی داود: 4/123 وابن ماجه: 2/1330 وترمدی: 5/257 وغیره.

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) حامل دین الهی و حامی آن است

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) حامل دین الهی و حامی آن است (1).

الحمد لله وحده كما يستحقه حمداً كثيراً، والصلاة والسلام على أمينه على وحيه وسيد خلقه أبي القاسم محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين.

السلام على أمير المؤمنين عبد الله وأخي رسوله، وعلى الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء (علیها السلام) الممتحنة الصابرة الشهيدة المحتسبة المهتضم حقها، ورحمة الله وبركاته.

عرض سلام و احترام دارم خدمت همه حضار عزیز

از حضرت امام صادق (علیه السلام) روایت است که می فرماید: (این دین در هر قرنی افراد عادلّی با خود دارد که تأویلاتِ باطل گرایان و تحریفِ غلو کنندگان و دستبردِ نادانان را از آن می زدایند، چنان که کوره زنگار و ناخالصی آهن را می زداید) (2).

مقصود از قرن در این روایت شریفه فرزندان یک نسل هستند به جهت اینکه در یک دوره زمانی مشترک قرار دارند، و بر همین اساس معنای این حدیث شریف بدین صورت خواهد بود که در هر نسل شخصی پیدا خواهد شد که رسالت اسلام ناب محمدی را به دوش خواهد کشید و آن را از شبهات، بدعتها و تحریفها حفظ خواهد کرد و همانند آهنگری که ناخالصی های آهن را با شعله های آتش از بین می برد، اسلام را بدعتها و شبهات خالص می گرداند.

این حدیث شریف همزمان به ما اطمینان و هشدار می دهد و ما را به یک امر مهم دعوت می کند.

اطمینان از این جهت که مردم را مطمئن می سازد که خداوند متعال زمین را از عالمان مخلص و با تقوا که این امانت الهی را به سلامت به سر منزل مقصود می رسانند، خالی نمی کند بلکه در همه نسل ها حضور دارند، و مردم از این ناحیه نگرانی نخواهند داشت، و ضلالت، گمراهی و انتخاب نادرست خود را با نبود اینگونه علما نمی توانند توجیه کنند.

ص: 138

1- 242 - سخنان حضرت آیت الله العظمی یعقوبی (دامت برکاته) در میان تجمع دهها هزار نفری عزاداران در میدان ثوره العشرین در نجف اشرف قبل از آغاز حرکت نمادین تشیع پیکر حضرت زهرا (علیها السلام) در سالروز شهادت ایشان در روز یکشنبه سوم جمادی الثانی 1434 مصادف با 2013/4/14.

2- 243 - رجال کشی: 2، وهمچنین برقی در کتاب محاسن مانند این روایت را نقل می کند (ببینید علم خود را از چه کسی می گیرید، همانا در هر نسلی عالمان وارسته ای هستند که تحریف غلو کنندگان و تاویل جاهلان را از بین می برند)، (بحار الأنوار: 2/92، بصائر الدرجات: 1/30، فصل 6، ح 7).

این حدیث همچنین به ما هشدار می دهد که منحرفان و مدعیان دروغین و دنیاپرستان که با عناوین دینی بر خود سرپوش می گذارند در هر نسلی حضور دارند و به تحریف دین و بدعت گذاری در آن با عناوینی مقدس خواهند پرداخت و همواره افراد ساده لوحی نیز پیدا خواهند شد که فریب آنها را بخورند ، همانطور که در هر نسل علمای با تقوایی حضور دارند تا با آنها مقابله کنند .

این حدیث همچنین مردم را به توجه به این تقابل دعوت می کند ، و از آنها می خواهد که به گرد این عالمان جمع شوند و از ایشان تبعیت کنند ، و به دنبال مدعیان دروغین قداست و دینداری که از آن برای بدست آوردن منافع خود استفاده می کنند ، نروند ، ؛ چرا که همواره تحریف دین و فریب مردم توسط افرادی صورت می گیرد که عناوین دینی بزرگی را برای خود انتخاب می کنند ، و افرادی را به دنبال خود می کشانند که از آنها یک بت می سازند و به جای خداوند متعال او را می پرستند .

به همین جهت همواره ائمه معصومین (علیه السلام) تأکید می کردند که با آگاهی و بصیرت انتخاب کنیم نه از روی تقلید از گذشتگان و یا طبق رفتار عمومی مردم و مانند آن .

علی بن سوید نقل می کند: (حضرت ابولحسن - امام موسی بن جعفر (علیه السلام) - زمانی که در زندان بود نامه برای من نوشت و از من پرسید : ایعلی معارف دین خود را از که می گیری ، هشیار باش که معالم و معارف دین خود را از خائنان ، کسانی که به خدا و رسولش و امانات خویش خیانت کرده اند ، نگیری ، آنان کتاب خدا را تحریف کرده و آن را تغییر دادند ، همانا لعنت خدا و رسول خدا و ملائکه و لعنت پدران بزرگوار من و لعنت من و شیعیانم تا روز قیامت بر آنها باد (1).

برقی در کتاب المحاسن پندهایی را از حضرت مسیح (علیه السلام) نقل می کند ، در این کتاب آمده است : (همواره سخنان را مورد نقد قرار دهید؛ زیرا چه بسا گمراهی به وسیله آیه ای از کتاب خدا آراسته شده باشد، مانند آمیختن درهمی از مس با نقره تا انسان را بفریبد و به اشتباه افکند؛ از این روی، در نگاه نخست، درهم خالص و ناخالص، یکی می نماید و تنها

ص: 139

کارشناسان تیزهوش می توانند سره از ناسره آن را بازشناسند(1).

این تقابل در همه نسلها وجود دارد و پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به صورت علنی ظهور پیدا کرد؛ زیرا سران انقلاب قبل از دفن پیکر مطهر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، اقدام به تحریف، تأویل و ادعاهای دروغین کردند.

حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) اولین کسی بود که در مقابله با این انحراف ایستاد و تأویل دروغگویان و تحریف آنها را رسوا کرد، و با سخنان کوبنده خود همه ادعاهای واهی آنان را باطل ساخت.

به عنوان مثال در رابطه با تحریف آیات قرآن کریم، حضرت (علیها السلام) خطاب به آنها فرمود: (چطور این کار را کردید، به کجا روی می آوردید، در حالی که کتاب خدا رویاروی شماست، امورش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرّماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بی رغبتی به آن را خواهانید؟ یا بغیر قرآن حکم می کنید؟ {چه بد جانشینانی برای ستمگرانند} (2)، {هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست، و او در آخرت از زیانکاران است} (3) و همچنین فرمود: (ای پسر ای قحافه، آیدر کتاب خداست که تو از پدرت ارث بیری و من از ارث پدرم محروم باشم. امر تازه و زشتی آوردی، آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر می اندازید، آیا قرآن نمی گوید «سلیمان از داود ارث برد» (نمل: 16)، و در مورد خبر زکریا آنگاه که گفت: «پروردگار مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و خاندان یعقوب ارث برد» (مریم 6-5)، و فرمود: «و خویشاوندان رحمی به یکدیگر سزاوارتر از دیگرانند»، و فرموده: «خدای تعالی به شما درباره فرزندان سفارش می کند که بهره پسر دو برابر دختر است» (نساء: 11).

حضرت (علیها السلام) در ادامه فرمود: (آیا خداوند آیه ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا می گوئید: اهل دو دین از یکدیگر ارث

ص: 140

1- 245 - بحار الأنوار: 2/96، ح 39.

2- - بِسْ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا (کهف: 50).

3- - وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران: 85).

نمی برند؟ آیا من و پدرم را از اهل یک دین نمی دانید؟ و یا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسرعمویم آگاه‌ترید؟)

در خصوص موضوع امامت و مخالفت آنها با وصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در رابطه با خلیفه پس از او و کنار گذاشتن امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: (وای بر آنها خلافت را از پایگاههای محکم رسالت و از پایه های نبوت و رهبری و از محل نزول وحی جبرئیل امین و از کسی که حاذق و آگاه به امور دین و دنیا می باشد به کجا تغییر جهت دادند، آگاه باشید که این زیان آشکار است) {چنانچه مردم شهر و دیارها همه ایمان آورده و پرهیزکار می شدند همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی آنها می گشودیم و لیکن (چون آیات و پیغمبران ما را) تکذیب کردند ما هم آنان را سخت به کیفر کردار زشتشان رسانیدیم} (1)، (آری بخدا سوگند [اگر امر خلافت با او بود] هر گاه مردم از جاده حق منحرف می شدند و از پذیرش دلیل روشن سرباز می زدند، آنها را با نرمی و ملایمت به سوی منزل مقصود سیر می داد، و آنها را به سرچشمه آب زلال و گوارا وارد می ساخت، وای به حال آنها! «آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است یا آن کس که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟! شما را چه می شود؟ چگونه داوری می کنید؟» (یونس: 35) «و آن زمان است که طرفداران باطل گرفتار خسران می شوند، و دنباله روان عاقبت کاری را که پیشوایانشان پایه گذاری کردند خواهند فهمید).

و در رابطه با افترائی که به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بستند و سخن دروغی - ما دودمان پیامبران طلا و نقره به ارث نمی گذاریم -

که به ایشان نسبت دادند، حضرت (علیها السلام) فرمود: (پاک و منزّه است خداوند، پدرم از کتاب خدا روی گردان و با احکامش مخالف نبود، بلکه پیرو آن بود و به آیات آن عمل می نمود، آیا می خواهید علاوه بر نیرنگ و مکر به زور او را متهم نمائید، و این کار بعد از رحلت او شبیه است به دام هائی که در زمان حیاتش برایش گسترده شد، این کتاب خداست که حاکمی است عادل، و ناطقی است که بین حق و باطل جدائی می اندازد، و بهانه های اهل باطل، و گمان ها و شبهات را تا روز قیامت زائل فرموده است، نه چنین است، بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش پایتان قرار داده، و جز صبر زیبا

ص: 141

1- - وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَـٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف: 96).

چاره ای ندارم، و خداوند در آنچه می کنید یاور ماست. (یوسف: 18).

عوامل تحریف و تأویل :

در اینجا باید به سخنان حضرت زهرا (علیها السلام) در مورد تشخیص عوامل انحراف و تغییر در دین و کوتاهی در دفاع از حق و یاری آن ، و اینکه چگونه انحراف در جامعه رسوخ پیدا می کند ، توجه کنیم ، حضرت (علیها السلام) می فرماید : (ای مسلمانان! که برای شنیدن حرف های بیهوده شتابان بوده، و کردار زشت را نادیده می گیرید، آیا در قرآن نمی اندیشید، یا بر دلها مهر زده شده است، نه چنین است بلکه اعمال زشتتان بر دلهایتان تیرگی آورده، و گوش ها و چشمانتان را فراگرفته، و بسیار بد آیات قرآن را تأویل کرده اید).

همچنین می فرماید : (آگاه باشید من چنین می بینم که شما رو به راحتی گذارده اید و عافیت طلب شده اید. کسی را که از همه برای زعامت و اداره امور مسلمین شایسته تر بود دور ساختید ، و به تن پروری و آسایش در گوشه خلوت تن دادید و از فشار و تنگنای مسئولیت ها به وسعت بی تفاوتی روی آوردید. آری، آنچه را از ایمان و آگاهی در درون داشتید، بیرون افکندید و آب گوارایی را که نوشیده بودید، به سختی از گلو بر آوردید! اما فراموش نکنید خداوند می فرماید: «اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، (به خدا زیانی نمی رسد، چرا که) خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است». { اگر شما و همه اهل زمین یک مرتبه کافر شوید خدا از همه بی نیاز و ستوده صفات است } (1).

و می فرماید : (شیطان سرش را از مخفیگاه خود بیرون کرد و شما را به سوی خود دعوت نمود و شما را آماده پذیرش دعوتش یافت و منتظر فریشت! سپس شما را دعوت به قیام کرد و سبکبار برای حرکت یافت!

شعله های خشم و انتقام را در دل های شما برافروخت و آثار غضب در شما نمایان گشت و همین امر سبب شد بر غیر شتر خود علامت نهید و سرانجام به غضب حکومت پرداختید . در حالی که هنوز چیزی از رحلت پیامبر نگذشته بود، زخم های مصیبت ما وسیع و جراحات قلبی ما التیام نیافته و هنوز پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خاک سپرده نشده بود، بهانه شما این بود که

ص: 142

1-- إن تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ (إبراهيم : 8) .

«می ترسیم فتنه ای برپا شود! { آگاه باش که آنها خود به فتنه و امتحان در افتادند و همانا دوزخ به آن کافران احاطه دارد {1}».

حضرت (علیها السلام) عاقبت آنها را اینگونه بیان می کند: (پس در آن روز چه جالب است که داور، خداست و مدعی تو، محمد صلی الله علیه و آله)، و موعد داوری، رستاخیز و در آن روز باطلان زیان خواهند دید. اما پشیمانی به حال شما سودی نخواهد داشت! و (بدانید) «هر چیزی که خداوند به شما داده سرانجام قرارگاهی دارد

و در موعد خود انجام می گیرد { برای هر خبری وقت معینی است {2}، و {به زودی معلوم شما شود که کدام یک به عذاب ذلت و خواری گرفتار و عذاب دائم خدا را مستوجب خواهد شد {3}».

از این سخنان می توانیم اینگونه برداشت کنیم که عوامل انحراف بسیار متعدد هستند، ولی دو گروه مسئول آنها هستند:

یک: علمای دینی که اسیر هوای نفس خود شده اند، و میل به دنیا و فریب های شیطان و حسادت نسبت به حق در دل های آنها رسوخ پیدا کرده است و در جایگاهی که اهل آن نیستند قرار گرفتند (پس بر شتران دیگرانشان زدید، و بر چیزی که سهم شما نبود وارد شدید) {4}، که این امر باعث شده بر دل های آنها مهر زده شود و از تدبر در آیات قرآنی و روایات شریفه محروم شوند و به همین جهت به تأویل و تحریف معانی آنها روی آورده اند.

دو: عامه مردم با جهل و سادگی و حماقت خود، و کوتاهی آنها در برابر کسی که باید از او تبعیت شود، و سکوت آنها در برابر منکر و باطل، و همراهی آنها با هر مدعی، و شتاب آنها در پذیرش شبهات و قیل و قال، و عدم اصلاح خطاهای خود، و عدم توبه از گناهی که مرتکب می شوند.

این عوامل انحراف و دوری مردم از حق در هر زمانی موجود هستند، به همین جهت در حدیث نبوی آمده که خداوند متعال در هر دوره ای

ص: 143

1- - الْأَفِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (توبه: 49).

2- - لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ (أنعام: 67).

3- - سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (هود: 39).

4- - خطبه حضرت زهرا (علیها السلام).

کسی را برای مقابله با انحراف آماده می کند ، حضرت زهرا (علیها السلام) در رأس کسانی بود که خداوند متعال برای ادای این نقش بزرگ انتخاب کرده بود ، و این یکی از وظایف مهمی بود که حضرت زهرا (علیها السلام) آنها را انجام داد ، و در این راه با سختی ها و ظلم های فراوانی مواجه شد ، حرمت خانه او شکسته شد ، و ستمگران ایشان را چه از جهت جسمی و چه از روحی مورد آزار و اذیت قرار دادند ، به طوری که حتی مانع گریه ایشان در سوگ پدر بزرگوار خود شدند ، و در نهایت پس از گذشت مدت کوتاهی از عمر مبارک خود به شهادت رسید .

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگام دفن آن حضرت در رابطه با ظلم و جنایت منافقان ، خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود : (به زودی دخترت به تو خبر خواهد داد که امت چگونه بر ظلم به او اجماع کردند ، همه سرگذشت را از او سؤال کن و چگونگی رفتارشان با ما را از او بپرس) (1).

ای عزیزان :

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) برای همه ما الگویی نمونه است بلکه حجتی الهی بر همه ما است ، پس باید از ایشان درس بگیریم و راه و روش او را الگوی خود قرار دهیم ، و همه ما باید حامل رسالت اسلام و مذهب اهل بیت (علیهم السلام) باشیم و آن را به همه دنیا معرفی کنیم ، و در برابر انحراف و بدعتها و شبهات از آن دفاع کنیم ، نباید کسی بگوید : که این وظیفه حوزه علمیه است ، و به ما مربوط نیست ، این تفکر کاملا اشتباه است ، فرصت برای همه مهیا است که جزء مدافعان دین باشند البته در چهارچوبی که مرجعیت بزرگوار با توجه شرایط زمانه تعیین می کند .

این حدیث شریف نبوی همه شما را دعوت می کند تا جزء حامیان دین و مدافعان آن باشید ، البته بعد از اینکه خود را مهذب ساختید و علوم و معارف دینی را آموختید که شما را برای ادای این وظیفه مبارک آماده می کند ؛ زیرا روایت بیان شده این وظیفه مهم - تبلیغ و دفاع از دین - را به شخص ، گروه و یا قشر خاصی مانند طلاب حوزه علمیه محدود نکرده است ، بلکه افرادی را که حامی دین و مبلغ آن هستند اینگونه توصیف

ص: 144

کرده که در هر قرنی حضور دارند ، پس باید تلاش کنید که در زمره این افراد قرار بگیرید و خود را به کاروانی که حضرت زهرا (علیها السلام) آن را بر طبق روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) هدایت می کند ، برسانید .

این فرصت در زمان کنونی ما بیشتر مهیا شده است ، زیرا پیشرفت چشمگیر تکنولوژی امکان کسب معلومات و انتقال آنها به هر نقطه از عالم را بسیار آسان کرده است ، علاوه بر این امروزه حجت بر همه برای هدایت و بیدار ساختن دیگران تمام شده است ؛ زیرا وظیفه حامیان و مبلغان دین امروزه به دعوت غیر مسلمانان برای هدایت به اسلام و یا دعوت از پیروان دیگر مذاهب اسلامی به سوی مذهب اهل بیت محدود نشده است ، بلکه بدعتها ، انحرافات ، تخلف و شبهات در داخل خود مکتب اهل بیت (علیهم السلام) نیز انتشار پیدا کرده است ، و همچنین افرادی نا اهل و غیر صالح با ادعاهای دروغین و باطل ، خود را در جایگاه رهبری و هدایت مردم قرار داده اند ، و در ترویج آن از پول ، رسانه ، مکر و نیرنگ و دیگر روشهای فریب دهنده استفاده می کنند.

ائمه معصومین (علیه السلام) ویژگی های کلی رهبران و مراجعی که مردم باید از آنها تبعیت کنند را در احادیث مختلفی بیان کرده اند ، یکی از این احادیث روایتی از حضرت امام صادق (علیه السلام) است که به نقل از جد خود امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید : خدا را به خدا بشناسید! و رسول را به رسالت ، و اولوالأمر را به امر به معروف و عدل و احسان بشناسید(1).

دقت کنید کسی که به او در کارهای دین و دنیا مراجعه می کنید ، کسی باشد که حامل رسالت الهی و مدافع آن باشد ، امر به معروف ، عدالت و نیکوکاری بکند و از آنها در برابر انحراف ، تأویل و بدعت دفاع کند .

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده که می فرماید : رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای مردم! شما در مسیر سعادت نشانه هایی دارید، پس آنها را دنبال کنید و مقصد و نهایی دارید بکشید تا بدان برسید(2).

از خداوند متعال مسئلت دارم که ما و شما را به آنچه دوست دارد و مورد رضایت اوست موفق بدارد .

ص: 145

1- 255 - أصول کافی، ج 1، کتاب توحید، بخش: أنه لا یعرف إلا به، ح 1.

2- 256 - بحار الأنوار: 2/99، ح 52.

حضرت زهرا (علیها السلام) و اقامه حکم الهی

حضرت زهرا (علیها السلام) و اقامه حکم الهی (1)

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سید خلقه ابي القاسم محمد و علی آله الطیبین الطاهرین.

این سخن از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در روایات متعددی آمده که می فرماید: (برای هر چیزی حقیقتی است) (2) مقصود از حقیقت، روح و محتوای اصلی یک شیء که مایه قوام آن شیء است، و بدون این حقیقت آن شیء چیزی جز قالبی صوری و ظاهری بی محتوا نخواهد بود.

نماز دارای حقیقتی است و آن مناجات با خداوند متعال و تقرب به سوی او و دوری از منکر و فحشا است، هر اندازه نماز از این حقیقت دور باشد ارزش آن کمتر می شود، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: (کسی که نمازش او را از فحشا و منکر باز ندارد هیچ بهره ای از نماز جز دوری از خدا حاصل نکرده است) (3).

آیه [إِيَّاكَ نَعْبُدُ] در سوره حمد حقیقتی دارد و آن تبعیت تام از خداوند متعال و تسلیم امر ایشان بودن و بندگی او در تمام حرکات و سکونات است. هر حقیقتی نیاز به نشانه ای دارد تا آن را آشکار کرده و وجود آن را اثبات کند، و در صورت نبودن آن نشانه می توان گفت که آن حقیقت وجود ندارد و صرفاً ادعایی بیش نیست، حضرت امام کاظم (علیه السلام) در وصیت خود به هشام بن حکم این نکته را یادآور می شوند: (ای هشام برای هر چیزی نشانه ای هست، که نشانه خردمندی تفکر و نشانه تفکر سکوت است) (4)، پس تا زمانی که نشانه یک چیز را ندیده ایم، نباید آن شیء و یا ادعا را بپذیریم، به همین جهت اوصافی را که به خود نسبت می دهیم و در شناسنامه ثبت می کنیم مانند مسلمان بودن، شیعه بودن و پیرو اهل بیت (علیهم السلام) بودن، را باید به صورت مرتب مورد بازبینی قرار دهیم و مواظب باشیم که صرفاً ادعایی بیش نباشند.

این مقدمه اشاره به وضعیت اسف باری است که ما مسلمانان در آن

ص: 146

1- 257 - سخنان حضرت آیت الله العظمی یعقوبی (دامت برکاته) در میان تجمع دهها هزار نفری زائران حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) در سالروز شهادت حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) در روز سوم جمادی الثانی 1435 مصادف با 2014/4/3 قبل از تشیع نمادین پیکر حضرت زهرا (علیها السلام).

2- 258 - میزان الحکمه: 1/285.

3- 259 - میزان الحکمه: 5/109.

4- 260 - تحف العقول: 246.

بسر می بریم و آن اینکه مدعی عناوین بسیاری هستیم لکن هیچ نشانه ای از وجود آنها در خود بروز نمی دهیم ، بلکه گاهی ممکن است بر عکس آن عمل کنیم و حرف و عمل ما با یکدیگر تطابق نداشته باشد ، به همین جهت حضرت امام حسین (علیه السلام) در دعای عرفه به ما می آموزد که چگونه نسبت به کوتاهی خود در برابر خداوند متعال اعتراف کنیم : (کسی که حقایقش مجرد ادعاست ، چگونه ادعای او ادعا نخواهد بود؟) (1)

، ائمه معصومین (علیه السلام) به ما یاد می دهند که از خداوند متعال اینگونه درخواست کنیم : (خداوند از تو استحقاق حقایق و واقعیات ایمان را طلب می کنم) (2).

مهمترین عنوانی که باید از وجود حقیقت آن در خود مطمئن شویم ، ایمان به خداوند متعال است ؛ زیرا این ایمان اصل دین و عامل اصلی سعادت انسان در دنیا و آخرت است ، در تأکید بر اهمیت این مسأله پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیه السلام) همواره مردم را به این حقیقت متوجه می ساختند و از کسانی که می گفتند : (ما مؤمن هستیم) می پرسیدند : (حقیقت ایمان شما چیست) و یا اینکه حقیقت آن را برایشان بیان می کردند ، مانند این سخن حضرت امام باقر (علیه السلام) که می فرماید : (به حقیقت ایمان نمی رسید مگر آنکه در شما سه ویژگی حاصل شود ... تا آخر حدیث شریف) (3).

آیات قرآنی و احادیث شریفه آنچه که باعث کامل شدن حقیقت ایمان می شود را بیان کرده اند ، خداوند متعال می فرماید : { نه چنین است ، قسم به خدای تو که اینان اهل ایمان نمی شوند مگر آنکه در خصومت و نزاعشان تنها تو را حَکَم کنند و آن گاه به هر حکمی که کنی اعتراض نداشته ، کاملاً تسلیم فرمان تو باشند } (4)

خداوند متعال در رابطه با این حقیقت قسم یاد می کند [فَلَا وَرَبِّكَ] و حقیقت ایمان را به آن محصور می کند [لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ] که یکی از قواعد مهم عقیده اسلامی را به ما یاد می دهد ، و آن اینکه مهمترین

ص: 147

1- 261 - مفاتیح الجنان، 315.

2- 262 - دعای (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِحْبَابَ الْمُخْبِتِينَ).

3- 263 - میزان الحکمه: 1/286.

4- - فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيماً (نساء : 65).

مظهر توحید و ایمان به خداوند اقامه حکم الهی در زمین، و جاری ساختن شریعت او در تمام شؤون زندگی، و مراجعه به ایشان در هنگام دآوری و پیروی از روش ایشان در زندگی است. این دو قضیه کاملاً با یکدیگر تلازم دارند، و علت اصلی تقابل میان ایمان و دشمنان آن به این مسأله باز می‌گردد که چه کسی دارای حق حاکمیت و تشریح قوانین و راه و روش زندگی است، آیا این حق خداوند متعال است که آفریننده جهان و انسان است و نسبت به مصالح و سعادت انسان آگاهی دارد، و یا اینکه حق انسانی است که در تشخیص مسیر صحیح رسیدن به سعادت ناتوان است، و به دلیل احوالات متغیر انسان‌ها مصالح و منافع آنها همواره در تعارض با یکدیگر است، خداوند متعال می‌فرماید: { اگر حق تابع هوای نفس آنان شود همانا آسمانها و زمین و هر که در آنهاست فاسد خواهد شد } (1).

این آیه مبارکه تأکید می‌کند که ایمان حقیقی باید دارای این سه ویژگی باشد:

بازگشت به شریعت الهی که توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین 1- (علیه السلام) و بعد از ایشان توسط علمای مخلص و عامل به مردم تبلیغ شده است، خداوند متعال در آیه قرآنی که بیان شد به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید [حَتَّى يُحَكِّمُوكَ] یعنی تا زمانی که مردم در همه کارها و امور خود به تو باز گردند و از تو کسب تکلیف بکنند، و غیر تو را بر کارهای خود حاکم قرار ندهند، و اینکه هر قانونی که بشر آن را وضع کند و از شریعت الهی برگرفته نشده باشد، باطل خواهد بود و با اصل ایمان به خدا مخالف خواهد بود، و هیچ کس حق ندارد قانونی را بر اساس چیزی خارج از نصوص شرعیه وضع کند.

2- تسلیم این احکام شوند و به آنها ایمان بیاورند، خواه به مصلحت آنها پی ببرند و علت تشریح آنها را بدانند و یا اینکه نسبت به علت تشریح آنها اطلاعی نداشته باشند، و اگر کسی آنها را مورد تمسخر

ص: 148

1- - وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ (مؤمنون: 71).

قرار داد و ادعا کند که این احکام مخالف حقوق انسان و با آزادی، عدالت و برابری در تنافی هستند، و یا اینکه بگوید این احکام نشان دهنده عقب ماندگی هستند و پاسخ گوی نیازهای زمانه نیستند و از این قبیل تهمتها نباید احساس خجالت و شرمندگی کنند.

3- به این احکام پایبند باشند و آنها را در زندگی خود جاری سازند بدون اینکه میان آنها تفاوتی قائل بشوند، نه اینکه صرفاً احکامی را انجام دهند که مطابق با میل و منافع آنها باشند و در صورتی که با منافع آنها سازگار نباشند آنها را کنار بگذارند. در واقع صداقت ایمان زمانی ظاهر می شود که حکمی برخلاف میل و منفعت انسان باشد ولی با این حال خود را ملزم به انجام آن می داند و به آن عمل می کند.

شیخ کلینی در کتاب اصول کافی با سندی صحیح از عبدالله بن یحیی کاهلی نقل می کند: که حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید: (اگر چنانچه مردمی خدای یگانه و بی شریک را پرستش کنند و نماز را بپا دارند و زکات را بدهند و حج خانه خدا را بجای آورند و ماه رمضان را روزه دارند سپس به چیزی که خدا امر کرده و یا پیامبر ساخته اعتراض کنند و بگویند: که چرا برخلاف آن نساخته؟ یا در دل خود چنین اعتراضی کنند به همین اعتراض مشرک شوند، سپس این آیه را تلاوت فرمود: به پروردگار تو سوگند ایمان نیاورند.... سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود: بر شما است که تسلیم باشید. (1).

قرآن کریم نیز در آیات بسیاری به این حقیقت تأکید کرده است، خداوند متعال می فرماید: {هیچ مرد و زن مؤمنی را در کاری که خدا و رسول حکم کنند اراده و اختیاری نیست} (2)، همچنین می فرماید: {این است راه راست من، از آن پیروی کنید و از راههای دیگر که موجب تفرقه شما از راه اوست متابعت نکنید. این است سفارش خدا به شما، شاید

ص: 149

1- 266 - اصول کافی: 1/321، ح 2.

2- - وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ (الأحزاب: 36).

پرهیزکار شوید {1}، و در آیه دیگری می فرماید: {همانا دین پسندیده نزد خدا آیین اسلام است} {2}، و {هر که جز اسلام دینی دیگر جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است} {3}.

روایات شریفه نیز مملو از این معانی هستند، و احکامی که امروزه به آنها احوال شخصی گفته می شود مورد تأکید ویژه ائمه (علیه السلام) قرار گرفته اند، و اجازه نمی دادند که کسی به احکام وضعی عمل کند ولی احکام شرعی را ترک کند، چرا که این احکام مسائل مهمی را در زندگی انسان تنظیم می کنند مانند ازدواج، طلاق و ارث که هر گونه خلل در آنها باعث وقوع انسان در محرمات فراوانی در فرزندان و اموال خود می شود، و نمی توان آنها را به دلیل تقیه و مانند آن کنار گذاشت زیرا قضایایی شخصی هستند و با سیاستهای حکومت در تعارض نیستند، بلکه باید تلاش کنند تا با وسایل در دسترس مردم را نسبت به آنها اقناع کنند {4}.

ای عزیزانی که برای یاری حضرت زهرا (علیها السلام) در کنار هم جمع شده اید:

حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) هنگامی که به دستور خدا در برابر انحراف و ظلم ایستاد و از حق خود در فدک دفاع کرد و با آیات ارث به آنها احتجاج کرد، می خواست با این حکمی که متعلق به احوال شخصی است به مسأله بزرگتر و مهمتری برسد که آن اقامه شریعت الهی در زمین و تبعیت از امام بر حق و رهبری ایشان بود که مصداق آن حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود، و مردم همین را از ایشان فهمیده بودند؛ به همین جهت سعی کردند از همان ابتدا راه را بر ایشان ببندند (ابن ابی الحدید

ص: 150

1- -- وَأَنَّ هَذِهِ صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ (انعام: 153).

2- -- إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (آل عمران: 19).

3- -- وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران: 85).

4- 271 - اهمیت این مسأله به درجه ای است که امام سعی در برپایی آنها داشت هر چند که این امر نیاز به اعمال قدرت پیدا کند، در اصول کافی روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل است که می فرماید: (مردم به مقررات ارث و طلاق گردن نمی نهند جز با تهدید به شمشیر)، همانند این روایت نیز از امام باقر (علیه السلام) نقل است. در روایت دیگری آمده که: (از حضرت اباعبدالله الصادق (علیه السلام) پرسیده شد: آیا زنان از زمین ارث می برند؟ حضرت فرمود: نه، ولی قیمت آن را به ارث می برند، به حضرت عرض شد: مردم این را نمی پذیرند؟ حضرت فرمود: اگر سلطه در دست ما بود و مردم به این حکم راضی نمی شدند آنها را به زور وادار به پذیرش می کردیم) (اصول کافی: ج 7، کتاب مواریث، فصل 44).

معتزلی در رابطه با فدک می گوید: از علی ابن فارقی مدرس و استاد مدرسه غریبه در شهر بغداد پرسیدم: آیا فاطمه در ادعای خویش در ماجرای فدک صادق بود؟ علی ابن فارقی پاسخ داد: آری گفتم: پس چگونه است که ابوبکر فدک را پس نداد در حالی که می دانست او راستگو می باشد؟ استاد لبخندی زد و گفت: اگر آن روز ابوبکر به محض ادعای فاطمه (علیها السلام) فدک را مسترد می ساخت و به راستگویی وی اعتراف می کرد، روزی می آمد که حضرت خلافت همسرش را مطرح می کرد و ابوبکر را از مقامش دور می کرد و ابوبکر نیز در عدم قبول گفتار او عذر و بهانه ای نداشت، زیرا خودش از قبل به صداقت آن بانو اعتراف کرده و بدون گواه و بینه، ادعای وی را پذیرفته بود. و این سخن مطلبی صحیح و درست است. (1).

این همان چیزی است که دشمنان در طول تاریخ از زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) دعوت خود را آغاز کرد، سعی می کنند در برابر هر حرکتی که باعث بیداری مردم می شود و نقش دین را در زندگی امت فعال می کند، بایستند و تلاش می کنند تا مردم در غل و زنجیرهای خود بمانند و با تحریف و القای شبهات مختلف سعی در جلوگیری از پیشرفت حرکت اسلامی دارند، تا پرده ها روی چشمان مردم باقی بماند و اسلام را منزوی کنند، مانند آن چیزی که در رابطه با قانون پیشنهاد شده از سوی آقای جعفری اتفاق افتاد، این مسأله بیان کننده علت اجماع همه نیروها در داخل و خارج در مخالفت با این قانون است که هنوز صرفاً به صورت پیشنهادی باقی مانده و مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است؛ زیرا از آثار پر برکت آن بر امت هراس دارند.

حضرت زهرا (علیها السلام) کاملاً قاطعانه و با صراحت مردم را نصیحت می کرد و به آنها در مورد عواقب مخالفت با حکم خدا و بازگشت به دوران جاهلیت هشدار می داد، حضرت (علیها السلام) در خطبه خود می فرماید: (شما الان می گوئید که ما از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ارث نمی بریم، آیا شما حکم زمان جاهلیت را برگزیده اید؟ برای قومی که یقین دارند چه داوری بهتر

ص: 151

از خداوند است؟ ، آیا شما نمی دانید؟ آری برای شما همچون خورشید تابان ، روشن است که من دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستم. (1).

و این آیه مبارکه را به آنها یادآوری می کند : { آیا باز تقاضای تجدید حکم زمان جاهلیت را دارند؟ و کدام حکم از احکام خدا برای اهل یقین نیکوتر خواهد بود؟! } (2)، حضرت امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه می فرماید: (حکم کردن دو نوع است: حکم خداوند و حکم جاهلیت، و خداوند عزوجل می فرماید: وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ، و گواه باشید که زید بن ثابت در واجبات ، به حکم جاهلیت قضاوت کرده است. (3)، این سخن شامل غیر زید یعنی هر کس که با حکم خداوند مخالفت کند نیز می شود .

ای عزیزان :

اجرای احکام شرعی و تنظیم امور زندگی یک قضیه بسیار مهم است که نمی توان آن را مورد معامله قرار داد و در اجرای آن تبعیض قائل شد و صرفاً با توجه اینکه وقت آن مناسب نیست و یا هر عذر دیگر نمی توان اجرای آنها را به تاخیر انداخت ، در اجرای احکام الهی نباید تردیدی وجود داشته باشد ، یا حکم خدا جاری می شود و یا اینکه حکم جاهلیت اجرا می شود ، از حضرت امام صادق (علیه السلام) روایت است که می فرماید : (حکم دو گونه است : حکم خدا و حکم جاهلیت ، پس کسی که در حکم خدا اشتباه کند و منحرف شود به حکم جاهلیت حکم کرده است) (4).

فهم نسبت به این قضیه و سعی در ادای مسئولیت خود در دفاع از اسلام و اقناع مردم نسبت به قدرت آن در رهبری و تنظیم شؤون زندگی - همانطور که شهید محمد باقر صدر (ره) از آن تعبیر می کند و یکی از کتابهای خود را با این عنوان نوشته است - علت اصلی تقسیم شدن مرجعیت دینی و حوزه علمیه به دو خط و دو رهبری متباین در روش و عمل بوده است ، خط اولی عالم فعال و عامل است که به نوشتن کلمات روی کاغذ اکتفا نمی کند بلکه حرکت می کند و شب و روز تلاش می کند

ص: 152

1- 273 - احتجاج طبرسی: 1/131.

2- - أَفْحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (مائده: 50).

3- 275 - اصول کافی: 7/407.

4- 276 - تهذیب: 6/218، ح 5، فصل: من إليه الحكم وأقسام القضاة والمفتين.

تا هویت اسلام و عزت مسلمانان و کرامت و آزادی آنها را باز گرداند و با ارائه نظریات، تشریحات و نظام های فکری و معرفتی سعی می کند مسلمانان را به هویت اصلی خود که از آنها دزدیده شده راهنمایی کند، و برای همه اثبات کند که دین اسلام امروز بهترین نظام برای بشریت است آنچنان که دیروز اینگونه بوده است، در همین راستا شهید محمد باقر صدر (ره) کتابهای: اقتصاد ما، فلسفه ما، پایه های منطقی استقرا، بانک غیر ربوی و دیگر کتابها را تألیف کرد، که باعث مبهوت ماندن دشمنان و دوستان خود شد؛ به همین جهت نباید تعجب کنیم که دولت روسیه به عنوان الگوی سیاسی و اقتصادی در جهان از تندیس شهید محمد باقر صدر (1) رونمایی کند، و ایشان به عنوان اولین دانشمند مسلمان عرب لقب گیرد که اینگونه مورد تقدیر قرار گرفته است و آن هم در قلب پایتخت شوروی سابق و در مهمترین پایگاه علمی مسکو، به دلیل دستاوردهای انسانی بزرگی که به جهان عرضه کرده است، و ایندر حالی است که در حوزه نجف هیچ خبری از آثار و بزرگداشت ایشان - ما اکنون در سی و چهارمین سالگرد شهادت ایشان قرار داریم - نمی بینیم در حالی که ایشان مایه فخر و عظمت و چهره درخشان این حوزه هستند (2).

یکی از مهمترین اشکال یاری حضرت زهرا (علیها السلام) و ائمه معصومین (علیه السلام) این است که در زیارت ایشان صادقانه سخن بگوییم: (هنگامی که می گوئیم: ای خاندان عصمت، من برای یاری و نصرت شما آماده ام) این یعنی تلاش مستمر برای هدایت مردم و راهنمایی آنها، و فشار مستمر در جهت وضع قوانینی که زندگی مردم را بر پایه شریعت اسلامی تنظیم می کنند، خصوصا در احوال شخصی مانند ازدواج، طلاق، ارث، وصیت و اوقاف؛ چرا که اینها با حقوق دیگران در تعارض نیستند و آزادی شخصی را محدود نمی کنند و کسی را مجبور نمی کنند تا کاری

ص: 153

1- 277 - این مجسمه در دانشگاه دولتی روابط بین الملل مسکو قرار داده شده است که زیر نظر وزارت خارجه روسیه فعالیت می کند، و در روز جمعه 2014/2/28 طی یک گردهمایی که در آن چهره های فرهنگی، دانشگاهی و سیاسی و برخی مهمانان خارجی حضور داشتند از آن رونمایی شد.

2- 278 - چند روز پس از این انتقاد جناب آقای سید جعفر فرزند شهید محمد باقر صدر (قدس سره) مجلس ترحیمی را برپا کردند نه یک مجلس سیاسی که در سالهای گذشته سیاسیون عادت داشتند که مراسمات اینگونه برگزار کنند، این مجلس روز چهارشنبه 2014/4/9 در مسجد طوسی در نجف اشرف برگزار شد که در آن حضرت آیت الله یعقوبی و دیگر مراجع دینی و نماینده های آنها حضور پیدا کردند.

را بر خلاف میلش انجام دهد .

خداوند متعال به شدت ما را از عمل به قوانین وضعی که با احکام دینی متنافی هستند بر حذر می دارد : { هر کس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کسی از کافران خواهد بود * هر کس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کسی از ستمکاران خواهد بود * هر کس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از فاسقان خواهد بود } (1).

خداوند متعال به پیامبر خود تأکید می کند که به هیچ عنوان تحت تأثیر تهدیدها ، تطمیع ها و تبلیغات دروغین و از این قبیل فشارها برای عدم اجرای قوانین الهی قرار نگیرد ، خداوند متعال می فرماید: { و تو ای پیغمبر به آنچه خدا فرستاده میان آنان حکم کن و پیرو خواهش های ایشان مباش ، و بیندیش که مبدا تو را فریب دهند و در بعض احکام که خدا به تو فرستاده تقاضای تغییر کنند. پس اگر از حکم خدا روی گردانیدند باکمدار و بدان که خدا می خواهد آنها را به عقوبت بعض گناهانشان گرفتار سازد، و همانا بسیاری از مردم فاسق و بدکارند } (2)، سپس بیان می کند که بهترین احکام و اصلح ترین آنها برای بشریت و بیشترین احکامی که با طبیعت انسان و نظام فردی و اجتماعی حاکم بر جهان تناسب دارد ، احکام الهی هستند ، خداوند متعال می فرماید: { آیا باز تقاضای تجدید حکم زمان جاهلیت را دارند؟ و کدام حکم از احکام خدا برای اهل یقین نیکوتر خواهد بود؟! } (3).

پس باید به وضعیت خود توجه کنیم و ببینیم که آیا نظامهای آموزشی با تعالیم اسلامی مطابقت دارند ؟ آیا آداب و رسومی که در عشایر جاری است از شریعت اسلامی گرفته شده است ؟ و آیا و آیا ... که بیان آن بسیار طولانی می شود .

زنان مؤمن عراقی با تاسی از حضرت زهرا (علیها السلام) و حضرت زینب (علیها السلام) یک موضع تاریخی را در یاری دین خدا از خود بر جای گذاشتند ،

ص: 154

1- - [وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ] [وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ] [وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ] (مانده: 44، 45، 47).

2- - وَأَنَّ احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ (مانده: 49).

3- - أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (مانده: 50).

هنگامی که با تجمع های دهها هزار نفری خود در شهرهای مختلف عراق درخواست تصحیح مواد قانون احوال شخصی را مطابق با احکام شرعی داشتند ، و سیلی محکمی را بر کسانی که می خواهند جامعه مسلمان و مؤمن عراقی بر اساس قوانین جاهلیت عمل کند ، زدند .

این زنان باعث شدند که زن اعتماد به نفس و قدرت خود را در ایجاد تغییر و اصلاح امور باز یابد ، قدرتی که در طول نسلهای متمادی به دلیل عوامل مختلف از او گرفته شده بود ، هر چند که خود زن نیز به دلیل سکوت و تسلیم شدن در برابر فرهنگ ها و آداب و رسوم که هیچ ارتباطی با اسلام ندارند ، به این مسأله کمک کرده بود ، در واقع زن فراموش کرده بود که مهمترین ثمره و نتیجه حرکت فاطمی و زینبی باز یابی اعتماد به نفس و قدرت خویش در گرفتن حقوق و بیدار ساختن امت است ، این زنان ثمره مبارک قیام فاطمی و زینبی را برای مردم یادآوری کردند . در آستانه انتخابات پارلمانی قرار داریم ، و نیمی از کاندیداها را تقریباً زنان تشکیل می دهند ، که این عدد می تواند مانع بزرگی در برابر منافع سیاستمداران و تاجران جنگ و جریانهای فاسد داخلی و خارجی باشد .

یکی از برکات این بیداری و حرکت فکری و اجتماعی و باز یابی قدرتهای نهفته انسانی در شریعت اسلامی ، توجه مسلمانان به مطالبه حق خود در وضع قوانین مرتبط با خود است ، که نتیجه آن چند روز پیش در بریتانیا ظاهر شد ، که در آن برای اولین بار در دادگاههای این کشور برای حل مسائل مربوط به مسلمانان از قوانین شریعت اسلامی در موضوع ارث و وصیت استفاده شد ؛ دولت بریتانیا (1)

با اعطای این حق به مسلمانان باعث شد مسلمانان احساس کنند که حکومت برای آنها ارزش قائل است و در حاشیه قرار ندارند ، در واقع خداوند متعال در زمانی مقدمات وضع این قانون را مهیا ساخت که اختلافات در رابطه با قانون جعفری افزایش یافته بود ، این مسأله دلیل محکمی در برابر غرب پرستان و دیگر کسانی بود که با وضع قانون جعفری مخالف بودند .

ص: 155

1- 282 - وزارت خارجه بریتانیا این قانون را به زبان عربی در تاریخ 2014/3/22 اعلام کرد ، که برخی از شخصیتها آن را شگفت آور توصیف کردند که می تواند مسلمانان را وارد جامعه بریطانی کند .

آیا عجیب نیست که اسلام در دیگر کشورهای غیر اسلامی اینگونه مورد احترام واقع می شود در حالی که مسلمانان در کشورهای خود آن را کوچک می شمارند و احساس ضعف می کنند و از بیان هویت اسلامی خود شرم دارند!.

ای عزیزان - خصوصاً شما جوانان، فرهیختگان و دانشجویان - از اینکه به دین اسلام گرایش دارید سر خود را بالا بگیرید و به خود افتخار کنید که یک مسلمان هستید، و به ارزش این سخن امیرالمؤمنین (علیه السلام) توجه کنید که می فرماید: (خدایا مرا این عزت بس است که بنده تو باشم و برایم این افتخار کافی است که تو پروردگار من باشی، تو آنچنانی که دوست دارم، مرا هم چنان کن که دوست داری)، در حالی که عده ای از هواهای نفسانی، شهوات، بت های ساختگی و موروثات خود به جای خداوند متعال تبعیت می کنند.

ای برادران و خواهرانی که حول ولایت اهل بیت (علیهم السلام) در کنار هم جمع شده اید:

بدانید که شما با یاری حضرت زهرا (علیها السلام) و قانون جعفری توانستید بخشی از بلا و گمراهی را که اگر امت دین الهی را کنار می گذاشت به آن مبتلا می شد را از سر آن رفع کنید، خداوند متعال می فرماید: {و خدا بر آن نیست که هیچ قومی و هیچ اهل دیاری را در صورتی که آنها مصلح و نیکوکار باشند به ظلم هلاک کند} (1)، خداوند متعال همچنین می فرماید: {و اگر خدا برخی مردم را در مقابل بعضی دیگر بر نمی انگیزد فساد روی زمین را فرا می گرفت، و لیکن خدا، خداوند فضل و کرم بر همه اهل عالم است} (2)، همچنین می فرماید:

{پس چرا هیچ شهری نبوده است که اهلش ایمان بیاورند تا ایمانشان به آنان سود دهد؟ مگر قوم یونس که وقتی ایمان آوردند، عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان برطرف نکردیم و آنان را تا پایان عمرشان [از الطاف و نعمت های خود برخوردار نمودیم} (3).

ص: 156

1- - وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ (هود: 117).

2- - وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَـٰكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (بقره: 251).

3- - فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ أَمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ غَظَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ

(یونس: 98).

از خداوند متعال مسئلت دارم که توفیق روز افزون را نصیب شما گرداند و به برکت احیای این شعائر مقدسه تلاشهای شما را مثمر ثمر قرار دهد ، و من الله التوفیق.

ص: 157

حضرت زهرا (علیها السلام) و میراث مستضعفان

حضرت زهرا (علیها السلام) و میراث مستضعفان(1)

خداوند متعال می فرماید: { اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم ، و آنها را پیشوایان و وارثین زمین قرار دهیم } (2).

هنگامی که پشت کنندگان به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) عزم خود را در کنار گذاشتن کتاب خدا و مخالفت با وصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در خلافت پس از او جمع کردند و تصمیم گرفتند تا امیرالمؤمنین (علیه السلام) را از مقام خود کنار بزنند ، و در ماجرای روز پنج شنبه هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) قصد داشت بر وصیت خود تأکید کند و چیزی برای آنها بنویسد تا گمراه نشوند ، با سخنی بسیار تند با پیامبر (صلی الله علیه و آله) صحبت کردند ، که در آن اعلام جنگ با خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

او بود ، یکی از آنها خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفت : (این مرد هذیان می گوید) ، در این هنگام پیامبر (صلی الله علیه و آله) اهل بیت (علیهم السلام) خود را جمع کرد و در حالی که با چشمانی گریان به آنها نگاه می کرد به ایشان فرمود : (شما پس از من مستضعف خواهید بود) . (3)

آنچه از ظاهر حدیث و قرائن موجود بدست می آید ، این است که روایت از وضعیتی غم انگیز و دردناک خبر می دهد که در آن اهل بیت (علیهم السلام) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با انواع آزار و اذیتها مواجه خواهند شد و ظالمان برای رسیدن به هدف خود هر کاری را که نیاز باشد با آنها خواهند کرد ، در روایت اشاره به این است که آنچه این قوم با اهل بیت (علیهم السلام) انجام دادند همانند آن چیزی است که فرعون با بنی اسرائیل انجام داد ، خداوند متعال می فرماید : { فرعون برترجوبی در زمین کرد و اهل آنرا به گروههای مختلفی تقسیم نمود ، گروهی را به ضعف و ناتوانی می کشاند ، پسران آنها را سر می برید و زنان آنها را زنده نگه می داشت ، او مسلما از

ص: 158

1- 286 - سخنرانی سالیانه حضرت آیت الله العظمی یعقوبی (دامت برکاته) در جمع عزاداران حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در تاریخ سوم جمادی الثانی 1436 مصادف با 2015/3/24 .

2- - وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَوْا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُؤْتِكُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ (قصص: 5-6).

3- 288 - بیان تفصیلی حادثه در کتاب بحار الانوار : 22/469 ، و کتاب إعلام الوری بأعلام الهدی: 140-143 ، و کتاب الإرشاد: 96-100 آمده است ، و همچنین این روایت را شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا نقل می کند : 2/72 باب 31 ح 303.

مفسدان بود {1}، این قوم ستمکار نیز اینگونه با اهل بیت (علیهم السلام) رفتار کردند، یکی از شعارهایی که در روز عاشورا می گفتند این بود: (هیچ اثری از این خاندان برجای نگذارید).

در تفسیر قمی به نقل از امام صادق (علیه السلام) روایت است که حضرت می فرماید: (هنگامی که منهل بن عمر با علی بن حسین (علیه السلام) برخورد کرد از ایشان پرسید؟ ای پسر رسول خدا حال شما چطور است؟ امام سجاد (علیه السلام) فرمود: وای بر تو، آیا وقت آن نرسیده که بدانی حال ما چگونه است؟ در این امت، ما همانند بنی اسرائیل گرفتار فرعونیانیم، مردان ما را کشته و زنان ما را ننگه داشته اند {2}.

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز هنگامی که او را مجبور به بیعت با ابوبکر کردند، فرمود: (اگر من بیعت نکنم، چه می شود؟ ابوبکر گفت: قسم به خدایی که شریک ندارد، گردنت را می زنیم! حضرت (علیه السلام) فرمود: در این هنگام بنده ی خدا و برادر پیامبر (صلی الله علیه و آله) را کشته اید، سپس حضرت (علیه السلام) به سمت قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روی کرد و خطاب به ایشان سخن حضرت هارون در قرآن کریم را تکرار کرد: {این قوم مرا در فشار گذاردند و نزدیک بود مرا به قتل برسانند} {3}.

از آنجا که آیات قرآنی محدود به زمانی خاص نیستند و سنت هایی را بیان می کنند که در صورت فراهم شدن شرایط و عوامل ایجاد آنها در هر زمانی اتفاق خواهند افتاد، به همین جهت آیه ای که پس از آن آمده: {اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم، و آنها را پیشوایان و وارثین زمین قرار دهیم، و حکومتشان را پا بر جا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنها آنچه را بیم داشتند از این گروه نشان دهیم} {4}، معنای دیگری به حدیث می دهد که سرشار از امیدواری و

ص: 159

1- - إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ لِأَهْلِهِ أَسْرِيًا يَسْتَضِعُّ مِنْهُمُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَذِخُّ أْبَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (قصص: 4).

2- 290 - تفسیر قمی: 2/110.

3- - إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي (اعراف: 150).

4- - وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ (قصص: 5-6).

وعدۀ پیروزی است، و در آن وعدۀ داده شده که وارثان زمین خواهند شد و اینکه حق به اهل خود باز خواهد گشت؛ چرا که ارادۀ الهی به آن متعلق شده است، و (نرید: می خواهیم) وعدۀ ای الهی است که به هیچ عنوان تغییر پذیر نیست {این چیزی است که خدا وعدۀ کرده، و وعدۀ الهی هرگز تخلف نمی پذیرد} (1)، انتخاب وصف مستضعفین در روایت توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) اشاره به تطابق این آیه بر اهل بیت (علیهم السلام) دارد، و شاید مقصود اصلی در آن بیش از حضرت موسی و هارون، اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) باشند، زیرا اگر مقصود آیه تنها حضرت موسی (علیه السلام) و یا ایشان به همراه برادرش هارون باشد باید از ضمیر مفرد (منه) و یا مثنی (منهما)

استفاده می شد در حالی که از ضمیر جمع (منهم) استفاده شده است، در واقع آنچه از ظاهر روایت بدست می آید حصر این وصف به اهل بیت (علیهم السلام) است و مقصود حقیقی آیه مبارکه ایشان هستند.

این یک سنت الهی ثابت در رابطه با بندگان مستضعف خویش و دشمنان مستکبر است، خداوند متعال می فرماید: {و آن قوم را که مستضعف بودند، وارث مشرق ها و مغرب های سرزمینی ساختیم که به آن برکتبخشیده بودیم، و به خاطر صبری که کرده بودند وعدۀ نیکوی پروردگارت در حق بنی اسرائیل تحقق یافت و آنچه فرعون و قومش ساخته و برآورده بودند، نابود کردیم} (2).

ائمه معصومین (علیه السلام) در روایات متعددی به این مسأله تأکید کرده اند تا به شیعیان خود اطمینان خاطر بدهند و انگیزه لازم برای تلاش مستمر در آنها ایجاد شود و در مقابل ظلم و دشمنان خود تسلیم نشوند، در کتاب معانی الاخبار شیخ صدوق به نقل از مفضل آمده است که می گوید: از حضرت امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به حضرت علی و حسن و حسین نگاهی افکنده و گریست، و فرمود: شما بعد از من مستضعف خواهید بود، عرض کردم: معنای سخن شما چیست؟ حضرت (علیه السلام) فرمود: معنای آن این است که شما پیشوایان پس از من هستید، سپس

ص: 160

1- - وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ (روم: 6).

2- - وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَعَارِبِهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (اعراف: 137).

حضرت (علیه السلام) این آیه را تلاوت فرمود { اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم ، و آنها را پیشوایان و وارثین زمین قرار دهیم } و در مورد آن فرمود : این آیه تا روز قیامت در مورد ما اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) صدق پیدا می کند. (1).

همچنین در کتاب مجمع البیان به نقل از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده که می فرماید : { سوگند به آنکه دانه را شکافت و جان را آفرید دنیا پس از اینکه از ما روی گردانید به ما روی خواهد کرد همانند شتر ماده ای که از فرزندش دفاع می کند } حضرت (علیه السلام) سپس آیه (وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...) را تلاوت فرمود.

در کتاب غیبت شیخ طوسی نیز در تفسیر آیه مبارکه به نقل از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده که می فرماید : (اینان اهل بیت محمد (صلی الله علیه و آله) هستند که خداوند متعال مهدیشان را مبعوث می گرداند و آنها را عزیز و دشمنانشان را ذلیل می کند) (2).

این آیه پس از ائمه بر شیعیان ایشان نیز صدق می کند ، از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت است که می فرماید : (هر که مایل است وضع ما و این قوم را بداند ، ما و شیعیانمان در آن روز که خدا آسمان را آفرید شبیه موسی و پیروان او هستیم و دشمنانمان شبیه فرعون و پیروانش هستند و این آیات درباره ما نازل شده اند) (3).

حضرت زین العابدین (علیه السلام) می فرماید : (قسم به خدایی که محمد (صلی الله علیه و آله) را به حق بشارت دهنده و ترساننده قرار داده ؛ همانا پاکان از ما اهل بیت هستند و پیروان آنها مانند حضرت موسی و پیروان او هستند و دشمنان ما و پیروانشان همانند فرعون و پیروان او هستند) (4).

بر همین اساس ممکن است دشمن در برهه ای از زمان هر چند طولانی به دلیل در دست داشتن قدرت ، اولیاء خدا را مورد ظلم قرار دهد و آنها را مستضعف کند ، لکن نصرت و پیروزی در نهایت برای اهل حق خواهد بود کسانی که مظلوم واقع شدند و دشمنان آنها همانند کف روی آب زائل

ص: 161

1- 295 - معاني الأخبار: 79 باب 31 ح 1.

2- 296 - نور الثقلین: 4/110.

3- 297 - بحار الانوار: 24/170 ح 8.

4- 298 - مجمع البیان: 4/375.

خواهند شد .

علت اینکه به ایشان مستضعف گفته می شود این است که دشمن پس از سلب همه ابزار قدرت ظاهری از آنها مانند سلطه ، مال ، نفوذ و محاصره همه جانبه آنها تصور می کند که آنها ضعیف هستند ، در حالی که آنها ضعیف نیستند و ممکن است ابزار اعمال قدرت نیز در اختیار آنها باشد ، ولی خود را موظف به رعایت یک سری اصول اخلاقی می داند و از نافرمانی خداوند متعال هراس دارند و مصالح عالیه دین و جامعه را بر مصالح شخصی خود مقدم می سازند ، که این امر مانع بهره گیری آنها از نیرنگ و فریب در رسیدن به اهدافشان می شود ، امیرالمؤمنین (علیه السلام) در توصیف پیامبران می فرماید: (اما خداوند سبحان ، فرستادگان خود را صاحبان اراده ای نیرومند قرار داد ، که به ظاهر ضعیف و فقیرند ؛ قناعتی عطایشان فرمود که دلها و دیدگان را از بی نیازی پر می سازد و فقریکه چشمها و گوشها را لبریز از آزار و ناراحتی می کند).⁽¹⁾

همچنین ایشان در مدح یکی از اصحاب خود می فرماید: (در گذشته برادری دینی و الهی داشتم که (به دلیل تواضع بر حسب ظاهر) انسانضعیفی بود و مردم نیز او را ضعیف می شمردند ؛ ولی هر گاه کار مهم و جدی به میان می آمد همچون شیر بیشه می خورشید و مانند مار بیابانی به حرکت در می آمد).⁽²⁾

ای عزیزانی که سوگوار شهادت دخت گرامی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) هستید :

حضرت زهرا (علیها السلام) با مواضع تاریخی خود قصد داشت امت اسلامی را در مسیری

هدایت کند که به این لطف الهی نائل شوند ، و با تبعیت از امیرالمؤمنین و امامان پس از او خداوند متعال آنها را وارثان زمین قرار دهد و از آنها رهبرانی برای هدایت مردم انتخاب کند، در برخی از سخنان حضرت زهرا (علیها السلام) آمده که می فرماید : (به خدا سوگند اگر حق را بر اهلش واگذارده بودند و از عترت پیغمبرشان پیروی کرده بودند در باره خداوند

ص: 162

1- 299 - نهج البلاغه، خطبه: 192.

2- 300 - نهج البلاغه، حکمت 289.

دو نفر (با هم) اختلاف نمی کردند و گذشتگان و آیندگان (امامت) را از هم ارث می بردند تا قائم ما که نهمین فرزند حسین است قیام کند، و لکن آن کس که خدایش به عقب انداخته مقدم داشتند و آن کس که خدایش مقدم داشته به عقب انداختند تا آن گاه که فرستاده حق را در لحد نهاده و به خاک سپردند، و خواسته دل خود را برگزیده و به رأی خود عمل نمودند، بدایه حالشان آیا این سخن خدا را نشنیده اند {پروردگارا تو هر چه را بخواهد می آفریند و برمی گزیند و آنان اختیاری ندارند منزله است خدا و از آنچه با او شریک می گرداند برتر است} (1) آری شنیدند و آنان همانگونه هستند که خداوند متعال توصیفشان می فرماید: {در حقیقت چشمها کور نیستند لیکن دلهایی که در سینه ها است کور است} (2)

افسوس [که سران سقیفه] آرزوها و هوس های خود را در دنیا تحقق بخشیدند و از آینده خود غافل ماندند، خدا نابودشان گرداند و آنان را در کارهایشان گمراه کند؛ ای پروردگار من به تو پناه می برم از کمی یاران پس از پیروزی و فراوانی آنان (3). حضرت زهرا (علیها السلام) به امت نشان می دهد که برای رسیدن به مقامات عالیه و قدرت یافتن در زمین و دیگر برکات باید پیرو رهبری بر حق ایشان باشند و از آنها تبعیت کنند، و تعصبات، انفعالات، خودپرستی و پیروی از هواهای نفسانی را کنار بگذارند، زیرا با این کار می توانند همه نقشه های مستکبرین در مستضعف ساختن مردم را از بین ببرند، که معمولاً از طریق تفرقه میان مردم، گروه گروه ساختن آنها و ایجاد درگیری میان آنها صورت می گیرد، خداوند متعال می فرماید: {فرعون در زمین برتریجویی کرد و اهل آنرا به گروههای مختلفی تقسیم نمود} (4) یعنی آنها به گروه های مختلف تقسیم کرد تا قدرت خود را از دست بدهند و سیطره بر آنها آسان شود؛ چرا که آنها دین الهی در زندگی خود جاری نساختند و در تطبیق آن کوتاهی کردند و فریضه امر به معروف و نهی از منکر را کنار گذاشتند {از میان کسانی که دین خود را پراکنده ساختند

ص: 163

-
- 1- -- وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (قصص: 68).
 - 2- -- فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارَ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (حج: 46).
 - 3- 303 - دائرة المعارف المصطفی و عترت شاکری: 4/363، و عوالم المعارف: 11/228.
 - 4- -- إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا (قصص: 4).

و به دسته ها و گروهها تقسیم شدند {1}، {به صورت دسته های پراکنده شما را با هم پیامیزد، و طعم جنگ را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشانند} {2}.

حضرت زهرا (علیها السلام) همچنین به ما نشان می دهد که حرکت امت به سمت حاکمیت بر زمین و قدرت یافتن در آن نیاز به وجود رهبری جامع الشرایط در رأس امور است، ایشان در سخنانی که خطاب به زنان انصار و مهاجر بیان کردند اهمیت تبعیت از امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به آنها تذکر می دهند: (علی آنان را به آبخوری صاف و مملو و وسیع هدایت می کرد که آب از اطرافش سرازیر می شد و هرگز رنگ کدورت به خود نمی گرفت. او آنان را از این آبخور سیراب می کرد، علی خیر و نیکی را در نهان و آشکار برای آنان خوش می داشت {اگر مردمی که در شهرها و آبادیها زندگی دارند ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشائیم ولی آنها حقایق را

تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم} {3}، {ستمکاران از این مردم نیز بهزودی کیفر کردار بدشان را خواهند یافت و هرگز از قهر و قدرت خدا رهایی نمی یابند} {4}.

البته باید توجه کنیم که قدرت یافتن در زمین دارای درجات متفاوتی است و منحصر در بدست آوردن حکومت و حکمرانی بر زمین نیست، بلکه این مهم وسیله است نه هدف، در واقع تمکن یافتن حقیقی در زمین انتشار رسالت الهی میان مردم و قانع شدن آنها به این راه و روش زندگی است، این همان مسأله مهمی است که باید به دنبال آن باشیم؛ زیرا هدف همه ادیان آسمانی اصلاح مردم و هدایت آنها به سمت سعادت است، خداوند متعال می فرماید: {و دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است بر همه ادیان) تمکین و تسلط عطا کند و به همه آنان پس از خوف از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی، بی هیچ شائبه، شرک و ریا

ص: 164

1- -- مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا (روم: 32).

2- -- أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ (أنعام: 65).

3- -- وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَـكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (أعراف: 96).

4- -- وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ (زمر: 51).

پرستش کنند، و بعد از آن هر که کافر شود پس آنان به حقیقت همان فاسقان تبه‌کارند {1}.

در تفسیر عیاشی به نقل از ابی صباح کنانی آمده که می‌گوید: (حضرت امام باقر (علیه السلام) رو به حضرت امام صادق (علیه السلام) کرد و فرمود: این از کسانی که خداوند متعال در مورد آنها فرموده: { اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم، و آنها را پیشوایان و وارثین زمین قرار دهیم }، حضرت امام صادق (علیه السلام) جزء مصادیق این آیه مبارکه هستند ولی حکومت و سلطه ای در اختیار نداشت، اما به لطف الهی با حکمت و درایت خود توانست طرح مبارک خود را جامعه پیاده کند.

باید دقت کنیم که مسأله متمکن ساختن مستضعفان اهل حق همانند دیگر قضایا باید در چهارچوب و شروط خود در نظر گرفته شود و در جایگاه صحیح خود در میان منظومه معارف و قوانین اسلامی و سنن الهی قرار گیرد؛ چرا که از لوازم عدالت و رحمت الهیه است، و صرف مستضعف شدن و مواجه شدن با انواع آزار و اذیتها باعث نمی‌شود که یک شخص جز افرادی باشد که خداوند وعده یاری و نصرت آنها را داده‌است.

در قرآن کریم به گروههایی اشاره شده که با وجود اینکه مستضعف بوده اند ولی به دلیل کوتاهی و پذیرش ذلت و خواری و قانع شدن به ظلم دیگران و همراهی با اهل باطل مورد سرزنش و نکوهش واقع شدند، خداوند متعال می‌فرماید: { آنان که فرشتگان، جانشان را در حالی که ظالم به خود بوده اند می‌گیرند، از آنها پرسند که در چه کار بودید؟ پاسخ دهند که ما در روی زمین مردمی ضعیف و ناتوان بودیم. فرشتگان گویند: آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن هجرت کنید؟! و مأوای ایشان جهنم است و آن بد جایگاه بازگشتی است {2}.

و گروه‌های دیگری نیز ذکر شده اند که به دلیل کوتاهی و عدم تلاش در یافتن راهی برای کسب معرفت به خدا و تفقه در دین و شناخت رهبران

ص: 165

1- - وَلِيْمَكُنَّ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيْبَدَلْنَهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور: 55).

2- - إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (نساء: 97).

حقیقی مورد سرزنش قرار گرفتند ، خداوند متعال می فرماید : { مگر آن گروه از مردان و زنان و کودکان که ناتوان بودند و گریز و چاره ای برایشان میسر نبود و راهی (به نجات خود) نمی یافتند * آنها امیدوار به عفو و بخشش خدا باشند، که خدا گناهشان را می بخشد و خدا بخشنده و آمرزنده است } (1)

اما کسانی که وعده پیروزی و تمکن یافتن بر زمین به آنها داده شده ، دارای ویژگی هایی هستند که آنها را مستحق این وعده الهی نموده است ؛ چراکه ظلم و آزار و اذیت آنها باعث نشد که از اصول ، اخلاق و ارزشهای خود کوتاه بیایند ، و بر اعتقادات و اصول اخلاقی و پیروی از رهبران خود پایبند بودند و سختی هایی که با آن مواجه شدند باعث مقاوم تر شدن آنها شده است .

ویژگی هایی کسانی که وعده قدرت یافتن در زمین به آنها داده شده در آیات متعددی بیان شده است ، خداوند متعال می فرماید : { آنهایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز به پا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت کارها به دست خداست } (2) ، و پس از وعده پیروزی برای آنها می فرماید : { به مسلمانان که مورد قتل و غارت قرار گرفته اند رخصت جنگ با دشمنان داده شد، زیرا آنها از دشمن سخت ستم کشیدند و همانا خدا بر یاری آنها قادر است } (3).

قدرت یافتن آنها در زمین دارای آثار و برکات بسیاری است که نشان دهنده نیت پاک و اخلاص آنها در رسیدن به اهداف خود و استقامت در تبعیت از دستورات الهی و عدم سرگرم شدن آنها به زرق و برق های دنیا هنگام قدرت یافتن است ، این ویژگی ها عبارتند از:

1- (اقامه نماز) این افراد صرفاً به ادای نماز های واجب به عنوان یک تکلیف شخصی اکتفا نمی کنند ، بلکه تمام تلاش خود را

ص: 166

1- - إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُو عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا غَفُورًا (نساء: 98-99).

2- - الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج: 41).

3- - أُوذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (حج: 39).

در دعوت مردم به انجام این فریضه الهی و مواظبت بر آن انجام می دهند، تا اینکه نماز به عنوان یک عامل بازدارنده اجتماعی از فحشا و منکر در زندگی مردم تبدیل شود، و همه متوجه مسئولیت خود در قبال اقامه و مواظبت بر آن باشند، روشنترین مصداق برای این مساله نماز جمعه است که فقط به صورت جماعت و در حضور جمع کثیری از مردم اقامه می شود، و تأثیر شگرفی را بر زندگی مردم می گذارد، که جامعه عراقی هنگامی که نماز جمعه در آن اقامه می شد نتایج آن را به عینه دیده است.

2- (پرداخت زکات) یعنی حقوق شرعیه ای که بر آنها واجب شده است را پرداخت می کنند، و دیگران را نیز به انجام این مهم ترغیب می کنند و در رساندن این اموال به افراد مستحق کمک می کنند، و از همین راه پروژه های اقتصادی زیادی را برای رفاه حال مردم فراهم کردن فرصتهای شغلی برای جوانان، به سرانجام می رسانند. 1- (امر به معروف و نهی از منکر) یعنی انجام هر کار پسندیده از لحاظ شرعی و عقلی که عرف جامعه آن را پذیرفته است، و آن را بین مردم منتشر می کنند و آنها را نسبت به انجام این امور آگاه می سازند، و به آنچه که صلاح دنیا و آخرت مردم در آن است توصیه می کنند، و به مردم احکام دینی و فضائل اهل بیت (علیهم السلام) و سیره و روش زندگی ایشان را یاد می دهند و آنها را به پیروی از رهبری بر حق دعوت می کنند.

این ها همان کسانی هستند که خداوند متعال آنها را یاری می کند و به آنها عزت و تمکن در زمین عطا می کند.

بسیاری از کسانی که خداوند متعال به آنها در زمین قدرت بخشید از مسیر اصلی خود منحرف شدند و نتوانستند این شرایط و ویژگی ها را در خود ایجاد کنند که در نتیجه باعث فساد در زمین شدند، به همین جهت

خداوند متعال به آنها وعده عذاب داده است: { اما اگر روی برگردانید آیا جز این انتظار می رود که در زمین فساد کنید و قطع رحم نمائید؟
* آنها کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دور ساخته ، گوشه‌ایشان را کر و چشمه‌ایشان را کور نموده است } (1).

درست همانند آن چیزی که امروزه شاهد آن هستیم ، به طوری که افراد بسیاری پس از رسیدن به قدرت اهداف و شعارهای خود و ویژگی‌هایی را که به آن اشاره کردیم را فراموش می کنند ، و باعث شده اکنون با وضعیت اسف باری مواجه شویم که بسیاری از مردم از آن رنج می برند ، در واقع این مساله کفران نعمت است .

با این وجود این روزها دوباره درهای گشایش و اصلاح باز شده است ، و حملات وحشیانه خوارج زمان و کسانی که حامی آنها هستند ، بسان غده ای در ظاهر زیان بار ولی در واقع مفیدی بودند که باعث وحدت میان امت و بروز قدرتهای نهفته آن شد و در نتیجه پیروزی های بزرگی حاصل شد که دوست و دشمن را حیرت زده کرد . ای عزیزان :

باید اعتراف کنیم که از شکر خداوند متعال به دلیل توفیق اقامه شعائر فاطمی و تشیع حضرت زهرا (علیها السلام) برای بار دهم عاجز هستیم ، در واقع این توفیق حاصل نمی شد مگر با الطاف کریمانه آن حضرت (علیها السلام) ؛ زیرا به جز افرادی معدودی از پیروان مخلص به کسی اجازه نداد در تشیع پیکر مطهر او شرکت کنند ، و امیدواریم که این نهضت قدمی حقیقی در راستای اقامه حکومت حق و عدل باشد { و بگو حق فرا رسید و باطل مضمحل و نابود شد و همانا که باطل نابود شدنی است } (2).

ص: 168

1- - فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ . أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ (محمد: 22-23).

2- - وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (إسراء: 81).

حضرت زهرا (علیها السلام) و کرامت مطلق انسان

حضرت زهرا (علیها السلام) و کرامت مطلق انسان (1)

خداوند متعال می فرماید: { محققا ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم } (2)

در این آیه مبارکه سه نوع تأکید برای این حقیقت الهی یعنی کرامت بخشیدن به انسان بیان شده است، تأکید اول با آمدن حرف لام و تأکید دوم با حرف قد و تأکید سوم با صیغه تعحیل انجام شده است، این حقیقت یکی از مهمترین اصولی است که قوانین و تشریحات بر اساس آن وضع می شوند، خداوند متعال این تکریم را در آغاز خلقت انسان انجام داد تا به همه خلائق خلیفه خود در زمین را معرفی کند و دستور داد تا ملائکه در برابر او سجده کنند.

ابلیس نسبت به این تکریم الهی برای انسان حسادت ورزید، و خداوند متعال داستان او را اینگونه در قرآن کریم نقل می کند: { گفت این کسی را که بر من ترجیح داده ای اگر تا روز قیامت مرا زنده بگذاری همه فرزندان را جز عده کمی گمراه ویشه کن خواهم ساخت } (3)، شیطان ملعون قصد دارد با منحرف ساختن انسان از مسیر حق، این کرامت الهی را از او بگیرد، در واقع کرامت حقیقی همان شناخت حق است و آن مسیری است که انسان برای رسیدن به قرب الهی باید طی کند.

مراتب کرامت نزد خداوند متعال با توجه به درجه تقوایی که انسان به آن دست پیدا می کند متفاوت است، خداوند متعال می فرماید: { همانا گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست } (4)، انسان با رعایت تقوای الهی به مرتبه ای از کرامت الهی می تواند دست پیدا کند که مقام او از ملائکه نیز بالاتر می رود، در حدیث نبوی (صلی الله علیه و آله) آمده است که می فرماید: (هیچ چیزی نزد خداوند متعال گرامی تر از فرزند آدم نیست) (5)، و در روایتی از حضرت امام باقر (علیه السلام) نقل است که می فرماید:

ص: 169

1-316 - سخنرانی سالانه حضرت آیت الله العظمی یعقوبی (دامت برکاته) در جمع عزاداران حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) در

میدان ثوره العشرین در نجف اشرف در تاریخ سوم جمادی الثانی 1437 مصادف با 2016/3/13.

2- - وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (اسراء: 70).

3- - قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْت عَلَي لِبْنِ أَخْرَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا (اسراء: 62).

4- - إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ (حجرات: 13).

5-320 - میزان الحکمه: 1/333.

(خداوند عزوجل هیچ مخلوقی را گرامی تر از انسان مؤمن خلق نکرده است ؛ زیرا ملائکه خادمان مؤمنین هستند)(1).

روایتی از حضرت امام صادق (علیه السلام) علت این مسأله را بیان می کند ، حضرت به نقل از امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید : (خداوند عزوجل در وجود ملائکه عقل را قرار داد ، بدون آن که شهوت برایشان قرار دهد و در وجود حیوانات شهوت را قرار داد بدون آن که عقل برایشان قرار دهد. ولی در بنی آدم هر دو آنها را درهم آمیخت. پس هر انسانی که عقل او بر شهوتش غلبه کند از ملائکه بهتر خواهد بود. و هر انسانی که شهوت او بر عقل او غلبه نماید از حیوان پست تر خواهد).

این کرامت الهی در تمام ابعاد انسان تجلی یافته است ، به طوری که خداوند در رابطه با بدن انسان می فرماید : { ما انسان را در نیکوترین صورت آفریدیم } (2)، و در روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده که می فرماید : (صورت آدمیان که ارجمندترین صورت نزد خداست)(3).

خداوند متعال به انسان نعمت عقل و ابزار کسب علم و معرفت را ارزانی بخشید تا بتواند زندگی خود را تغییر دهد و آن را پیشرفت دهد در حالی که دیگر مخلوقات دارای زندگی ثابتی هستند و از زمان خلقت تا روز قیامت به یک شکل رفتار می کنند .

آنچه که در زمین است را در اختیار انسان قرار داد ، { تمام آنچه در آسمانها و زمین است را مسخر شما گردانید } (4)، و به او یاد داد که چگونه از نعمتها لذت ببرد و بتواند به اشکال مختلف آنها را ایجاد کند و از آنها استفاده کند .

یکی دیگر از مظاهر کرامت انسانی ، آزادی در اختیار و داشتن اراده مستقل است که در پی آن انسان تکامل و رشد پیدا می کند ، و به همین جهت انبیاء و پیامبران را همراه با شریعت های الهی برای هدایت او فرستاد ، تا بتواند خیر و شر و درست را از نادرست تشخیص دهد ، تا کرامت انسان و حقوق او حفظ شود .

ص: 170

1- 321 - میزان الحکمه: 1/333.

2- - لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (تین: 4).

3- 323 - نور الثقلین: 3/387، ح 308.

4- - وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ (جاثیه: 13).

از جمله مهمترین ادله بر صحت و درستی یک راه و روش برای زندگی انسان - حتی ادیان آسمانی - تلاش آن برای تحقق کرامت انسان و حفظ حقوق اوست ، به طوری که انسان بتواند در آن انسانیت خود را پیدا کند ، به همین جهت راه و روشی که در آن تکفیر ، خشونت ، بردگی انسان و سوء استفاده از ثروتهای مردم است ، بسیار با دین فاصله دارد هر چند که خود را به نام دین معرفی می کند و ادعای دفاع از آن می کند ؛ چرا که ادیان آسمانی برای حفظ انسانیت انسان و کرامت و سعادت او نازل شده اند .

از حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) روایت است که می فرماید : (خداوند متعال می فرماید: تو را خلق نکرده ام تا سودی ببرم ، بلکه تو را خلق کردم تا از من سود ببری ، و مرا به جای هر چیز دیگری برگزیدی ، پس من نیز یاور تو در همه چیز هستم) (1).

قرآن کریم این حقیقت را به این جهت بیان کرده است:

1- تأسیس یک قاعده بنیادین که همه قوانین و تشریحات و نظام ها حتی خود دین نیز باید بر اساس آن بنا شوند ، و آن کرامت انسان است که بالاتر از هر چیزی است و هر قانون و یا شریعتی که در تعارض با این اصل باشد و یا در تنافی با حقوق انسان باشد باید لغو و یا تعطیل شود .

2- جلب توجه انسان به جایگاه رفیع خود نزد خداوند متعال و نعمتهایی که به او عطا کرده است ، تا انسان ارزش خود را بداند و از آن در برابر آلودگی ها محافظت کند و با بهای ناچیزی آن را نفروشد ، در حدیث شریف آمده : (هر کس برای خودش ارزش قائل باشد ، شهوتش نزد او بی ارزش می شود) (2).

توجه انسان به این حقیقت اعتماد به نفس او را افزایش می دهد و به ثبات و استقامت او کمک می کند ، که این یکی از ابزارهای مهم در تربیت صحیح است .

ص: 171

1- 325 - میزان الحکمه: 1/334.

2- 326 - نهج البلاغه: ج 4، ح 449.

3- این آیه مبارکه همچنین انسان را به دلیل مخالفت او امر الهی مورد سرزنش قرار می دهد، زیرا خداوند متعال انسان را به بهترین شکل ممکن کرامت بخشیده و نعمتهای فراوانی را به او داده است تا جایی که انسان بر اساس نعمتهایی که به او داده می شود خدای خود را ارزیابی می کند {اما انسان چون پروردگارش او را بیازماید و او را گرامی دارد و به او نعمت بخشد، شادمان گوید پروردگرم مرا گرامی داشت * اما چون او را به بلا- و محنت بیازماید و روزی او را بر او تنگ گیرد، بی صبری و ناسپاسی کند و گوید پروردگرم مرا خوار داشت} (1).

این کرامت برای انسان هدیه ای از طرف خداوند متعال است، که ممکن است انسان حق آن را ادا کند و از آن مراقبت کند و یا اینکه در برابر آن کوتاهی کند و آن را کوچک بشمارد، خداوند متعال می فرماید: [وَمَنْ يَهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ] (الحج:18)، از این رو انسان باید کرامت خود را حفظ کند و به همان اندازه از کرامت دیگران نیز محافظت کند، و حق ندارد که از کرامت خود گذشت 1- کند و یا اینکه خود را ذلیل کند و از حقوق انسانی خود کوتاه بیاید، در روایت شریفی از حضرت امام رضا (علیه السلام) آمده که می فرماید: (خداوند تبارک و تعالی اختیار هر کاری را به مؤمن داده است، مگر اختیار خوار کردن خویشان را) همچنین از ایشان نقل است که می فرماید: (جایز نیست که مؤمن خود را ذلیل کند، به حضرت عرض شد: چگونه خود را ذلیل می کند؟ حضرت (علیه السلام) فرمود: (کاری را به عهده می گیرد که توان انجام آن را ندارد، و در روایتی دیگر آمده که (دست به کاری زند که موجب عذر خواهی شود) (2).

ائمه معصومین (علیه السلام) همواره ما را به حفظ کرامت و عزت خویش سفارش می کنند، و از هر چیزی که باعث کوچک شدن انسان می شود

ص: 172

1- - فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ، وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (فجر:15-16).

2- 328 - میزان الحکمه: 3/364.

هر چند که مطابق بامیل و موافق با شهوات انسان باشند منع می کنند، از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت است که می فرماید: (نفس خود را از آلودگی به فرومایگی گرامی دار، هر چند تو را به آروزیت برساند؛ زیرا آنچه از وجود خویش مایه می گذاری دیگر به دست نخواهد آمد. بنده دیگری مباش، خداوند تو را آزاد آفریده است)(1).

کرامت انسان زمانی محقق می شود که انسان حقوق خود در زندگی مانند آزادی، امنیت، رفاه و دیگر نیازهای یک زندگی شرافتمندانه را بدست بیاورد، ولی این کرامت با وجود دو چیز کامل می شود:

1- دینداری، از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل است که می فرماید: (خداوند شما را با دین خود گرامی داشت و شما را برای پرستش خویش آفرید؛ پس در ادای حق او بکوشید)(2)، همچنین از ایشان نقل است که می فرماید: (هر عزتی که دین آن را تأیید نکند ذلت است).

2- تبعیت از امام بر حق و رهبرانی که با دلیل شرعی از جانب خداوند متعال منصوب شده اند، در آیه بعد از آیه تکریم آمده: {به یاد آر روزی که ما هر گروهی از مردم را با پیشوایشان می خوانیم، پس هر کس نامه عملش را به دست راست دهند آنها نامه خود را قرائت کنند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد} (3) این آیه گواهی بر ارتباط میان کرامت انسان و انسانیت او با تبعیت از امام برحق است (4).

خداوند متعال بندگان خود را اینگونه توصیف می کند: {آنان بندگان

ص: 173

1- 329 - تحف العقول: 77.

2- 330 - میزان الحکمه: 1/334.

3- - یَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ فَمَنْ اُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَاُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلاً (إسراء: 71).

4- 332 - کلینی روایتی را از امام حسین (علیه السلام) نقل می کند: (مردی خدمت امیرمؤمنان (علیه السلام) آمد و عرضه داشت: اگر علم دارید بفرمایید «ناس» و «اشباه ناس» و «نسناس» چه کسانی هستند؟ امیرمؤمنان رو به فرزندشان کرده و فرمودند: حسین جان! جواب مرد را بده. حضرت فرمود: اما ناس، بدان که ما خانواده، ناس هستیم؛ زیرا خداوند در قرآن فرموده است: از همان جایی که مردم کوچ می کنند شما نیز کوچ کنید و این رسول خدا بود که مردم را برای مشعر الحرام کوچ داد. اما اشباه ناس، آنها شیعیان و یاران مانند که از خود ما هستند و از این رو حضرت ابراهیم (علیه السلام) فرمود: هر کس از من پیروی نماید، از من است، و اما نسناس، توده ی بزرگ مردم هستند، و با دست به گروهی اشاره کردند و این آیه را قرائت فرمودند: اینان نیستند، مگر حیوانات، بلکه پایین و پست تر از آنها. (این هم إلا کالأنعام بل هم أضل سبیلاً) اصول کافی: ج 8، ص 244، ح 339.

گرامی و مقرب درگاه الهی هستند که هرگز پیش از امر خدا کاری نخواهند کرد و هر چه کنند به فرمان او کنند {1}، در واقع صفات آنها عبارتند از :

پیراسته شدن از تبعیت شهواتی که باعث ذلت و کوچک شدن آنها می شوند ، بر طاعت الهی استقامت دارند و به همین جهت مستحق رسیدن به مقام والایی شدند { ای کاش قوم من می دانستند که خدا چگونه در حق من مغفرت و رحمت فرمود و مرا مورد لطف و کرم خود قرار داد } {2}.

انسان زمانی کرامت انسانی دیگری را پایمال و حق او را ضایع می کند ، که کرامت شخصی خود را زیر پا بگذارد و از هواهای نفسانی خود تبعیت کند و در برابر نفس اماره تسلیم شود ، حضرت امام هادی (علیه السلام) می فرماید : (کسی که برای خود ارزش قائل نیست از شر او در امان نخواهی بود) و همچنین از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل است که می فرماید : (ذلیل ترین مردم کسی است که دیگران را مورد اهانت قرار دهد).

کرامت انسانها تنها در سایه حکومت دولتی حفظ می شود که بر پایه قوانین انسانی حکمرانی می کند و توسط رهبری دارای کرامت انسانی اداره می شود ، و در نتیجه دولت کریمه که حافظ حقوق همه انسانها و مبتنی بر ارزشهای والایی انسانی است شکل می گیرد ، در واقع دولت انسان از دولت قانون والاتر و برتر است ؛ زیرا ممکن است قانون صلاحیت لازم برای حفظ حقوق انسانها را نداشته باشد ، و مردم از روی کوتاه نظری و نگاه محدود خود در جهت تأمین منافع و مصالح خود آن را وضع می کنند ، به همین جهت یکی از دعاهایی که امام (علیه السلام) به شیعیان خود سفارش می کرد این بود : (اللهم إنا نرغب إليك في دولة کریمه)، دولتی که بر پایه کرامت انسانی تشکیل نشود ، به مسلط شدن اشرار و مفسدان و به بردگی کشیده شدن مردم و به یغما رفتن ثروتهای آنها منتهی می شود و از یک زندگی کریمانه محروم می شوند .

ای مؤمنان و پیروان اهل بیت (علیهم السلام)

ص: 174

1- - بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ، لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ (انبیاء: 26-27).

2- - يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ، بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ (یس: 26-27).

موضع حضرت زهرا (علیها السلام) به معنای واقعی کلمه موضعی متمایز در برهه ای حساس از تاریخ امت می باشد، که خداوند متعال امکان رهبری بشریت را برای آن فراهم کرده بود، { شما بهترین امتی هستید که برای من پدیدار شده اید }^[1]، مرحله ای که باعث جدایی میان خط کرامت انسانی که خداوند متعال به او ارزانی بخشیده، و خط ذلت و فساد و انحراف شده است که هر چه بیشتر بگذرد انحطاط آن بیشتر خواهد شد.

به همین جهت حضرت زهرا (علیها السلام) در آن برهه حساس آن نقش بزرگ را ایفا کرد تا کرامت انسان را حفظ کند کرامتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از طرف خدا برای انسانها آورده بود، ولی مدتی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در میان امت حضور داشت برای از بین بردن ریشه های جاهلیت امت کافی نبود، و بت های نصب شده در کعبه هر چند که در روز فتح شکسته شدند، ولی بت های جاهل و تعصب و خودپرستی نفس اماره هنوز باقی مانده بودند و عامل صدور رفتار بسیاری از مردم بودند، به همین جهت قیام فاطمی با عوامل تأثیر گذاری^[2] همراه بود که حضرت برای تکمیل رسالتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای آزادی انسان و حفظ کرامت او ادا کرده بود، از آنها استفاده کرد.

از مهمترین اصول زندگی انسانی کریمانه که حضرت زهرا (علیها السلام) از آنها دفاع کرد، استمرار دولت کریمه بود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آن را پایه ریزی کرده بود و با انتخاب رهبری از سوی خداوند متعال یعنی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) دوام آن تضمین شده بود، حضرت (علیها السلام) در توصیف زندگی انسانی کریمانه ای که در سایه این رهبری الهی حاصل می شد و نعمتها و برکاتی که نصیب امت اسلامی می شد در صورتی که از حق تبعیت می کردند و ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را می پذیرفتند، می فرماید: ([به خداوند سوگند، اگر مردانتان در خارج نشدن زمام امور، از دستان علی پای نمی فشردند و تدبیر کار را آنچنان که پیامبر بدو سپرده بود، تحویل او می دادند]، علی آن را به سهولت راه می برد و این شتر را به سلامت به مقصد می رساند، آن گونه که حرکت این شتر رنج آور نمی

ص: 175

1-- كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ (آل عمران: 110).

2-336 - مانند حالت ورود حضرت به مسجد و گریه و ناراحتی ایشان و بلاغت ایشان در سخنوری و ادله محکم ایشان.

شد. علی آنان را به آبشخوری صاف و مملو و وسیع هدایت می کرد که آب از اطرافش سرازیر می شد و هرگز رنگ کدورت به خود نمی گرفت. او آنان را از این آبشخور سیراب به در می آورد. علی خیر و نیکی را در نهان و آشکار برای آنان خوش می داشت. [او اگر بر مسند می نشست]، هرگز بهره ای فراوان از بیت المال را به خود اختصاص نمی داد، و از فزونی و ثروت دنیا جز به مقدار نیاز برداشت نمی کرد، به مقدار آبی که تشنگی را فرو نشاند و خوراکی که گرسنگی را برطرف نماید. (1)

یعنی هیچ چیزی برای خود باقی نمی گذاشت همانند پدری مهربان که سرپرستی خانواده ای را بر عهده دارد و به حداقل اکتفا می کند تا نیازهای خانواده را برطرف سازد.

و در مقابل مردم را از نتایج دور شدن از روش کرامت الهی برحذر می داشت، حضرت (علیها السلام) در این باره می فرماید: (بشارتتان باد به شمشیرهای کشیده و بُرّا، و حمله جائر و متجاسر ستمکار، و درهم شدن امور همگان، و خود رأیی ستمگران! غنایم و حقوق شما را اندک خواهند داد. و جمع شما را با شمشیرهایشان دور خواهند کرد. و شما جز میوه حسرت برداشت نخواهید نمود. کارتان به کجا خواهد انجامید؟ در حالی که «حقایق امور بر شما مخفی گردیده است. {آیا شما را به کاری وادارم که از آن کراهت دارید؟} (2).

اینها نتایج عدم اقامه دولت کریمه است: درگیری و فتنه ها، به هدر رفتن اموال، بی نظمی و آشفتگی، استبداد حاکمان و از بین رفتن امنیت، استقرار و نظم.

ای عزیزان:

به انطباق دقیق سخنان حضرت زهرا (علیها السلام) بر حوادثی که با آنها مواجه هستیم دقت کنید، و باید اینگونه در سخنان ایشان تدبر کنیم و از آنها برای حل مشکلات خود و تنظیم یک برنامه صحیح برای زندگی خود استفاده کنیم، فلذا محدود شدن به ذکر مصائب آن حضرت بدون بیان اهداف عالیّه ایشان کوتاهی در حق او و فهم رسالت مقدس ایشان است،

ص: 176

1- 337 - الاحتجاج: 1/139.

2- - أَنْزَلْنَا مُكْمُوها وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ (هود: 28).

حضرت زهرا (علیها السلام) تکمیل کننده نقش پدر و همسر خویش (صلوات الله علیهما) در پایه ریزی حکومت انسان بود که در آن ارزشهای والای انسانی مورد توجه واقع می شوند و در همه قوانین و نظام ها حقوق انسان در نظر گرفته می شود، و در آن استبداد، تخلف، جهل و منفعت طلبی جایی نخواهد داشت، ما به هر اندازه که در پیشبرد این هدف بزرگ سهمیم به همان اندازه توانسته ایم که حضرت زهرا (علیها السلام) را یاری کنیم.

ما در مرحله ی حساسی از زندگی بشریت قرار گرفته ایم، و پس از گذشت قرن های متمادی از مقابله، انکار و تحریف به این عقیده مبارک ایمان آورده ایم، لذا کسانی که پیرو سیره و روش حضرت زهرا (علیها السلام) هستند باید آن حضرت را الگوی خود قرار داده و این نقش را همانند طلایه داران در هر نسل ادا کنیم، و نباید منتظر شخص دیگری باشیم تا این وظیفه را انجام دهد. امیدوارم خداوند متعال توفیق این مهم را به شما عطا کند.

ص: 177

حضرت زهرا (علیها السلام) وعده الهی در خلافت و تمکین مؤمنان را بشارت می دهد

حضرت زهرا (علیها السلام) وعده الهی در خلافت و تمکین مؤمنان را بشارت می دهد (1)

خداوند متعال می فرماید: { خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند وعده می دهد که آنها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد، همانگونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید. و دین و آئینی را که برای آنها پسندیده پا برجا و ریشه دار خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آنچنانکه تنها مرا می پرستند و چیزی را برای من شریک نخواهند ساخت. و کسانی که بعد از آن کافر شوند فاسقند } (2).

مؤمنان در زندگی خود با فشارهای زیادی از سوی مخالفان آنها در اندیشه و اعتقاد مواجه می شوند، این فشارها ممکن است به صورت قتل، تبعید، زندانی کردن، انجام کارهای تروریستی، ایجاد مشکلات اجتماعی، انحرافات اخلاقی و شبهات اعتقادی باشد و یا اینکه به صورت تحریم، فشار اقتصادی و محروم ساختن انسان از یک زندگی آبرومندانه باشد.

مخالفان در انجام دشمنی های خود لحظه ای متوقف نمی شوند، به طوری که گاهی به صورت آشکار و خشن کارهای مختلف خود را انجام می دهند و گاهی به صورت نرم و نامحسوس؛ تا اینکه در نهایت بتوانند بر مؤمنان تسلط پیدا کنند و آنها را از اعتقادات و ارزشهای اخلاق خود جدا کنند و اهداف اصلاح گرایانه آنها را از بین ببرند و هویت دینیشان را در قالب جهانی شدن که امروزه از آن سخن می گویند از آنها سلب کنند، خداوند متعال می فرماید: { مشرکان پیوسته با شما می جنگند، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند } (3)، همچنین می فرماید: { هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا از آیین آنان پیروی کنی } (4)، انگیزه آنها در انجام این کارها نشأت گرفته از خودپرستی، تکبر، حب

ص: 178

1- 339- سخنرانی حضرت آیت الله العظمی یعقوبی (دامت برکاته) در جمع هزاران نفر از زائران شرکت کننده در مراسم شهادت

حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) در روز پنج شنبه سوم جمادی الثانی 1438 مصادف با 2017/3/2.

2- - وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسَّخِرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّخَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور: 55).

3- - وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا (بقره: 217).

4- - وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَسْبَغَ مِنِّيهِمْ (بقره: 120).

دنیا، هوسرانی و حسادت آنها نسبت به طهارت و پیراستگی مؤمنان از رذائل اخلاقی است، خداوند متعال می فرماید: { بسیاری از اهل کتاب از روی حسد که در وجود آنها ریشه دوانده است دوست می داشتند شما را بعد از اسلام و ایمان به حال کفر باز گردانند، با اینکه حق برای آنها کاملاً روشن شده است } (1).

در این میان افراد احمق، منافق، جاهل، دنیاپرست و هواپرستی در داخل جامعه اسلامی وجود دارند که به این دشمنان بیگانه کمک می کنند.

در سایه این فشارها مؤمنان در حالتی از استرس، ترس و ناامیدی نسبت به موفقیت رسالت هدایتگرانه و اصلاحگرایانه اسلام به سر می برند، ولی خداوند متعال با این وعده خود در آیه مذکور اعتماد به نفس و امید به آینده را در دل‌های آنها زنده می کند تا بر ایمان خود ثابت قدم بمانند و وظیفه دینی خود را به خوبی ادا کنند، بدون شک وعده الهی تخلف ناپذیر است { خدا وعده حق به شما می دهد و کیست که در گفتار و وعده هایش از خدا صادقتر باشد } (2)، { وعده الهی هرگز تخلف نمی پذیرد } (3)، { خداوند در وعده خود تخلف نمی کند } (4). بله ممکن است زمان تحقق این وعده الهی هر چند در برخی از مراتب خود طولانی شود؛ چرا که ایجاد یک جامعه صالح نیاز به تلاشهای فراوان و کار و تلاش مستمر همراه با صبر و بردباری و نیاز به تحقق شرایط مناسب است، به همین جهت مؤمنان باید به صورت مستمر کارها و وظایف خود را انجام دهند و نباید برای رسیدن به نتیجه عجله ای داشته باشند و یا برای آن زمانی را تعیین کنند.

آیه مذکور که شامل وعده الهی در تمکین و خلافت مؤمنان است در مدینه نازل شده است، لکن آیات پیش از آن نیز که در مکه نازل شده اند این وعده الهی را بیان کرده اند، مانند این آیه مبارکه: { اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم، و آنها را پیشوایان و وارثین

ص: 179

1- - وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُّوْكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ (بقره: 109).

2- - وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا (نساء: 122).

3- - لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ (روم: 6).

4- - إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (رعد: 21).

روی زمین قرار دهیم} (1)، و این در حالی است که تعداد مسلمانان در آن زمان بسیار اندک بود و قریش با قتل و آزار و اذیت، آنها را در محاصره همه جانبه قرار داده بود { و به خاطر بیاورید هنگامی که شما گروهی کوچک و اندک و ضعیف در روی زمین بودید آنچنان که می ترسیدید مردم شما را بربایند ولی او شما را پناه داد و یاری کرد و از روزیهای پاکیزه بهره مند ساخت تا شکر نعمتش را به جا آورید} (2)، در این حال خداوند متعال به مؤمنان اموری که در آیه ذکر شده است را وعده می دهد:

1- خلافت در زمین به این معنی که امکانات مادی و معنوی مورد نیاز برای آباد ساختن زمین و فراهم کردن یک زندگی شرافتمندانه برای تمام بشریت در اختیار مؤمنان قرار می گیرد.

2- پابرجا ساختن دین مورد پسند خداوند یعنی اسلام و تبعیت از خداوند متعال: { و اسلام را به عنوان آئین جاودان شما پذیرفتم} (3)، پابرجا ساختن دین با ثبات آن در دل‌های مردم و حاکمیت آن بر نظام‌ها و قوانینی که بشر وضع می کند حاصل می شود.

3- آزادی در ایمان به اعتقادات حقه و انجام عبادت خالصانه خداوند متعال و نفی هر گونه شریک برای خداوند خواه این شرکات های سنگی و انسانی باشند و یا خواه طاغوت، هواهای نفسانی و آداب و رسوم اجتماعی باشند، این آزادی همراه با احساس امنیت و از بین رفتن فشارهای مختلف و عدم تاثیرگذاری شبهات بدست می آید.

اینها صرفاً تحقق وعده الهی در زندگی دنیوی است ولی خداوند متعال خبر از تحقق وعده های خود در آخرت را نیز می دهد: { آنها می گویند: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا

ص: 180

-
- 1- - وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ، وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ (قصص: 5-6).
- 2- - وَادْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضَعَّ عَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَحَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (أنفال: 26).
- 3- - وَرَضِينَا لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا (مائدة: 3).

کرد و زمین را میراث ما قرار داد که هر جا را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم، چه خوب است پاداش عمل کنندگان {1}.

وعده الهی در تحقق این امور صرفاً با ادعای داشتن ایمان و انجام یک سری عبادات و مناسک ظاهری حاصل نمی شود، بلکه باید به صورت یک حرکت فعال که نشأت گرفته از یک روش زندگی متکامل است صورت بگیرد، روشی که در آن دین حق به عنوان تنها مرجع در تمام شؤون زندگی و در همه جنبه های انسانی حتی در احساسات و عواطف قرار گیرد، و خداوند متعال را در برابر چشمان خود قرار دهد و تنها هدف او کسب رضایت پروردگار و دوری از معصیت او باشد، به همین جهت در آیه مبارکه (منکم: بعضی) ذکر شده و نه (کلکم: همه) یعنی این وعده ها فقط شامل بعضی از شما که دارای این صفات هستند می شود.

اما کسی که به اسلام و یا حتی به مذهب اهل بیت پیامبر (صلوات الله علیهم) منسوب باشد و برحسب ظاهر نماز بخواند و در مراسمات دینی نیز شرکت کند، ولی به مردم ظلم می کند و حقوق آنان را ضایع می کند و امر به معروف و نهی از منکر را انجام نمی دهد و احکام دینی را در زندگی خود جاری نمی سازد، مشمول این وعده الهی نخواهد بود؛ زیرا مخاطب این وعده کسانی هستند که به خدا ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهد و در اقامه احکام الهی پایداری می کنند {اعراب بادیه نشین گفتند ایمان آورده ایم بگو شما ایمان نیاورده اید ولی بگوئید اسلام آورده ایم، تا زمانی که ایمان وارد قلبهای شما شود} {2}.

روایت است که روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در کنار اصحاب خود نشست و به یکی از یاران ایشان خبر رسید که فرزندی برای او متولد شده است، رنگ چهره او پس از شنیدن این خبر تغییر کرد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) از او پرسید چه شده است، آن مرد گفت: هنگامی که از خانه خارج شدم زایمان زخم نزدیک شده بود و الآن به من خبر دادند که صاحب دختری شده ام، پیامبر (صلی الله علیه و آله) از او پرسید: چند سال از مسلمان شدنت می گذرد؟ آن مرد

ص: 181

1- - وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (زمر: 74).

2- - قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا فَلَمْ نَدُخِلْهُمُ الْإِيمَانَ فِي قُلُوبِكُمْ (حجرات: 4).

گفت: هفده سال، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: در تمام این مدت هنوز ایمان وارد قلبت نشده است (1).

این مرد با وجود اینکه مدت زیادی است که مسلمان شده و سختی‌ها و مشقت‌های فراوانی را در صدر اسلام تحمل کرده بود، ولی این احساسات قلبی حقیقت ایمان را از او گرفته بودند هر چند که بر حسب ظاهر مؤمن به شمار می‌رفت.

ای عزیزان:

دستیابی به خلافت و تمکن در زمین نیاز نیست که حتماً با رسیدن به قدرت و سلطه همراه باشد (2)، هر چند که سلطه و قدرت می‌تواند یکی از عناصر کمک‌کننده در دستیابی به اهداف عالی باشد، یعنی وسیله‌ای برای تحقق اهداف باشند و نه غایت نهائی، که این خود از مصادیق آماده‌سازی در این آیه مبارکه است {در برابر دشمنان آنچه توانائی دارید از نیرو آماده‌سازی کنید} (3).

تحقق وعده الهی زمانی حاصل می‌شود که نتایج ذکر شده در آیه مبارکه محقق شوند، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و ائمه معصومین (علیهم السلام) با وجود اینکه در مظلومیت بسر می‌بردند ولی بدون شک مخاطب وعده الهی بودند، و پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز به این حقیقت با صراحت اشاره فرمودند هنگامی که قبل از رحلت اهل بیت خود را جمع نمود و به ایشان فرمود: (شما پس از من مستضعف خواهید بود) یعنی وعده الهی در خلافت و متمکن ساختن مستضعفین شامل حال شما می‌شود هر چند که این مهم بدست فرزند آنها مهدی موعود (عجل الله فرجه الشریف) صورت گیرد، حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: (خداوند متعال به ما وعده داده و می‌فرماید {خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده اند و اعمال صالح

ص: 182

1- - این روایت در منابعی مانند وسائل الشیعه: 15/101 ح 2 نقل شده است، ولی بر اساس جستجوی انجام شده در منابع مختلف، بخش پایانی روایت را پیدا نکردیم.

2- - بلکه سلطه می‌تواند و بالی برای صاحبان آن باشد هنگامی که با حرص و ولع آن را به عنوان غنیمتی بدانند که باید از آن بهره ببرند.

3- - وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ (أنفال: 60).

انجام داده اند وعده می دهد که آنها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد، همانگونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید { (1)(2) }.

حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) با وجود اینکه بر حسب ظاهر مستضعف بود و حقوق او ضایع شده بود و دستان همسرش را بسته بودند و بدون هیچ یار و یاور در برابر دشمنی کاملاً مسلح همراه با یارانی که از انجام هیچ کاری دریغ نمی کردند قرار گرفته بود، ولی با اطمینان کامل نسبت به وعده الهی و با شجاعت و اعتماد به نفس خطاب به آنها می فرماید: (بشارتتان باد به شمشیرهای کشیده و بُرا و ضایع شدن حقوق و غنایم و از هم گسیختگی جمعتان، وای به حالتان کارتان به کجا خواهد انجامید در حالی که حقایق امور بر شما مخفی گردیده است { آیا شما را به کاری وادارم که از آن کراهت دارید؟ } (3)(4)).

این سخنان لحن یک اسیر مستضعف نیست بلکه زبان کسی است که به نصرت الهی اطمینان کامل دارد و شکست دشمنان خویش را با عین یقین مشاهده می کند، و آنها را از فرجام بدشان بر حذر می دارد.

دختر ایشان عقیده بنی هاشم حضرت زینب (علیها السلام) نیز این اطمینان نسبت به وعده الهی را از مادر خویش به ارث برده است و خطاب به یزید مستکبر و مغرور از پیروزی ظاهری بدست آمده، فرمود: (هر کید و مکر و هر سعی و تلاش که داری به کار بند، به خدا سوگند که هرگز نمی توانی یاد و نام ما را محو و وحی ما را بمیرانی، و نمی توانی پایان ما را ببینی، این عار و ننگ از تو زودده نگردد. آیا جز این است که رأیتو سست است و باطل، و روزگارت محدود و اندک، و جمعیت تو پراکنده گردد، آری، آن روز که ندا رسد: لعنت خدا بر ظالمان باد (5)(6)).

ای برادران و خواهران:

ص: 183

- 1- وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ (نور: 55).
- 2- نهج البلاغه، از سخنان ایشان با عمر بن خطاب هنگامی که برای مشورت در رابطه با یکی از جنگها به نزد ایشان آمده بود.
- 3- أَنْزَلْنَا مُكْمُوها وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ (هود: 28).
- 4- احتجاج طبرسی: 1/140.
- 5- أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (هود: 18).
- 6- برای آشنایی با منابع خطبه به کتاب الصحيح من مقتل سید الشهداء وأصحابه: 1125 مراجعه شود.

ما امروزه نشانه‌هایی از تحقق وعده الهی در غلبه یافتن دین مورد پسند خدا بر همه نظام‌های وضعی و متمکن شدن مؤمنان صالح در آباد ساختن زمین در جهت منافع بشریت و هموار شدن مسیر هدایت و رستگاری آن می‌بینیم، از جمله این نشانه‌ها:

1- رسیدن صدای اهل بیت (علیهم السلام) به همه جوامع و آشنایی آنها با ارزشهای والای انسانی، که مقبولیت گسترده‌ای را از سوی مردم بدست آورده و روز به روز به تعداد افرادی که به این مکتب گرایش پیدا کردند افزوده می‌شود.

2- افزایش میزان شجاعت و از خود گذشتگی در راه خدا و دفاع از مقدسات و حاصل شدن قدرت اقدام و احساس مسئولیت در میان مستضعفان، که این مهم در عملیات مبارزه با تروریستها و خصوصا در جنگهای اخیر موصل که توسط نیروهای مسلح ما و قهرمانان حشد الشعبی انجام می‌شود به خوبی قابل مشاهده است، جنگی که به گفته قویترین کشور جهان برای هر ارتشی در جهان بسیار سخت و دشوار است، با این وجود در این جنگ علاوه بر رشادتهای مختلف شاهد ارزشهای والای انسانی و از خودگذشتگی برای انسان بدون در نظر گرفتن دین و قومیت آن بودیم.

3- افزایش آگاهی و بیداری امت و شناخت چالشهای پیش رو و نیازمندیهای آن که هر چند در ابتدای راه است ولی ما را نسبت به آینده امیدوار می‌کند.

ظاهر شدن نشانه‌های ضعف و از هم گسیختگی در کشورهای مستکبر و افزایش مشکلاتی که توانایی حل آنها را ندارند و برای رهایی 1- از آنها سعی در صادر کردن آنها به کشورهای دیگر دارند.

ای مؤمنان:

برای نقش آفرینی در تحقق این وعده الهی و کامل شدن آن با ظهور منجی عالم بشریت حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا له الفداء) باید تمام تلاش

ص: 184

خود را در استمرار و تقویت این نشانه ها انجام دهیم ، در آیه مبارکه دیگری صفات کسانی که در زمین متمکن می شوند بیان شده است ، خداوند متعال می فرماید: { یاران خدا کسانی هستند که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را بر پا می دارند و زکات را ادا می کنند و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند و پایان همه کارها از آن خدا است } (1).

همچنین باید از انجام هر کاری که مانع پیشرفت این حرکت مبارک می شود ، پرهیز کنیم ، کارهایی مانند انجام گناه ، از هم جدا شدن صفوف ، مشغول شدن به کارهای باطل و پیروی از هواهای نفسانی ، علاوه بر این باید آگاهی لازم را نسبت توطئه های دشمنان داشته باشیم ، توطئه هایی که هر چند فراوان و خطرناک هستند ولی برچشمان رهبران آگاه و اهل بصیرت پوشیده نیست ، این توطئه ها از نشر مظاهر فسق و فجور و از بین بردن هویت اعتقادی و اخلاقی مسلمانان شروع می شود ، و به تغییر ارزشها و افکار منتهی می شود ، تا جایی که یک مسلمان از اعلام هویت دینی خود و دعوت به آن خجالت می کشد و در جریان انحرافی مقابل ذوب می شود (2). این همان چیزی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیث مشهور خود امت اسلامی را از آن بر حذر می دارد: (شما چه خواهید کرد اگر زنهای شما فاسد و جوانهایتان فاسق شوند و امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند؟ از ایشان پرسیده شد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آیا چنین می شود؟ حضرت فرمود: آری و بدتر از این هم می شود، چه خواهید کرد هنگامی که امر

ص: 185

-
- 1- - الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج: 41).
- 2- - در اینجا نمونه ای از کارهایی که قصد انجام آنها را دارند را نقل می کنم ، این مساله را از کتابی به نام (محو العراق: خطه متكاملة لاقتلاع عراق وزرع آخر / نابودی عراق: نقشه ای کامل برای از بین بردن عراق و ایجاد عراقی دیگر) که توسط یکی از برادران - آقای عزیز دفاعی که از عراقی های مقیم هلند هستند - ترجمه شده نقل می کنم ، در این کتاب آمده: (از بین بردن همه ارزشهای اجتماعی و روابط همسایگی در مناطق مسکونی ، ایجاد سیستم مبتنی بر موانع مادی ، روانی و دینی ، سیطره ترس و نگرانی از دیگران بر مردم ، و از همه مهمتر وارونه ساختن معیارها به طوری که شخصی که حقوق دیگران را با زرنگی ضایع می کند را آدمی باهوش معرفی کنیم و شخصی را که به دلیل دارا بودن اخلاق و عفت در سرقت بیت المال شرکت نمی کند را عقب مانده معرفی کنیم ، دزد را انسانی سالم و انسان شریف را منحرف معرفی کنیم ، و از این قبیل تناقضات که ارزشهای اخلاقی و سیاسی را در جهت منافع طرف مقابل تغییر دهیم ، بر اساس یک نقشه کامل که هدف آن نابود ساختن پایه های اصلی جامعه است.

به منکر و نهی از معروف شود؟ سؤال شد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آیا چنین می شود؟ فرمود: آری و بدتر از این هم می شود، بر شما چه خواهد گذشت زمانی که معروف را منکر و منکر را معروف ببینید؟(1).

این چالشهای بزرگ وظیفه ما را سنگین تر می کنند، لذا باید مؤمنان از این وعده الهی مدد بگیرند و همت و عزم و اراده خود را در انجام رسالت خویش تقویت نمایند { ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می کند و گامهایتان را استوار می دارد } (2)، { آنها آن روز را دور می بینند * و ما آن را نزدیک می بینیم } (3).

حضرت زهرا (علیها السلام) ما را به همراه بودن با خدا دعوت می کند ... آثار و مراتب آن (4)

خداوند متعال می فرماید: { او با شماست هر جا که باشید، و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست } (5).

این آیه مبارکه ما را به یک حقیقت قرآنی بزرگ راهنمایی می کند، که هر اندازه ایمان انسان به آن بیشتر شود و خود را همواره در محضر آن ببیند، باعث رشد انسان و شناخت او نسبت به خداوند متعال می شود.

حقیقتی که این آیه ما را به آن رهنمون می سازد، همراه بودن خداوند متعال با ما در تمامی مراحل زندگی دنیوی و اخروی است، و اینکه خداوند در هر زمان و مکانی که در آن قرار داریم در کنار ما هست و به همه احوال ما آگاه است { مقدار ذره ای در آسمانها و زمین از او پوشیده نیست و نه کمتر و نه بیشتر از ذره ای جز آنکه در کتاب روشن ثبت است } (6).

ص: 186

1- وسائل الشیعه: کتاب امر به معروف و نهی از منکر، بخش امر و نهی، فصل 1، ح 12.

2- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (محمد: 7).

3- إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا، وَنَرَاهُ قَرِيبًا (معارج: 6-7).

4- 339 - سخنان حضرت آیت الله العظمی یعقوبی (دامت برکاته) در روز سه شنبه سوم جمادی الثانی 1439 مصادف با 20/2/2018 قبل از آغاز مراسم تشییع نمادین پیکر حضرت زهرا (علیها السلام) در جمع هزاران نفر از عزاداران و محبان اهل بیت (علیهم السلام) که در میدان ثوره العشرین در نجف اشرف گرد هم جمع شده بودند.

5- وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (حدید: 4).

6- لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (سبأ: 3).

معیت خداوند با ما در همه جهات و سطوح است ، و لفظ (هرکجا) در آیه کریمه معیت خداوند با ما را در جهت مکانی محدود نمی سازد ، شاید تعبیر از آن به این دلیل است که معیت مکانی واضح تر از سایر جهات است و مفهوم کنار هم قرار گرفتن را بهتر به ذهن مخاطب می رساند و به همین صورت غیبت مکانی معنای جدایی را واضح تر بیان می کند .

لذا عبارت پس از آن (وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ : خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است) به عنوان نتیجه و ثمره این حقیقت بیان شده است ؛ زیرا لازمه معیت و همراهی و احاطه علمی خداوند به ما این است که بر همه اعمال ، نیت ها و اهدافمان آگاه باشد یعنی به ظاهر باطن اعمال ما آگاه باشد .

این معنی در آیات دیگری نیز تکرار شده است ، مانند { آیا ندیدی که آنچه در آسمانها و زمین است خدا بر آن آگاه است؟ هیچ رازی سه کس با هم نگویند جز آنکه خدا چهارم آنها و نه پنج کس جز آنکه خدا ششم آنها و نه کمتر از آن و نه بیشتر جز آنکه هر کجا باشند او با آنهاست سپس روز قیامت همه را به نتیجه اعمالشان آگاه خواهد ساخت که خدا به کلیه امور عالم داناست } (1)، خداوند متعال می فرماید: { اعمال زشت خود را از مردم پنهان می دارند اما از خدا پنهان نمی دارند } (2).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این حقیقت را به خوبی دریافته بود و آن را در قالب یک توصیه تربیتی برای ابوذر (رض) بیان کرده است : (خدا را آنگونه عبادت کن که گویا او را می بینی ، و اگر او را نمی بینی قطعا او تو را می بیند) (3)، البته باید توجه داشت که عبادت در تمام شؤون زندگیا انسان جاری است .

ایمان به این حقیقت دارای آثار فراوانی در زندگی انسان خواهد بود ، که عبارتند از :

1- انسان با درک این حقیقت در مواجهه با سختی ها و مشکلات زندگی احساس تنهایی نخواهد کرد ، و خدای مهربانی را در کنار

ص: 187

1- - أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (مجادله:7).

2- - يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ (نساء:108).

3- - مكارم الاخلاق طبرسی: 626 .

خود خواهد دید که از او حمایت می کند، به کارهای نیک او پاداش می دهد، از بدی او چشم پوشی می کند، در هنگام ضعف و ناامیدی دست او را می گیرد، دعاها و نیازهای او را برطرف می سازد، و هنگامی که در استجاب دعاها و تأخیر می افتد حتماً به دلیل مصلحتی است که خداوند برای او در نظر گرفته است؛ زیرا خداوند همواره خیر بندگان خود را می خواهد، {گفت: چنین نیست، پروردگار من با من است، به زودی مرا هدایت خواهد کرد} (1)، {آن کسی که مرا آفرید و هدایت می کند* و کسی که مرا غذا می دهد و سیراب می نماید* و هنگامی که بیمار می شوم مرا شفا می دهد* و کسی که امید دارم گناهانم را در روز جزا ببخشد} (2). در واقع این حقیقت معیت در ایجاد و هدایت، معیت در اطعام و سقایت، معیت در شفا و بیماری و معیت در حشر و زندگی پس از مرگ است. و بر اساس همین معیت است که عجز و ناتوانی انسان به قدرت و اقتدار تبدیل می شود، و ترس و اضطراب او به فضل الهی به آرامش و طمأنینه مبدل خواهد شد، خداوند متعال می فرماید: {هرگز سست نشوید و دشمنان را به صلح دعوت نکنید در حالی که شما برترید و خداوند با شماست و چیزی از ثواب اعمالتان را هرگز کم نمی کند} (3)، خداوند متعال می فرماید: {او به همسفر خود می گفت غم مخور خدا با ماست} (4).

شیخ صدوق از حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) نقل می کند: (از امام صادق (علیه السلام) در مورد خداوند پرسیده شد؟ حضرت به آن شخص فرمود: "ای بنده خدا، آیا تا به حال بر کشتی سوار شده ای؟ آن شخص گفت: آری. حضرت فرمود: "آیا برای ات اتفاق افتاده که کشتی ات در حال غرق شدن است و کسی نیست که تو

ص: 188

-
- 1- - قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ (شعراء: 62).
 - 2- - الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ * وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ * وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ * وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ * وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ (شعراء: 78-82).
 - 3- - فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُكُمُ أَعْمَالَكُمْ (محمد: 35)
 - 4- - (إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا) (التوبة: 40).

را نجات دهد و با شنا کردن نیز نمی توانی خود را نجات دهی؟ - یعنی هیچ راهی برای نجات پیدا کردن وجود ندارد - ، آن شخص گفت : آری ، حضرت فرمود : آیا دلت به دنبال چیزی نبود که بتواند تو را از این وضعیت نجات دهد؟ آن شخص گفت : آری ، حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمود : " آن شیء که قادر به نجات دادن هر کس است زمانی که نجات دهنده ای وجود ندارد و می تواند در زمانی که یاری کننده ای نیست تو را یاری کند ، خداوند متعال است" (1)، به عظمت نعمت حضور در پیشگاه خداوند و معیت با او توجه کنید ، و ببینید شخصی که منکر خداوند است با چه عجز ، ناتوانی و وحشتی مواجه است .

هر اندازه که بنده به پروردگار خویش نزدیکتر می شود توفیق الهی بیشتری نصیب او خواهد شد { خداوند به آنها گفت من با شما هستم ، اگر نماز به پا دارید و زکات را بپردازید و به فرستادگان من ایمان بیاورید } (2)، یعنی بعضی از مراتب والای معیت مشروط به ایمان و عمل صالح است .

در روایت شریفه آمده که : (من نزد قلبهای شکسته هستم) (3)، یعنی الطاف خاصه الهی هنگامی قلب بنده شکسته می شود بر او نازل می شود ، و شکستن قلب او به هر دلیلی که باشد فرقی ندارد ، خواه به علت خشیت از خداوند متعال باشد و یا خواه به علت مظلومیت و غیره باشد .

1- انسان با درک این حقیقت احساس می کند ، که نمی تواند به صورت آزادانه هر چه را که می خواهد انجام دهد و پیرو شهوتها و هواهای نفسانی خود باشد ، و هر گونه جرم ، منکر و یا ظلمی

ص: 189

1- - توحید شیخ صدوق: 231، معانی الأخبار: 4 / ح 2، بحار الانوار: 64/137.

2- - وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي (مائده: 12).

3- - منیه المرید، ص 123، همچنین آمده: (من نزد قلبهای شکسته ام) و کتاب دعوات راوندی: ص 276، که در آن آمده: از حضرت داوود (علیه السلام) روایت است که می فرماید: پروردگارا هنگامی قبر مردگان از بین می رود آیا کسی آنها را یاد می کند؟ فرمود: ای داوود من آنها را هنگامی که زنده بودند فراموش نکردم و به آنها روزی می دادم ، حال چگونه پس از مرگ آنها را فراموش کنم! هرگاه جزئی از بدن آنها جدا شود گناهی از گناهانشان را می بخشم و به اندازه هر تار مویی که می افتد و هر تکه استخوانی که پوسیده می شود آنها را می آمرزم؛ همانا من ارحم الراحمین هستم.

را که بخواهد می تواند انجام دهد ، بلکه خود را تحت نظارت خداوند می بیند که نه تنها ظاهر اعمال او را می بیند بلکه نسبت به باطن اعمال انسان نیز آگاه است و نیت و اهداف اعمال او را می داند ؛ چرا که عمل انسان ممکن است در ظاهر درست و موجه باشد لکن در باطن بد باشد ، مثلاً هنگامی که عمل خود را به صورت ریاکارانه و یا برای کسب و شهرت و مقام انجام داده است ، و رضای الهی را در نظر نگرفته است ، ولی هیچ چیزی از علم و احاطه ذات باری تعالی مخفی نمی ماند ، و همانطور که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید : " خداوند را برای رفتن به بهشت نمی توان فریب داد " .

این احساس حضور در برابر خداوند متعال انسان را وادار به انجام اعمال صالح و ترک اعمال ناپسند می کند و نیت او را از هر گونه ناپاکی خالص می گرداند ، این نظارت الهی در مصلحت انسان است ؛ زیرا باعث جهت گیری زندگی انسان به سمت خیر و صلاح می شود ، و بدون اینکه اجباری بر روی انسان باشد با انگیزه ای درونی به سمت انجام کارهای خیر حرکت می کند .

این نظارت داخلی در وجدان انسان باعث بی نیازی او از نظارت دستگاه ها و قوانین دولتی و یا آداب و رسوم اجتماعی می شود ، زیرا همواره در کنار انسان است .

به دلیل اهمیت این حقیقت ، در روایت شریف نبوی آمده که : (از بهترین مراتب ایمان انسان این است که خود را در همه جا در محضر خداوند ببیند)⁽¹⁾.

ای عزیزان من :

حضرت زهرا (علیها السلام) می خواست که این حقیقت را در قلب و ذهن نامت راسخ کند ، زیرا غفلت بسیاری از مردم نسبت به این حقیقت را می دید و اینکه اعمال آنها مبتنی بر یک ایمان حقیقی نمی بود هر چند که در ظاهر به آن اعتقاد داشتند ، لذا آنها را اینگونه مورد خطاب قرار می دهد : (شما ای بندگان خدا ، مورد خطاب امر و

ص: 190

نهی الهی هستید) وهمچنین فرمود: (ای اهل ایمان، از خدا بترسید چنانچه شایسته خدا ترس بودن است، و نمیرید جز به دین اسلام، و از آنچه که خداوند به شما دستور می دهد و از آن باز می دارد تبعیت کنید)(1).

و نسبت به عدم توجه به این حقیقت و عمل به آن هشدار می دهد: (به خدا سوگند تحمل این بار برایتان سنگین، و عاقبتش پر از وزر و وبال است، آنگاه که پرده ها کنار رود و زیان های آن روشن گردد، و آنچه را که حساب نمی کردید برای شما آشکار گردد، آنجاست که اهل باطل زیانکار گردند)(2).

بر همین اساس می بینیم که چه خسارت بزرگی بر انسان وارد می شود هنگامی که از این حقیقت غافل می ماند و یا آن را نفی کند و یا اینکه وجود خداوند متعال را انکار می کند، و چه زیان بزرگی نصیب امت می شود هنگامی که برخی به ترویج انکار این حقیقت می پردازند و الحاد و بی دینی را بین مردم تبلیغ می کنند، آنها این کار را صرفاً برای آزاد گذاشتن شهوتها و هواهای نفسانی خود می کنند، تا مورد سرزنش وجدان خود قرار نگیرند و سرپوشی بر گناهان و خطاهای خود بگذارند {خاندان لوط را از شهر و دیار خود بیرون کنید که اینها افرادی پاکدامن هستند!}(3)، ولی با انکار این حقیقت بزرگ یعنی وجود خداوند متعال خود را فریب می دهند، و حال آنها همچون شتر مرغی خواهد بود که هنگام احساس خطر سر خود را زیر خاک می گذارد تا چیزی را مشاهده نکند.

این انگیزه حقیقی کسانی است که مردم را به الحاد و بی دینیدعوت می کنند، اما کسانی که تابع آنها هستند، فریب ادعاها و برخی شعارهای آنان را خورده اند، زیرا ادعای انکار خالق و شرک به آن توهم باطلی است که حاصل تخیلات فاسد است، و هیچ پشتوانه عقلی و منطقی ندارد، بلکه عقل سالم این افکار را به سخره می گیرد؛ چرا که نمی توانیم بپذیریم که کوچکترین دستگاه

ص: 191

1- - الاحتجاج طبرسی: 1/128.

2- - الاحتجاج طبرسی: 1/136.

3- - أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ (نمل: 56).

و یا ابزاری که در پیرامون ما هست بدون وجود سازنده ای ایجاد شده است ، حال چگونه این جهان بزرگ که با نظم و دقت شگفت انگیزی حرکت می کند و با قوانین خلل ناپذیر خود امکان مطالعات علمی و سفر به فضا را برای دانشمندان فراهم کرده ، خالق حکیم و دانا نداشته باشد .

ای عزیزان از هر عاملی که باعث غفلت شما از خداوند متعال می شود بر حذر باشید ، و

مردم را نیز از هر گونه دعوتی که به دنبال کنار گذاشتن خداوند متعال از زندگی و آزاد ساختن اوست بر حذر دارید ، و تلاش کنید تا این حقیقت یعنی معیت با خداوند متعال را در میان مردم رواج دهید ، و سعی کنید کسانی را که تحت تأثیر تبلیغات شبکه های اجتماعی قرار گرفته اند را با حکمت و موعظه نیکو دعوت کنید تا آنها را از گمراهی خود خارج سازید و این نعمت بزرگ و مسئولیتهای در قبال آن را بهتر بشناسند ، البته بعد از اینکه خود را با سلاح علم و معرفت مسلح ساختید هر چند در سطح فطری و عقلانی که نیازی به مطالعات دقیق و تخصصی ندارد .

در روایتی از حضرت زهرا (علیها السلام) (1) آمده که ایشان می فرمایند کسی که ایمان و دینداری مردم را تقویت کند و شبهات منحرفان و گمراهان را برطرف سازد ، خداوند متعال جایگاه والایی را که در بهشت برای او قرار داده را هزار هزار برابر مضاعف می کند ، پس همه باید در یاری دین و خدمت به مردم و هدایت آنها تلاش کنند ، حضرت زهرا (علیها السلام) راحت طلبی ، بی مبالاتی و تبلی را عوامل حقیقی ضایع شدن حق می داند و مردم را از آن بر حذر میدارد ، ایشان (علیها السلام) می فرمایند : (همانا می بینم شما در راحت طلبی و خوشگذرانی فرو رفته اید ، و آن که را سزاوار به امر و نهی بود را دور کرده اید و شما با راحت طلبی خلوت کرده اید) (2) .

ص: 192

1- بحار الانوار : 2/8 ، ح 15.

2- الاحتجاج طبرسی: 1/133.

خداوند متعال به ما و شما توفیق یاری دین و اعلاى كلمه رب العالمين و نشر شريعت سيد مرسلين (صلى الله عليه و آله) را بدهد .

ص: 193

حضرت زهرا (علیها السلام) دعوت به بازگشت به سوی خدا و تبعیت از او می کند

حضرت زهرا (علیها السلام) دعوت به بازگشت به سوی خدا و تبعیت از او می کند (1)

خداوند متعال می فرماید: {به درگاه پروردگارتان بازگردید، و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما بیاید و سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید} (2)

این توصیه از خداوند متعال است که از طریق کتاب آسمانی خود به مردم، یعنی قرآن کریم بدست ما رسیده است، قرآن کتابی است مملو از موعظه؛ زیرا برای هدایت، اصلاح و زنده کردن قلبها فرستاده شده است. در واقع موعظه یکی از مهمترین ابزار جهت زنده کردن قلبها است، یکی از این آیات قرآنی این آیه مبارکه در سوره زمر است، که دارای موعظ بسیاری است و مردم را از عاقب کارهای خود برحذر می دارد.

این توصیه شامل دو حرکت می شود:

یک: (اَنِيبُوا) یعنی از گناهان و خطاهای خود دست بکشید و سبک زندگی بدون حضور خداوند را تغییر دهید، و فریب شهوتها و زینتهای دنیوی را نخورید؛ چرا که خیالات زودگذری بیش نیستند، و به سوی پروردگار خود بازگردید، تعبیر (الی ربکم) اشاره به صفت ربوبیت خداوند متعال و هدایت و رشد انسان از یک عالم به عالمی دیگر و از حالی به حال دیگر دارد.

باب توبه و بازگشت به خداوند متعال برای هر شخص با هر گناه بزرگی که مرتکب شده باز است، آیه قبلی بیان کننده این حقیقت است تا دروازه را برای همه باز کند {بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نا امید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد} (3)، این توبه و انابه به سوی پروردگار قدم نخست و مقدمه ای

ص: 194

1- 358 - سخنرانی سالیانه حضرت آیت الله العظمی یعقوبی (دامت برکاته) قبل از تشییع نمادین پیکر حضرت زهرا (علیها السلام) در

میدان ثوره العشرین نجف اشرف در روز شنبه سوم جمادی الثانی 1440 مصادف با 2019/2/9.

2- - وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (زمر: 54).

3- - قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (الزمر: 53).

برای قدم بعدی است .

دو : (وَأَسْأَلُكُمْ لَهُ) به معنای اطاعت از خداوند متعال و پیروی از احکام ایشان است ، و اینکه غیر از او را در دل خود جای ندهیم ، و هیچ کس غیر خدا نباید در اعمال و رفتار ما تأثیر گذار باشد ، غیر خدا می تواند خود پرستی ، هواهای نفسانی ، حرص و طمع ، آداب و رسوم اجتماعی یا قبیله ای ، شخصیت‌هایی که از آنها تبعیت می کنید و یا وابستگی به جریانها و احزاب باشد .

این دو حرکت تضمین کننده سعادت شما و نجات از عذاب معصیت خداوند متعال و سرپیچی از فرمان اوست ، پس هر چه زودتر آنها را انجام دهید ؛ چرا که آینده مشخص نیست و مرگ به صورت ناگهانی به سوی شما می آید و هیچ کس غیر از خداوند متعال زمان آن را نمی داند .

(مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ) ؛ انسان اگر به حسابرسی کارهای خود نپردازد و به سوی خداوند متعال بازنگردد ، بدون شک خود را به شقاوت رسانده ، و هنگامی که مرگ او فرا می رسد ، دروازه عمل به روی او بسته می شود ، و فرصتهای فراوانی را که خداوند متعال در اختیار او قرار داده را از دست می دهد .

(ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ) یعنی آنچه که در زندگانی دنیا از مال و اولاد و منصب و مقام و غیره بدست آورده اید هیچ کمکی به شما نخواهند کرد {دستشان از همه کوتاه می شود} (1).

در آن روز دیگر پشیمانی و آرزوی بازگشت سودی نخواهد داشت {به خاطر بیاور روزی را که ظالم دست خویش را از شدت حسرت به دندانمی گیرد و می گوید : ای کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم} (2)، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در وصیتی به ابوذر (رض) می فرماید : (ای ابوذر، پیش از آن که پنج چیز به تو روی آورد، پنج چیز را غنیمت بدان، جوانی را پیش از پیری، تندرستی را پیش از بیماری، توانگری را پیش از فقر، فراغت را پیش از گرفتاری و زندگی را پیش از مرگ) (3).

ص: 195

1- - وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ (بقره: 166).

2- - وَيَوْمَ يَعِضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (فرقان: 27).

3- - مکارم الاخلاق طبرسی: 626

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در رابطه با توبه و انجام عمل صالح می فرماید: (ای مردم! اینک، اینک، تا که بندها باز است و چراغ فروزان و در توبه باز [به فکر آخرت خود باشید]؛ پیش از آن که قلم از نوشتن اعمال باز ایستد و دفتر اعمال بسته شود، و پیش از آنکه رزق و روزیتان قطع شود و دیگر اعمالتان بالا نرود، امروز زمان عمر است و فردا روز پیشی گرفتن است، و شما نمی دانید بهشتی هستید یا دوزخی!!!، من از خدا طلب آموزش برای خود و شما می کنم (1).

آیه بعدی آنچه را که به صورت اجمالی در آیه قبل از خود آمده بود را به صورت تفصیلی بیان می کند {از بهترین دستوراتی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید} (2)، این همان قرآن بزرگی است که در آن هر چیزی بیان شده است، پس باید به آن عمل کنیم و در آیات و معانی آنها تدبر کنیم و آن را چراغ هدایت خود قرار دهیم، ولی عقل ما نمی تواند به همه جزئیات آن احاطه پیدا کند و لذا نقش سخن معصوم (علیه السلام) در بیان آن اینجا روشن می شود.

باز تکرار می کنم که باید هر چه زودتر از فرصت مهیا شده برای ما قبل از دست رفتن آن استفاده لازم را ببریم {پیش از آنکه عذاب الهی ناگهانی به سراغ شما آید در حالی که از آن خبر ندارید} (3)، چرا که باب توبه ممکن است بسته شود {اما هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند ایمان آنها به حالشان سودی نداشت، این سنت الهی در مورد بندگان پیشین او است} (4). و در آن هنگام پشیمانی، حسرت و تأسف فایده ای نخواهد داشت؛ زیرا خداوند متعال این حقیقت را متذکر شده و مردم را از آن برحذر داشته است {در روز قیامت می گوید افسوس بر من از کوتاهیهای که در اطاعت از فرمان خدا کردم و (آیات او را) به سخریه گرفتم} (5)، و هیچ عذری از آنها در رابطه با آنچه که به خداوند متعال مربوط می شود

ص: 196

1-364 - امالی شیخ طوسی: 686

2- - وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ (زمر: 55).

3- - مَنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (زمر: 55).

4- - فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ (غافر: 85).

5- - أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ (زمر: 56).

مانند دین ، ائمه و رهبران هدایتگر پذیرفته نخواهد شد ، و از سخره های خود و کوچک شمردن اینها پشیمان خواهند شد { آیات خدا را به سخریه گرفتم } (1)، او کسی را که به سوی خداوند دعوتش می کرد را به سخره می گرفت و سخن او را کوچک می شمرد و انواع اوصاف متنفر کننده را به او نسبت می داد ، اگر آنها را به اقامه شریعت الهی و تبعیت از قوانین آن دعوت کنی ، در مقابل تو خواهند ایستاد و آن را عقب ماندگی و تحجر توصیف می کنند و یا اینکه می گویند الآن وقت مناسبی برای انجام آن نیست ، به وضعیت آنها در روز قیامت توجه کنید { اگر حال آنها را ببینی که در برابر آتش ایستاده اند که می گویند ای کاش بار دیگر به دنیا باز می گشتیم و آیات پروردگاران را تکذیب نمی کردیم و از مؤمنان می شدیم } (2).

در واقع هرگونه اعراض از شریعت و مخالفت با آن کوتاهی در برابر خداوند متعال است ، همچنین انکار نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامت اهل بیت (علیهم السلام) ایشان نشان از کوتاهی ما در برابر ذات باری تعالی است ، در کتاب اصول کافی از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل است که می فرماید : (همانا در قرب و جوار الهی بودن همراهی با امیرالمؤمنین است) (3)، و در بصائر الدرجات از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت است که می فرماید : (من چشم و دست خدا و در قرب و جوار الهی و باب درگاه الهی هستم) (4) همچنین حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید : (من درختی از بارگاه قرب الهی هستم هر کس به ما برسد به خداوند رسیده است) (5)، در کتاب مناقب روایت است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ابوذر می فرماید : (ای ابوذر! روز قیامت ، منکر علی (علیه السلام) را می آورند، در حالی که کر و کور است و سرگردان در ظلمت های قیامت ندا می دهد: «دریغ و افسوس از کوتاهی و قصوری که درباره خدا کردم» و

ص: 197

1- - وَإِنْ كُنْتُمْ لِمَنِ السَّخِرِينَ (زمر: 56).

2- - وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (أنعام: 27).

3- 371 - اصول کافی: ج 1 ص 145

4- 372 - بصائر الدرجات: 19

5- 373 - بصائر الدرجات: 19.

این در حالی است که در گردش ، طوقی از آتش آویخته می شود.(1)

خداوند متعال همواره ما را به تفکر در مورد این حقایق دعوت می کند تا اینکه بتوانیم نقص ها و کوتاهی های خود را قبل از دست رفتن فرصت مادامی که در این دنیا قرار داریم ، جبران کنیم ، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت است که می فرماید : (بسیار یاد کنید شکننده و خراب کننده لذات را ، پس به درستی که شما اگر در مضیقه و تنگ دستی بوده باشید آن حالت را به توسعه تبدیل می کند و به آن راضی می شوید. اگر در غنی و بی نیازی بوده باشید آن را دشمن جلوه می دهد پس جود و بخشش می کنید و سبب اجر شما می گردد؛ برای اینکه مرگ آرزو را قطع می کند و طی شدن شبها سبب نزدیکی مرگ ها می گردد. و هر کس هنگام جان دادن و وارد شدن در قبر نتیجه اعمالی را که از پیش فرستاده است را می بیند. و آنچه که برای او باقی مانده سودی به حالش ندارد و چه بسا شاید از راه باطل جمع کرده باشد و حقی را منع نموده باشد)(2).

در این آیات شریفه قانون بزرگی برای اصلاح جامعه وجود دارد ، و آن اینکه امکان جبران خطای خود و بازگشت به جامعه هر چند که انسان خطای بزرگی مرتکب شده باشد ، وجود دارد ؛ چرا که بسیاری از کسانی که مرتکب چنین خطای بزرگی می شوند امید خود را از دست می دهند و گمان می کنند که باب توبه به روی آنها بسته شده است ، و به همین جهت اقدام به خودکشی می کنند تا از عذاب وجودان خود راحت شوند و یا اینکه مرتکب جنایتهای بزرگ تری می شوند تا صدای وجدان خود را به کلی خاموش کنند ، آنچه که خداوند از انسان می خواهد اعتراف به گناه خود و عدم تکرار آن و جبران آن با تبعیت از او است ، و خداوند مطمئناً او را خواهد پذیرفت و گذشته او را پاک خواهد کرد .

ای مؤمنان و ای پیروان حضرت زهرا (علیها السلام)

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) با قیام مبارک خود به دنبال بازگرداندن

ص: 198

1- 374 - مناقب آل ابی طالب 3: 64

2- 375 - ارشاد القلوب: 1/48.

امت به مسیر صحیح حرکت خود و عمل به دستورات الهی بود؛ چرا که آنها با مخالفت با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نافرمانی از امام خود مرتکب گناه بزرگی شدند، و یک خط انحرافی ایجاد کردند که هر اندازه زمان بیشتری از آن بگذرد بیشتر به انحراف کشیده می شود، به سخن ایشان (علیها السلام) توجه کنید: (چطور این کار را کردید، به کجا روی می آوردید، در حالی که کتاب خدا رویاروی شماست، آموزش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرّماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بی رغبتی به آن را خواهانید؟ یا بغیر قرآن حکم می کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، {و هرکس غیر از اسلام دینی را جويا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود} (1) { آیا آنها حکم جاهلیت را می خواهند، و چه کسی برای افراد با ایمان بهتر از خدا حکم می کند؟! } (2) آیا نمی دانید (3).

حضرت قصد داشت به مردم بفهماند که بازگشت به سوی خداوند متعال و پیروی از دستورات او تنها در سایه تبعیت از ولی امری که خداوند او را برگزیده، امکان پذیر است، حضرت زهرا (علیها السلام) می فرماید: (به خدا سوگند اگر حق را به اهلش واگذارده بودند و از عترت پیغمبرشان پیروی کرده بودند در باره خداوند دو نفر با هم اختلاف نمی کردند و گذشتگان و آیندگان از هم ارث می بردند تا قائم ما که نهمین فرزند حسین است قیام کند، و لکن آن کس که خدایش به عقب انداخته مقدم داشتند و آن کس که خدایش مقدم داشته به عقب انداختند تا آن گاه که فرستاده حق را در لحد نهاده و به خاک سپردند، و خواسته دل خود را برگزیده و به رای خود عمل نمودند، نابودی بر آن ها باد؛ آیا نشنیدند کلام خدا را که فرمود: {پروردگار تو آنچه را که می خواهد خلق می کند و هر چه را بخواهد اختیار می کند و برای آنان اختیاری نیست} (4) البته این سخن را شنیده اند ولی آنگونه هستند که خدا توصیفشان می کند {چشمهای ظاهر نابینا نمی شود بلکه دلهایی که در سینه ها جای دارد بینائی را از دست می

ص: 199

1- - وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران: 85).

2- - أفحکم الجاهلیة تبغون ومن أحسن من الله حکماً لقوم یوقنون؟! (مائدة: 50).

3- 378 - الاحتجاج طبرسی: 1/131.

4- - وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ (قصص: 68).

دهد {1} بینائی را { افسوس که آرزوها [و هوس های] خود را در دنیا تحقق بخشیدند و از آینده خود غافل ماندند، خدا نابودشان گرداند و آنان را در کارهایشان گمراه کند؛ ای پروردگار من به تو پناه می برم از کمی یاران پس از پیروزی و فراوانی آنان(2) .

ای عزیزان :

به هیچ عنوان امکان ندارد که محبت به فاطمه و تبعیت از ایشان و طلب شفاعتشان با آنچه که در جامعه ما رخ می دهد ، جمع شود ، ما امروز شاهد فساد و انحراف بسیار فراوانی در جامعه هستیم ، به عنوان مثال فساد مالی در کشور تبدیل به فرهنگی عمومی شده که منجر به تخریب مؤسسات حکومتی شده است و حتی به خدمات اجتماعی مانند بهداشت ، آموزش ، امنیت و دستگاه قضایی نیز سرایت کرده است ، تجارت مواد مخدر و اعتیاد در جامعه بسیار رشد کرده است ، مراسمات فسق و فجور و همجنس بازی بصورت کاملاً علنی برگزار می شود به طوری که باعث افزایش آمار طلاق و خودکشی شده است ، درگیری های بین قبایل که باعث ایجاد تلفات جانی و مالی فراوانی می شوند به شدت در حال ازدیاد است البته برخی از احزاب برای تأمین منافع شخصی خود به آتش این درگیری ها دامن می زنند ، کاباره ها و مغازه های شراب فروشی به صورت گسترده در حال انتشار هستند به طوری که حتی کودکان نیز دسترسی به آنها را پیدا کرده اند و با حمایت دولت و برخی از طرف های صاحب نفوذ کار خود را به صورت علنی پیش می برند ، تشکیک در اعتقادات حقه امری کاملاً عادی شده به گونه ای که عده ای براحتمی آنها را به سخره می گیرند و بدون هیچ گونه حیا و توجه به مقدسات جامعه و حرمت های آن دعوت به کنار گذاشتن آنها می کنند .

آیا حاصل شدن همه این موارد در سرزمینی که پیکرهای مطهر

ص: 200

1- - فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (حج:46).

2- 381 - دائرة المعارف المصطفى والعترة شاکری: 4/362، به نقل از عوالم المعارف: 11/228.

امیرالمؤمنین، امام حسین، کاظمین و عسکرین (علیهم السلام) را در خود جای داده، و در سایه دولتهای اسلامگرا قرار گرفته که ادعای تبعیت از فرمایشات مرجعیت دینی را دارند، قابل توجیه است؟

آیا درست است که ما امید شفاعت حضرت زهرا (علیها السلام) را داریم و خود را از شیعیان ایشان می دانیم ولی در مقابل این همه ظلم و انحراف هیچ اقدامی انجام نمی دهیم. شیخ طوسی در جلسات خود با سند صحیح روایت می کند: (که امام حسین (علیه السلام) می فرماید: شایسته نیست که چشم یک مؤمن نافرمانی خدا را ببیند و قبل از تغییر آن پلک بر هم زند) (1).

حضرت زهرا (علیها السلام) معیاری را برای شناخت شیعیان حقیقی خود قرار داده است، آن حضرت (علیها السلام) می فرماید: (اگر به آنچه که به تو دستور داده ایم عمل کنی و آنچه را که نهی کرده ایم را ترک کنی، از شیعیان ما خواهی بود) (2).

خداوند متعال بندگان مؤمن خود خصوصا نخبگان آنها را برای دفاع از محرومان و مستضعفان که یابوری به جز خداوند ندارد، به قیام دعوت می کند، و از آنها می خواهد به کمک برادران خود بشتابند، کسانی که در ایمان و اعتقادات خود دچار ضعف هستند و نسبت به احکام دینی آگاهی لازم را ندارند، باید سیره زندگانی معصومین (علیه السلام) و اخلاق و تعالیم ایشان را به آنها بیاموزند تا ظلم و فساد را تغییر دهند، خداوند متعال می فرماید: {باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکرکنند و آنها همان رستگارانند} (3). همچنین آنها را دعوت به مقابله با ظلم و ستم به مؤمنان و ابین بردن محرومیت می کند، کسانی که تنها یاورشان خداوند متعال است و نیاز به کمک برادران خود دارند {چرا در راه خدا جهاد نمی کنید و در راه آزادی جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک که دائم می گویند: بار خدایا، ما را

ص: 201

1- 382 - وسائل الشیعه: 16/ 125 بخش امر به معروف و نهی از منکر، فصل 1 ح 25.

2- 383 - بحار الأنوار: 68/155.

3- - وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران: 104).

از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آر و از جانب خود برای ما نگهدار و یآوری فرست {1}.

در احادیث شریفه کسانی که نسبت به این واجبات کوتاهی می کنند مورد مذمت قرار گرفتند، در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده که می فرماید: (وای بر قومی که خداوند متعال را با امر به معروف و نهی از منکر عبادت نمی کنند) (2) و همچنین آمده که حضرت امام باقر (علیه السلام) می فرماید: (بدترین قوم کسانی هستند که امر به معروف و نهی از منکر را عیب می دانند) (3)، حضرت امام رضا (علیه السلام) به نقل از جد بزرگوار خود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: (اگر امت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار کنند - از آن شانه خالی کنند - باید خود را آماده نزول عذاب الهی کنند).

ای خواهران و برادران:

ما نیاز داریم تا این غیرت فاطمی را در خود زنده کنیم، و با الهام گیری از قیام فاطمی عزم و اراده خود را جمع کنیم، تا در همه ساحت ها و با بهره گیری از تمام وسایل تأثیر گذار در عمل به این آیه مبارکه اقدام کنیم، و با الگو گرفتن از انبیاء و ائمه معصومین (علیه السلام) وظیفه خود در اصلاح جامعه و مقابله با فساد و انحراف را به خوبی ادا کنیم.

ص: 202

1- - وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا (نساء: 75).

2- 386 - وسائل الشیعه: 16/ 111-118 بخش امر به معروف و نهی از منکر، فصل 1.

-3

حضرت زهرا (علیها السلام) ما را به نشر احکام شرعی و علوم دینی دعوت می کند

حضرت زهرا (علیها السلام) ما را به نشر احکام شرعی و علوم دینی دعوت می کند (1)

در تفسیر عسکری آمده است امام حسن عسکری (علیه السلام)

فرمودند: روزی زنی نزد حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) وارد شد و گفت مادری دارم ضعیف و ناتوان که برای انجام نماز، مسئله ای برایش پیش آمده و مرا فرستاده است تا پاسخ آن را از شما دریافت نمایم. حضرت زهرا (سلام الله علیها) پس از گوش دادن به سخنان آن زن، جوابش را داد. سپس آن زن سؤال دیگری را مطرح کرد و حضرت دوباره جواب او را داد. و به طور مرتب آن زن سئوالات دیگری را مطرح کرد تا آن که به ده مرتبه رسید و حضرت زهرا (سلام الله علیها) بدون هیچ گونه احساس و اظهار ناراحتی و بلکه به عطفوت پاسخ او را بیان می نمود. پس از آن، زن خجالت زده شد و گفت شما را خسته و ناراحت کردم، بیش از این مزاحم شما نمی شوم. حضرت زهرا (سلام الله علیها) اظهار نمود خیر، برای من زحمتی نخواهد بود. سپس افزود چنانچه شخصی اجیر شده باشد تا باری سنگین را به جایی ببرد و در ازای آن مبلغ صد هزار دینار مزد بگیرد آیا ناراحت می شود؟! آن زن در جواب حضرت گفت خیر. بعد از آن فرمود من برای هر سؤال که جوابش را بگویم اجیر تو هستم و مزد و پاداش آن نزد خداوند متعال به ارزشی بیش از آنچه که در این جهان است می باشد. پس اکنون آنچه می خواهی سؤال کن و برای من ناراحت مباش که از پدرم رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمود علما و دانشمندان شیعیان و پیروان ما در روز قیامت در حالی محشور می شوند که تاج کرامت بر سر نهاده اند. چون آنان در دنیا بر هدایت بندگان خدا تلاش و کوشش داشته اند، مورد لطف و رحمت خداوند قرار می گیرند و هدایا و خلعت های فراوان و گرانبهای بهشتی از جنس نور تقدیمشان می شود. سپس منادی الهی ندا می دهد که: ای سرپرستان یتیمان آل محمد که آنها را در روزگار یتیمی و محرومیت از وجود ائمه خود هدایت و راهنمایی کردید! اینها شاگردان و یتیمانی هستند که شما آنها

ص: 203

1-389 - سخنان حضرت آیت الله العظمی یعقوبی (دامت برکاته) در میان طلاب بحث خارج در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در بیستم جمادی الثانی 1438 مصادف با 2017/2/19.

را سرپرستی و هدایت نمودید، پس از خلعت هایی که به شما ارزانی شد، به آنها نیز بدهید . در این هنگام علما به اندازه علومی که مردم از آنها فراگرفته اند به آنها خلعت می دهند تا جایی که برخی از مردم صد هزار خلعت نصیب آنها می شود. و پس از آن خداوند از فضل خود خلعت های علما را افزون و مضاعف می گرداند . سپس حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمود ای بنده خدا، ارزش یکی از آن خلعت ها، هزار بار بیش از آنچه است که در این دنیا وجود دارد و خورشید بر آن می تابد ؛ زیرا امور این دنیا، هر چند هم به ظاهر ارزش والایی داشته باشد، اما فاسدشدنی و فناپذیر هستند(1).

از این روایت اینگونه بدست می آید که حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) به طور پیوسته وظیفه تبلیغ دین و بیان احکام شرعی را در میان جامعه زنان انجام می داد، به همین جهت هنگامی که یکی از زنان سؤالهای زیادی را از ایشان پرسید ، حضرت به گونه ای با ایشان برخورد کرد که آن شخص احساس نکند در حال ایجاد مزاحمت است ، بلکه احساس کند کسی که سؤال می پرسد در حال لطف کردن به شخص پاسخ دهنده است ؛ زیرا فرصت بزرگی برای دستیابی به اجر و قرب الهی را برای او فراهم می کند ، حضرت زهرا (علیها السلام) همواره تأکید می کردند کسی که به مساله ای دینی پاسخ دهد و یا مشکل کسی را حل کند و او را راهنمایی کند پاداش بزرگی در آخرت نصیب او خواهد شد ، به طوری که تلاش او در انجام این کارهای با پاداشی که در انتظار اوست قابل مقایسه نیست .

از این رو ما طلاب حوزه علمیه باید قدر این نعمت بزرگی که خداوند متعال به ما ارزانی بخشیده است را بدانیم ، زیرا امکان تققه در دین را برای ما مهیا فرموده و این فرصت را در اختیار ما قرار داده که بتوانیم به آموزش ، تبلیغ و راهنمایی مردم بپردازیم ، کسی که در دین تققه پیدا نکرده ، فرصت برای او مهیا است و می تواند به یکی از مؤسسات حوزه علمیه در نجف اشرف و یا دیگر شهرها مراجعه کند و یا اینکه به صورت مجازی در یکی از دانشگاه ها به تحصیل معارف دینی

بپردازد تا آمادگی لازم برای ادای این وظیفه بزرگ الهی را پیدا کند ، همچنین باید دقت کنیم که در انجام وظیفه خود کوتاهی نداشته باشیم ، زیرا روایت بیان شده به این نکته تأکید می کند که تفاوت درجات نزد خداوند متعال به میزان تلاش فرد در عمل به علمی است که بدست آورده و راهنمایی مردم به سمت حق بستگی دارد .

همچنین باید توجه کنیم که کارهای دینی هیچ گاه به این نتیجه مبارک منتهی نمی شوند مگر اینکه به صورت مخلصانه انجام شوند ، به همین جهت اگر کسی علم را برای طلب دنیا و یا کسب جایگاه اجتماعی بین مردم و یا غلبه بر دیگران تحصیل کند ، در آخرت هیچ نصیبی نخواهد داشت ؛ چرا که در پی دستیابی به آن نبوده است ، بلکه هدف او دستیابی به منافع دنیوی بوده است که پس از ترک دنیا همه آنها را از دست می دهد .

ص: 205

موضع گیری حضرت زهرا (علیها السلام) دلیلی بر امامت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است

موضع گیری حضرت زهرا (علیها السلام) دلیلی بر امامت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است(1)

موضع حضرت زهرا (علیها السلام) در رابطه با حوادثی که پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) صورت گرفت، و مقابله او با آنچه که حاصل شد دارای دلالت‌های متعددی است، در اینجا یکی از این دلالت‌ها را بر امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با توجه به اعتقاد پیروان اهل بیت (علیهم السلام) را بیان می‌کنیم، این دلیل از چند مقدمه تشکیل شده است:

1- در روایت مشهور نبوی آمده که (هر کس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته است به مرگ جاهلیت مرده است)(2).

2- حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) جزء اهل بیت (علیهم السلام) است که با توجه به آیه قرآنی خداوند متعال آنها را از هر گونه پلیدی و ناپاکی(3) مبرا ساخته است، خداوند متعال می‌فرماید: {خدا چنین می‌خواهد که هر رجس و آلاشی را از شما خاندان نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند}(4).

3- حضرت زهرا (علیها السلام) بیعت سقیفه را رد کرد و در برابر کسانی که حق امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خلافت امت پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را انکار کردند، ایستاد و با رفتن به مسجد نبوی و ایراد خطبه‌های آتشین در برابر جمع انصار و مهاجرین موضع خود را در این موضوع به صراحت نشان داد و مردم را به بازگرداندن حق به اهل خود دعوت کرد، تا اینکه پس از گذشت چند ماه به پدر بزرگوار خویش (صلی الله علیه و آله) ملحق شد.

ص: 206

1- 391 - سخنان حضرت آیت الله العظمی یعقوبی (دامت برکاته) با طلاب مدرسه قرآنی در شهر العماره در روز چهارشنبه بیستم جمادی الثانی 1439 مصادف با 2018/2/7.

2- 392 - کمال الدین و تمام النعمه - شیخ صدوق - ص 409 - 410 / کتاب السنه: نوشته عمرو بن ابی عاصم ص 489 / الجواهر المصنیه: نوشته ملا علی قاری حنفی.

3- 393 - مستدرک الصحیحین ج 3 ص 147 / سیوطی: در کتاب الدر المنثور، ذیل تفسیر آیه تطهیر / مسند احمد ابن حنبل: ج 6 ص 296.

4- - إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (أحزاب: 33).

نتیجه: هیچ کس نمی تواند بگوید که حضرت زهرا (علیها السلام) با مرگ جاهلیت از این دنیا رفته است و امام بر حق خود را نمی شناخت؛ زیرا مرگ جاهلیت نوعی نقص است و نسبت دادن آن به ایشان بر خلاف نص صریح آیه قرآنی و مطهر بودن ایشان از هر گونه رجس و پلیدی است. پس باید اذعان کرد که آن حضرت امام زمان خود را شناخته است و به یقین امامت علی ابن ابی طالب (علیه السلام) را پذیرفته بود و آن را به صورت علنی به مردم معرفی می کرد.

ما می توانیم همانند این ادله یقینی و فطری را برای تثبیت اعتقادات حقه و رد شبهات - خصوصا در بین جوانان و فرهیختگان - با مطالعه و پژوهش پیدا کنیم؛ چرا که اعتقادات نقشی اساسی را در زندگی انسان ایفا می کنند و عامل محرک او به شمار می روند، این عامل محرک اگر سالم و درست باشد به حول و قوه الهی مطمئنا باعث بروز رفتار شایسته و اعمال صالح از انسان می شود.

ص: 207

کسی که با دلیل و برهان، دین الهی را یاری کند به برکت حضرت زهرا (علیها السلام) پاداش بزرگی نصیب او خواهد شد

کسی که با دلیل و برهان، دین الهی را یاری کند به برکت حضرت زهرا (علیها السلام) پاداش بزرگی نصیب او خواهد شد(1)

به مناسبت ایام فاطمیه و با توجه به اینکه شما در مؤسسه رسانه ای دینی فعالیت می کنید و برای اینکه انگیزه شما را برای ادامه فعالیت های خود بیشتر کنم، روایتی از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) برای شما نقل می کنم که در آن پاداش کسی که با دلیل و برهان به یاری دین خدا می پردازد و در مناظره با پیروان اندیشه های باطل و دفع شبهات گمراهان باعث تقویت ایمان مؤمنان می شود، بیان شده است. این روایت در کتاب احتجاج و در تفسیر عسکری نقل شده است، حضرت می فرماید: (دو زن خدمت فاطمه زهرا (علیها السلام) رسیدند که بر سر امری دنیوی با یکدیگر کشمکش داشتند. یکی از این دو منکر و دیگری مؤمن بود. حضرت فاطمه (علیها السلام) حجت زن مؤمن را بر او نمود و آن زن، زن منکر را مغلوب ساخت، و از این پیروزی بسیار خوشحال شد، حضرت (علیها السلام) فرمود: شادی فرشتگان از غالب شدن تو از شادی خود تو بیشتر است، و حزن و اندوه شیطان و طرفداران او بیشتر از حزن آن زن است، و خداوند تبارک و تعالی به فرشتگانش فرمود: برای فاطمه به سبب گشایشی که برای این زن اسیر و مسکین پدید آورد، هزار هزار برابر بیشتر از آن زن در بهشت فراهم کنید، و این را سنتی قرار دهید که هر کس گشایشی را برای اسیر مسکینی پدید آورد و او را بر منکری چیره گرداند، هزار هزار برابر پاداش آن مسکین در بهشت برای او فراهم سازید(2)، به برکت حضرت زهرا (علیها السلام) این پاداش به صورت سنتی جاری برای هر کس که به مقابله افکار انحرافی و اعتقادی می پردازد، قرار داده شده است.

ص: 208

1- 395 - سخنرانی کوتاه حضرت آیت الله العظمی یعقوبی (دامت برکاته) در جمع مهمانانی از شبکه ماهواره ای نعیم در روز یکشنبه 1 جمادی الثانی 1439 مصادف با 2018/2/18.

2- 396 - بحار الانوار: 2/8، ح 15.

حضرت آیت الله العظمی یعقوبی به تأسیس مرکزی در رابطه با مطالعات فاطمی سفارش می کند

حضرت آیت الله العظمی یعقوبی به تأسیس مرکزی در رابطه با مطالعات فاطمی سفارش می کند (1)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله العظمی یعقوبی مرجع عالیقدر جهان تشیع به ایجاد مرکزی تخصصی و مشترک بین حوزه علمیه و دانشگاه در رابطه با مطالعات حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) دعوت می کند .

این دعوت در پی سخنانی که به نیابت از ایشان در نشست که توسط دانشگاه علوم دینی شهید صدر در سالن دانشگاه کوفه با عنوان (همکاری مستمر حوزه و دانشگاه برای ایجاد جامعه ای نمونه) برگزار شد ، ایراد گردید ، که در آن جمع بزرگانی از اساتید و فضیلاب حوزه علمیه و نمایندگان مراجع دینی و رؤسای دانشگاه و اساتید دانشگاهی و برخی از شخصیت‌های پارلمانی و دولتی حضور یافتند .

حضرت آیت الله یعقوبی فرمودند : (... مسئولیت احیای مواضع تاریخی حضرت زهرا (علیها السلام) بر عهده ماست ، باید در سخنان گهربار ایشان دقت کنیم و روش زندگی ایشان را الگوی خود قرار دهیم ، نشستی که شما برگزار کرده اید در واقع یکی از مظاهر این حرکت مبارک است ، ولی آنچه که از شما انتظار می رود این است که به این مقدار اکتفاء نکنید ، و این فعالیتها را به اشکال مختلف ادامه دهید ، که یکی از آنها می تواند ایجاد مرکزی مشترک میان حوزه و دانشگاه باشد که به صورت تخصصی به پژوهشهای فاطمی بپردازد ، و خواهید دید که سیره حضرت زهرا (علیها السلام) و سخنان ایشان محدود به مسائل اخلاقی ، اعتقادی و فقهی نیست ، بلکه همه معارف انسانی و علمی را شامل می شود {باید راغبان بر یکدیگر پیشی گیرند} (2).

ص: 209

1- 397 - در شماره (112) از روزنامه صادقین در تاریخ 5 جمادی الثانی 1433 مصادف با 2012/4/27 منتشر شد.

2- - وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَفَّسْ الْمُتَنَفِّسُونَ (مطففین: 26).

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

